بسمه سبحانه
هذا کتاب آیات الفضائل
من تالیف المیرزا علی الشهیر بمستخدم
اعلی حضرت ظل الله دام اقباله
ودولته

هو العلی الاعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بیقیاس خداوندی را سزا است که بنیان کرپاس سپهر را بامر کاف و نون بیعمد و ستون پدید آورد و اساس عالم امکان را بحکم دلیل آن کن فکان فهو انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون ایجاد فرمود و فرایش ستایش خالقی را لایق است که از جمیع بندگان غنی است مر او را رسد کبریا و منی که ملکش قدیم است و دانش غنی در تبیان وصفش زبان از تعریف قاصر است و بنان از توصیف عاجز مخلوق را بر خالق چه معرفت و خالق را از مخلوق چه منفعت واجب الوجود پاک از نابود خاک چه تمیز جوید با خورشید درخشان از زلات ذرات چه نقصان بیند در این درگاه عجز و انکسار باید نه فخر و استکبار و راه در زدن ناک شاید نه راه گفتار العجز آخر حیلة الانسان و درود نامعدود بر هادی سبل و سید رسل مولای جزو و کل خواجه کائنات نخبهٔ موجودات قدوهٔ ممکنات خلاصهٔ آفرینش مصباح اهل بینش شیرازهٔ عالم امکان لنگر زمین و زمان آسمان فتوت آفتاب نبوت ختم انبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و اله و اکمل تحیات و اکمل صلوات بر افضل اوصیا و اول اولیا امام بحق و ولی مطلق قائد ما سبق و فحل فحول دنیا جمیع عقول منبع نجات و معدن برکات عروة وثقی معراج تقوی حامل لواء الدین ضارب اعناق المشرکین ابن عم رسول

زوج البتول سیف الله المسلول قاسم جنت و نار حیدر کرار مطلوب کل طالب علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و اله و سلام بیحد و حساب بر اولاد اطیاب او باد که ائمهٔ دین اند و ادلهٔ مهتدین و وجوه ساجدین و حجج ماجدین و شموس عالمین سلام الله علیهم اجمعین و بعد در عهد همایون اعلیحضرت سلطان سلاطین حامی مسلمین ماحی مشرکین قامع کافرین غوث الوری نور الظلم ذخر العرب فخر العجم السلطان ناصر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه که در این عهد خجسته بنیان کفر شکسته شد و دست ظلم بسته آمد و در تشیید ارکان شریعت نبوی و ملت مرتضوی و طریقت جعفری سلام الله علیهم از سلاطین سلف برتری جست و بر ملوک صفوی اعلی الله درجاتهم در سلوک مناهج علوی و ترویج مسالک اثنا عشری سبقت فرمود و علی الدوام فی اللیالی و الایام در استحکام قوائم خلافت سعی بلیغ و اهتمام مالاکلام دارند و این حقیر کثیر التقصیر علی ابن رستم تبریزی معروف به پیشخدمت که علی الدوام ملازم حضور باهر النور میباشد نظر بمضمون الناس علی دین ملوکهم بملاحظه و مشاهدهٔ عقیدهٔ مستقیمهٔ حضرت شاهنشاه روح العالمین فداه مبتهج شدند و مشوق گشتند که تالیفی بر شته در آورد و بآیات الفضائل مسمی نمود و متمسک بولایت مطلقه گردید و ما التوفیق الا بالله و التوکل و التوکل علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم الشیعه

فضایل و مناقب و مدایح سید عالمیان و مولای متقیان شفیع انس و جان حافظ و
مروج دین و ایمان لنگر زمین و آسمان وصی مطلق حبیب خدا و ندحق مظهر عجایب و غرایب
مطلوب هر طالب جناب علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام استعانت به تحریر و تقریر
کافه موجودات و کائنات خداوند یکتا بحصر و احصا نیاید کما قال رسول الله صلی الله
علیه لو ان الغیاض اقلام والبحر مداد والجن حساب والانس کتاب ما
احصوا فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی پیغمبر خدا فرموده هرگاه درختهای
جنگلها قلم باشد و دریاها مرکب باشد و جن حساب کنندگان و انس نویسندگان
باشند نمیتوانند احصا نمایند فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام را و لکن هر کس
بقدر عقل از خرمن و گل از بیخ بقعه ارتضا و از بن باغ هدی دامن طمع و از را باز کرده
گل چیند و نسیم عافیت ببیند و روی خود را مانند گداها کرفته برابینکوی جهات بر
آید تا کوی سلامت و امان بر آید و از گفتگوی هر دو جهان بیاساید روز یکه جمعه بود
و اثنی عشر شهر رمضان هزار و دویست و هفتاد مطابق هجری از اعمال شنیعه خود
کمال یأس و حرمان حاصل کردم و خود را مطرود درگاه خداوند عالم و مردود پیشگاه
خالق بنی آدم دیدم خیال تندرا و از معالجه این مرض قلبی کنند و طبیب عقلم از مداوا آن
ابند رد قاصر و عاجز آمد چاره بجز طبیبخانه ولایت بتحقیق نرسید که تمسک نمایم و متعضد
شوم بر ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام شاید بر جراحات لم رهی و بر
شکستگیهای قلبم رحمی فرمایند بر خود شرط و عهد نمودم بعضی در مدایح و شمه از مناقب
آنمولا که گنجایش اینصفحه باشد از هر کتب ببینم و آیات قرآن که راجع بر آن بزرگوار است

در بحث

و آنچه از رواة عامه آنجنابرا وصف نموده اند و آنچه از افواه خلایق استماع نمایم بنویسم
و بدون ملاحظه ترتیب و مراعات قاعده کتابت بتحریر آوردم و داخل احادیث نبوی باشم
که هر کس فضیلتی از فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام بنویسد گناهان دستها و که کرده
همه میریزد و ملائکه استغفار برای او میکنند مادامیکه آن کتابت باقیست و همچنین
در حدیث صحیح وارد است که خواننده فضایل آنحضرت گناهان چشم او میریزد و نیز هر کس
بشنود گناهان گوش او برطرف شود و دوازده هزار ختم قرآن در نامه عمل و ثبت میشود
آیا تیکه در قرآن راجع و منسوب جناب امیر المؤمنین علیه السلام است بقدر یکه امکان
میشود و به بیان آید هر چه عبارت از صراط مستقیم که نازل شده کلها مراد آنحضرت است
بتفصیل بعضی از آن مسطور گردید از انجمله در سوره مبارکه فاتحه الکتاب اهدنا
الصراط المستقیم خود ائمه علیهم السلام فرموده اند نحن الصراط المستقیم از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که صراط بر دو معنی است صراط دنیا و صراط
آخرت اما صراط دنیا امام مفترض الطاعه است کسیکه بشناسد او را در دنیا و
پیروی کند بهدایت او میگذرد بر صراط که پل جهنم است در آخرت و کسیکه نشناسد
او را در دنیا میلغزد قدم او از صراط در آخرت پس می افتد در آتش جهنم و بروایت
قمی از آنحضرت علیه السلام صراط آخرت که جسر جهنم است از مو نازکتر و از دم شمشیر
تیزتر است بعضی از خلایق مرور میکنند از آنجا مثل برق و بعضی مانند دویدن اسب و
بعضی مرور میکنند براه رفتن و بعضی میروند بدست و شکم خود با آنکه مراد اینست
که راه میروند مثل اطفال در راه رفتن بمقعد خود و سینه را پیش دادن بقدر یکه نزدیک

میشود که بر وافتند و بعضی میکذرند در حالتیکه او بخته باشند در جهنم و دستهای
خود را بصراط کرفته پس میکیرد آتش از وجوه ایشان و فرو کذار میکند چیزی را مؤلف
کوید خلافی که در کذشتن از صراط مذکور شد بحسب خلاف خلایق است در
مقدار معرفت امام و نور ایمان پس هرکه معرفت او بیشتر و نور ایمان او زیاد تر است
بهتر میکذرد و هرکس امام علیه السلام را بشناسد و محبت او را دارد برساند از صراط کذشته
است و هرکس خلاف این باشد العیاذ بالله کذرکاه او بر آتش جهنم است آیه
مبارکه قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم در
هرجا از آیات که صراط مستقیم بیان شده عبارتست از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
است الم ذلک الکتاب لا ریب فیه که اول سوره مبارکه بقره است الم آن حرفی
است از حروف اسم الله الاعظم که مقطعه است و از اسرار است میان خدا و رسول
سر حبیب است با حبیب مطلع نمیشود رقیب از سر محبین از حضرت صادق صلوات
الله علیه منقول است که مراد از ذلک الکتاب کتاب علی علیه السلام است مؤلف
کوید ممکن است که معنی حدیث این باشد که کتابیکه آن علی بن ابیطالب صلوات الله علیه
است که هیچ شکی در او نیست که حق است و اطلاق کتاب بر انسان کامل بسیار است
چنانکه جناب امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اتزعم انک جرم صغیر وفیک
انطوی العالم الاکبر وانت الکتاب المبین الذی باحرفه یظهر المضمر در اخبار
و غیر آن یعنی خود آنحضرت کتابیست که شک ندارد آیه مبارکه واستعینوا
بالصبر والصلوة معنی ظاهر آنستکه استعانت بجوئید بصبر و نماز در بندکی خداوند

و وقوع شدائد و سختیها و در بعضی اخبار صبر تفسیر بروزه شده است پس معنی این میشود
که استعانت جوئید بروزه و نماز و صلوة تاویل بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
شده بنابراین معنی اینست والله العالم که استعانت بجوئید بامیر المؤمنین در تمام
درماندکیها چه در دنیا و چه در آخرت آیه مبارکه ان الصلوة تنهی
عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر معنی ظاهر همان صلوة است که مکلفین بجا
می آورند معنی باطنی اشاره بسوی جناب علی علیه السلام است ولذکر الله اکبر یعنی
ذکر خدا هر آینه بزرک تر است در آخر حدیث که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
شده آنحضرت فرموده نحن ذکر الله ونحن اکبر یعنی مائیم ذکر خدا و مائیم بزرکتر
آیه مبارکه اذکرونی اذکرکم خدا فرموده یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را
ذکر خدا یتعالی ذکر آنجنابست چنانچه خدای تعالی در حدیث قدسی فرموده ذکر علی
ابن ابیطالب ذکری یعنی ذکر علی بن ابیطالب ذکر منست هرکس او را یاد کند مرا یاد
کرده آیه مبارکه والذین آمنوا اشد حبا لله یعنی کسانیکه ایمان بخدا آورده
اند شدید تر است دوست داشتن ایشان مر خدا یرا مراد از آنکسانیکه ایمان
آورده اند آنجناب و اولاد او علیهم السلام هستند چون حقیقت ایمان بنا بر آنچه در
بعضی اخبار تفسیر شده اقرار است بزبان و اعتقاد است بدل و عمل است با عضا
و جوارح و در غیر ایشان کامل نبوده زیرا که عصمت منحصر بایشان بوده آیه مبارکه
ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله از طرق عامه و خاصه روایت
شده که این آیه شریفه در شان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده وقتیکه در فراش

جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابیدند و حضرت بفراش آنحضرت خوابیدند و نفس
خود را در راه خدا فروختند بجهت طلب خشنودی خدا آیه مبارکه یا ایها الذین
آمنوا ادخلوا فی السلم کافة ولا تتبعوا خطوات الشیطان یعنی ای کسانیکه
ایمان آورده اید داخل شوید در طاعت بندگی از حضرت امام بحق ناطق امام جعفر
صادق علیه السلام روایت شده که مراد از سلم ولایت امیر المؤمنین و ائمه و اوصیاء
بعد از و علیهم السلام است از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که از جمله چیزها
که آنحضرت در مقام تفسیر آیه کریمه فرموده اند اینست پس بدرستیکه نمیباشد مسلمان کسی
که بگوید ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله پس اعتراف کند برسالت بجناب و اعتراف
و اقرار نکند باینکه علی علیه السلام وصی و جانشین او و بهترین امت است و خطوات
الشیطان دوستی اول و ثانیست علیهما اللعنة والعذاب چنانچه در روایت وارد شده که
دوستی این دو نفر خطرها دارند آیه مبارکه فان زللتم من بعد ما جاءتکم
البینات یعنی پس هرگاه بلغزید از جاده شرع اسلام که ولایت امیر المؤمنین و اولاد
طاهرین او صلوات الله علیهم بوده باشد بعد از آنکه آمد بسوی شما بینات یعنی دلیلهای
روشن و آشکار و براهین و اخبار که میخوانند شما را بسوی آن رسول خدا صلی الله علیه و آله
از رسالت خود و ولایت امیر المؤمنین و سایر احکام خدا و بندگی همه که برحق است آیه
مبارکه فاعلموا ان الله عزیز حکیم یعنی بدانید بدرستیکه خدا وند غالب است و
توی که عاجز از انتقام کشیدن شما نیست و حکم کننده است بطریق حق آیه مبارکه فمن
یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی عروة الوثقی دوستی

جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد طاهرین آنجناب است جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرموده من احب ان یتمسک بالعروة الوثقی التی لا انفصام لها فلیتمسک بولایة اخی
و وصیی علی بن ابیطالب علیه السلام فانه لا یهلک من احبه و تولاه ولا ینجو من
ابغضه و عاداه یعنی هر کس دوست دارد که چنگ زند و بگیرد عروة الوثقی را که بمعنی حبل
متین است انقطاع در او نباشد پس باید متمسک شود بولایت برادر من و وصی من علی
ابن ابیطالب علیه السلام پس بدرستیکه کسیکه او را دوست دارد و ولایت او را داشته
باشد و نجات نمییابد کسیکه او را دشمن دارد و بغض او در دلش باشد آیه مبارکه
والذین کفروا اولیاؤهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک
اصحاب النار هم فیها خالدون یعنی کسانیکه کافر شده اند دوستان ایشان طاغوت است
و مراد از طاغوت بروایت قمی ظالمان آل محمدند صلی الله علیه و آله خارج میکنند ایشان را
یعنی کافران را از روشنی بسوی تاریکی و ایشان اصحاب آتش هستند و در آن آتش مخلدند و در
و در حدیث دیگر وارد شده است که پس دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام ایشانند مخلد در
آتش اگرچه در دنیای خود شان برغایت زهد و ورع و عبادت باشند آیه مبارکه
ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا خیر کثیر بروایت قمی معرفت جناب امیر المؤمنین علیه
السلام و اولاد آنجنابست آیه مبارکه الذین ینفقون اموالهم باللیل و
النهار سرا و علانیة فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون
مرویست از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیهما السلام و ابن عباس و غیر او که این
آیه کریمه نازل شده است در شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام که چهار درهم داشت

یکبار در شب تصدق فقرا کرد یکبار در روز یکبار در پنهان و یکبار در آشکار ایهٔ
مبارکه هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب واخر
متشابهات بروایت کافی و عیاشی محکمات عبارتست از امیر المؤمنین و اولاد و اولاد
او علیهم السلام و متشابهات اول و ثانی و اتباع آنها است علیهم اللعنة و العذاب ایهٔ
مبارکه و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یعنی تاویل قرآن را نمیدانند
مگر خدا و کسانیکه در علم ثابت هستند از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمودند
ما ئیم راسخون فی العلم مراد از لفظ نحن که حضرت فرمودند جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد
آنجناب علیهم السلام است ایهٔ مبارکه ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابرهیم
و آل عمران علی العالمین منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند ما آل ابرهیم
هستیم و ما بقیهٔ آن عترت هستیم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که آنحضرت
فرمودند گفت محمد بن اشعث بن قیس کندی لعنه الله بجناب حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام
که ای حسین پسر فاطمه کدام حرمتست برای شما از رسول خدا برای غیر شما پس جناب امام که نیست
حسین علیه السلام این ایهٔ مبارکه را خواندند ان الله اصطفی آدم و نوحا تا اخر ایه بعد از ان فرمودند
والله بدرستیکه محمد از آل ابرهیم است و بدرستیکه عترت هادیه هرآینه از آل محمد
است در حدیث دیگر هست که ایهٔ مبارکه در اصل چنین نازل شده بود ان الله اصطفی
آدم و نوحا و آل ابرهیم و آل عمران و آل محمد علی العالمین ذریة بعضها من بعض
لفظ آل محمد را جماعت منافقین علیهم اللعنة اسقاط کردند و انداختند مؤلف گوید
گمان کرده اند که بواسطهٔ اسقاط اخفاء فضایل اهل بیت می نمایند دیگر نمیدانستند که همین

بقیهٔ

بقیهٔ ایه که آل ابرهیم است دلالت دارد بر آل محمد ایهٔ مبارکه لن تنالوا البر حتی
تنفقوا مما تحبون در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که لباسی خریدند خوش آمد
طبع مبارک گردید پس در راه خدا تصدق فرمودند بعد ابن عباس را فرمودند سمعت
رسول الله یقول من آثر علی نفسه آثره الله یوم القیمة بالجنة و من احب شیئا
فجعله لله قال الله یوم القیمة قد کان العباد یکافؤن فیما بینهم بالمعروف و
انا اکافئک الیوم بالجنة یعنی شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند
هر کس مقدم بدارد بر نفس خود بندگان خدا را بجهة رضای خدا تفضیل میدهد
مقدم میدارد خداوند او را در روز قیامت بر دیگران ببهشت و هر که دوست دارد چیزی
را پس برای رضای خدا قرار دهد اورا خداوند در روز قیامت میفرماید که مردم باهمدیگر
بقدر خود شان مکافات بعطا و بخشش میکنند و من مکافات میکنم بر تو امروز ببهشت
و همچنین ایهٔ مبارکه و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة یعنی مقدم میدارند
و تفضیل میدهند بر نفس خود شان محتاجان را هرچند خود شان را فقر و احتیاج باشد مراد
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است منقولست که شخصی خدمت رسول خدا صلی الله
علیه و آله آمد پس شکایت کرد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله شکایت کرد از
گرسنگی پس فرستاد رسول خدا صلی الله علیه و آله بخانه زوجات خود که غذا از برای
آن مرد بیاورند پس زوجات گفتند نیست در نزد ما مگر آب خالی پس حضرت فرمودند
من لهذا الرجل اللیلة یعنی کیست برای این مرد در این شب که اورا مهمان کند جناب امیر
المؤمنین علیه السلام عرض کرد من برای او هستم و او را مهمان میکنم پس حضرت نامدند بخانه

کفتای دختر پیغمبر خدا در خانه چه هست عرض کرد چیزی ندارم مکر قوت امشب لکن مهمانرا مقدم میداریم برخود فقال علی علیه السلام یا بنت محمد نومی الصبیة و اطفئی المصباح یعنی کودکانرا بخوابان وچراغرا خاموش کن بعد از ان فردا این ایه مبارکه نازل شد ایه مبارکه ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم

یعنی هرکس متمسک شود بخدا بتحقیق هدایت یافته میشود بسوی راه راست مراد جناب امیر المؤمنین علیه السلام است ایه مبارکه واعتصموا بحبل الله در حدیث که حبل الله المتین علی بن ابیطالب علیه السلام است مفهوم از این حدیث اینست که هر کس متمسک بان حبل محکم نماید سلامت از هلاکت وکمراهی یابد ایه مبارکه اینما ثقفوا الا بحبل من الله وحبل من الناس از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است حبل من الله مراد کتاب الله است وحبل من الناس علی علیه السلام است مؤلف کوید که در حقیقت کتاب الله هم انحضرت است ایه مبارکه افمن اتبع رضوان الله کمن باء بسخط من الله ومأویه جهنم وبئس المصیر هم درجات عند الله یعنی ایا پس انکسیکه تابع رضای خدا باشد مثل انکسیست که رجوع کند بسخط خدا تعالی وملازم با غضب خدای تعالی باشد واین کنایه از دوام معصیت است ومأوی ومنزل او جهنم است وبد جائیست جهنم واناکه تابع رضای خدا هستند صاحبان درجاتند نزد خدا تعالی از حضرت صادق مرویست فرموده اند انکسانیکه پیروی کردند رضوان وخشنودی خدارا ایشان ائمه اطهارند صلوات الله علیهم وایشانند والله درجات عند الله از برای مؤمنین تا اینجائیکه میفرماید والذین باؤا بسخط من الله هم الذین جحدوا حق علی والائمة علیهم السلام منا اهل البیت یعنی

المنزل

انکسانیکه رجوع کردند بغضب خدا انانی هستند که انکار حق جناب امیر المؤمنین وحق ائمه از ما اهل بیت علیهم السلام را نمودند تا اخر حدیث ایه مبارکه ولئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفرة من الله ورحمة خیر مما یجمعون یعنی هرگاه کشته شوید ویا بمیرید در راه خدا هر اینه مغفرت ورحمت از خداوند بهتر است از چیزیکه دیکران در ان جمع نمایند از منافع دنیوی عیاشی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده شده که سبیل الله جناب علی بن ابیطالب علیه السلام وذریه اواست که هرکس کشته شود یا بمیرد در ولایت جناب در راه خدا مرده است ایه مبارکه وانما توفون اجورکم یوم القیمة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز یعنی جز این نیست که داده میشوید پاداش اعمال خودرا از نیک وبد بتمام وکمال در روز قیامت پس هرکس دور شود از اتش وداخل بهشت کردانیده شد بتحقیق نجات یافت وبمقصود رسید عن المجالس عن النبی صلی الله علیه وآله حاکیا عن الله عز وجل فی حدیث فبعزتی حلفت وبجلالی اقسمت انه لا یتولی علیا علیه السلام عبد من عبادی الا زحزحته عن النار وادخلته الجنة ولا یبغضه عبد من عبادی الا ابغضته وادخلته النار وبئس المصیر از کتاب مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت است که از خدای عالم حکایت فرموده اند که بعزت وجلال خود قسم خورده ام که دوست نمیدارد بنده از بندکان من علی بن ابیطالب صلوات الله علیه را مکر انکه اورا از اتش جهنم دور میکردانم وداخل بهشت میکنم ودشمن نمیدارد بنده از بندکان من جناب امیر را مکر اینکه دشمن میدارم اورا وداخل میکنم در اتش وبد جائیست اتش ایه مبارکه ان الله لا یغفر ان یشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء یعنی بدرستیکه خدای عز وجل نمی بخشد کسی را که با او شریک

قرار بدهد و میبخشد گناهی را که پستتر از شرک باشد از برای هر که بخواهد روایت شده از
جناب امیر المؤمنین علیه السلام که فرمودهاند بتحقیق از حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه و
اله شنیدم و از جمله چیزها ئیکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول خدا صلی فرمودند
الله علیه و اله حکایت میفرمایند اینست که هر کس باخلاص لا اله الا الله بگوید او بری است
از شرک و هر کس بیرون رود از دنیا و بخدا شریک قرار ندهد هیچ را داخل بهشت شود بعد
از آن این آیه را خواندند و بعد از لفظ لمن یشاء فرمودند من شیعتک و محبیک یا علی یعنی خدا
نمی آمرزد کسیرا که بخدا وند شریک قرار بدهد و میبخشد گناهی را که پستتر از شرک باشد
از برای هر که بخواهد از شیعیان و محبان تو یا علی تا آخر حدیث و از عیاشی از حضرت باقر
علیه السلام مرویست که فرمودند ان الله لا یغفر ان یشرک به یعنی خدا نمی بخشد کسیرا که منکر
ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد و میبخشد پستتر از او را از برای هر کس که بخواهد یعنی
از برای دوستان جناب امیر المؤمنین علیه السلام آیه مبارکه و یقولون للذین کفروا
هؤلاء اهدی من الذین آمنوا سبیلا اولئک الذین لعنهم الله و من یلعن الله فلن
تجد له نصیرا ام لهم نصیب من الملک فاذا لا یؤتون الناس نقیرا از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام مرویست که میگویند کسانیکه تابع پیشوایان ضلالتند راه آنها
راستتر است از آل محمد صلی الله علیه و اله آنانکه این سخنان میگویند کسانی اند که
لعنت کرده ایشانرا خدای تعالی پس ای پیغمبر هرگز نمیابی از برای او یاوری آیا برای آنها
نصیبی از ملک هست مراد از لفظ ملک بنا بر آنچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
شده امامت و خلافت است فاذا لا یؤتون الناس نقیرا پس آنوقت نمیدهند مردم را یعنی آل

در سورهٔ نساء

محمد را بنا بر آنچه در حدیث سابق وارد شده است که انحضرت فرمودند ما ئیم مردم که
خدا قصد کرده از خلافت و امامت بقدر نقطه که در وسط هسته خرما است همچنین
است ایشانرا از ملک نصیبی نیست ملک و خلافت و سلطنت و عظمت مخصوص آل محمد صلی الله
علیه و اله است و دیگرانرا حقی نیست آیه مبارکه ام یحسدون الناس علی ما آتاهم
الله من فضله فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب و الحکمة و آتیناهم ملکا عظیما یعنی آیا
حسد میبرند بر ناس که مراد محمد و آل محمد است صلی الله علیه و اله است بر آنچیزیکه داده
است ایشانرا خداوند از فضل خویش بتحقیق که عطا کرده ایم با آل ابراهیم کتاب و حکمت را و عطا
فرمودیم ایشانرا ملک عظیم مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند در تفسیر این
آیه شریفه یعنی کردانید پیغمبران و رسولان و امامان از آل ابراهیم پس چگونه اقرار میکنند
در آل ابراهیم عطاهای خداوند را و انکار میکنند آنرا در آل محمد صلی الله علیه و اله و فرمودند
ملک عظیمی که خدا با آل ابراهیم داده آن بود که کردانید در ایشان امامان چندی و کسیکه
اطاعت کند ایشانرا اطاعت خدا کرده و کسیکه معصیت کند ایشانرا معصیت خدا کرده پس
اینست ملک عظیم و در روایت دیگر وارد شده که ملک عظیم طاعتی است که فرض شده است
از کافی و از عیاشی و غیر این که در چندین روایت وارد شده از ائمه سلام الله علیهم که فرموده
اند نحن المحسودون الذین قال الله علی ما آتینا الله من الامامة یعنی ما آنکسانی هستیم که
مردم حسد میبرند بما بر چیزیکه عطا فرموده است ما را خداوند از امامت آیه مبارکه
ان الذین کفروا بآیاتنا سوف نصلیهم نارا یعنی بدرستیکه کسانیکه کافر شدند بر آیات
ما زود باشد که داخل کنیم و جا میدهیم آنها را در آتش جهنم که روایت قمی مراد از آیات جناب

در سورهٔ نساء

در سوره نساء علی بن ابی طالب و اولاد او علیهم السلام است آیه مبارکه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ
إِلَىٰ أَهْلِهَا یعنی بدرستیکه خداوند امر میکند شما را باینکه رد کنید امانتها را باهل
خود در کتاب کافی وغیر او در چندین روایات عدیده هست بدرستیکه خطاب و حکم بسوی
ائمه صلوات الله علیهم است مأمور شده هر یک از ایشان اینکه ادا کند بسوی امام بعد
از او است و وصیت کند بسوی او و پس این آیه جاریست بر سایر امانات ظاهره که رد نمایند
و خیانت نکنند چنانچه از ائمه سلام الله علیهم وارد شده لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ
وَسُجُودِهِ فَإِنَّ ذَٰلِكَ شَيْءٌ اعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَٰلِكَ وَلَٰكِنِ انْظُرُوا إِلَىٰ صِدْقِ
حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ یعنی نظر مکنید بر طول دادن رکوع و سجود مرد بدرستیکه این
چیزیست که عادت او است هر گاه ترک کند مستوحش میشود از برای آن و لکن نظر نمائید
براستی قول و ادا کردن امانت او آیه مبارکه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ در سوره نساء
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید اطاعت کنید
خدا را و اطاعت کنید رسول را و صاحبان امر را در کتاب کافی از حضرت باقر علیه السلام
روایت کرده شده است این آیه شریفه که مائیم ائمه را بالخصوص قصد کرده و فرموده جمیع مؤمنین
را تا روز قیامت با طاعت ما باشند عیاشی از آنجناب روایت کرده است این آیه شریفه
فرمودند که در شان جناب علی بن ابیطالب و جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهم السلام
نازل شده است بخدمت آنحضرت علیه السلام عرض شد بدرستیکه مردم میگویند پس چه میشود
خداوند تعالی را اینکه مقصود او از این آیه و امثال او ائمه اطهار اند چرا در کتاب محکم خود
اسم مبارک جناب علی بن ابیطالب و اولاد طاهرین آنجناب را ظاهر نبرده پس آنجناب فرمودند

کم

که پس شما بگوئید بایشان که نماز نازل شد یعنی امر فرمود خداوند تعالی بنماز و اسم نبرد
که سه رکعت و یا چهار رکعت بگذارند تا آنکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین
و تفسیر فرمودند برای ایشان و همچنین حکم زکوة نازل شد خداوند عالم نام نبرده از برای
ایشان که از هر چهل درهم یکدرهم بدهند تا آنکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمودند تا آنجائیکه میفرمایند و آیه أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ نازل
شد در شان جناب علی علیه السلام و جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام پس جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَقَالَ أُوصِيكُمْ
بِكِتَابِ اللَّهِ وَأَهْلِ بَيْتِي فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَىٰ أَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّىٰ يُورِدَهُمَا عَلَيَّ
الْحَوْضَ فَأَعْطَانِي ذَٰلِكَ وَقَالَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ وَقَالَ إِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ
مِنْ بَابِ هُدًى وَلَنْ يُدْخِلُوكُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ یعنی هر کس را که من آقای او هستم پس
علی آقای او است و فرمود وصیت میکنم شما را بقرآن مجید خدا و باهل بیت خود من
بدرستیکه من سؤال کرده ام از خداوند تعالی که جدا نکند میان این دو را تا وارد
کند ایشان را با هم در روز قیامت بر حوض کوثر پس خداوند تعالی هم عطا فرمود بمن این
سؤال مرا باز فرمودند شما تعلیم مکنید اهل بیت مرا پس بدرستیکه ایشان از شما
اعلم هستند و فرمودند تا آنها بدرستی که شما را از در هدایت خارج نمیکنند هرگز
داخل نمیکنند شما را بدر گمراهی بعد از نقل کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند
پس هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در اینجا ساکت میشدند و بیان نمیفرمودند که
کیستند اهل بیت آنجناب هر آینه ادعا میکردند آل فلان و آل فلان که مائیم اهل بیت رسول

خدا

خدا ولکن خداوند عالمیان بجهة تصدیق کلام نبی خود نازل نمود این آیه مبارکه را اِنَّمَا
یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا یعنی جز این نیست میخواهد
ببرد خبائث و ناپاکی را از شما که اهل بیت رسول هستید و پاک گرداند شما را پاک
گردانیدنی همین آیه در شان جناب علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام
است که جناب رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند ایشان را بزیر عبا داخل در خانه جناب
ام سلمه پس فرمود اَللّٰهُمَّ اِنَّ لِکُلِّ نَبِیٍّ اَهْلًا وَثِقْلًا وَهٰؤُلَاءِ اَهْلُ بَیْتِی وَثِقْلِی یعنی بار
الهایا درستیکه برای هر پیغمبری خویشان و عزیزان میباشد و اینها اهل خانه و
عزیزان من هستند پس ام سلمه عرض کرد فدای تو شوم آیا من از اهل تو نیستم پس بجناب
فرمودند تو بسوی خیر هستی ولکن اینها اهل بیت منند در کتاب اکمال از جابر بن عبد
الله الانصاری روایت شده است زمانیکه آیه اَطِیعُوا اللّٰهَ وَاَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ
اُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ نازل شد بخدمت جناب رسول خدا صلّی الله علیه و آله عرض کردم فدای
تو شوم شناختیم خدا و رسول را که اطاعت کنیم پس اولی الامر کیانند که خدا تعالی
برابر کردانیده طاعت ایشان را با طاعت شما پس حضرت فرمودند که اینها جانشینان من
هستند ای جابر و پیشوایان مسلمانانند بعد از من که اول ایشان علی بن ابیطالب علیه
السلام است بعد از آن حسن و بعد حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی صلوات
الله علیهم که در توریة معروفست بباقر زود باشد که برسی با و ای جابر در زمانی
که او را ملاقات کنی از جانب من با و سلام برسان بعد جعفر بن صادق بن محمد بعد موسی
بن جعفر بعد محمد بن علی بعد علی بن محمد بعد حسن بن علی بعد هم نام من محمد و هم کنیت من

بعد علی ابن موسی

است

است یعنی کنیه او نیز ابوالقاسم میباشد حُجَّةُ اللّٰهِ فِی اَرْضِهِ وَبَقِیَّةُ اللّٰهِ فِی عِبَادِهِ یعنی او
حجه خدا است در زمین او و رحمت خدا تعالی در بندکان او که فرزند حسن بن علی علیه
السلام است آنکسی است که فتح میکند خدا بر دست او مشارق و مغارب ارض را او
آنکسی است که غایب میشود از شیعیان و دوستان خود چنان غایب شدنی که ثابت نماند
بر اعتقاد بامامت او در زمان غیبت مگر کسیکه تصفیه و خالص کرده باشد خدا تعالی
قلب او را برای ایمان تا آخر حدیث مؤلف کوید یعنی امامت او را کسی قائل
شود که خدا قلبش را خالص از غل و غش شرک کرده باشد و منزلگاه دلش را خالی کرده
باشد بجهت قرار کرفتن ایمان در آن آیه مبارکه وَاِذَا جَاءَهُمْ اَمْرٌ مِنَ الْاَمْنِ اَوِ
الْخَوْفِ اَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ اِلَی الرَّسُولِ وَاِلٰی اُولِی الْاَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ
یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ و یعنی زمانیکه میاید بسوی ضعفای مسلمین امری از امن یا خوف
یعنی خبریکه موردشان ایمنی بودن میشود یا خبریکه موجب ترسیدن میشود که از رسول خدا صلّی
الله علیه و آله بآنها میرسد یا از غیر آنجناب افشا میکنند و در افشای آن امر مفسده
است هرگاه رد نمایند و واکذارند آن امر را بسوی رسول و بسوی صاحبان امر از ایشان
هر آینه میدانند آن امر را کسانی که استنباط و استخراج میکنند تدبیر آن بتجربهای خود
یعنی اگر خود منتشر نمیکنند تدبیری میکنند که زایل شود و اگر امن است قسمی میکنند که عکس مقصود نشود
از جناب باقر علیه السلام منقولست که فرموده اند مقصود از کسانیکه استنباط میکنند
امامان معصومانند یعنی جناب علی بن ابیطالب و اولاد او علیهم السلام استماع آیه
مبارکه وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّیْطَانَ اِلَّا قَلِیلًا یعنی هرگاه نبود

سورهٔ نساء

سورهٔ نساء

فضل و رحمت خدا بر شما هر اینه تابع میشدید شیطانرا مگر قلیلی از جناب موسی کاظم
علیه السلام مرویست که فرموده اند رحمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله است و
فضل جناب علی بن ابی طالب علیه السلام مؤلف گوید هر گاه اندکی شعور داشته باشد
که اینکلام از مصدر حقیقت و دانائی صادر شده زیرا که هیچ فضل و رحمت خدا بهتر و
بزرگتر از آن دو بزرگوار نمیشود که جمیع امور نبوی و اخروی خلایق از برکت آنها است
و باعث نجات و هدایت مردم هستند **ایه مبارکه** إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا
ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا
عن الصادق علیه السلام نزلت فی فلان و فلان و فلان آمنوا برسول الله صلی الله علیه و
اله فی اول الامر ثم کفروا حین عرضت علیه الولایة حیث قال من کنت مولاه
فعلی مولاه ثم آمنوا بالبیعة لامیر المؤمنین علیه السلام حیث قالوا له بامر
الله و امر رسوله فبایعوه ثم کفروا حیث مضی رسول الله صلی الله علیه و اله
فلم یقروا بالبیعة ثم ازدادوا کفرا باخذهم من بایعوه بالبیعة لهم فهؤلاء
لم یبق فیهم من الایمان شیء معنی ایه شریفه اینست بدرستیکه کسانیکه ایمان آوردند
بعد از آن کافر شدند بعد ایمان آوردند بعد کافر شدند بعد زیاد کردند کفر خودرا
البته نمیباشد خدا تعالی اینکه ببخشد ایشانرا و نمیباشد البته که نشان دهد بایشان
راهی را از جناب صادق علیه السلام منقولست که فرموده اند ایه مبارکه نازل شده است در
شان اول و ثانی و ثالث که ایمان آوردند برسول خدا صلی الله علیه و اله در اول امر
بعد از آن کافر شدند وقتیکه نشان داده شدند ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را

زمانیکه

تفسیر عیاشی

زمانیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند هر کس من مولای او هستم
علی مولای او است بعد از آن ایمان آوردند و گردن نهادند بر بیعت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام وقتیکه بخدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و اله عرض کردند که ایا بامر
خدا و رسول او است و حضرت فرمودند بلی پس بیعت کردند با جناب امیر المؤمنین صلوات
الله علیهم بعد کافر شدند وقتیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله رحلت فرمودند
پس اقرار نکردند به بیعتی که کرده بودند با انجناب بعد از آن زیاد کردند کفر را باینکه بیعت
گرفتند از کسانیکه با او بیعت کرده بودند که جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه باشد
پس در اینها باقی نماند چیزی از ایمان لعنهم الله و ادخلهم بالنیران **ایه مبارکه**
وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا
مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ یعنی بتحقیق نازل کرده اند خداوند تعالی بر شما
در قران اینکه وقتیکه شنیدید ایات خداوند را انکار کرده میشود و استهزا کرده میشود
با آنها ننشینید و مجالست با آنها نکنید تا اینکه داخل شوند در کلامی غیر از کفر و غیر
از استهزاء بایات خدا ایات الله عبارتست از جناب علی بن ابیطالب و اولاد او علیهم السلام است
بنا بر روایتی عن الکافی عن الصادق علیه السلام و العیاشی عن الرضا علیه السلام فی تفسیرها
إذا سمعت الرجل يجحد الحق و يكذب به و يقع في اهله فقم من عنده و لا تقاعده از کافی
از حضرت صادق و عیاشی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده زمانیکه شنیدی
شخصی را که انکار حق میکند و تکذیب او مینمایند و مذمت مینماید اهل حق را پس برخیز
از نزد او و با او همنشینی مکن **ایه مبارکه** يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ

تفسیر عیاشی

تفسیر عیاشی

ربکم

رَبِّكُمْ وَاَنْزَلْنَا اِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا یعنی ای مردم بتحقیق آمد بسوی شما برهان از پروردگار شما
و نازل کردیم بسوی شما نوری آشکارا از جناب صادق علیه السلام روایتست که برهان
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله است و نور مبین علی بن ابیطالب علیه السلام است

در سورهٔ نساء

آیهٔ مبارکه فَاَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ
فَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ اِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا یعنی پس اما کسانیکه ایمان آوردند و تمسک
کرده اند باو پس زود باشد داخل میکند ایشانرا در رحمتی و فضلی از خود و هدایت میکند
ایشانرا براه راست بسوی خود و مراد از اعتصام تمسک بولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام و ولایت امامان بعد آنجناب است بنابر روایت قمی و در تتمهٔ حدیث سابق که از
حضرت صادق علیه السلام روایت شده مذکور است که صراط مستقیم نیز آنجناب
علیه السلام است بنابر روایت فیض معنی آیه اینست که کسانی تمسک بولایت آنجناب
کنند خداوند عالم ایشانرا داخل رحمت و فضل خود میفرماید و براه راست هدایت میکند

در سورهٔ مائده

آیهٔ مبارکه اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ
الْاِسْلَامَ دِينًا از جناب امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست
که آن دو بزرگوار فرمودند چنین نیست که آیهٔ مبارکه نازل گردید پس از اینکه جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله نصب فرمودند جناب امیر المؤمنین علیه السلام را علامة
و نشانه یا فتن راه از برای مردمان در روز غدیر خم و قتیکه برمیگشتند آنجناب از حجة
الوداع پس فرمودند آن دو بزرگوار که این یعنی ولایت آنجناب آخر فریضه بود که نازل کرده است
او را خدا تعالی پس بعد از آن فریضه نازل نکرده اند معنی آیه اینست امروز کامل کردانیدم

برای شما دین شما را و تمام کردم از برای شما نعمت خودم را و راضی شدم از برای شما
اسلام را که دین شما باشد آیهٔ مبارکه قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ یعنی

در سورهٔ مائده

بتحقیق آمد بسوی شما از خدا تعالی نور و کتاب آشکار کننده حق از علی بن ابرهیم قمی
حکایت شده که او در تفسیر این آیه فرموده که نور عبارت از جناب امیر المؤمنین و ائمهٔ
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین است پس بنابر این میباید که لفظ نور که در تتمهٔ

در سورهٔ مائده

آیهٔ مبارکه يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ
اِلَى النُّورِ وَيَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ نیز اشاره بسوی آنحضرت باشد و صراط المستقیم
نیز آنحضرت است بنابر آنچه در تفسیر آیات سابقه مذکور شد معنی ظاهر آیه این
است والله العالم که نشان میدهد خدای عز و جل باین کتاب یا بآن نور کسیرا که
متابعت کند خشنودی او را راههای سلامتی از عذاب را و بیرون می آورد ایشانرا
از ظلمات کفر بسوی نور ایمان و هدایت میکند ایشانرا بسوی راه راست آیهٔ مبارکه

در سورهٔ مائده

اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ
وَهُمْ رَاكِعُونَ یعنی جز این نیست که اولی هستند بشما کسانی میباشند که برپا میدارند
نماز را و زکات از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که تفسیر بعضی
از کلمات این آیه واقعه الهدایه فرموده اند و این حقیر سرا پا تقصیر تفسیر آن بزرگوار را در
ضمن ترجمهٔ آیه درج مینماید یعنی جز این نیست که اولی یعنی نزدیکتر و احق بشما و با مور
شما از جانها و مالهای شما خداوند و رسول او است و کسانیکه ایمان آورده اند یعنی
جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد آنجناب که امامان هستند تا روز قیامت پس

بیان فرمود ابشارا خدا تعالی پس فرمود الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و
هم راکعون یعنی مؤمنانیکه اولی هستند بشما کسانی میباشند که برپا میدارند نماز را و می
دهند زکوة را و حال آنکه ایشان در رکوع هستند که جناب علی بن ابیطالب و اولاد آنجناب
است بعد از تمامی آیه آنحضرت فرمودند و بودند امیرالمؤمنین علیه السلام در نماز ظهر
و تحقیق که دو رکعت را بجا آورده بود و در حال رکوع بودند و در بدن مبارک آنحضرت حله
بود که قیمت آن چنانکه در قاموس گفته عبارتست از ازار و رداء که دو نوع از بالاپوش
است یا یکی که استر داشته باشد یاری حله بود که قیمت آن هزار دینار بود و دینار
عبارتست از هیجده نخود طلا و با اشرفیهای این زمان موافق بوده و بالجمله آن حله را
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنحضرت عطا فرموده بود و آن حله بود که نجاشی
بهدیه برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستاده بود پس آمد سائلی و عرض کرد یا
ولی الله و اولی بالمؤمنین من انفسهم تصدق بر مسکین و فقیر نفرما پس آنحضرت آن لباس
را بطرف او انداختند و اشاره فرمودند بدست مبارک بسوی سائل اینکه بردار آن حله را
پس این آیه را خداوند عالم در شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام نازل فرمود تا
اینجائیکه حضرت صادق علیه السلام میفرماید آن سائلیکه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
سؤال کرد ملکی بود از ملائکه تا آخر حدیث و در بعضی از روایات وارد شده که آنجناب در
رکوع انگشتر بسائل عطا فرمودند و این حدیث منافات ندارد با حدیث سابق که
حضرت حله را بسائل عطا نمودند زیرا که ممکن است یکمرتبه در رکوع حله را عطا فرموده باشد
و مرتبه دیگر در رکوع انگشتر را و آیه مبارکه در مرتبه ثانیه نازل شده باشد لفظ یؤتون که

فعل

فعل مضارع است اشعار بر این معنی دارد زیرا که متضمن تکرار و تجدد است و آوردن
آن بصیغه جمع بعلت آنستکه شامل ائمه از اولاد آنحضرت شود چنانچه در حدیث سابق
کلامی فرموده بودند که حاصل مضمونش اینست هر کس از اولاد آنجناب برسد بمرتبه امامت
تصدق میکند در حال رکوع و سائل از آن ملکی از ملائکه باشد از حضرت صادق علیه
السلام مرویست که او از پدر بزرگوار خود و او از جد خود جناب رسول صلی الله علیه و آله
نقل فرموده در قول خدا تعالی یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها زمانیکه آیه مبارکه انما ولیکم
الله و رسوله نازل گردید چند نفر که عدد ایشان به چهار نفر میرسید از اصحاب رسول خدا صلوات
الله علیه از منافقین جمع شدند در مسجد مدینه پس بعضی از آنها گفتند که اگر منکر این
آیه شویم کافر میشویم بسایر آیات و هرگاه ایمان بیاوریم پس بدرستیکه این ذلتست برای ما
هنگامیکه مسلط مینماید حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام را پس گفتند بتحقیق دانستیم بدرستیکه محمد صلی الله علیه و آله صادق
است در آنچیزیکه میفرماید ولیکن ما دوست میداریم آنحضرت را و اطاعت نمیکنیم علی را در
آنچیزیکه بما امر فرماید بعد از آن این آیه مبارکه نازل گردید یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها
یعنی نعمت خداوند را میشناسند بعد از آن انکار میکنند آن یعنی ولایت جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام را منکر میشوند و بیشتر ایشان کافرانند بولایت آنجناب از حضرت باقر علیه
السلام روایتست چنانچه از کتاب مجالس نقل شده که آنحضرت فرمود در مقام بیان شان
نزول آیه مبارکه انما ولیکم الله و رسوله بدرستیکه چند نفر که از سر تا هفت لاده یا
کتر بودند از طائفه یهود مسلمان شدند از جمله ایشان عبدالله بن سلام و اسد و ثعلبه و

ابن یامین و ابن صوریا پس بخدمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شدند
و عرض کردند یا نبی الله بدرستیکه حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام وصیت نمود
بسوی یوشع بن نون پس وصی شما بعد از شما کیست یا رسول الله صاحب اختیار ما
بعد از شما کیست پس این آیه مبارکه انما ولیکم الله نازل گردید حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمودند برخیزید پس برخواستند و بمسجد آمدند که پس ناگهان سائلی از
مسجد بیرون آمده بود حضرت فرمودای سائل آیا کسی بتو چیزی نداد سائل عرض کرد آری
این خاتم را داد حضرت فرمودند که بتو داد این خاتم را اتمرد عرض کرد آنجناب که مشغول
نماز است حضرت فرمود بر کدام حالت عطا کرد سائل عرض کرد در حالت رکوع پس حضرت
تکبیر گفتند پس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمودند علی بن ابیطالب علیه السلام
ولی شما است بعد از من مردم گفتند راضی شدیم بخدا از جهت ربوبیت و باسلام
از جهت دین و بمحمد صلی الله علیه و آله از جهت نبوت و بعلی بن ابیطالب علیه السلام
از جهت ولایت پس خداوند تعالی نازل فرمود آیه مبارکه و من یتول الله
و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون یعنی آنکسیکه ولی میگیرد خدا
رسول خدا را و آنکسانیکه ایمان آورده اند پس بدرستیکه لشکر خدا ایشانند غلبه
کنندگانند از خلیفه ثانی روایت شده بدرستیکه او گفت و الله بتحقیق تصدق کردم
بچهل انگشتر و حال آنکه رکوع کننده بودم تا اینکه نازل بشود در شان من آنچه نازل کرد در شان
علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده آیه مبارکه یا ایها الرسول بلغ ما انزل
الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ان الله

تا آیه و رسوله

تا ما انزل

لا یهدی

لا یهدی القوم الکافرین یعنی ای پیغمبر تبلیغ کن و برسان بامت خود آنچیزیکه نازل
کردیده شده از نزد پروردگار خود در شان علی بن ابیطالب علیه السلام و هرگاه نرسانی
آنچه نازل شده در شان آنجناب پس تبلیغ نکرده رسالت خدای عز و جل و پیغمبری او را
بجا نیاورده و خداوند تعالی حفظ میکند ترا از شر مردم بدرستیکه خداوند عز و جل
هدایت نمیکند گروه کافران را از کتاب جوامع از ابن عباس و جابر بن عبد الله روایت
است بدرستیکه خداوند عالم امر فرمود رسول خود را که نصب نماید علی علیه السلام را
برای مردم و خبر دهد ایشانرا بولایت آنجناب پس رسول خدا صلی الله علیه و آله خوف
نمود از اینکه مردم بگویند میل کرده است بسوی ابن عم خود و اینکه گران و شاق بیاید
نصب کردن حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین صلوات الله علیه را بر
جماعتی از اصحابش پس این آیه مبارکه نازل گردید پس دست مبارک علی بن ابیطالب
علیه السلام را گرفتند در روز غدیر خم و فرمودند من کنت مولاه فعلی مولاه
و خواندند این آیه را و در حدیثست که این آیه مبارکه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت
علیکم نعمتی و در همان روز خدای متعال نازل کرد یعنی امروز کامل کردانیدم برای
شما دین شما را و تمام کردانیدم نعمت خود را و کال دین و تمامی نعمت بولایت جناب علی بن
ابیطالب علیه السلام بود از کتاب احتجاج نقل شده که در اخبار روایت ظاهرا از امام محمد
باقر علیه السلام شده است بدرستیکه آنجناب فرمود بتحقیق که حج کرد رسول خدا صلی
الله علیه و آله و حال آنکه رسانید بود جمیع شرایع یعنی احکام الهی و فرایض را از زکوة و
نماز و سایر احکام را بامت خود غیر از حج و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را پس بسوی

جبرئیل علیه السلام نازل شد پس گفت یا محمد بدرستیکه خداوند عز و جل سلامت میرساند
و میفرماید مر ترا بدرستیکه من قبض نکرده ام هیچ پیغمبری را از پیغمبران خود و هیچ رسولی را از
رسولان خود مگر بعد از اکمال دین خود و تاکید نمودن حجت خود و بتحقیق باقی مانده است
بر تو دو فریضه از چیزهائیکه احتیاج هست بسوی اینکه برسانی اندو چیز را بقوم خود
یکی فریضه حج است و یکی فریضه ولایت و خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از تو
پس بدرستیکه من خالی نگذاشته ام در زمانهای گذشته زمین خود را از حجت و نخواهم
خالی گذاشت زمین را هرگز پس بدرستیکه خداوند امر میکند ترا اینکه تبلیغ کنی بقوم خود
حج را خود حج را بجا می آوری و حج میکنند با تو هر کس که استطاعت حج دارد از اهل شهر و
از اطراف و از اعراب و تعلیم میکنی ایشانرا از حج ایشان چنانکه تعلیم کردی ایشانرا از نماز
و زکوة و روزه و والوف و واقف و مطلع میکردانی بر طریقه آنچنانکه واقف کردانیدی
ایشانرا و از جمیع آنچیزیکه رسانیدی بایشان از شرایع پس منادی رسول خدا صلی الله
علیه و اله ندا در داد که اگاه باشید بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و اله اراده
حج دارد اینکه تعلیم نماید شما را از آن مانند آنچیزیکه تعلیم کرد شما را از شرایع دین شما
و مطلع کرداند شما را از آن بر آنچیزیکه مطلع کردانید شما را بر او از غیر حج پس خارج شد
جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله و مردم هم با آنجناب بیرون شدند و میل کردند
بسوی آنجناب تا نگاه کنند که چه بجا می آورد آنحضرت پس بجا آورند مثل آن پس حج داد ایشانرا
و رسید عدد کسانیکه حج کردند با رسول خدا صلی الله علیه و اله از اهل مدینه طیبه
و اهل اطراف و اعراب بهفتاد هزار نفر و یا زیاده بر هفتاد بر عدد اصحاب موسی علی نبینا

وعلیه

علیهما السلام که هفتاد هزار بودند از آنچنانکسانی بودند که گرفت بر ایشان بیعت هرون
علی نبینا و آله و علیهما السلام پس شکستند بیعت هارون و پیروی گوساله و سامری نمودند و
همچنین رسول خدا صلی الله علیه و اله گرفت بیعت را از برای علی بن ابیطالب علیه السلام
بخلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و اله بعد و سبیه موسی علیه السلام پس شکستند
بیعت امیر المؤمنین علیه السلام را و پیروی کردند گوساله علیه اللعنة را و موافق شد
طریقه این امت با طریقه اصحاب جناب موسی و حکایت انهاد در شکستن بیعت با حکایت
انها و در پیوست صدا لبیک حاجیان در میان مکه و مدینه پس زمانیکه حضرت رسول
صلی الله علیه و اله در موقف ایستادند آمد بسوی او جبرئیل علیه السلام از جانب خدا
پس عرض کرد یا محمد بدرستیکه خدا تعالی سلامت میرساند و میفرماید بتحقیق نزدیک شده
است اجل تو و نهایت عمر تو و من طلب میکنم قدوم ترا بر چیزیکه چاره و گریز که هیچ نیست از
آن مؤلف گوید که این کنایه از مرگست بعد از آن فرمود پس وصیت کن وصیت خود را
و مقدم بدار وصیت خود را پس قصد کن بسوی آنچیزیکه در نزد تست از علم و میراث انبیا که
پیش از تو بوده اند و سلاح و تابوت و جمیع آنچیزیکه نزد تست از علامات انبیا پس تسلیم
کن آنها را بسوی وصی و خلیفه خود که بعد از تو خواهد بود که حجت بالغه من است بر همه مخلوق
من و آن علی بن ابیطالب است پس بر افراز او را بجهت هدایت خلق و تجدید کن عهد و میثاق
و بیعت او را و یاد او را ایشان را آنچیزی را که گرفتم بر ایشان از بیعت و عهد من آن عهد و
میثاقی که بستم ایشانرا بآن و پیشی گرفتن من که پیش گرفتم بسوی ایشان از ولایت و دوست
من و صاحب اختیار ایشان و آقای هر مؤمن و مؤمنه پس بدرستیکه من قبض نکردم هیچ پیغمبری را

وصی

از پیغمبران

از پیغمبران مگر بعد از اکمال دین و اتمام نعمت خود بدوستی دوستانم و دشمنی دشمنانم
و این است کمال توحید من و یگانگی کمال دین من و تمام کردانیدن نعمتم را بر مخلوق خود به پیروی
دوستم و طاعت او و آن یعنی کامل شدن دینم به پیروی دوستم بجهت اینست که بدرستیکه
من وا نمیگذارم زمین را بی کسیکه قیام نماید بامور دین تا اینکه بوده باشد حجت از برای من
بر خلق من پس امروز کامل کردانیدم از برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را
بولایت دوستم و آقای هر مؤمن و مؤمنه علی علیه السلام بنده من و وصی پیغمبر من و
جانشین بعد از او و حجت بالغه من بر مخلوق همه و شراست طاعت او بطاعت محمد
صلی الله علیه و آله پیغمبر من و مقرونست طاعت آن دو بزرگوار بطاعت من هر کس اطاعت
کند او را اطاعت کرده است مرا هر کس عصیان کند او را عصیان کرده است مرا و او را
منصوب و علم کردانیدم در میان خود و خلق خود هر که او را بشناسد میباشد مؤمن و
هر که او را نشناسد کافر است و هر کس شریک قرار دهد برای او در بیعت او مشرک است
و هر کس ملاقات کند مرا بولایت او داخل بهشت میشود و هر کس ملاقات کند مرا بعداوت
او داخل آتش میشود پس برافراز ای محمد علی را بجهت نشان راه هدایت و بگیر برای ایشان
بیعت او را و تازه بگردان بر ایشان عهد و میثاق مرا آن میثاقی که بسته ام ایشان را بر آن پس
بدرستی که من قبض کننده ام روح شریف ترا در حالتیکه منتقل بسوی خود نمایم و طالب
قدوم و برگشتن تو هستم بسوی خود جناب رسول خدا ترسید از قوم خود از اهل نفاق
و گروه شقاق از اینکه متفرق شوند و برگردند بر طریقه که پیش از اسلام بودند و دست
از دین بردارند بجهت اینکه دانسته بود از عداوت ایشان مر اینچیزی را که مخفی بود در نفسهای

ایشان

ایشان از شدت دشمنی با علی علیه السلام و خواهش کرد از جبرئیل اینکه خواهش بکند
از پروردگارش حفظ آنجناب را از شر مردم و انتظار کشید اینکه بیاورد جبرئیل علیه السلام
بسوی او از جناب رب جلیل وعده نگاهداشتن او را از شر مردم پس تاخیر انداخت نصب
کردن حضرت را تا آنکه رسید بمسجد خیف و آن مسجدیست در منی پس آمد بسوی حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله جبرئیل در مسجد خیف پس از جانب خدا امر کرد پیغمبر را اینکه وصیت
کند وصیت خود را و برافرازد علی علیه السلام را از برای مردم و نیاورد وعده حفظ
از مردم از جانب خداوند جل جلاله آنجناب حفظی را که پیغمبر صلی الله علیه و آله خواسته
بود تا آنکه جناب ختمی مآب بکراع الغمیم آمد و آن وادیست که میان آن و مدینه مقدار
صد و هفتاد میل است و میان آن و مکه مقدار سی میل است پس جبرئیل آمد بسوی آنجناب
و امر کرد او را بانچیزیکه امر شده بود او را از جانب خدای عز و جل و نیاورد از برای آن
جناب وعده حفظ را پس حضرت فرمود بجبرئیل بدرستیکه من میترسم از قوم خود اینکه تکذیب
کنند مرا و قبول نکنند گفته مرا در حق جناب علی علیه السلام پس حضرت از آنجا کوچ کردند
پس تا اینکه رسیدند بغدیر خم که پیش از جحفه است بسه میل و آن موضعی است که هشتاد و دو
میل از مکه دو میل از مکه دور است و آن میقات اهل شام است که از آنجا احرام می بندند
آمد بسوی جناب ختمی مآب جبرئیل در پنج ساعت از روز گذشته با تندی و تیزی و وعده حفظ
از مردم پس عرض کرد یا محمد بدرستیکه خدا تعالی سلام میرساند و میگوید مر ترا یا
أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ (فی علی) وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ
مِنَ النَّاسِ و اوائل قافله نزدیک جحفه بود پس امر کرد جبرئیل آنحضرت را باینکه برگرداند هر

کسی را پیش رفته و نگه دارد هر کس از عقب می‌آید در آن مکان یعنی غدیر خم تا اینکه نصب نماید
علی علیه السلام را از برای مردم و برساند با ایشان آنچیزی را که خدا تعالی نازل کرده است
است در شان علی علیه السلام و خبر داد جبرئیل آنحضرت را باینکه خدای عز و جل حفظ
کرده است او را از شر مردم پس امر فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتیکه وعده حفظ
از برای او آمد منادی را که آواز کند مردم را بنماز جماعت و برگرداند هر کس را که پیش
رفته است و نگه دارد هر که از عقب است پس آنجناب بکناری رفت از دست چپ راه
بسوی مسجد غدیر بامر جبرئیل از جانب رب جلیل در جائیکه چند درخت سلم بود و آن درختی
است پر خار و هیزم خوبی است چوبهای آن پس امر فرمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و
آله اینکه جاروب شود زیر آن درختها و نصب شود از برای آنجناب سنگها بصورت منبر تا مشرف
شود بر مردم پس برگشتند مردم و آنانکه از عقب می‌آمدند نگاه داشتند در آن مکان پس
ایستاد رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای سنگها پس خطبه بلیغی ادا فرمود پس فرمود که
خداوند وحی نمود بسوی من این آیه را و خواند این آیه مبارکه را پس فرمود ای گروه مردم تقصیر
نکردم در رسانیدن آنچیزیکه خدا بر من نازل کرده و من بیان میکنم از برای شما سبب نزول
این آیه را بدرستیکه جبرئیل نازل شد بسوی من سه مرتبه امر میکرد مرا از جانب خدا تعالی
باینکه بایستم در محضر مردم پس اعلام و دانا کنم هر سفید و سیاهی را اینکه علی بن ابی
طالب علیه السلام برادر من و وصی من و خلیفه من است و امام و پیشوا است بعد از من
و آنجنابی است که مرتبه او نسبت بمن مثل نسبت هارون است نسبت بمرتبه موسی علی نبینا و آله
و علیه السلام است مگر آنکه پیغمبری بعد از من نیست و او است صاحب اختیار شما بعد از

خدا و رسول و بتحقیق نازل کرده است خداوند تبارک و تعالی بر من باین مضمون آیه
از کتاب خود إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ و علی بن ابیطالب علیه السلام بر پا داشته است نماز را و عطا
نموده زکوة را در حال رکوع و مقصود او خدا است در همه حال و خواهش کردم از جبرئیل
اینکه استعفا کند از برای من یعنی خواهش کند از خدا که بگذرد از رسانیدن این پیغام را
بسوی شما بجهت اینکه میدانستم کمی پرهیزکاران و زیادتی منافقان را و خباثتهای گناهکاران را
و حیله‌های کسانیکه استهزا می‌نمایند بدین اسلام آنچنان کسانی را که بیان کرده است ایشانرا
خداوند تعالی در کتاب مجید خود بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَيَحْسَبُونَهُ
هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيمٌ یعنی میگویند بزبانهای خود چیزی را که نیست در دلهای ایشان
و گمان میکنند آنرا سست و این مخالفت زبان ایشان با دلهای ایشان نزد خدا تعالی
عظیم و بزرگ است پس فرمود بجهت بسیاری اذیت کردن ایشان مرا نه یکدفعه حتی سمونی اذنا
تا اینکه نام مرا گوش نهادند تا آنجائیکه میفرماید و هرگاه خواسته باشم که نام ببرم
منافقان را بنامهای ایشان هر آینه نام میبردم و هرگاه خواسته باشم اشاره کنم بسوی
اشخاص آنها هر آینه اشاره میکردم و اینکه دلالت کنم مردم را بر ایشان که بشناسند آنها را
هر آینه نشان میدادم ولی من والله در امور ایشان اعراض و دوری کردم از اینکه ایشانرا
رسوا کنم و با همه اینها خداوند از من راضی نمیشود مگر اینکه برسانم آنچه نازل کرده بسوی
من پس خواند تتمه آیه را که يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ تا آخر آنرا پس بدانید ای گروه مردم بدرستیکه
خدا برپا کرده است او را از برای شما صاحب اختیار و پیشوا و واجب است طاعت او بر همه شما

وانصار و بر تابعان ایشان باحسان و بر بادیه نشینان و اهل شهرها و بر عجم و عرب
و آزاد و بنده و کوچک و بزرگ و بر سفید و سیاه و ماضی و کذرنده است حکم او و جاریست
قول او و نافذ است امر او و سیوم کو میدا این سه لفظ که ماضی و جایز و نافذ باشد یک
معنی دارد یعنی کذرنده و فرمود ملعونست هر که مخالفت او نماید و مرحوم است هر که پیروی
او کند و تصدیق او نماید پس بتحقیق که امرزیده است خدای تعالی علی علیه السلام را و هر که
بشنود از او و اطاعت او نماید ای کروه مردم بدرستیکه شان اینست که این آخر ایستادنی
است که ایستادم اندرین محضر پس بشنوید و اطاعت کنید و منقاد باشید برای
امر پروردکار تان پس بدرستیکه خداوند عز و جل او است پروردکار شما و خدا و صاحب
اختیار شما پس بعد از او عز و جل محمد صلی الله علیه و آله صاحب اختیار شما است و او آن
کسیست که ایستاده است و خطاب میکند با شما پس بعد از من علی علیه السلام ولی شما
و امام شما بامر خدا و پروردکار شما بعد از و امامت در ذریه من است از اولاد او تا
روز قیامت بعد از آن ملاقات میکنند خدا و رسول او را نیست حلال مکر آنچیزی را که
خدا حلال کرده است و نیست حرام مکر آنچیزیکه خدا حرام کرده است شناسانید خدا
حلال و حرام را بر من و من در خلوت آنچه خدا بمن تعلیم کرده بود از کتابش و حلال و حرام
با همه باو تعلیم کردم ای کروه مردم نیست علمی مکر آنکه خداوند تعالی شمرده است در من یعنی
تعلیم من کرده است و هر علمی که تعلیم کرده شده ام پس بتحقیق شمردم او را در علی علیه السلام
پیشوای متقیان نیست علمی مکر آنکه بتحقیق تعلیم کردم علی علیه السلام را و او است
امام مبین و واضح ای کروه مردم اعراض نکنید از و متفرق نشوید از دور او و استکبار

مکنید

نکنید از ولایت او پس او است آنچنان کسیکه هدایت میکند بسوی حق و عمل میکند باو
مضمحل میکند باطل را و نهی میکند از آن و نمیکیرد او را در راه خدا ملامت کننده
پس بدرستیکه او کسی است که ایمان آورده است بخدا و رسول او و آنچنان کسی است که
جان خود را فدای رسول کرد و آنچنان کسی بود با رسول خدا و نبود کسیکه بندکی خدا کند
با پیغمبرش از مردان غیر او ای کروه مردم تفضیل بدهید او را پس بتحقیق تفضیل داده است
او را خدای تعالی و قبول کنید او را پس بتحقیق نصب کرده است او را خدای تعالی ای کروه
مردم بدرستیکه او امام است از جانب خدای تعالی و قبول نمیکند هرکز خدا توبه کسی را
که منکر ولایت او باشد و هرکز نمی آمرزد خدا او را و لازم است بر خدا که این قسم کند با کسی
که مخالفت امر او نماید و اینکه عذاب کند او را همیشه اوقات و جاوید روزکارها پس
بترسید از اینکه مخالفت نمائید او را پس انداخته میشوید در آتشیکه هیزم آن مردم
و سنکست مهیا شده آن آتش برای کافران ای مردم بمن والله بشارت دادند پیشینیان
از پیغمبران و رسولان و من آخر پیغمبران و رسولانم و حجتم بر همه مخلوقات از اهل
آسمانها و زمینها پس هر که شک کند در آن پس او کافر است بکفریکه در زمان جاهلیت
بر آن بودند و هر که شک کند در این کفتهٔ من پس او شک کرده در همه کفتهای من و شک
کننده در همه کفتهای من از برای او است آتش تا آنجائیکه میفرماید ای کروه مردم تفضیل
دهید علی علیه السلام را پس بدرستیکه او فاضل تر است از همه مردم بعد از من از مرد
و زن بسبب ما خدا نازل کرده است رزق را و باقی مانده خلق ملعونست ملعونست غضب خدا
غضب خدا بر کسیست که رد نماید این کفتهٔ مرا و موافقت نکند آکاه باشید بدرستیکه

جبرئیل خبر داد مرا از جانب خدا تعالی باین گفته من و هر کس دشمنی کند با علی علیه السلام
و او را دوست ندارد پس بر او باد لعنت و غضب من پس باید نظر کند هر نفسی آنچه را
پیش فرستاده از برای فردای خود و بپرهیزید از خدا اینکه مخالفت نمائید او را پس بلغزد
قدمهای شما بعد از استوار بودن آنها بدرستی که خدا آگاه است بآنچه میکنید ای گروه
مردم بدرستیکه علی است جنب الله که نازل شده است در کتاب خدا أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ
یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله یعنی اینکه بگوید کسی وا حسرتا بر تفریطی که کردم
در جنب خدا ای گروه مردم تامل کنید در قرآن و بفهمید آیاتش را و نظر کنید بمحکمات آن
و متابعت مکنید متشابه آن را پس قسم بخدا هرگز بیان نمیکند از برای شما نواهی آن را و
واضح نمیکند از برای شما تفسیر آن را مگر آنکسیکه من گرفته ام دستش را و بلند کرده ام
او را بسوی خود و بلند کرده ام بازوی او را و تعلیم کننده ام شما را بدرستی که هر کس من
مولای اویم پس این علی علیه السلام مولای او است و او علی بن ابیطالب برادر من
و وصی من است و دوستی او از جانب خدای عز و جل است نازل کردانیده است آن را
بر من ای گروه مردم بدرستی که علی علیه السلام و پاکیزگان از اولاد من ایشانند ثقل
اصغر و قرآن او است ثقل اکبر پس هر یک از این دو ثقل خبر دهنده است از صاحب خود و
موافقت دارد با او هرگز این دو جدا نمیشوند از هم تا بکنار حوض کوثر وارد بر من
شوند ایشان یعنی علی و اولاد او علیهم السلام امینهای خدا هستند در خلق او و حاکمان از جانب
او هستند در زمین او آگاه باشید بتحقیق ادای رسالت کردم آگاه باشید بتحقیق رسانیدم آگاه
باشید بتحقیق شنوانیدم آگاه باشید بتحقیق واضح کردانیدم آگاه باشید بدرستیکه خدا

فرمود

فرموده اینها را و من گفتم از جانب خدای عز و جل آگاه باشید بدرستیکه نیست فرمان
فرمای مؤمنان غیر از برادرم این یعنی جناب علی علیه السلام و حلال نیست امارت و فرمان
فرمائی مؤمنان بعد از من از برای احدی غیر از این جناب پس دست مبارک را زد ببازوی امیر
المؤمنین علیه السلام و بلند کرد بازوی او را و از ابتدائیکه جناب رسول صلی الله علیه و
آله بالای سنگها رفته بودند بلند کرده بودند جناب علی علیه السلام را تا اینکه پای آن
حضرت محاذی زانوی رسول خدا گردیده بود پس فرمود ای گروه مردم این علی برادر من و وصی من است
و حافظ علم من و جانشین من است بر امت من و علی علیه السلام تفسیر کتاب خدا است
و خواننده است مردم را بسوی خدا و عمل کننده است بآنچیزیکه خشنود میسازد خدا را و جنگ
کننده است با دشمنان خدا و دوستی کننده است بر طاعت خدا و نهی کننده است از
معصیت خدا خلیفه رسول خدا است و امیر مؤمنان است و امام هدایت کننده است و
کشنده شکنندگان بیعت و برگشتگان از حق و بیرون روندگان از دین است بامر خدای
تعالی میگویم و تبدیل کرده نمیشود گفته نزد من بامر خدا پروردگار من میگویم بار الها دوست
دار هر که او را دوست دارد و دشمنی کن با هر کس که با او دشمن است و لعن کن کسی را که انکار
او نماید و غضب کن بر کسیکه انکار حق او نماید بار الها بدرستی که تو نازل کردی بر من اینکه
امامت از برای علی است که دوست تست نزد بیان کردن من آن را و نصب کردن من او را
بسبب آنچیزیکه کامل کردی از برای بندگانت از دین ایشان و تمام کردی نعمت را و راضی
شدی اسلام را که دین ایشان باشد پس فرمودی هر کس طلب کند غیر از اسلام دینی را پس
هرگز قبول نمیشود از او و او در آخرت از زیانکاران است بار الها بدرستیکه من شاهد میگیرم

که بدرستی و بتحقیق من رسانیدم پیغام ترا تا آنجا که فرمودند بمردم بپرهیزید از خدا و بیعت نمایید با علی امیرالمؤمنین علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام و امامان که ایشان کلمهٔ باقیه میباشند **مؤلف گوید** یعنی امامت را در اولاد حسین علیهم السلام تا قیامت تا روز قیامت و اینست مراد از کلمهٔ باقیه چنانچه علما گفته اند بعد از آن بلافاصله فرمودند هلاک میکند خدا کسی را که خدعه مکر نماید و رحم میفرماید کسی را که وفا نماید بعد این آیهٔ مبارکه را فرمودند وَمَن نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ تا آنجا که میفرماید یکروه مردم هر کس اطاعت کند خدا و رسول خدا را و علی بن ابیطالب علیه السلام را و ائمه را که ذکر کردم ایشان را پس بتحقیق رستکار میشود رستکار شدن عظیمی تا آخر حدیث و بعضی از فقرات حدیث که از علی بن ابرهیم قمی منقول است اینست که عمر بن خطاب از میان قوم عرض کرد و پرسید یا رسول الله این امر از خدا است و یا از رسول خدا است حضرت فرمودند بلی از خدا است و از رسول خدا است بدرستیکه علی بن ابیطالب علیه السلام امیرالمؤمنین است و امام المتقین و قائد الغر المحجلین است مینشاند او را خداوند عالم روز قیامت بر صراط پس داخل میکند دوستان خود را به بهشت و دشمنان خود را بجهنم **آیهٔ مبارکه** در سورهٔ مائده

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ یعنی بگو ای محمد ای صاحبان کتابیکه از خدا نازل شده است نیستید شما بر چیزی تا آنکه برپا دارید توریت و انجیل را و آنچیز را که نازل شده است بسوی شما از پروردگار شما از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که مراد از قول حق تعالی مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است **آیهٔ مبارکه** در سورهٔ اعراف الَّذِينَ يَصُدُّونَ

عن سبیل الله

آیات سورهٔ مائده

در سورهٔ اعراف

عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ یعنی آنکسانیکه اعراض میکنند از راه خدا و میخواهند کجی از او و حال آنکه ایشان بآخرت کافرانند و میان این دو فرقه که مؤمنان و کافران میباشند ساتر است و بر بالای آن حجاب که اعراف باشد مردانی هستند که میشناسند هر یک از این دو فرقه را بعلامت ایشان که خدا از برای ایشان گذاشته از کتاب مجمع نقل شده که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است ما ایستاده میشویم در روز قیامت میان بهشت و جهنم پس هر کس که ما را یاری میکند میشناسیم او را بعلامت او پس داخل میکنیم او را بهشت و هر کس دشمن دارد ما را میشناسیم او را بعلامت او پس داخل جهنم میکنیم او را باز از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که فرموده اند در تفسیر این آیه که مائیم بر اعراف میشناسیم یاوران خود را بعلامت ایشان و مائیم اعراف که مردم نمیشناسند خداوند عزوجل را مگر براه معرفت ما و مائیم اعراف که نگه دارد خداوند ما را در روز قیامت بر صراط پس داخل بهشت نمیشود مگر کسیکه بشناسد ما را و ما او را بشناسیم و داخل آتش نمیشود مگر کسیکه نشناسد ما را و ما نشناسیم او را از کتاب بصائر نقل شده که از حضرت باقر علیه السلام روایت است که رجال که در آیهٔ مبارکه است ایشانند امامان از آل محمد صلی الله علیه و آله اعراف صراطی است میانه بهشت و دوزخ پس هر کس شفاعت کنند برای او امامان از ما اهل بیت و آنکس از مؤمنان گناهکاران باشد نجات مییابد و هر کس را شفاعت نکنند از برای وی می افتد در جهنم **آیهٔ مبارکه** در سوره اعراف فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ

در سورهٔ اعراف

اُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ یعنی کسانیکه ایمان آورده اند بپیغمبر و تعظیم کردند انجناب را
یاری نموده اند انحضرترا و تابع شده اند نوریرا که نازلشده با او وانکسان ایشانند
رستگاران از جناب باقر علیه السلام مرویست که فرموده که نور جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام است آیه مبارکه در سوره انفال اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ اِذَا ذُكِرَ
اللّٰهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ اٰيَاتُهُ زَادَتْهُمْ اِيمَانًا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ
یعنی جز این نیست که مؤمنان کسانی هستند که هر وقت ذکر میشود در نزد انها خداوند
عالم میترسد دلهای ایشان و هر زمان که خوانده میشود بر انها ایات خدا ایمان ایشان
زیاد میشود و به پروردگار خود توکل میکنند و تفویض امر بسوی او مینمایند تا اخر ایه
مبارکه بروایتی این ایه شریفه در شان جناب امیر المؤمنین و جناب ابی ذر و سلمان
و مقداد علیهم الرحمة نازلشده است آیه مبارکه وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ
عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ یعنی یا رسول الله بگو عمل نمایند پس زود باشد که به بیند
خدا و رسول خدا و مؤمنون عمل شما را از جناب باقر علیه السلام روایتست که ذکر شد این ایه
نزد انجناب پس فرمود والله او علی بن ابیطالب علیه السلام است و از حضرت صادق علیه السلام
پرسیده شد از معنی این ایه پس فرمود مؤمنان ایشانند ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند بدرستیکه اعمال بندگان بر ایشان
میدهند هر روز و بر رسول خدا صلی الله علیه و اله عمل نیکان و بدان ایشان پس بپرهیزید
و باید حیا کند یکی از شما از اینکه عمل قبیح او عرض شود بر پیغمبر او و از حضرت باقر علیه السلام
مرویست که فرمودند هیچ مؤمنی و کافری نیست که در قبر گذارده شود تا اینکه نشان داده

در سوره انفال

شود

شود اعمال او بر رسول خدا و بر امیر المؤمنین و بر یکی یکی از امامان تا اخر ان کسیکه واجب
کرده است خدا طاعت ورا بر بندگان زاده نشود آیه مبارکه در سوره
توبه است يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ یعنی ای انکسانی
که ایمان آورده اید به پرهیزید از خدا و با صادقین باشید از حضرت باقر علیه السلام روایت
روایت شده که ما اهل بیت را خداوند جل شانه از لفظ صادقین قصد کرده یعنی با ال
محمد صلی الله علیه و اله باشید آیه مبارکه در سوره یونس است يَا اَيُّهَا النَّاسُ
قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ
یعنی امد بسوی شما موعظه از پروردگار شما و شفا مر انچیزیکه در سینه ها است و هدایت
و رحمت از برای جمیع اقسام مخلوقات ایه مبارکه متصل بایه سابق است قُلْ بِفَضْلِ اللّٰهِ
وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ یعنی ای محمد صلی الله علیه و اله بگو بفضل
و رحمت خدا پس باین باید شاد شوند ان بهتر است از انچیزیکه جمع میکنند از مال دنیا
از جناب باقر علیه السلام منقولست که فرمودند فضل الله جناب رسول خدا صلی الله
علیه و اله است و رحمت او جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و در روایت
قبل نیز یاد کرده این فقره را پس باین فضل و رحمت خدا باید شیعیان ما شاد شوند ان
بهتر است از انچیزیکه داده شده اند دشمنان ما از طلا و نقره از پیغمبر صلی الله علیه و اله
الله علیه و اله مرویست که فضل خدا نبوت پیغمبر شما است و رحمت او ولایت علی بن
ابی طالب علیه السلام است پس باین یعنی بنبوت و ولایت باید شاد شوند یعنی شیعیان ان
بهتر است از انچیزیکه جمع میکنند مخالفان ایشان از مال و اولاد و اهل و کردار دنیا

[illegible]

آیهٔ مبارکه در سورهٔ یونس است الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون یعنی آگاه باشید بدرستی که دوستان خدا ترسی بر ایشان نیست و اندوهناک نمیشوند از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند ایشان یعنی دوستان خدا ما اهل بیت هستیم و تابعان ما از کسانیکه پیروی کردند ما را خوشا حال ما و ایشان تا آخر حدیث

در شأن علی

آیهٔ مبارکه انما انت منذر ولکل قوم هاد یعنی جز این نیست که تو ای پیغمبر ترسانندهٔ هستی و برای هر قومی هدایت کنندهٔ هست از کتاب مجمع نقل شده وقتیکه این آیه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند انا المنذر و علی الهادی من بعدی یعنی من منذرم و علی علیه السلام هادیست بعد از من از کتاب کافی نقل شده از جناب باقر علیه السلام روایتست که رسول الله منذر است و در هر زمان از ما اهل البیت هدایت کنندهٔ هست که هدایت میکند ایشانرا بسوی آنچه که پیغمبر آورده است و اول هدایت کنندگان بعد از پیغمبر جناب علی علیه السلام است بعد از آنجناب اوصیای او است واحد بعد واحد

در شأن علی

آیهٔ مبارکه در سورهٔ رعد است الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و ساکن میشود دلهای ایشان بیاد خدا آگاه باشید که بذکر خدا دلها ساکن میشود بروایتی کسانیکه ایمان آورده اند شیعیانند و ذکر الله جناب امیر المؤمنین و اولاد طاهرین او سلام الله علیهم است مؤلف گوید بنابراین معنی آیه اینست که شیعیان بسبب امامان خود که ذکر خدایند دلهای ایشان مطمئن میشود از اهوال قیامت و از سایر امور مفزعه و مهلکه

در شأن علی

آیهٔ مبارکه الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی

لهم

لهم و حسن مآب معنی ظاهر اینست کسانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح نموده اند از برای ایشان است خوبی و بازگشت خوب از برای ایشانست از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است فرمودند طوبی از برای کسیست که چنگ زند بامر ما در زمان غیبت حضرت قائم عجل الله فرجه که از ما است پس میل نکند دل او از حق بعد از هدایت پس سؤال نمودند که طوبی چیست فرمودند که طوبی درختی است در جنت بیخ آن در خانهٔ علی بن ابیطالب علیه السلام است و نیست مؤمنی مگر اینکه در خانهٔ او شاخهٔ از آن درخت هست از کتاب مجمع منقولست از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده که آنجناب از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که بدرستیکه از آنحضرت سؤال کردند طوبی چیست فرمودند درختی است که بیخ آن در خانهٔ من است و شاخ آن بر سر اهل بهشت است پس سؤال کرده شد از طوبی مرتبهٔ دیگر پس فرمودند بیخ آن در خانهٔ علی است پس عرض شد بخدمت حضرت که در مرتبهٔ پیش فرمودید که در خانهٔ من است اکنون میفرمائید در خانهٔ علیست پس حضرت فرمودند که خانهٔ من و علی در بهشت بیکجا میباشد

در شأن علی

آیهٔ مبارکه در آخر سورهٔ رعد است یقول الذین کفروا لست مرسلا قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب یعنی میگویند کسانیکه کافر شده اند نیستی تو رسول و فرستادهٔ خدا بگو ای محمد کفایت میکند شهادت کسیکه نزد او است علم کتاب مرویست سؤال نمود مردی از جناب امیر المؤمنین علیه السلام از بهترین مناقب و مفاخری که از برای آنحضرت ثابتست پس آنجناب این آیه را خواندند و فرمودند که مرا قصد کرده است از لفظ من عنده علم الکتاب از جناب رسول خدا منقولست سؤال کرده شد از این آیه که و من عنده علم الکتاب حضرت فرمودند آن برادر

در سورهٔ ابراهیم

من علی بن ابیطالب علیه السلام است آیهٔ مبارکه در سورهٔ ابرهیم است الم تر کیف ضرب
الله مثلا کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها
کل حین یعنی آیا ندیدی و ندانستی ای بندهٔ بینا چگونه زد خدا مثلی را یعنی کرد آید خدا
کلمهٔ پاکیزه را مانند درخت پاکی که بیخ آن در زمین استوار و محکم و پابرجا باشد و
بالای آن بجانب آسمان کشیده میدهد میوهٔ خود را در هر وقتی که خدا حکم کرده بمیوه
دادن آن از جناب صادق علیه السلام مرویست که سؤال کردند از ین آیه پس فرمودند
جناب رسول الله صلی الله علیه و آله بیخ آن شجره است و بالای آن جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام است و ائمهٔ اطهار از ذریهٔ آنجناب شاخهای آن شجره است و علم ائمه ثمر آنست و
شیعیان ایشان که مؤمنان اند ورقهٔ آن شجره است یعنی بمنزلهٔ برگها میباشند آنجناب
فرمودند قسم بخدا بدرستی که هر وقت مؤمنی که متولد میشود پس یک برگ بعمل می آید
در آن شجره و بدرستیکه مؤمنی چون فوت شود ورقهٔ از آن ساقط میشود آیهٔ مبارکه

در سورهٔ حجر

در سورهٔ حجر است رب فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من المنظرین الی یوم
الوقت المعلوم قال رب بما اغویتنی لازینن لهم فی الارض و لاغوینهم اجمعین
الا عبادک منهم المخلصین قال هذا صراط علی مستقیم یعنی گفت ابلیس ای
پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته میشوند مردمان گفت خدا در
جواب وی بدرستیکه تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت دانسته شده مقرر
کرده شده بنفخهٔ اول گفت ای پروردگار من سوگند خورم باغوای تو مرا و نومید
ساختن تو مرا از رحمت هر آینه آراسته گردانم برای آدمیان گناهان را در زمین و هر آینه

همه

همهٔ ایشان را گمراه کردانم مگر بندگان تو از ایشان که خالص شدگان باشند از شرک خفی
و جلی که مکر و فریب من ایشان را اثری نباشد گفت خدا تعالی این اخلاص و ایمان راهی
است که حق است بر من رعایت آن (یعنی راستست) کجی ندارد و رود صاحب خود را بمنزل مراد میرساند
و ترا بر بندگان من تسلطی نیست صراط مستقیم عبارت از امیر المؤمنین علیه السلام است
چنانچه از سید سجاد علیه السلام روایت شده و بعضی از قراء لفظ علی را با رفع بر وزن فعیل
قرائت کرده اند بنا برین معنی اینست که این راه بلند است و راست و این قراءت منسوب
بحضرت صادق علیه السلام است و بلندی راه کنایه از شرف آنست از کافی نقل شده که از
جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که آیهٔ مبارکه هذا صراط علی مستقیم
احتمال دارد که موافق قراءت بعضی که علی را با رفع که صفت مشبهه باشد فرموده باشند

در سورهٔ نحل

و از ینجا نسبت این قراءت بحضرت داده اند و احتمال اضافه هم دارد مثل غلام زید یعنی
صراط علی بن ابیطالب مستقیم است مؤلف گوید که راجح در نظر اینست که احتمال آخر
مراد باشد آیهٔ مبارکه در سورهٔ نحل است یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها و اکثرهم
الکافرون یعنی میشناسند نعمت خدا را و انکار میکنند او را و بیشتر ایشان جاحد اند
از روی عناد از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرمودند بخدا قسم نعمة الله هستیم آن

در سورهٔ نحل

چنان نعمتی که عطا کرده و داده است خداوند عالم او را بر بندگان خود تا آخر حدیث آیهٔ
مبارکه در سورهٔ نحل است و نزلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شیء و هدی و رحمة
و بشری للمسلمین یعنی یا محمد فرو فرستادیم بر تو قرآن را در حالتیکه بیان روشن است
برای هر چیزی و راه نمودنست و بخشایش بر همه اگر بدان بگروند و مژده است به بهشت

مر مسلمانانرا از عیاشی حکایت شده است که از حضرت صادق علیه السلام روایتست که
فرموده اند ما اهل بیت قسم بخدا میدانیم آنچه در آسمانها و زمینها و آنچه را که
در بهشت و جهنم و آنچه در میان آنها است بعد از آن فرمودند بدرستیکه این در
کتاب خدا است پس این آیه را خواندند آیه مبارکه در سوره انفالست یا ایها الذین
آمنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید
اجابت نمائید مر خدای و مر رسول را بطاعت و قبول اوامر و نواهی چون بخواند رسول
او شما را امر بچیزیکه زنده گرداند شما را بروایت قمی حیات بمعنی بهشت است از حضرت
صادق علیه السلام روایت شده که نازل شده است این آیه در ولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام مؤلف گوید که ایمان آوردن بر ولایت آنجناب حیات و زندگی ابدیست
آیه مبارکه در سوره نحل است هل یستوی هو ومن یامر بالعدل وهو علی صراط
مستقیم یعنی آیا برابر است اینشخص چنین وکسیکه امر میفرماید براستی و او در نفس
خود براه راست و سیر درست و طریقه پسندیده که بهر مطلب توجه نماید زود به
مقصود برسد در حدیث وارد است آنکسیکه امر میفرماید بعدل جناب امیر المؤمنین
علیه السلام و امامان بعد از او بند آیه مبارکه در سوره نحلست ان الله یامر
بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم
لعلکم تذکرون یعنی بدرستیکه خداوند میفرماید براستی و میفرماید بنیکوئی کردن
در طاعات و میفرماید بعطا دادن بخویشان نزدیک ونهی میفرماید شما را از عمل زشت
و از عملی که انکار میکنند بر مباشران در شرع وعقل واز ستمکاری پند میدهد شما را خدا

شما

شما شاید که شما پند گیرید در حدیث وارد است از حضرت باقر علیه السلام که عدل
جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله است پس هر که اطاعت او کند پس بتحقیق براستی
رفته است واحسان جناب امیر المؤمنین علیه السلام است پس هر که بدوستی او رفته
حضرت پس بتحقیق نیکی کرده است و نیکوکار در بهشت است ایتاء ذی القربی قرابت
ما اهل بیت است امر فرموده خدا تعالی بندگان را بدوستی ما و عطا کردن بما تا آخر
حدیث و در روایت دیگر در تفسیر و نهی فرمودن خدا تعالی از فحشا و منکر و بغی گ
فرمودند فحشاء اولی است و منکر ثانیست و بغی ثالثست لعنهم الله آیه مبارکه نیز
در سوره نحل است واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد
توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون یعنی وفا کنید
بپیمان خدا چون عهد ببندید و مشکنید سوگندها را یعنی پیوندها را پس از استوار
ان بسوگند بخدا و حال آنکه بتحقیق گردانیده اید حضرت عزت را بر پیمانهای خود گواه
بدرستیکه خدا میداند آنچه میکنید از نقض عهد و سوگند و شما را بدان جزا خواهد
داد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست چون نازل شد ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام
وبود از جمله فرمودهای رسول خدا صلی الله علیه وآله که سلام کنید بر علی علیه السلام
بامارت بر مؤمنین یعنی بگوئید السلام علیک یا امیر المؤمنین پس بود از جمله چیزهائی
که استوار کرده خدا تعالی بر ایشان در آن روز فرموده جناب رسول خدا صلی الله
علیه وآله مر آن دو نفر را که اولی و دویمی بوده باشد که برخیزید پس سلام بر آنجناب
بامارت مؤمنین نمائید پس گفتند آیا این امر از جانب خدا میباشد یا از جانب رسول

رسول خدا است پس رسول خدا فرمود از جانب خدا و رسول واست پس خدا تعالی
نازل کرد این آیه را وَلا تَنقُضُوا الأَیمانَ تا آخر آیه مقصود از لفظ ایمان قول جناب
پیغمبر است با ایشان و مقصود از لفظ توکید قول ایشانست که آیا این از جانب خدا است
یا از جانب رسول واست آیهٔ مبارکه در سورهٔ نحل است وَلا تَکُونُوا کَالَّتی
نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْکاثاً تَتَّخِذُونَ أَیْمانَکُمْ دَخَلاً بَیْنَکُمْ أَنْ تَکُونَ أُمَّةٌ
هِیَ أَرْبی مِنْ أُمَّةٍ إِنَّما یَبْلُوکُمُ اللهُ بِهِ وَلَیُبَیِّنَنَّ لَکُمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ ما کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ
یعنی مباشید مانند زنیکه باز کشاد پیمان خود را پس از قوت در حالتیکه رشته
رسنها تاب بار داشته باشد یعنی مانند زنیکه رسنها را بعد از انکه تاب داده باشد
و محکم و قوی ساخته تا ... دهد و پاره پاره کرده اند مروی است از حضرت باقر علیه
زنی بود از طائفهٔ بنی تیم بن مره نامیده میشد ریطه دختر کعب بن اسد بن تیم بن لوی
ابن غالب و بود صاحب خرافت پس چون ریسمان خود را میریشت بیجهت تاب اورا
باز میکرد بعد از انکه تاب اورا محکم کرده بود پس بر میگشت و دوباره میریشت پس
فرمود بدرستیکه خدا تعالی امر فرمود بوفای پیمان و نهی فرموده از شکستن ان
پس این مثل را زده است از برای ایشان پس فرموده مباشید مثل ان زن مولف
گوید خداوند تعالی این مثل را فرموده برای کسانیکه در ولایت جناب امیر المؤمنین
سست اعتقاد اند و ضعیف ایمان هستند رشتهٔ ولایت او در دلشان رشته و
بعد سست کرده باز مینمایند آیهٔ مبارکه در اول سورهٔ بنی اسرائیل است بسم الله
الرحمن الرحیم سُبْحانَ الَّذِی أَسْرى بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصا

یعنی منزه است خداوندی که برد بندهٔ خود را که محمد صلی الله علیه و آله است از مسجد
الحرام تا مسجد اقصی که در آسمانست از کتاب کشف الغمه نقل شده که از جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد که در شب معراج جناب احدیت با کدام لغت
با تو تکلم میفرمود حضرت فرمودند با من خداوند عالم در شب معراج بلغت و لهجهٔ
جناب علی بن ابیطالب تکلم میفرمودند پس الهام شدم اینکه عرض کردم در همانجا
پروردگارا تو با من تکلم میکنی و یا پسر عمم علیست پس فرمود یا احمد من شیئی هستم
که نیستم مثل اشیا و من قیاس نمیشوم بمردم و بیان کرده نمیشوم باشیا خلق کردم
من ترا از نور خود و علی را از نور تو پس مطلع شدم بر اسرار قلب تو پس نیافتم بسوی
قلب تو کسی را که زیادتر از علی دوست بداری پس خطاب نمودم بر تو بلسان علی تا اینکه
قلب تو مطمئن شود آیهٔ مبارکه در سورهٔ بنی اسرائیل است إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی
لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ یعنی بدرستیکه این قران مردم را هدایت میکند بسوی طریقهٔ که آن اقوم
و محکم ترین راهها و طرقست در حدیث وارد شده که آیهٔ مبارکه در ولایت جناب
امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده است که این قران مردم را بسوی ولایت آنحضرت
هدایت میکند یعنی ولایت آنحضرت محکم ترین طرق و اقوم صراطهای مستقیم است
آیهٔ مبارکه وَلَقَدْ صَرَّفْنا لِلنّاسِ فِی هذَا الْقُرْآنِ مِنْ کُلِّ مَثَلٍ فَأَبى أَکْثَرُ
النّاسِ إِلّا کُفُوراً یعنی فابی اکثر الناس بولایة علی الا کفورا یعنی تحقیق بیان کردیم
برای خلق در این قران از هر مثل پس امتناع نمودند اکثر مردم نسبت بولایت علی بن
ابی طالب از هر چیز مگر از کفران و رزیدن آیهٔ مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله

الَّذِی اَنْزَلَ عَلیٰ عَبْدِهِ الْکِتٰابَ وَلَمْ یَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَیِّمًا لِیُنْذِرَ بَأْسًا شَدِیدًا باس شدید
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که کفار را باس و عذاب شدید است و دشمنان
دین را قائل است آیه مبارکه الَّذِینَ کَانَتْ اَعْیُنُهُمْ فِی غِطَاءٍ عَنْ ذِکْرِی وَکَانُوا
لَا یَسْتَطِیعُونَ سَمْعًا از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده ذکر خدا و ولایت
علی علیه السلام است زمانیکه ذکر میشود علی بن ابیطالب چشمهای منافقین پوشیده
است و گوش آنها استطاعت سماع ندارند از کثرت بغض و عداوت که دارند آیه
مبارکه اُولٰئِکَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِاٰیٰاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِیمُ
لَهُمْ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَزْنًا در حدیث تفسیر شده کسانیکه کافر شده اند بولایت
علی بن ابیطالب علیه السلام و بملاقات پروردگار خود ملاقات میکنند رب خود را به
ولایت بجناب پس باطل شد اعمال ایشان پس در روز قیامت برای اعمال آنها نمیکذاریم
میزانی از عمل خیر پس آنها سکهای جهنم هستند آیه مبارکه اِنَّ الَّذِینَ اٰمَنُوا وَ
عَمِلُوا الصَّالِحٰاتِ کَانَتْ لَهُمْ جَنّٰاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا یعنی کسانیکه ایمان آورده
اند و عمل صالح نموده اند برای ایشانست جنات فردوس پیشکشی و منزل که ساکن
شوند در آن در کتاب مجمع از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله روایتست که جنت
صد درجه است میان هر درجه بقدر مسافت میان زمین و آسمانست فردوس بالا
ترجنانست از حیثیت درجه از آن جاری میشود نهرهای بهشت و قتیکه بخواهید
از خداوند کریم پس فردوس را سئوال نمائید و بخواهید در کتاب فتی حکایت شده که
از حضرت صادق علیه السلام روایتست که این آیه مبارکه در شان ابی ذر و مقداد و عمار بن

سوره کهف

سوره کهف

سوره کهف

یاسر و سلمان فارسی نازل شد این جنات فردوس منزل و مأوای ایشانست مؤلف
این احادیث و آیات مبارکه چه درجه و فضیلت برای جناب علی بن ابیطالب علیه السلام قرار
دهد و ولایت بجناب را چه توصیف کند جائیکه ابی ذر و مقداد و سلمان و عمار بن یاسر که
از اصحاب و اتباع و خدام جناب امیر المؤمنین علیه السلام بودند این منازل و مدارج را متصاحب
اند همین در شان آنحضرت کافیست آیه مبارکه قُلْ لَوْ کَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِکَلِمٰاتِ رَبِّی
لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ اَنْ تَنْفَدَ کَلِمٰاتُ رَبِّی وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا یعنی بگو هر گاه دریا
مرکب باشد برای کلمات پروردگار من هر آینه تمام میشود دریا و کلمات پروردگار
من تمام نمیشود مؤلف گوید همین مناسبت در شان جناب امیر المؤمنین صلوات الله
علیه که هرگاه دریاها مداد و درختها قلم باشد هر آینه احصای فضیلت و جمع منقبت
آنسید و مولای بنی آدم نمیتوان نمود در احادیث معتبره وارد است که این آیه مبارکه
در شان جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه نازل شد چه نیکو گفته بعضی از شعرا
کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که ترکنی سر انگشت و صفحه بشماری آیه مبارکه در
سوره کهف است قُلْ اِنَّمٰا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحیٰ اِلَیَّ اَنَّمٰا اِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ کَانَ
یَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا یُشْرِکْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا جز این نیست که من
بشرم مثل شما وحی میشود بسوی من بدرستیکه خدای شما خدای یگانه است پس هر کس
امید لقای خدای خود را دارد عمل خود را نیکو نماید و شریک قرار ندهد در عبادت
خدای خود احدی را از جناب صادق علیه السلام روایت شده که از آنحضرت سؤال کردند
از این آیه مبارکه فرمودند عمل صالح معرفت و ولایت ائمه علیهم السلام است لا یشرک بعبادة

سوره مریم

رَبِّهِ أَحَدًا یعنی خالص نماید خود را برای جناب علی علیه السلام و در خلافت جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام شریک قرار ندهد کسی را که نیست خلافت از برای او و نیست او از اهل
آن بازا آنحضرت فرمودند که عمل صالح معرفت حق ائمه است و هر کس در ولایت جناب
علی بن ابیطالب شریک قرار بدهد دیگری را با خدا شریک قرار داده یعنی شریک قرار
دادن در خلافت و انکار نمودن ولایت آنحضرت شرک بخدا است و اطاعت آنحضرت
اطاعت خداوند است **آیهٔ مبارکه** یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِینَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا وَنَسُوقُ
الْمُجْرِمِینَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا از جناب صادق علیه السلام روایت است که فرمودند که جناب امیر
المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال نمودند از معنی این آیهٔ
مبارکه یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِینَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا فرمودند یا علی إِنَّ الْوَفْدَ لَا یَکُونُونَ إِلَّا رُکْبَانًا
أُولٰئِکَ رِجَالٌ اتَّقَوُا اللّٰهَ فَأَحَبَّهُمُ اللّٰهُ وَاخْتَصَّهُمْ وَرَضِیَ أَعْمَالَهُمْ فَسَمَّاهُمُ الْمُتَّقِینَ
معنی آیهٔ مبارکه اینست روزیکه محشور میکردانیم متقین را در حالتیکه وارد شدگان
باشند بر خدا یعنی بر منازل قرب خود که در بهشت داشته باشند و برانیم کافران بسوی
دوزخ چنانکه بهایم را رانند در حالتیکه تشنگان باشند یعنی آنها را تشنه و بیا
بدوزخ کنیم در حدیث دیگر هم هست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند

سوره مریم

یا علی اینها یعنی متقیان شیعیان تو هستند **آیهٔ مبارکه** لَا یَمْلِکُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا
مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا یعنی مالک نمیشوند شفاعت را مگر کسیکه در نزد خدا
قبول عهد نماید یعنی قبول کند ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام را معنی عهد ولایت
آنحضرت است شفاعت برای آنها است که قبول کنند ولایت را **آیهٔ مبارکه**

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا یعنی کسانیکه ایمان
آورده اند و عمل صالح بجای آوردند زود بگرداند خداوند رحمن از برای ایشان دوستی
در دلهای مردمان یعنی آنها را دوست و محبوب کرداند خلق مینماید سبب نزول آیهٔ
مبارکه اینست که روزی جناب مولای متقیان در خدمت جناب رسول خدا صلی الله
علیهما نشسته بودند حضرت فرمودند از خدا بخواه ترا محبوب در نزد مؤمنین بفرماید و
بگو اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ وُدًّا پس حضرت خواندند بعد از آن این آیهٔ
مبارکه نازل شد در کتاب کافی منقولست که مقصود از وُدّ ولایت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله در آخر نماز بصوت بلند دعا میکردند که مردم میشنیدند اللّٰهُمَّ
هَبْ لِعَلِیٍّ الْمَوَدَّةَ فِی صُدُورِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْهَیْبَةَ وَالْعَظَمَةَ فِی صُدُورِ الْمُنَافِقِینَ
یعنی خدایا عطا کن بعلی مودت را در سینهای مؤمنین و هیبت و عظمت را در سینهای
منافقان بعد از آن این آیهٔ مبارکه نازل شد که خداوند عالم فرمودند زود باشد که بگردانیم

سوره مریم

او را محبوب **آیهٔ مبارکه** فَإِنَّمَا یَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِکَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِینَ وَتُنْذِرَ بِهِ
قَوْمًا لُدًّا قوم لدّ را به بنی امیه تفسیر کرده اند یعنی پس جز این نیست که آسان کردیم بر
تو قرآن را که بلغت تو فرستادیم تا اینکه بشارت دهی با و متقین را و بترسانی قومی را
که خصومت و دشمنی ایشان سخت است و آنها منافقین هستند در کتاب کافی از جناب
صادق علیه السلام روایت است که فرمود جز این نیست که خداوند عالم آسان کرد قرآن را بر
زبان حضرت رسالت هنگامیکه برپا نمود جناب امیر المؤمنین علیه السلام را علم هدایت پس

بشارة

بشارت دادند با حضرت مؤمنین را و ترسانیدند کافرین را آیهٔ مبارکه وانی لغفار
لمن تاب و آمن و عمل صالحا ثم اهتدی خداوند عالم میفرماید یعنی بدرستیکه من هر آینه
غفارم برای کسیکه توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح نماید بعد از آن قبول هدایت
کند مراد از ثم اهتدی اینستکه راه بیابد بسوی ولایت اهل بیت علیهم السلام در کتاب مجالس
از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که فرمودند بجناب امیر المؤمنین
علیه السلام یا علی بتحقیق هر کس گمراه از تو شد گمراه ابدی شد و دیگر هدایت نمییابد بسوی
خدا کسیکه بسوی تو هدایت نیافت در کتاب مجمع از حضرت باقر علیه السلام عیاشی
روایت کرده ثم اهتدی یعنی بسوی ولایت ما اهل بیت قسم بخدای حق که هر گاه کسی عبادت
خدا کند مادام العمر در بین رکن و مقام بعد بمیرد در حالتیکه در ولایت ما نباشد
خداوند عالم او را برو در آتش جهنم می اندازد آیهٔ مبارکه و لقد عهدنا الی آدم
من قبل فنسی و لم نجد له عزما یعنی بتحقیق که عهد کردیم ما بسوی آدم از پیش پس
فراموش کرد و نیافتیم از برای او عزمی یعنی ثبات در امر از جناب صادق علیه السلام روایت
شده که خدا تعالی فرموده ما عهد کردیم از آدم در محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و
ائمه علیهم السلام پس فراموش کرد آدم و در حدیث دیگر هم هست که جناب باقر علیه السلام
فرموده که خداوند عالم عهد کرد بسوی حضرت آدم در حق محمد صلی الله علیه و آله و در حق
ائمه علیهم السلام پس فراموش کرد و فرو گذاشت باین سبب صاحب عزم نشد و سایر انبیا آنانی
که اولوا العزم هستند قبول نمودند ولایت را و فراموش نکردند در حدیث دیگر هم هست
از آنجناب و بتحقیق که عهد و میثاق از انبیای اولوا العزم گرفته شد خداوند عالم فرمود شما
کلامی که

مضمون کار بینی او این باشد که من رب شما هستم و محمد صلی الله علیه و آله رسول من
است و علی علیه السلام امیر المؤمنین است با اولاد او و اولیاء من هستند و خزان علم من هستند
و مهدی از ذریهٔ اینها است نصرت میدهم باو دین خود را و قوی میکنم دولت خود را باو
انتقام میکشم باو از اعدای خود عرض کردند بدرگاه خدا تعالی که اقرار کردیم یا رب و ایمان آوردیم
باینها و شهادت دادیم پس حضرت آدم تامل نمودند نه انکار و نه اقرار این بود که صاحب عزم نشد
عزم
پس ثابت شد عزمیت بر پنجنفر که از انبیا جناب نوح و جناب خلیل و جناب موسی و جناب عیسی و
جناب محمد صلی الله علیه و آله بنا بر این حضرت آدم صاحب عزم نشد که خدا تعالی میفرماید
و لم نجد له عزما آیهٔ مبارکه فمن اتبع هدای فلا یضل و لا یشقی یعنی پس هر کسیکه
که تابع شد هدایت مرا گمراه و شقی نمیشود در حدیث وارد است که هدایت ولایت
جناب امیر المؤمنین و اولاد آنجناب است کسیکه تابع امر آنها بشود هدایت یافته است
آیهٔ مبارکه و من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا و نحشره یوم القیمة
اعمی قال رب لم حشرتنی اعمی و قد کنت بصیرا قال کذلک اتتک آیاتنا فنسیتها
و کذلک الیوم تنسی از جناب صادق علیه السلام روایتست در کتاب کافی که یعنی
خدا تعالی فرموده هر کس اعراض کند از ذکر من یعنی از ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام بدرستی
که معیشت آن تنگ میشود و محشور میکنیم او را در روز قیامت کور میگوید خداوندا
چرا محشور کردی مرا کور و حال آنکه من بینا بودم میفرماید بترک کردی تو آیات ما را که ائمه
باشد و فراموش نمودی همچنین امروز نام ترا فراموش میکنیم آیهٔ مبارکه
و کذلک نجزی من اسرف و لم یؤمن بآیات ربه و لعذاب الآخرة اشد و ابقی یعنی

همچنین جزا میدهیم آنکس را که اسراف کرده و ایمان نیاورده بآیات خدای خود هرآینه
عذاب آخرت سخت تر و دائمی است در کتاب کافی از جناب صادق علیه السلام روایت شده
که فرموده اند هر کس که بولایت امیر المؤمنین دیگری را شریک قرار بدهد و ایمان بآن
جناب نیاورد در عذاب آخرت است و مصداق این آیهٔ مبارکه است و آیات رب که خداوند
عالم فرموده اشعار بائمه است سلام الله علیهم آیهٔ مبارکه وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَوٰةِ
وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ یعنی امر کن اهل خود را
بنماز و مداومت بکن بر آن ما از تو سؤال رزق نمیکنیم ما ترا روزی میدهیم و عاقبت
امر برای صاحب تقوی است در عیون اخبار از حضرت رضا علیه السلام روایتست که فرمود
ما را خداوند عالم ما را باین آیهٔ مبارکه اختصاص داده و مخصوص فرموده امر فرموده ما را بنماز
کردن با جمیع امت بعد از آن مخصوص کرده ما را فرموده که اهل خود را بنماز امر کن بعد از
نزول این آیهٔ مبارکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف میاوردند بدر خانهٔ جناب
علی بن ابی طالب و فاطمه علیهما السلام در وقت نمازهای پنجگانه و منبر میفرمودند الصلوة رحمکم الله
وما اکرم الله احدا من ذراری الانبیاء مثل هذه الکرامة التی اکرمنا بها و خصّنا
من دون جمیع اهل بیتهم یعنی حاضر شوید بنماز خدا شما را رحمت کند گرامی نداشته است
خداوند احدی را از ذریهٔ انبیا مثل این کرامتی که خدا گرامی داشته است ما را بآن و مخصوص
کرده است ما را غیر از همهٔ اهل بیت ایشان در حدیث دیگر هست که همین قاعدهٔ آنحضرت
تشریف میبردند بخانهٔ جناب علی علیه السلام تا اینکه از دنیا رحلت فرمودند آیهٔ مبارکه
فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ از کتاب کافی نقل شده که روایتست از حضرت امام

در سوره طه

در سوره انبیاء

علیه السلام

علیه السلام گفته شد بآنحضرت بدرستیکه کسانی که نزد ما میباشند گمان میکنند بدرستیکه
از این آیه که خدا فرموده فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ مراد علمای یهود و نصاری
هستند حضرت فرمودند در این هنگام میخوانند شما را بسوی دین خود پس بدست خود اشاره
بسینهٔ مبارک نمودند که ما اهل بیت اهل الذکر هستیم نحن اهل الذکر و نحن المسئولون
آیهٔ مبارکه وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ یعنی قرار دادیم از آب هر چیز را که زنده است معنی
باطنی که بتواتر از علما رسیده و ائمه تفسیر نموده اند عبارتست از جناب علی بن ابی طالب و ولایت
ظاهره آنجناب است علیهم السلام که بولایت ایشان همه حیات دارند آیهٔ مبارکه
وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَىٰ صِرَاطِ الْحَمِيدِ صراط الحمید ولایت جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام است آیهٔ مبارکه وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ اول آیهٔ مبارکه
اینست فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ
وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ از جناب کاظم علیه السلام در کتاب کافی روایت شده بئر معطلة امام
صامت و قصر مشید امام ناطق است صاحب تفسیر صافی بیان میکند وجه اینکه بئر
معطله چرا کنایه از امام صامت و قصر مشید از امام ناطق برای آنکه امام صامت
منبع علمست که آن حیات ارواح مردم است با اینکه خفا دارد و پوشیده است مگر
بر کسیکه برود بسوی او چنانکه چاه منبع آبست که سبب حیات ابدان مردم است با اینکه
مخفی است مگر بر کسیکه برود بسوی او و پیدا کند او را و کنایه آورده شده است از سکوت
امام علیه السلام بتعطیل و گفته شده بئر معطلة بعلت عدم انتفاع مردم از و که منتفع
نمیشوند و قدر او را نمیدانند و علت کنایه امام ناطق بقصر مشید برای ظاهر بودن آن و علو

در سوره انبیاء

در سوره حج

در سوره حج

۲۵

منصب ظاهری او است مرویست که قصر مشید کنایه از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
و بئر معطله جناب فاطمه و فرزندان آنجنابست که حسن و حسین علیهما السلام باشد مولای
ثقلین هستند و هر دو ایشان از ملك و حق خود معطل شده اند علی بن ابرهیم قمی قدس سره
روایت کرده که آیه مبارکه بئر معطلة و قصر مشید مثل است بر ال محمد صلی الله علیه و
اله که آب از ان بر داشته نمیشود تا وقت ظهور آنجناب قصر مشید ان قصر بلند است
وان اما بیست که غائبست از کسب علم و اخذ منقطع میشود
وان مثل است برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام و برای ائمه سلام الله علیهم که اولاد
آنجنابند و فضائل ایشان که منتشر است در همه عالم اخبار بیست که شرف و بلندی دارد
بر همه دنیا چنانکه خداوند عالم فرموده لیظهره علی الدین کله و چنانچه شاعر عرب در ره کفته

بئر معطلة و قصر مشرف مثل لال محمد مستطرف فالقصر مجدهم الذی لا یرتقی
و البئر علمهم الذی لا ینزف یعنی چاه معطل که از او آب برداشته نمیشود و قصر بلند
مثال خوبیست از برای ال محمد پس قصر عبارتست از بزرکی ایشان که بلند نمیشود بسوی
ایشان و چاه علم ایشانست که اب ان بکشید تمام نمیشود آیه مبارکه و ما ارسلنا
من قبلك من رسول و لا نبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته در کتاب کافی نقل شده از
حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام مرویست که و لا محدث جزء آیه شریفه است و در
تتمه حدیثی که از جناب سید الساجدین علیه السلام مرویست مذکور است که محدث جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است تتمه آیه مبارکه الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته فینسخ
الله ما یلقی الشیطان ثم یحکم الله ایاته و الله علیم حکیم یعنی نفرستادیم ما پیش از
فرستادن تو رسولی و هیچ نبی را مکر چون ارزو کند میفکند شیطان در ارزوی او پس

زایل

زایل میکرداند خدا تعالی انچه می افکند شیطان پس ثابت میکرداند خدا تعالی ایات خود را
و خدا تعالی دانا است باحوال بندکان و حکیم است یعنی هر فعلی که کند بر وجه حکمت و مصلحت
باشد روایت شده از ابی عبد الله علیه السلام روزی جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله را
فقر عارض شد حضرت کرسنه بودند تشریف اوردند نزد یکی از انصار فرمودند یا در نزد
تو طعام هست عرض کرد بلی یا رسول الله پس بزغاله ماده را ذبح کرد بریان نمود بخدمت
حضرت اورد حضرت تمنا نمود کاش جناب علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در اینجا
حاضر میشدند پس اولی و دومی حاضر شدند بعد از ان جناب امیر مؤمنان علیه السلام
تشریف اوردند بود که این ایه مبارکه نازل شد و ما ارسلنا من قبلك من رسول
و لا محدث
و لا نبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته فینسخ الله ما یلقی الشیطان ثم یحکم
الله ایاته یعنی وقتیکه انجناب خواهش و تمنا کرد که جناب امیر المؤمنین علیه السلام در
انجا باشد القا کرد شیطان در امنیه انحضرت یعنی در انچه تمنای حضرت بود که ان دو نفر
امدند حضرت رسول در ارزوی حضرت امیر بود که میخواست جناب امیر تشریف بیاورد
شیطان اول ان دو نفر را بانجا رسانید پس نسخ کرد خداوند عالم خبری را که شیطان القا
کرده که جناب امیر المؤمنین علیه السلام تشریف اوردند بعد از انها ثم یحکم الله ایاته
یعنی خداوند عالم ثابت و محکم میکند بر خلق یعنی نصرت میدهد جناب علی بن ابیطالب علیه
السلام را ایه مبارکه و ان الله لهاد الذین امنوا الی صراط مستقیم یعنی بدرستیکه
خداوند هر اینه هدایت کننده است کسانیرا که ایمان اورده اند بسوی صراط مستقیم
یعنی امام مستقیم بنابر روایت قمی که جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد کرام انحضرت

در سوره حج

آیه مبارکه وَالَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا فَأُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِینٌ در حدیث
قمی وارد است کسانی که ایمان نیاورده اند بولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
و ائمه از اولاد او علیهم السلام و تکذیب ایشان نمایند برای آنها عذاب خوار کننده هست
مراد از آیات ائمه علیهم السلام است آیه مبارکه وَجَاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاکُمْ

در سوره حج

یعنی جهاد کنید در راه خدا جهادی که سزاوار جهاد باشد و خداوند شما را برگزیده است از
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که چون از جنگ و جدال تبوک برگشتند
فرمودند رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَکْبَرِ یعنی رجوع کردیم از جهاد اصغر
بسوی جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس و مخالفت کردن او جهاد اکبر است در حدیث وارد است
که حضرت باقر علیه السلام فرمود که خداوند تعالی در آیه مبارکه هُوَ اجْتَبَاکُمْ ما اهل بیت را
قصد نموده نَحْنُ الْمُجْتَبُونَ یعنی ماییم برگزیدگان آیه مبارکه وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ

در سوره مؤمنون

لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِیهِنَّ هرگاه تابع میشد حق خواهشهای ایشان را
هر آینه تباه و ناچیز میشد آسمانها و زمینها و هر چه در آسمانها و زمین است از ملائکه
و جن و انس و غیر آن از قوه حکایت شده که گفته است فساد آسمان نیامدن باران
و فساد زمین نروییدن نباتات است و در این حال فساد ناس هم حاصل میشود و نیز گفته
که حق در این آیه مبارکه جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین صلی الله علیهما و آلهما است
که بی وجود ایشان آسمانها و زمینها فاسد و تباه میشد آیه مبارکه إِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ

در سوره مؤمنون

إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ در حدیث است یعنی الی ولایة امیر المؤمنین علیه السلام یعنی یا محمد دعوت
میکنی تو آنها را بسوی ولایت امیر المؤمنین و این مراد از صراط المستقیم است و تتمه آیه

مبارکه

مبارکه وَإِنَّ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاکِبُونَ در حدیث است یعنی
عَنِ الْإِمَامِ لَنَاکِبُونَ یعنی کسانیکه ایمان بآخرت نیاورده اند و انکار قیامت مینمایند از
امام هر آینه عدول کننده اند آیه مبارکه إِنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ مَا یُسِرُّونَ وَمَا یُعْلِنُونَ
إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْتَکْبِرِینَ یعنی خداوند عز و جل میداند چیزی را که پنهان میکنند و آنچیزی را که
اشکار میکنند و بدرستیکه او سبحانه دوست نمیدارد متکبرین را در حدیث است که مراد
از متکبرین کسانی اند که بر ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام متکبر شدند یعنی از روی کبر در دلهای
خود منکر ولایت آنجناب میباشند خداوند عالم دوست نمیدارد آنها را آیه مبارکه

در سوره نور

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکَاةٍ فِیهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی
زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَکَةٍ زَیْتُونَةٍ لَا شَرْقِیَّةٍ
وَلَا غَرْبِیَّةٍ یَکَادُ زَیْتُهَا یُضِیءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ
لِنُورِهِ مَنْ یَشَاءُ وَیَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ یعنی خدا نور
آسمانها و زمینها است صفت نور یکه منسوب باو است مانند روزنه ایست در دیوار
که نهایتش بخارج راه ندارد و مانند طاقچه پیش بسته که در آن چراغی افروخته در قندیلی
است از آبگینه که مصباح در آن نورانی تر است آن آبگینه از غایت صفا و لطافت گویا
ستاره ایست بزرگ درخشنده آن چراغ که در آبگینه است افروخته شده در ابتدا از
روغن درخت با برکت بسیار نفع که آن زیتونست که در زمین مقدسه رسته است
نه در جانب شرق است از معموره و نه در طرف غرب از معموره نزدیک است روغن آن درخت
روشنی دهد بنفس خود و اگرچه نرسیده باشد بآن آتش روشنی افروده باشد که روشنی

راه مینماید خدا بنور ثابت خود هر کرا میخواهد و بیان میکند مثلها را برای مردمان
و خدا بهمه چیز ها داناست از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده اند
الله نور السموات والارض مثل نوره جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
کمشکوة آن سینهٔ مبارکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است نور علم در آنجا
بنوت فیها مصباح المصباح فی زجاجة چراغیست در شیشه علم آن رسول الله است که بر گشته
است بسوی قلب جناب علی علیه السلام گویا قلب مبارک حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
زجاجه است الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة
ولا غربیة یعنی لا یهودیة ولا نصرانیة از جناب صادق علیه السلام منقولست که
فرموده اند این کوکب دری جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که افروخته شده
از شجرهٔ مبارکه ابراهیمیه نه یهودیست و نه نصرانی یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه
نار از جناب صادق علیه السلام مرویست که نزدیکست که علم خارج شود از
دهن عالم آل محمد که جناب امیر المؤمنین و امامان از اولاد آنحضرتست پیش از
آنکه نطق کند بان یعنی نور علم حضرت روشنی میدهد پیش از بیان نور علی نور
یعنی الامام فی اثر الامام آن امام بعد از امام است آیهٔ مبارکه فی بیوت اذن
الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه یعنی آن مشکوة در خانهائیست که خداوند اذن داده
که بلند شود و ذکر کرده شود نام خدا در آن خانها مراد از بیوت بروایتی خانهای انبیا
و خانه علی بن ابیطالب صلوات الله علیه از آنها است در حدیث دیگر از جناب باقر
علیه السلم منقولست که قتاده یکی از بزرگان علمای اهل سنت است عرض کرد جعلت فداک

قسم

قسم بخدا هر آینه بتحقیق نشستیم در پیش روی فقها پس قلب من مضطرب نشد پیش
روی هیچیک از آنها چنانکه مضطرب شد دلم در پیش روی تو حضرت فرمود آیا میدانی
در کجائی تو و کجا نشسته در مقابل بیوتی نشسته که خداوند عالم فرموده فی بیوت اذن
الله ان ترفع تا آخر آیه پس تو در آنجائی و ما آن بیوت هستیم قتاده عرض کرد صدقت
والله جعلنی الله فداک یا ابن رسول الله قسم بخدا مراد از بیوت خانهای گلی و سنگی
نیست بلکه شما اید آیهٔ مبارکه وَاِذا دُعوا اِلَی اللهِ وَرَسولِهِ لِیَحکُمَ بَینَهُم
اَن یَقولوا سَمِعنا وَاَطَعنا وَاُولئِکَ هُمُ المُفلِحونَ در حدیث وارد شده که مراد از
این آیه جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی چون خوانده شوند بکتاب خدا
و پیغمبر او تا حکم کند میان ایشان بوقت مخاصمه آنکه گویند شنیدیم قولترا و فرمان
برداریم امر ترا و اگرچه حکم بر ما باشد نه برای ما و آنگروه مؤمنان ایشانند
رستگاران و مراد از مفلحون آنجنابست آیهٔ مبارکه وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنوا
مِنکُم وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ کَمَا استَخلَفَ الَّذینَ مِن
قَبلِهِم وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دینَهُمُ الَّذِی ارتَضی لَهُم وَلَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمنًا
یَعبُدونَنی لا یُشرِکونَ بی شَیئًا وَمَن کَفَرَ بَعدَ ذلِکَ فَاُولئِکَ هُمُ الفاسِقونَ
وعده کرده است خدا و ند آنکسانیرا که ایمان آورده اند و عمل صالح نموده اند هر
آینه خلیفه کرداند خدا بتعالی ایشانرا در زمین یعنی بعد از پیغمبر چنانکه خلیفه کرداینده
اوصیارا قبل از آنها و هر آینه متمکن و ساکن سازد و با قوت کرداند خدا چنانکه
برای ایشان دین ایشانرا از دینی که برگزیده است برای ایشان که اسلام است و

هر اینه بدل دهد ایشانرا پس از ترس ایشان از دشمنان ایمنی از انها در حالتیکه عبادت
کنند مرا و شریک قرار ندهند با من شیئ را و هر کس بعد از این وعده کافر شود پس انها
ایشانند فاسقان از کتاب کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلم روایتست که
ایشان یعنی انانکه خدا ان وعده را با ایشان نموده جناب امیر المؤمنین و امامان
از اولاد انجناب علیهم السلم است یعنی چون خداوند عالم اوصیا خود کرد ایشانرا [طاهرین] انها را
بعد از رسول خود پس چنانکه قبل از انها اوصیا بعد از انبیای سلف را متمکن و
برقرار فرموده بود ایشانرا نیز متمکن و خلیفه کرد اند در کل روی زمین و مبدل کند
خوف ایشانرا بامن که احدی در عبادت پروردگار مخالفت ایشانرا نکند در اخر الزمان
در زمان ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه و سهل مخرجه و رجعت ائمه علیهم السلام چنانکه
ایه مبارکه هل ینظرون الا ان یاتیهم الله فی ظلل من الغمام تاویلش در رجعت است
مراد از غمام جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی انتظار نمیکشند مگر انکه
بیاید ایشانرا امر خدا و سخط خدا در سایه های از ابر یعنی جناب امیر المؤمنین علیه السلم
که غضب خدا است بر کفار و فجار متمم ایه مبارکه ومن کفر بعد ذلک فاولئک
هم الفاسقون و هر کسیکه بعد از ان منکر و کافر شود بولایت ایشان پس انهایند
فاسقان یعنی منکرین ولایت در ان وقت فاسقند ایه مبارکه یوم تشقق السماء
بالغمام ونزل الملائکة تنزیلا یعنی تشقق السماء بسبب طلوع الغمام منها یعنی شکافته
میشود اسمان بسبب طلوع ابر سفید از ان قبیل از جناب صادق علیه السلام روایت
کرده که غمام جناب امیر المؤمنین علیه السلام است ایه مبارکه ویوم یعض

در سوره فرقان

الظالم

الظالم علی یدیه ویقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا یا ویلتی لیتنی لم
اتخذ فلانا خلیلا یعنی روزیکه میگزد ظالم دو دست خود را که اولی باشد میگوید
ایکاش با رسول خدا راهی میداشتم یعنی علی بن ابیطالب را اخذ میکردم امام مقتدا و ولی
را دوست نمیگرفتم و او را اختیار نمینمودم ایه مبارکه لقد اضلنی عن الذکر
بعد اذ جاءنی وکان الشیطان للانسان خذولا یعنی هر اینه بتحقیق گمراه کرد مرا دومی
او از ذکر خدا بعد از انکه امد بسوی من ذکر خدا و حکم شد که ولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلم را قبول کنم در حدیثست که ذکر ولایت انحضرت است ایه مبارکه هو الذی
مرج البحرین هذا عذب فرات وهذا ملح اجاج یعنی خداوند عالم انکسیست که
خالی کرده دو دریا را باینگونه که مشتبه نشوند بیکدیگر یکی شیرین و یکی شور و تلخ
از کتاب کافی حکایت شده که از ائمه علیهم السلم وارد شده که خداوند عالم نشان داده ولایت
ما را بر دریاها هر کدام ولایت ما را قبول کردند شیرین و گوارا شد و هر یک که قبول
و منکر گردیدند شور و تلخ شدند ایه مبارکه هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله
نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا یعنی خدا انکسیست که خلق کرد از اب بشری را پس
او را نسب گردانید و داماد کرد و بود پروردگار تو دانا در کتاب مجمع و ابستن و
در احادیث معتبره نیز وارد شده است که ایه مبارکه در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلم
نازلست که انحضرت منسوب بود با جناب پیغمبر صلی الله علیه واله بسبب صلب که پسر عموی
انجناب بود و از صلب عبد المطلب بودند و داماد بود بجهت حضرت فاطمه سلام الله
علیهما حکایت شده از کتاب امالی باسناد معتبره که نسبت روایت داده بانس بن مالک

در سوره فرقان

قاموس
مرج البحرین
و امرجهما خلاهما لا
یلتبس احدهما بالاخر
فی المجمع
مرج البحرین یلتقیان
ای خلاهما لا
یلتبس احدهما
بالاخر

در سوره فرقان

میشود که از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کرده جعلت فداک علی برادر تست
فرمودند بلی علی بن ابیطالب برادر من است عرض کرد فدای تو شوم بیان فرما که علی چگونه
برادر تست حضرت فرمودند خدای عز و جل خلق کرد آبی را در زیر عرش سیصد هزار
سال قبل از خلقت آدم و ساکن کرد آنرا در میان لؤلؤ سبز فی غامض علمه الی
ان خلق آدم در غامض علم خود تا زمانیکه حضرت آدم را خلق کرد پس نقل نمود آن
آب را از آن لؤلؤ پس جاری نمود بصلب آدم و وقتیکه قبض روح آنحضرت نمود نقل کرد
آن آبرا بصلب شیث پشت در پشت تا بصلب عبد المطلب بعد از آن شق کرد
خداوند عالم نصف آنرا بصلب عبد الله و نصف دیگر را بصلب ابوطالب پس من از آن نصف
آب هستم و علی از نصف دیگر است پس علی بن ابیطالب علیه السلام برادر من است
در دنیا و آخرت آیهٔ مبارکه و یعبدون من دون الله ما لا ینفعهم و لا یضرهم
و کان الکافر علی ربه ظهیرا یعنی عبادت میکنند غیر خدا چیزی را که نفع و ضرری
با ایشان نمیرسانند و بود کافر بر پروردگار خود ظهیر لفظ علی بمعنی ضرر است و
الظهیر بمعنی المعون ای عونا علی ربه بالایذاء مثل قوله تعالی فان تظاهرا علیه ای
تعاونا یعنی عایشه و حفصه بایذاء النبی و بالسوء و کافر بر رب خود ظهیر است یعنی
هم پشت است بکافری مثل خود بر ضرر دین رب خود و در حدیث دیگر از قمی وارد
است که کافر در این آیهٔ مبارکه دومی است که بر جناب امیر المؤمنین علیه السلام ظهیر
بود یعنی دومی بر ضرر آنحضرت هم پشت بود با اولی آیهٔ مبارکه و الذین لا یدعون
مع الله الها آخر و لا یقتلون النفس التی حرم الله الا بالحق و لا یزنون و من

یفعل

یفعل ذلک یلق اثاما یضاعف له العذاب یوم القیمة و یخلد فیه مهانا
الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فاولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات و
کان الله غفورا رحیما یعنی هر کسی که زنا کند و قتل نفس نماید و با خدا بجز خدای
دیگر را بخواند برسد و به بیند جزای بدکاری خود را و گویند اثام چاهی است در جهنم
اگر سنگی از کنار او رها کنند در مدت هفتاد سال در قعر آن رسد و دوچندان کرده
شود مر او را عذاب در روز قیامت و مخلد است در جهنم مگر کسیکه توبه کند و ایمان
آورد و بکند کارهای شایسته پس خداوند عالم گناهان ایشانرا مبدل میکند
به نیکوئیها و هست خدا آمرزنده گناهان گناهکاران بتوبه و هست خدای تعالی
مهربان با ایشان در کتاب امالی روایت شده است که از جناب محمد باقر علیه السلام
سؤال کرده شد از تفسیر این آیهٔ مبارکه فرمودند آورده میشود مؤمن گناهکار یعنی
از شیعیان ما اهل بیت تا آنکه باز داشته میشود بموقف حساب در روز قیامت پس
خداوند عالم میباشد آنکسیکه مباشرت و قیام مینماید بحساب او و مطلع نمیگرداند
بر حساب او کسیرا از مردم پس میشناساند باو گناهان او را تا وقتیکه اقرار نماید
به بدیهای خود میفرماید خدای تعالی مر نویسندگان اعمال را که مبدل کنید اعمال
شیعه اهل بیت را بحسنات و ظاهر سازید آن حسنات را که کسی مطلع نشود بر
در آن هنگام خلایق میگویند ما کان لهذا العبد سیئة واحدة آیا نبود از برای
این بنده یک گناه بعد از آن امر میفرماید خداوند او را داخل بهشت کنید اولئک
یبدل الله سیئاتهم حسنات پس اینست تأویل آیه و این در گناهکاران از شیعیان

ما بخصوصه هست که گناهان ایشان را بدل که به نیکوئیها میکنند در حدیث
از ابی یحیی اللیثی روایتست از امام محمد باقر علیه السلام فرموده اند در روز قیامت
خداوند عالم امر میفرماید حسنات دشمنان را بگیرند ببرند و دوستان ما رد کنند و
گناهان شیعیان و محبان ما را گرفته بر دشمنان ما رد نمایند آیه مبارکه
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا یعنی و دیگر عباد الرحمن آنانند که از روی نیاز میگویند ای پروردگار
ما ببخش ما را از زنان ما و فرزندان ما کسیکه روشنی دیده ما باشد و بگردان ما را
برای پرهیزکاران پیشوا یعنی ما را چنان توفیق پرهیزکاری ده که شایسته امامت
متقیان باشیم از کتاب جوامع نقل شده که جناب صادق علیه السلام فرموده ما را
خداوند قصد کرده است و در روایت دیگر وارد شده است که این آیه در شان ما
نازل شده و از مناقب نقل شده که این آیه مبارکه که مخصوص بجناب ولایتمآبست که
اکثر دعای آنحضرت این بود ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرة اعین مراد از زوجه
جناب فاطمه علیها السلام است و از ذریات حسن و حسین علیهما السلام از حضرت امیر المومنین
علیه السلام مرویست که آنحضرت فرموده قسم بخدا من هرگز اولادی نخواستم
خوش رو و خوش قامت ولکن من از خداوند سوال کردم اولادی که مطیع باشند مر
خدایتعالی را و خائف و ترسناک باشند از خدای عز وجل تا آنکه هر گاه نظر کنم بسوی
او و حال آنکه مطیع باشد مر خدا را و از او خائف و وجل باشد چشم من روشن شود
معنی واجعلنا للمتقین اماما حضرت فرموده یعنی بگردان ما را برای متقیان امام و پیشوا

فی سورة الفرقان

اقتدا

اقتدا نمایند بکسانیکه قبل از ما بوده اند پس اقتدا نمایند بما متقیان که بعد از ما آیند
در حدیث دیگر از قمی مرویست که جناب صادق علیه السلام فرموده که ما اهل
بیت ناییم که این دعا را میکنیم و قمی فرموده که روایت شده بدرستیکه از ازواج ما
خدیجه کبری است و ذریات ما فاطمه زهرا است و قرة اعین حسن و حسین است و جعلنا
للمتقین اماما جناب علی بن ابیطالب و اولاد طاهرین علیهم السلام است مولف گوید
یعنی مراد از لفظ متقین ائمه سلام الله علیهم خواهد بود و بنابراین دعا کننده حضرت
رسول صلی الله علیه و آله میباشد نه حضرت امیر المومنین علیه السلام آیه مبارکه
وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ یعنی بگردان
برای من زبان راست یعنی زبان ثنا گو و ثنا خوان در میان پس آیندگان یعنی ثنای نیکو
نامی و آوازه مرا جاری گردان بر زبان کسانیکه از پس من آیند و بگردان مرا از وارثان
بهشت پر نعمت را آخرت در حدیث از قمی وارد است که لسان صدق جناب ولایتمآبست
آیه مبارکه وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ
مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ در شان جناب امیر المومنین
علیه السلام نازل شده است جناب محمد باقر و جناب جعفر صادق علیهما السلام فرموده اند
مراد از لفظ انه ولایت جناب امیر المومنین علیه السلام است آنچنان ولایتیکه نازل شده
در روز غدیر خم برای جناب امیر المومنین علیه السلام بلسان عربی او را و چونکه لسان
قوم حضرت ختمی مآب عربی بود علی بن ابرهیم قمی از جناب صادق علیه السلام روایت کرده
در تفسیر آیه مبارکه وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ

فی سورة الشعراء

فی سورة الشعراء

فی سورة الشعراء

خداوند عالم فرموده هرگاه نازل میکردیم قرآنرا بر عجم جماعت عرب ایمان نمی آوردند
و بتحقیق که نازل کرد خداوند عالم قرآنرا بر عرب پس عجم هم ایمان آوردند بقرآن پس
این آیه مبارکه در فضیلت عجم است آیهٔ مبارکه وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَاخْفِضْ
جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ بر روایت قبتی جواب این آیه وافیة الهدایة در مکه معظمه نازل شد جمع
نمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بنی هاشم را و ایشان چهل نفر بودند كُلّ واحِدٍ
مِنهُم يَأكُلُ الجذع وَيَشرَبُ الفِرَقَةَ فَاتَّخَذَ لَهُم طَعَاماً يَسِيراً بِحَسَبِ مَا أمكَنَ
فَأكَلُوا حَتَّى شَبِعُوا فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ مَن يَكُونُ وَصِيِّي
وَوَزِيرِي وَخَلِيفَتِي فَقَالَ أبُو لَهَبٍ جَزَّ مَا سَحَرَكُم مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ فَتَفَرَّقُوا
فَلَمَّا كَانَ اليَومُ الثَّانِي أمَرَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ فَفَعَلَ لَهُم مِثلَ
ذَلِكَ ثُمَّ سَقَاهُمُ اللَّبَنَ حَتَّى رَوَوا فَقَالَ رَسُولُ اللهِ أيُّكُم يَكُونُ وَصِيِّي وَوَزِيرِي
وَخَلِيفَتِي فَقَالَ أبُو لَهَبٍ جَزَّ مَا سَحَرَكُم مُحَمَّدٌ فَتَفَرَّقُوا فَلَمَّا كَانَ اليَومُ الثَّالِثُ
أمَرَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ فَفَعَلَ لَهُم مِثلَ ذَلِكَ ثُمَّ سَقَاهُمُ اللَّبَنَ
فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ أيُّكُم يَكُونُ وَصِيِّي وَوَزِيرِي وَيُنجِزُ
عِدَاتِي وَيَقضِي دَينِي فَقَامَ عَلِيٌّ عَلَيهِ السَّلَامُ وَكَانَ أصغَرَهُم سِنّاً وَأحمَشَهُم
سَاقاً وَأقَلَّهُم مَالاً فَقَالَ أنَا يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ أنتَ هُوَ معنی حدیث مبارک
اینست که جناب رسول خدا صلی الله علیه جمع فرمودند بنی هاشم را و ایشان
چهل نفر بودند هر یک از آنها یک بزغاله را میخوردند و یک خیک آب می آشامیدند
پس آنحضرت طعام کمی و سهلی که ممکن بود برای ایشان فراهم آورد پس خوردند تا همهٔ

شدند پس حضرت فرمودند که وصی و وزیر و خلیفهٔ من میشود پس ابولهب علیه اللعنه
گفت محمد شما را سحر کرده قطعاً پس متفرق شدند چون روز دویم شد حضرت جمع کرد
آنها را و بهمان قسم نمود پس آشامانید شیر را بایشان تا آنکه سیر شدند باز فرمودند
کدام یک از شما وصی و وزیر و خلیفهٔ من می شود باز ابولهب علیه اللعنه گفت محمد شما را
سحر کرده پس متفرق شدند پس چون روز سیم شد امر فرمودند جمع شدند و باز
بهمان نوع نمود پس آشامانید بایشان شیر را تا آنکه سیر شدند بعد از آن باز فرمود
کدام یک از شما وصی و وزیر و خلیفهٔ من میشود و وفا میکند بوعدهای من و ادا میکند
قرض مرا پس جناب امیر المؤمنین علیه السلام برخواست و حال آنکه کوچکترین ایشان
بحسب سن و باریکترین ایشان بود بحسب ساق و کمترین ایشان بود بحسب مال پس
عرض کرد یا رسول الله من هستم حضرت فرمودند تو هستی که خلیفهٔ من و وصی من
و وزیر من و وفا کنندهٔ بوعدهای من و ادا کنندهٔ قرض منست آیهٔ مبارکه
وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيْءٍ یعنی حضرت سلیمان
گفت ای مردم آموخته شدیم زبان مرغها را و از هر چیز داده شدیم در کتاب
بصائر از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که آنحضرت فرمودند
بابن عباس بدرستیکه خداوند عالم بما تعلیم فرمود زبان پرندگانرا چنانکه چون بسلیمان
ابن داود تعلیم نمود و همچنین آموخت زبان هر جنبنده را که در دریا میباشد عن الباقر
عَلَيهِ السَّلَامُ أنَّهُ وَقَعَ عِندَهُ زَوجُ وَرَشَانٍ عَلَى الحَائِطِ وَهَدَلَا هَدِيلَهُمَا فَرَدَّ
عَلَيهِمَا كَلَامَهُمَا سَاعَةً ثُمَّ نَهَضَا فَلَمَّا طَارَا عَلَى الحَائِطِ هَدَلَ الذَّكَرُ عَلَى الأُنثَى سَاعَةً

ثم نهضا فسئل علیه السلام ما هذا الطیر فقال کل شیٔ خلقه الله من طیر او
بهیمة او شیٔ فیه روح فهو اسمع لنا و اطوع من ابن ادم ان هذا الورشان ظن
بامرءة فحلفت له ما فعلت فقال لن ترضی بمحمد بن علی علیه السلام فرضیا بی فاخبرته
انه لها ظالم فصدقها از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که یکجفت
کبوتر سفید بخدمت آنحضرت از بالای دیوار بزمین فرود آمدند و آواز در دادند
و آواز خود را پس حضرت رد کرد برانها کلام ایشان را ساعتی یعنی تا یکساعت جواب ایشان
فرمود پس بر پا شدند و پریدند بر بالای دیوار کبوتر نر باماده ساعتی گفتگو کرد پس
بر پا شدند و پریدند پس از آنحضرت سؤال شد این مرغها چه بود و حکایت این پرندگان
چه پس حضرت فرمود هر چیزیکه خدا خلق کرده از پرنده و چرنده و یا چیزیکه صاحب روح است
مطیع تر و شنونده تر است برای ما از بنی آدم بدرستیکه این کبوتر نر بزوجه خود گمان بد
کرده بود پس جفتش قسم خورد برای او که نکرده این چیزی را که گمان کرده کبوتر گفت
راضی میشوی بمحاکمه محمد بن علی علیهما السلام پس راضی شدند بمن پس من خبر دادم او را که ظالم
است مرد و جفت اش را پس تصدیق نمود زوجه خود را اخبار کثیره دلالت دارد بر این معنی وارد است
که طیور و سایر حیوانات تکلم با ائمه سلام الله علیهم و اطاعت و انقیاد ایشان میکردند
ایه مبارکه قل الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی یعنی بگو حمد مر
خدا را است و درود بر بندگان او سبحانه آنانیکه ایشان را پسندیده است در کتب
جوامع روایتست که ایشان آل محمد اند که جناب علی و ائمه از اولاد طاهرین او صلوات
الله و سلامه علیهم میباشند ایه مبارکه امن یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف
السوء

السوء ویجعلکم خلفاء الارض از جناب صادق علیه السلام مرویست که این ایه نازل شده است
در شان جناب قائم آل محمد صلی الله علیه و آله یعنی او قسم بخدا آنجناب مضطر است
که چون دو رکعت نماز گذارد در مقام ابراهیم علیه السلام و بخواند خداوند عز و
جل را مقرون باجابت نماید دعای او را خداوند و برطرف سازد بدی را از او و خلیفه میکرداند
در روی زمین آنحضرت را ایه مبارکه و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم
دابة من الارض تکلمهم ان الناس کانوا بایاتنا لا یوقنون یعنی چون واقع
شود گفتار که آن وعده عذابست بر ایشان بیرون آوریم برای ایشان جنبنده از
زمین سخن گوید با ایشان آنکه مردمان بودند بسخنان ما از وعده و وعید حشر و
نشر از سر یقین تصدیق بان نمیکردند در تفسیر از جناب صادق علیه السلام روایت کرده
که روزی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بنزد جناب امیر المؤمنین علیه السلام تشریف
بردند در حالتیکه آنحضرت قدری از ریگ جمع کرده بر زیر سر گذاشته در مسجد خوابیده
بودند جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت دادند آنحضرت را و فرمودند برخیز یا
دابة الارض بعضی از اصحاب عرض کردند جعلنا فداک بنامند بعض از ما بعض دیگر را
باین اسم حضرت فرمودند لا والله نیست این اسم مگر مخصوص باو و این دابه ایست که
خدا ذکر فرموده تا آنجائیکه فرمودند یا علی چون آخر الزمان میشود خارج میکند خدا
ترا در احسن صورت و معک میسم تسم به اعدائک تا آخر حدیث وسم بسم داغ نهادنست
و میسم آلت داغ است یعنی در دست تو آلت داغ است که دشمنان خود را داغ مینمود
نشان میکنی از جناب صادق علیه السلام باز روایتست که شخصی از عمار بن یاسر سؤال

کرد که این آیه مبارکه ما را بنمایند و درباب ندا اخته عمار فرمود کدام آیه عرض کرد این آیه
مبارکه وَأَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ دابة الارض چیست و کیست عمار جواب داد که
نمیخورم و نمی آشامم و نمینشینم تا اینکه بنمو نشان دهم پس عمار با آنشخص آمدند بخدمت
باسعادت جناب امیر المؤمنین علیه السلام در حالتیکه آنحضرت خرما و مسکه تناول
میفرمودند حضرت فرمودند ای ابا الیقظان بیا بخور پس عمار آمد و نشست و با آن
جناب مشغول بخوردن شد پس آنشخص تعجب کرد پس چون عمار برخواست و آنهم برخواست
گفت سبحان الله تو قسم خوردی که نخوری و نیاشامی و ننشینی تا اینکه دابة الارض را
بمن نشان دهی عمار فرمود بتحقیق نمودم بتو دابة الارض را اگر دانا بودی متنبه میشدی
آیه مبارکه مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ
وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ یعنی هر کس بیاید به نیکوئی پس او را
جزائیست بهتر از آن فعل نیکو و ایشان از هول عظیم در روز قیامت ایمنند و هر که
بکند خصلت بد را پس نگونسار کرده شود روهای ایشان در آتش و در حدیث وارد
است که حسنه قسم بخدا که ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و سیئه
قسم بخدا پیروی دشمنان آنحضرت است در کتاب روضة الواعظین از جناب باقر علیه السلام
روایتست که حسنه ولایت و حب جناب امیر المؤمنین علیه السلام است سیئه عداوت
و بغض آنحضرت است و هیچ عمل با بغض و عداوت و بلند و مقبول نمیشود آیه مبارکه
وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ در حدیث وارد
است که آیات جناب امیر المؤمنین و ائمه از اولاد طاهرین اینجا بسنا اخر حاتب

قال

بعضی زدابه است که کره هینکو

در سوره نمل

در سوره نمل

قال امیر المؤمنین علیه السلام وَاللَّهِ مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي یعنی قسم بخدا از من بزرگتر آیتی
برای خداوند نیست آیه مبارکه إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي
مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ در شان جناب ابو طالب علیه السلام که پدر بزرگوار
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است در کافی از جناب صادق صلوات الله علیه روایت
شده که مثل ابو طالب مثل اصحاب کهف است که پنهان کردند ایمان را و کفر را ظاهر
نمودند صاحب تفسیر صافی میگوید جناب ابو طالب که ایمان خود را پنهان میکرد بجهة
آن بود که قدرتش زیادتر باشد بر نصرت و هواداری جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله فآتاهم الله اجرهم مرتین پس خداوند عالم داد ایشان را اجر دو مرتبه
یعنی دو اجر مید هند در احادیث وارد شده که شخصی بخدمت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام عرض کرد که تو در این مرتبه هستی که خدا تعالی بتو کرامت فرموده یعنی امیر مؤمنانی
و پدرت ابو طالب در آتش جهنم معذب میباشد حضرت فرمودند مه فض الله فاک
یعنی ساکت شو خدا دهان ترا بشکند قسم بخدائیکه محمد را برانگیخت برسالت بر حق
هرگاه پدر من هر گناهکاری را بر روی زمین شفاعت کند هر آینه خدا قبول میفرماید
هر آینه پدر من در آتش جهنم معذب میباشد و حال آنکه پسر او قسیم النار والجنة است
یعنی این نخواهد شد مؤلف گوید بخیال این شخص نادان که ابو طالب در
ایام جاهلیت بود ایمان در باطن نیاورده و در کفر بود اعوذ بالله چنانکه در حدیث وارد
است بخدمت جناب صادق علیه السلام عرض شد که مردم گمان میکنند که ابو طالب
کافر بود پس حضرت فرمودند دروغ گفتند چگونه او کافر است و حال آنکه این بیت از اوست

در سوره قصص

کرده است الم تعلموا انا وجدنا محمداً نبیاً کموسی خط فی اول الکتب ای هذا
الحکم ثبت در کتاب الاول ای اللوح المحفوظ یعنی ایا ندانسته اید شما بدرستیکه
ما محمد را یافته ایم پیغمبری مثل موسی نوشته شده است در کتاب اول که لوح محفوظ
باشد در حدیث دیگر وارد است که چگونه ابو طالب کافر است و حال آنکه او میگوید
این کلمات منظومه را لقد علموا ان ابننا لا مکذب لدینا ولا یعبأ بقول الاباطل
هر اینه بتحقیق دانسته اند بدرستیکه پسر ما تکذیب کرده شده نیست در نزد ما و اعتنا
کرده نمیشود بقولهای باطل کافران وابیض یستسقی الغمام بوجهه ثمال الیتامی
عصمة للارامل یعنی پاک دامن و نفس شریفیست که طلب باران کنند برای برکت
روی آنجناب یعنی ببرکت روی مبارک آنجناب طلب باران از خداوند میشود و فریادرس
متکفل امور یتیمان و حفظ نمای بیوه زنان یعنی پشت و پناه یتیمان و بیوه زنان
میباشد از جناب امام بحق ناطق جعفر بن محمد صادق علیه السلام روایت شده
است که فرموده جبرئیل نازل شده است بر رسول خدا صلی الله علیه و آله که یا
محمد بدرستیکه پروردگار تو سلامت میرساند و میفرماید که من حرام کردم آتش
جهنم را بر صلبی که فرود فرستاده است ترا و بطنی که ترا حمل کرده و کنار و حجریکه ترا نگاه
داشته پس صلب صلب پدرت که عبد الله بن عبد المطلب است و آنچنان بطنی که
ترا برداشته است پس آمنه بنت وهب است و اما حجر یعنی دامان پس دامان ابو
طالب است و این کنایه از تربیت است چون ابو طالب آنحضرت را تربیت کرد و متکفل
امور آنحضرت بود از طفولیت تا بزرگ شدند آیه کریمه لا اله الا هو کل

شیء

سورهٔ قصص

شیء هالک الا وجهه یعنی نیست خدائی جز او سبحانه هر چیز هالک میشود مگر وجه
خدا مؤلف گوید که خداوند جل و علا منزه و مبرا است از اینکه در حقیقت وجه داشته
باشد بلکه دین او هلاک نمیشود و هالک نمیگردد وجه او که ائمه هدی باشند آیات
و مظاهر حق هستند جناب صادق علیه السلام فرموده نحن وجه الله الذی لا یهلک
یعنی جناب امیر المؤمنین و ما امامان از اولاد طاهرین وجه الله میباشند که زایل
نمیشوند باز از آنحضرت روایتست که هر کس از طاعت خداوند و رسول و ائمه سر
نپیچد و هر چه امر کنند قبول نماید پس آن وجه خدا است که هلاک نمیشود حدیث
دیگر وارد است که وجه الله بالقراحة جناب امیر المؤمنین و اولاد آنجناب
مستطابست و عن الباقر علیه السلام فی هذه الآیة فیفنی کل شیء و یبقی وجه الله
والله اعظم من ان یوصف بالوجه و لکن معناه کل شیء هالک الا دینه و نحن
الوجه الذی یؤتی منه لن یزال فی عباده آیه مبارکه واقم الصلوة ان
الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر در احادیث و روایات وارد
است لکن صاحب تفسیر صافی متوجه نشده که صلوة اسامی جناب امیر المؤمنین علیه
السلام است که ولایت آنحضرت نهی میکند از فحشا و منکر از روایات دیگر که مستفاد
شده اولی و ذو یمنی است جناب امام محمد باقر علیه السلام فرموده نحن ذکر الله و
نحن اکبر یعنی ما هستیم ذکر خدا و ما هستیم بزرگتر آیه مبارکه وما یجحد بآیاتنا
الا الکافرون یعنی انکار نمیکنند آیات ما را مگر کافران از علی بن ابرهیم قمی حکایت
شده که گفته در ذیل این آیه یعنی ما یجحد بامیر المؤمنین والائمة علیهم السلام الا

سورهٔ عنکبوت

سورهٔ عنکبوت

در سوره عنکبوت

الکافرون یعنی انکار نمیکنند امیر المؤمنین و ائمه را مگر کفار ایه مبارکه
بل هو ایات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم در کتاب کافی روایتست که جناب
امام محمد باقر علیه السلام این ایه مبارکه را تلاوت فرمودند و اشاره فرمودند

بدست مبارک خود بسوی سینه مبارک خود یعنی ایات بینات در سینه های ائمه علیهم السلام
است که علم بایشان داده شده است ایه مبارکه والذین جاهدوا فینا

در سوره عنکبوت

لنهدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین یعنی کسانیکه جهاد میکنند در ما هر اینه
هدایت میکنیم ایشانرا بسوی راه خود و بدرستیکه خدا هر اینه با نیکوکارانست از جناب
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که فرموده اند این ایه مبارکه برای ال محمد و برای
شیعیان ایشانست یعنی کسانیکه جد و جهد کنند در راه ما ایشانرا بسوی ولایت ال محمد
که سبل ما هستند هدایت میکنیم پس انکسان شیعیان خواهند شد و ائمه از ال محمد
سبل و راههای خدا هستند از کتاب معانی حکایت شده که از انحضرت روایتست قال
امیر المؤمنین علیه السلام الا وانی مخصوص فی القران باسماء احذروا ان تغلبوا
علیها فتضلوا فی دینکم انا المحسن یقول الله عز وجل ان الله لمع المحسنین ایه

در سوره روم

مبارکه وله المثل الاعلی فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم یعنی برای خداست
مثل اعلی در اسمانها و زمینها و او است عزیز و حکیم در عیون اخبار از انحضرت امام رضا
علیه السلام مرویست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
میفرمودند یا علی انت المثل الاعلی در روایت دیگر است که فرموده اند در اخر خطبه نحن
کلمة التقوی و سبیل الهدی وله المثل الاعلی و در زیارت جامعه کبیره جواد به فرموده اند

در سوره روم

السلام علی ائمة الهدی تا انجا یکه میفرمایند و ورثة الانبیاء والمثل الاعلی ایه
مبارکه فاقم وجهک للدین حنیفا در حنیفی اشاره است بسوی ولایت جناب امیر

در سوره سجده

المؤمنین علیه السلام بروایتی ایه مبارکه انما یؤمن بایاتنا الذین اذا ذکروا
بها خروا سجدا وسبحوا بحمد ربهم وهم لا یستکبرون تتجافی جنوبهم عن
المضاجع یدعون ربهم خوفا وطمعا ومما رزقناهم ینفقون در کتاب علل از
جناب امام محمد باقر علیه السلام روایت شده تا انجا یکه میفرمایند نازل شده در
شان جناب علی بن ابی طالب علیه السلام و اتباع و شیعیان انحضرت شده که در اول شب میخوابند
پس چون دو ثلث از شب گذشت با هر وقتیکه خدا خواسته باشد فزع کرده استغاثه و التجا
میکنند بسوی خدای خود در حالتیکه ترسان هستند از عذاب خدا و طمع دارند در
انچیزیکه نزد خدا میباشد ظاهر مضمون ایه مبارکه جز این نیست که تصدیق مینمایند بایات
ما انچنان کسانیکه چون بخواطر ایشان اورده شود ایات ما می افتند بسجده و تسبیح مینمایند
با حمد پروردگار خود و ایشان تکبر نمیکنند کنار دور میشود پهلوهای ایشان از
خوابگاه خود و میخوانند خدای خود را از روی خوف و طمع و انفاق میکنند از چیزهائیکه
ما بایشان روزی داده ایم ایه مبارکه ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب

در سوره سجده

الاکبر لعلهم یرجعون یعنی هر اینه البته میچشانیم انها را از عذاب ادنی که نزدیک
تر است سوای عذاب اکبر که قیامتست شاید انها رجوع کنند در مجمع از انحضرت صادق
علیه السلام روایت شده است که فرمودند که جناب علی بن ابی طالب علیه السلام با
ولید بن عقبه مشاجره و مخاصمه نمودند ولید فاسق ملعون گفت انا والله ابسط منک

لنا

الکتیبه لشکر جنگی

لِسانًا وَاَحَدُّ مِنکَ سِنانًا وَاَمثَلُ مِنکَ جُثُوًّا فِی الکَتیبَةِ یعنی ان ملعون گفت من از
تو ابسط هستم از حیثیت زبان یعنی زبان دراز ترم از تو از حیثیت نیزه یعنی نیزه من از
تو تیزتر است و افضل هستم از تو از حیثیت ایستادگی بر نوک پا در میان لشکر بجهت
جنگ یعنی ایستادگی من در جنگ بیشتر از تو است اگر تو بتمام پا می ایستی من بنوک پا می
ایستم فَقالَ عَلِیٌّ عَلَیهِ السَّلامُ اُسکُت اِنَّما اَنتَ فاسِقٌ فَاَنزَلَ اللهُ تَعالی هذِهِ الایة
یعنی پس بعد از ان جناب علی علیه السلام در جواب ان ملعون فرمودند ساکت شو
جز این نیست که تو فاسق هستی پس خدا تعالی این ایه را نازل فرمود اَفَمَن کانَ مُؤمِنًا
کَمَن کانَ فاسِقًا و ایات دیگر را در کتاب احتجاج جناب امام حسن مجتبی علیه السلام
از جمله خبرها بکه در مجلس معویه فرموده این بود که بولید ملعون فرمودند اما تو ای ولید
عقبه پس من ترا والله ملامت نمیکنم اینکه تو دشمنی میداری جناب علی علیه السلام را
و حال انکه بتحقیق هشتاد تازیانه زد در وقتیکه تو شراب خورده بودی و پدر ترا
روز بدر کشته بدست مبارک خود در حالتیکه پدر تو محبوس بود یعنی دست بسته و
کاری نشوانست بکند با چگونه سب و دشنام میگوئی باو پس بتحقیق که خدا وند عالم نام
فرموده مؤمن ان جناب را در ده ایه مبارکه از قران و ترا فاسق نام نهاده ایست قول خدای
عز و جل اَفَمَن کانَ مُؤمِنًا کَمَن کانَ فاسِقًا لا یَستَوونَ صاحب تفسیر صافی فرموده که اخبار
از طریق خاصه و عامه بسر حد استفاضه سیده است که سبب نزول این ایات که اَفَمَن
کانَ مُؤمِنًا باشد تا اخر ایه مبارکه وَلَنُذیقَنَّهُم مِنَ العَذابِ در ولید بن عقبه علیهما اللعنة
ایهٔ مبارکه وَاعبُدُوا اللهَ وَلا تُشرِکوا بِهِ شَیئًا وَبِالوالِدَینِ اِحسانًا یعنی عبادت

نماید

فی سورهٔ احزاب

نمایند خدا را و شریک قرار ندهید با او سبحانه چیزی را و بوالدین خود احسان نمائید
عیاشی از جناب صادق علیه السلام روایت کرده و همچنین امام محمد باقر علیه السلام
فرموده اند که مراد از والدین جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله و امیر المؤمنین علیهما
السلام است چنانکه در بسیار احادیث وارد است فرموده اَنا وَعَلِیٌّ اَبَوا هذِهِ الاُمَّةِ
یعنی من و علی هر دو پدر این امت هستیم یعنی هر دو بر این امت پدر هستیم ایهٔ
مبارکه ما جَعَلَ اللهُ لِرَجُلٍ مِن قَلبَینِ فی جَوفِهِ یعنی خداوند عالم در جوف یک شخص دو
قلب خلق نکرده است در کتاب مجمع وارد است که ایه مبارکه نازل گردید برای اینکه
ابو معمر حمید بن معمر بن حبیب الفهری لعنهم الله مردی بود صاحب فطنت و ذکاوت حفظ
و هر چه میشنید حفظ میکرد همیشه میگفت که در جوف من دو قلب است میفهمم بهتر
یا از این دو قلب بهتر از عقل محمد و قریش او را ذو القلبین یعنی صاحب دو قلب نام
نهاده بودند پس چون روز بدر شد مشرکین فرار کردند و ابو معمر هم در نزد انها بود
و فرار میکرد ابو سفیان بن حرب با او ملاقات نمود دید که یکی از کفشهای خود را بدست
گرفته و دیگری در پایش میگریزد گفت یا ابا معمر حال مردم چگونه است گفت فرار
کردند گفت ترا چه شده میگریزی که یکی از نعلین خود در پا و یکی در دست در جواب گفت
نفهمیدم مگر انکه دو نعلین در پای من است بعد از ان مردم فهمیدند که دارا دو قلب
نبود چرا که یکی از نعلین در دستش بود و دیگری در پای او و نمیدانست و فراموش کرده
بود جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده جمع نمیشود دوستی ما و دوستی
دشمنان ما در جوف هیچ انسانی بدرستیکه خداوند در جوف یک مرد دو قلب خلق نکرده است

با یکی دوست بدارد و با یکی دشمن بدارد اما محبت ما پس خالص میکرداند دوستی را
از برای ما چنانکه خالص میشود طلا باتش هیچ کدر و غل و غش در آن نیست هر کس
هر کس اراده کند حب ما را بسنجد و بداند پس امتحان نماید قلب خود را که اگر مشارکت
کرده در دوستی ما دوستی دشمنان ما را یعنی آنها را نیز دوست دارد اشتراک از ما نیست و ما
از آنها نیستیم خداوند عالم و جبرئیل و میکائیل دشمن آنها است خدا تعالی دشمن
کافرین است آیه مبارکه النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ یعنی جناب
رسول الله صلی الله علیه و آله اولیست بمردم از نفسهای ایشان در هر امرها که
امر میکند با صلاح و نجاح معموبتهاید دنیا و آخرت آنها را چنانکه در حدیث
وارد است فرمودند در روز غدیر خم أَيُّهَا النَّاسُ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالُوا
بَلَىٰ ثُمَّ أَوْجَبَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ عَلَيْهِمْ مِنَ الْوِلَايَةِ فَقَالَ
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ یعنی ای مردم آیا نیستم اولی بشما از خود شما عرض کردند
بلی بعد از آن واجب کردانید برای امیر المؤمنین علیه السلام آنچیزی را که واجب کرده
بود برای نفس خود از ولایت پس فرمودند بدانید من مولای هر کسم پس علی مولای اوست
پس خداوند عالم جناب رسول خدا را پدر مؤمنین کردانید و لازم کرد مؤنه آنها را بر او
و تربیت یتیمان مؤمنین را این حضرت بالای منبر تشریف بردند و فرمودند مَنْ تَرَكَ
مَالًا فَلِوَرَثَتِهِ وَمَنْ تَرَكَ دَيْنًا أَوْ ضِيَاعًا فَعَلَيَّ وَإِلَيَّ فَأَلْزَمَ اللَّهُ نَبِيَّهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَا
يَلْزَمُ الْوَالِدَ وَأَلْزَمَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الطَّاعَةِ مَا يَلْزَمُ الْوَلَدَ لِلْوَالِدِ یعنی هر کس مالی بگذارد
بعد از خود برای وارث اوست و هر کس قرض بگذارد و یا عیال پریشان حال بگیرد قرض او بر ذمه

من امت

[illegible]

من است و امر عیال او نیز بمن پس خداوند لازم کردانید بر رسول خدا آنچه را که بر پدر
لازم است در حق ولد و لازم کردانید بر مؤمنین اطاعت نمودن او را از آنچه لازم است بر
اولاد پدر را همچنین لازم کردانید بر جناب امیر المؤمنین علیه السلام و بر ائمه آنچه را بر
جناب رسول خدا لازم کردانیده بود جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
پدران این امت هستند بدلیل اینکه خدای تعالی فرموده آیه مبارکه وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ
لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا والدین جناب رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما
السلام است در کتاب علل از جناب امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کردند چرا جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله بابو القاسم مکنی شد فرمودند که آنحضرت را فرزندی
بود قاسم نام از این سبب مکنی شد باین کنیه پس سائل عرض کرد ای فرزند رسول خدا
آیا مرا از اهل زیادتی میبینی حضرت فرمودند بلی آیا نمیدانی که رسول خدا فرمودند أَنَا وَ
عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ گفت بلی فرمود آیا نمیدانی که رسول خدا پدر جمیع این امت و از
جمله امت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است عرض کرد بلی فرمود آیا که نمیدانی
که علی قاسم نار و جنت است عرض کرد بلی فرمود پس جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله ابو
القاسم گفتند از جهت آنکه او پدر قاسم جنت و نار است عرض کرد معنی این چیست فرمود
بدرستیکه شفقت حضرت بر امت مثل پدرها است بر اولاد خود و افضل امت جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام است و بعد از پیغمبر شفقت جناب علی علیه السلام بر
امت مثل شفقت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود زیرا که او خلیفه و وصی
او است و امام است بعد از او پس باین جهت فرمودند أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ تا آخر حدیث

در کتاب کافی از سلیم بن قیس روایتست که من شنیدم از عبد الله بن جعفر الطیار که می
گفت من و حسن و حسین و عبد الله بن عباس و ام سلمه و اسامة بن زید در نزد معویه لعنه الله
بودیم در میان من و معویه کلامی گذشت گفتم باو که من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه
و اله که فرمود من اولی هستم بمؤمنین از نفسهای ایشان بعد از من علی بن ابی طالب که
برادر منست اولیست بر مؤمنین از نفسهای ایشان پس بعد از شهادت او حسن بن علی
اولیست بمؤمنین پس بعد از ان حسین که پسر من است اولیست بمؤمنین از نفسهای ایشان
پس وقتی که شهید شود حسین پسر او علی بن الحسین اولیست فرمود یا علی زود باشد او را
ببابی و ملاقات کنی او را پس بعد از و پسر او محمد بن علیست که اولیست بمؤمنین از
نفسهای ایشان و فرمود که زود باشد که درک و ملاقات کنی او را یا حسین پس حضرت
کامل کردانیدند دوازده نفر عدد ائمه را که نه نفر از ایشان اولاد جناب علی امام حسین
علیه السلام می باشند عبد الله بن جعفر میگوید طلب شهادت کردم از حسن و حسین و
عبد الله بن عباس و عمر بن ام سلمه و اسامة بن زید پس شهادت دادند برای من در
نزد معویه سلیم گفت که من شنیدم از سلمان و ابی ذر و مقداد که گفتند ما شنیدیم
این را از جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله از جناب صادق علیه السلام مرویست
که فرموده ان النبی قال انا اولی بکل مؤمن من نفسه و علی اولی من بعدی یعنی من
اولی هستم بر هر مؤمن از نفس خود و علی علیه السلام بعد از من اولی است بر این آیه
مبارکه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا یعنی
جز این نیست که خدا تعالی میخواهد ببرد از شما اهل بیت بدی و رجس را و طاهر و طیب

نماید

نماید پاک کردنی جناب امام محمد باقر علیه السلام فرمود که این آیه مبارکه نازل شد
در شان جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله و جناب علی بن ابیطالب علیه السلام
و جناب فاطمه و جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهم السلام و نزول این آیه مبارکه
در خانه ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و اله شد پس خواند جناب رسول خدا
صلی الله و اله جناب امیر المؤمنین را و جناب فاطمه و جناب امام حسن و جناب امام
حسین علیهم السلام را بعد از ان پوشانید ایشان را عبای خیبری که مال انجناب بود بعد
از ان فرمودند اللهم هؤلاء اهل بیتی الذین وعدتنی فیهم ما وعدتنی اللهم
اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا یعنی خدا وندا اینها اهل بیت منند ان اهل
بیت که تو وعده کرده درانها چیزی را که وعده کرده بار الها ببر از ایشان رجس را و پاک
کن انها را پاک کردنی ام سلمه عرض کرد یا رسول الله من هم با ایشان هستم حضرت فرمودند
بشارت باد ترا ای ام سلمه پس بدرستیکه تو بسوی خیر هستی یعنی برگشت امر تو بخیر است
و تو از خوبانی در حدیث دیگر فرمودند ای ام سلمه این آیه مبارکه نازل شد در خصوص
من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از اولاد حسین و غیر داخل نیست آیه مبارکه
ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله
بکل شیء علیما یعنی نیست محمد پدر احدی از شما مردان و لکن رسول خدا است و خاتم
النبیین آیا بمعنی که نیست پدر کسی بر سبیل حقیقت که ثابت شود میان انجناب امری
و میان دیگران انچیزیکه در میان پدر و فرزند ثابتست که مانع از مصاهرت باشد
یعنی نتواند زوجه کسی را که ادعای فرزندی او مینماید تزویج کند که مانع شود از تزویج

بلکه رسول الله و خاتم انبیا است از جناب رسول خدا در کتاب مناقب روایت کرده که
فرموده یا علی من خاتم انبیا هستم و تو خاتم اوصیا خود جناب امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده اند که جناب محمد صلی الله علیه و آله خاتم هزار نبی است و من خاتم هزار وصی
و من مکلف شده ام بر چیزی که انها مکلف نشده اند آیهٔ مبارکه هُوَ الَّذِي يُصَلِّي
عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا یعنی خداوند
عالم و ملائکه او صلوات میفرستند بر شما تا خارج کنند شما را از ظلمات بسوی نور
ایمان حضرت صادق علیه السلام فرموده هر کس ده صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
خداوند صد صلوات بر او میفرستد و هر کس صد صلوات بفرستد خداوند عالم
و ملائکه او عز و جل هزار صلوات میفرستند چنانکه خداوند عالم در آیهٔ مبارکه میفرماید
هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ در مجمع از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود
صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَعَلَى عَلِيٍّ سَبْعَ سِنِينَ وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْنَا أَحَدٌ غَيْرِي وَغَيْرُهُ
یعنی صلوات فرستاد ملائکه بر من و بر علی بن ابیطالب علیه السلام هفت سال و آن
بجهت این بود که احدی غیر از من و غیر از علی نماز نکرد آیهٔ مبارکه إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ
يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا یعنی بدرستیکه
خدای تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر پیغمبر ای آنکسانیکه ایمان آورده اید صلوات
فرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا یعنی سلموا له بالولایة یعنی تسلیم
نمائید از برای آنجناب بصاحب اختیاری و بولایت تسلیم نمائید از جناب صادق علیه السلام
سؤال کردند چگونه صلوات فرستیم فرمودند بگوئید صلوات الله و صلوات ملائکته

وانبیاءه

وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ عرض کردند ثواب این نحو صلوات به پیغمبر چیست فرمودند الْخُرُوجُ مِنَ الذُّنُوبِ
وَاللَّهِ كَهَيْئَةِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ یعنی خارج شد نست از گناهان بخدا قسم مثل روزی است
که از مادر متولد شده باشد آیهٔ مبارکه يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ
يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا یعنی روزی هست که بگردد و منقلب شود
روی کفار در آتش از حالی بحال دیگر میگویند ای کاش اطاعت میکردیم خدا و رسول
خدا و رسول خدا را از علی بن ابیطالب روایتست یعنی و لایت امیر المؤمنین را کاش
ما قبول میکردیم آیهٔ مبارکه وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا
السَّبِيلَا یعنی خداوندا بدرستیکه ما اطاعت کردیم سادات و بزرگان خود را انها پس
راه ما را گم کردند و ما را گمراه نمودند و بضلالت انداختند از قمی روایتست که این کنایه از
کسانیست که غصب کردند حق آل محمد را که از طریق بهشت و سبیل حق گمراه شدند سبیل
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است آیهٔ مبارکه وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا یعنی هر کس اطاعت خدا و رسول خدا کند پس بتحقیق که رستگار می شود
رستگاری عظیم در کافی از جناب صادق علیه السلام روایتست که خداوند عالم
فرموده وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ اطاعت خدا و رسول در قبول کردن ولایت علی بن
ابیطالب و اولاد آنحضرتست و اینست رستگاری عظیم همچنین آیهٔ مبارکه إِنَّا عَرَضْنَا
الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ
إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا یعنی بدرستی که نشان دادیم امانت را بر آسمانها و زمینها و کوهها پس ابا

وامتناع نمودند از اینکه متحمل شوند او ترسیدند از ان وانسان بار امانت را کشید بدرستیکه

که او ظلوم وجهول بوده است در معانی و در عیون از جناب صادق صلوات الله علیه

روایتست که امانت ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است چنانکه در ایه

مبارکه دیگر وارد شده است ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی

بدرستیکه خدا تعالی امر فرموده است اینکه ادا نمایید امانت را بسوی اهل ان و غصب

ننمایید علی بن ابرهیم قمی ره روایت کرده که امانت ولایت جناب امیر المؤمنین

علیه السلام است یعنی امانت که امر و نهی باشد که خداوند عالم نمود بر اسمانها

زمینها و بر کوهها پس ابا و امتناع نمودند از تحمل ان که قبول نمایند پس انسان که

اولی است حمل نمود و غصب کرد و ظلوم و جهول بود یعنی ظالم و جاهل بود چنین

این دو لفظ صفة مشبهة بمعنی اسم فاعل است در عوالی مذکور است که جناب

متقیان علی بن ابیطالب علیه السلام زمانیکه وقت نماز میرسید متزلزل میشد و

بر خود میپیچید و رنگ مبارکش تغییر میکرد پس عرض میکردند تراچه میشود یا امیر

المؤمنین میفرمودند وقت نماز امد وقت امانتست که خداوند عالم بر کوهها

و بر اسمانها و زمینها تکلیف نمود و نشان داد ترسیدند مؤلف گوید نظر

باینمعنی امانت بنماز تفسیر شده و بجناب امیر المؤمنین علیه السلام صلوة تفسیر شده است

چنانکه گذشت در تفسیر ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر که صلوة عبارت است

از انجناب پس بنابر این برگشت این روایت بروایت سابق و اینمعنی دیگر بیست

در سوره سبا

ایه مبارکه ویری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق یعنی یا

محمد

یا محمد می بینند کسانیکه داده شده اند علم را انچنان علی که نازل شده است بسوی تو از پروردگار

تو که ان حق است از علی بن ابرهیم قمی حکایت شده که بسند معتبر روایت کرده که

انجناب علیه السلام است چه انحضرت را تصدیق کرده رسول خدا در انچیزیکه نازل کرده

است خدا بر رسول خود متمم ایه مبارکه ویهدی الی صراط العزیز الحمید یعنی راه مینماید

انچه نازل شده بسوی راه خداوندی که غالبست و بر همه ستوده بر نعم دنیویه و اخرویه بیان

صراط در دیباچه گذشته در ایات مبارکه هر جا لفظ صراط است تاویل بجناب امیر

المؤمنین علیه السلام است که خود انحضرت است یا ولایت دوستی او ایه مبارکه وجعلنا

بینهم وبین القری التی بارکنا فیها قری ظاهرة وقدرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و

ایاما امنین یعنی گردانیدیم میان اهل سبا و اهل ان دهها که بکرم عمیم خود برکت داده ایم در

ان بکثرت ابها و درختها و زرعها دهها معمور اشکارا متواصل بیکدیگر که از هر قریه

قریه دیگر از او توان دید و تقدیر کردیم در ان دهها رفتن مردم را که کسی صبح از منزل

حرکت میکرد قیلوله را در منزل دیگر میکرد اگر عصر حرکت میکرد شب بمنزل میرسید گفتیم

که سیر کنید شبها و روزها در ان دهها در حالتیکه امان یافتگان باشید از دشمن و

درندگان بجهت کثرت خلق در احتجاج از حضرت باقر علیه السلام مرویست که در حدیث بصری

در معنی این ایه مبارکه فرمودند بلکه خداوند عالم در خصوص ما در قران مجید مثلها

بیان فرموده فنحن القری التی بارک الله فیها یعنی ماییم ان قریهای انچنانیکه خدا برکت داده است

در ان واینست قول خداوند عالم در انکسیکه اقرار کند بفضل ما از انجائیکه امر کرد ایشان را

خداوند بسوی ما بیایند پس خداوند عالم فرموده وجعلنا بینهم وبین القری التی بارکنا

در سوره سبا

فيها قرى ظاهرة يعنی قرار داديم ميان ايشان يعنی شيعيان و ميان امامان صلوات الله
عليهم که تعبير از ايشان شده انها چنان بقرای مبارکه قرای ظاهره را قرای ظاهره
رسولان هستند و النقلة عنا الی شيعتنا و فقهاء شيعتنا و نقل کنند کان از ما
بسوی شيعيان ما و فقهای شيعيان ما و قول خداوند عالم که فرموده و قدرنا فيها السير
پس سير مثل است برای علم که سير کرده ميشود بان در نافلان و رسولان ليالی و اياما
که فرموده سبحانه عز و جل مثل است برای چيزيکه سير ميکنند از علم در شبها و روزها از ما
بسوی ايشان در حلال و حرام و فرايض و احکام در حاليکه ايمن اند در انها هر که اخذ کرده
اند انها را از معدن ان چنان معدنيکه مامور شده اند اخذ کنند از ان معدن در حاليکه
ايمن باشند از شک و ضلال و منتقل شدن از حرام بسوی حلال يعنی ايمن اند از انکه حلال
مبدل انند حرام باشد در کتاب اکمال از جناب قائم عجل الله فرجه روايتست که فرمودند
در معنی اين ايه مبارکه نحن والله القرى التی بارك الله فيها و انتم القرى الظاهرة يعنی
قسم بخدا ما هستيم قريهايی که برکت داده است خدا در انها و شما شيعيان ما قرای ظاهره
هستيد و اينم نقل شد در احتجاج ترجمه اين عبارت بود هر چند که تکرار است ولی
خوش ايند بود که الفاظ ان نقل شود و عبارت اينست فی الاحتجاج عن الباقر عليه السلام
بل فينا ضرب الله الامثال فی القران فنحن القرى التی بارك الله فيها و ذلك قول
الله عز و جل فيمن اقر بفضلنا حيث امرهم ان ياتونا فقال و جعلنا بينهم و بين
القرى التی باركنا فيها ای جعلنا بينهم و بين شيعتهم قرى ظاهرة و القرى الظاهرة
الرسل و النقلة عنا الی شيعتنا و فقهاء شيعتنا و قوله سبحانه و قدرنا فيها

السير

السير فالسير مثل للعلم سير به فيها ليالی و اياما مثل لما يسير من العلم فی الليالی و
الايام عنا اليهم فی الحلال و الحرام و الفرائض و الاحکام امنين فيها اذا اخذوا
عن معدنها الذی امروا ان ياخذوا منه امنين من الشك و الضلال و النقلة
من الحرام الی الحلال ايه مبارکه قل انما اعظكم بواحدة يعنی ای پيغمبر بگو
بمردم که موعظه ميکنم يعنی نصيحت و ارشاد ميکنم شما را بيک خصلت عن الكافی و القمی
عن الصادق عليه السلام قال انما اعظكم بولاية علی عليه السلام هی الواحدة التی
قال الله در کتاب کافی علی بن ابرهيم قمی از جناب صادق عليه السلام روايت
کرده که خداوند عالم فرموده انما اعظكم بولاية علی و ولايت جناب علی ان واحده است
که خدا فرموده ايه مبارکه اليه يصعد الكلم الطيب و العمل الصالح يرفعه
يعنی بسوی خداوند بلند ميشود کلم الطيب و عمل صالح را بلند مينمايد از جناب صادق
عليه السلام روايتست که کلم الطيب اينست که مؤمن بگويد لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله و خليفة رسول الله فرمودند و عمل صالح اعتقاد است
بدل اينکه اين کلمات که گفته حق است از نزد خدا و شکی نيست در اين از جانب
پروردگار عالميان از کتاب کافی حکايت شده که از جناب صادق عليه السلام مرويست
است که در تاويل اين ايه مبارکه فرموده و لايتنا اهل البيت و اومی بيده الی صدره
فمن لم يتولنا لم يرفع الله له عملا يعنی ولايت ما اهل بيت است و اشاره فرموده بادست
بسينه مبارك خود پس هر کس قبول ولايت ما نکند بلند نميفرمايد خداوند عالم از
برای او عمل نيکی را در احاديث ديگر هم وارد شده که عمل صالح قبول کردن ولايت جناب

النقله بضم نون بمعنی انتقال است

المؤمنین علیه السلام است که هیچ عملی بدون ولایت آنحضرت باسمان نمیرود
و مؤلف گوید چنانکه در زیارت جامعه وارد شده و بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة
ولکم المودة الواجبة تمت **آیه مبارکه** والذین یمکرون السیئات لهم عذاب شدید
یعنی آنانکه مکر میکنند مکرهای بد را مراد مکرهای قریش است نسبت بحضرت رسالت
مر ایشانرا عذابیست سخت در آخرت مرحوم فیض در تفسیر صافی فرموده که آیه مبارکه
شامل مکرهای اصحاب سقیفه است در رد نمودن وصیت رسول خدا صلی الله علیه
و آله را در باره وصی خود جناب امیر المؤمنین علیه السلام و شامل هر مکر بدی که غیر از اینها
باشد مؤلف گوید چون بعضی تخصیص داده اند بمکرهای قریش نسبت بحضرت رسالت
مرحوم فیض در مقام رد این کلام فرموده و لا عموم آیه واضح است و محتاج ببیان نیست
آیه مبارکه انا ارسلناک بالحق بشیرا ونذیرا وان من امة الا خلا فیها نذیر یعنی
بدرستیکه ما فرستادیم ترا باین حق که اسلام است در حالتیکه مژده دهنده
بحق و ترساننده از عذاب و عقوبت و نبوده هیچ از امم سابقه مگر اینکه گذشته در
میان ایشان ترساننده از کافی حکایت شده که از جناب باقر علیه السلام منقولست
که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا نرفت مگر انکه از برای بجناب فرستاده
شده بجهت رسانیدن احکام بامت و ترسانیدن ایشان از عذاب خداوندی بود پیرا که
گفته شود که نبوده پس بتحقیق که ضایع کرده خواهد بود جناب رسول خدا صلی الله علیه
و آله کسانیرا که از زمان در کمراهی بودند از زمان خود بودند تا زمان آنجناب یعنی چون بر نفرض
کسی احکام خدا را بایشان نمیرساند پس ایشان ضایع و گمراه میشوند عرض شد بخدمت

حضرت

حضرت آیا کفایت نمیکند امت را قرآن بجهت گمراه نشدن امت حضرت فرمودند بلی اگر
بیابند از برای قرآن کسیرا که تفسیر آن نماید عرض شد بخدمت آنحضرت که آیا حضرت رسول
صلی الله علیه و آله تفسیر نفرموده قرآنرا فرمود بلی از برای یکنفر تفسیر فرموده و شان او را
برای امت واضح کردانید و آن جناب علی بن ابیطالب است علیه السلام **آیه مبارکه**
ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد
ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک هو الفضل الکبیر یعنی بعد از آنکه ما کتابهای
متقدمه را بر امم سابقه فرستادیم بمیراث دادیم قرآنرا بآنانکه برگزیدیم از بندگان
خود پس بعضی از بندگان برگزیده ستم کردند بر نفس خود و برخی از ایشان میانه رو بودند
وجمعی دیگر از ایشان پیشی گیرنده اند به نیکوئیها بامر خدا و این توریث و اصطفاء او است
بخشایش بزرگ و مرحوم فیض آیه را باین قسم معنی کرده میفرماید بعد از آن بمیراث
دادیم کتاب را بآنکسانیکه برگزیدیم از عباد خود پس بعضی از ایشان ظالم بر نفس خود
شدند یعنی امام زمان خود را نشناختند و بعضی مقتصد شدند که امام خود را
شناختند و بعضی سبقت کرفتند بسوی خیرات باذن خدا که خود امام علیه السلم
باشد این است فضل کبیر از کتاب بصائر نقل شده که از جناب باقر علیه السلام روایت
شده که آیه مبارکه در شان اولاد جناب علی و فاطمه علیهما السلام است در کافی
از آنجناب روایت شده که سابق بالخیرات امام است و مقتصد عارف بحق امام
است و ظالم بر نفس آنکس است که امام خود را نشناسد و از کاظم علیه السلم
انه تلا هذه الآیة فقال نحن الذین اصطفانا الله تعالی و اورثنا هذا الکتاب فیه

بِتِبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ یعنی حضرت کاظم این ایه را خواند و فرمود پس ما انکسانی هستیم
که پسندیده است ما را خداوند عالم و بمیراث داد بما این کتاب آکه در او بیان
هر چیزی هست از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از این ایه مبارکه رضا
انحضرت فرمودند در شان اولاد فاطمه علیها السلام است السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ امام
است و منهم مقتصد عارف بر امام است و ظالم لنفسه انکسیست که امام را
نشناسد در مناقب از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده این ایه
مبارکه نازل شده در حق ما و در حق ذریه ما و از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که فرموده ایشان یعنی بندگان برگزیده ال محمد اند از مجمع حکایت شده که از حضرت باقر
علیه السلام مرویست بعد از انکه بیان ظالم لنفسه و مقتصد میفرمایند فرموده اند اما السابق
بالخیرات جناب علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهما السلام است و کسیکه از ال
محمد شهید شده و از سعد السعود حکایت شده که نیز از انحضرت روایت شده که
سابق بالخیرات را همین نحو میفرمایند که ذکر شد در مجمع از جناب رسول خدا صلی الله
علیه و اله مرویست که سابق بالخیرات پس داخل بهشت میشود بغیر حساب و اما مقتصد
پس حساب کرده میشود حساب یسیری یعنی اسان و اما ظالم بر نفس خود حبس میشود در مقامی بعد
ازان داخل بهشت میشود پس انها کسانی هستند که میگویند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا
الْحَزَنَ وَعَنْ سَعْدِ السُّعُودِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَدِيثٍ يَذْكُرُ فِيهِ مَا أَعَدَّ
اللّٰهُ لِمُحِبِّي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ قَالَ فَإِذَا دَخَلُوا مَنَازِلَهُمْ وَجَدُوا الْمَلَائِكَةَ
يُهَنُّونَهُمْ بِكَرَامَةِ رَبِّهِمْ حَتّٰى إِذَا اسْتَقَرُّوا قَرَارَهُمْ قِيلَ لَهُمْ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا

قَالُوا نَعَمْ رَبَّنَا رَضِينَا فَارْضَ عَنَّا قَالَ بِرِضَايَ عَنْكُمْ وَبِحُبِّكُمْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّي حَلَلْتُمْ دَارِي
وَصَافَحَتْكُمُ الْمَلَائِكَةُ فَهَنِيئًا هَنِيئًا عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ لَيْسَ فِيهِ تَنْغِيصٌ فَعِنْدَهَا قَالُوا
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ یعنی از کتاب سعد السعود
حکایت شده که از حضرت رسول صلی الله علیه و اله منقولست در حدیثیکه انحضرت ذکر
میفرمایند در ان حدیث انچه را خدا تعالی در روز قیامت برای محبین جناب امیر المؤمنین
علیه السلام مهیا فرموده انحضرت فرموده چون محبین جناب امیر المؤمنین علیه السلام
داخل منازل خود میشوند می یابند ملائکه را که ایشانرا تهنیت میگویند بسبب کرامی
داشتن خداوند ایشانرا تا اینکه چون قرار گیرند در مقر خود گفته میشود مر ایشان را
که ایا حق و صدق یافتید انچه را که پروردگار شما وعده داده بود شما را میگویند اری
ای پروردگار ما راضی و خشنود شدیم از تو پس تو راضی شو از ما خداوند عالم میفرمایند
بسبب رضای من از شما و بسبب دوست داشتن شما اهل بیت حبیب و پیغمبر مرا نزول
نمودید در سرای من و مصافحه کردید با ملائکه من پس گوارا باد گوارا باد عطائیکه هرگز
قطع شدن و تمامی ندارد و نیست در ان کدورت و اوقات تلخی چنانچه نعیم دنیا امیخته است
بالغم و کدورت نعمای اخرت چنان نیست یا اینکه معنی دیگر اینست که نیست در ان حرکت
و انتقالی پس از استماع این کلمات میگویند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ تا اخر ایه
ایه مبارکه إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا یعنی بدرستی که خداوند
نگاه میدارد اسمانها و زمینها را بجهت کراهت و نخواستن انکه زائل شوند از اماکن خود
چون ممکن زاد در حال بقا ناچار است از نگاه داشتن در اکمال از حضرت رضا علیه السلام در

تنغیص بضاد مهمله بیفطن
نکاهبرد ن تا موش گفتن
نغص الله علیه العیش
نغصه و علیه تکدیر و
بضاد معجمه با نفطرما شد
نغض تحرک و اضطرب
کالتنغض و نغض ناموس
و لیکن بعید است که این
لفظ حدیث باشد

حدیث فرموده بنا تمسک السموات والارض ان تزولا یعنی بسبب ما نگه داشته است خداوند عالم آسمانها و زمینها را از اینکه برطرف شوند و از ائمه اطهار صلوات الله علیهم منقولست

که فرمودند لولا ما فی الارض منا لساخت باهلها یعنی هرگاه نمی بود کسی در روی زمین از ما هر آینه فرو میبرد زمین اهلش را آیهٔ مبارکه یس والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین

علی صراط مستقیم معنی یس اشاره برسول خدا صلی الله علیه و آله است زیرا و اول سورهٔ قرآن نظیر این اشارات گذشته است بعضی گفته اند معنی یس بلغت طی یا انسان است

از معانی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده اند و اما یس پس اسمی است از اسماء جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و معنیش یا ایها السامع الوحی است یعنی

ای شنونده وحی و از خصال حکایت شده که از حضرت صادق یا باقر علیه السلام حکایت شده که فرموده بدرستی که برای جناب رسول خدا ده اسم است پنج اسم در قرآن است و

پنج در قرآن نیست آنچه در قرآن است محمد و احمد و عبدالله و یس است از مجالس حکایت شده که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که در تفسیر قول خداوند

عز و جل در قرآن مجید سلام علی آل یس فرموده است یس محمد است و مائیم آل محمد معنی آیه اینست ای محمد بحق قرآن محکم و استوار از نقص و عیب قسم بدرستیکه بیشک

و شبهه از جمله فرستاده شدگانی بر راه راست مؤلف گوید که در اول کتاب ذکر شده که در هر جای قرآن که صراط مستقیم است ولایت جناب علی علیه السلام است آیهٔ

مبارکه لقد حق القول علی اکثرهم فهم لا یؤمنون یعنی البته بتحقیق که راست شد گفتار ما بعذاب بر اکثر ایشان پس ایشان ایمان نخواهند آورد بر صفت کفر مستقر

خواهند

خواهند گرفت مراد که واضح شده است از اکثر ایشان که راست شده است گفتار خدا بعذاب با ایشان کسانی اند که اقرار بولایت امیر المؤمنین نمیکنند کما روی انه قال الصادق

علیه السلام من لا یقرون بولایة علی امیر المؤمنین والائمة من بعده یعنی از کسانی که اقرار نمیکنند بولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد او امامان بعد از

آنجناب فهم لا یؤمنون فرمود یعنی ایمان نمی آورند بامامت جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اوصیاء بعد از آنحضرت پس چون اقرار نکردند مبتلا شدند بعقوبتها الی آخر آنکه ذکر فرموده است

خداوند عالم در آیه مبارکه بعد مؤلف گوید از این تفسیر امام علیه السلام مستفاد میشود که در آیهٔ سابقه که اصل انذار ایشان هم از مخالفت امیر المؤمنین علیه السلام

و قبول نکردن ولایت آنجناب بوده است و از ولایت هم غافل شده چنانکه از خدا و رسول غافل شدند چنانکه از خدا و رسول غافل میباشند آیهٔ مبارکه انما تنذر من اتبع

الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة و اجر کریم یعنی جز این نیست میترسانی بترسانیدنی که نفع دهد کسی را که پیروی کند قرآن را و بترسد از خدای رحمن با آنچه از وی پوشیده است

از امور آخرت پس بشارت ده او را بآمرزش گناهان و مزدی بزرگ در آنجهان از کتاب کافی حکایت شده که در حدیث سابق وارد است که مراد از این آیه جناب علی بن ابی طالب

علیه السلام است یعنی او است که متابعت کرده است ذکر را که کلام خدا باشد و ترسیده است از خدای رحمن بغیب پس رسول خدا مأمور است به بشارت دادن آنجناب را بمغفرت و اجر

کریم آیهٔ مبارکه و کل شیء احصیناه فی امام مبین یعنی همه چیز از نیک و بد را شمرده ایم و بیان کرده ایم او را در امام آشکار مفسرین تفسیر کرده اند امام مبین را بلوح محفوظ

ولی از جناب امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که فرمودند انا والله الامام المبین ابین
الحق من الباطل ورثته من رسول الله یعنی منم بخدا قسم امام مبین که جدا میکنم حق را
از باطل میراث گرفتم آنرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله از معانی حکایت شده که از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که اینجناب از پدر بزرگوار خود روایت
کرده صلوات الله علیهم اجمعین که چون نازل شد این آیه مبارکه وکل شیء احصیناه
فی امام مبین بر رسول خدا صلی الله علیه و آله اول و ثانی برخواستند و عرض کردند یا
رسول الله آن توریة است حضرت فرمودند لا بعد عرض کردند یا پس آن انجیل است
حضرت فرمودند لا عرض کردند پس آن قرآنست حضرت فرمودند لا پس در این وقت
جناب امیر المؤمنین علیه السلام رو کرد بامدند بسوی رسول خدا صلی الله علیه و آله
پس حضرت رسالت فرمودند که امام مبین اینست یعنی امیر المؤمنین بدرستی که اوست
امامیکه احصا کرده است در او خدا علم هر شیء را عن الاحتجاج عن النبی صلی الله علیه
و آله فی حدیث قال معاشر الناس ما من علم الا علمنیه ربی و انا علمته علیا و
قد احصاه الله فیّ و کل علم علمت فقد احصیته فی امام المتقین و ما من علم الا
علمته علیا از کتاب احتجاج نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست
در جملهٔ او از حدیث طولانی فرمودند ای گروه مردم نیست هیچ علمی مگر آنکه تعلیم فرموده
آنرا خداوند بمن و من تعلیم کردم آنرا بعلی علیه السلام و بتحقیق که احصا کرده خدا آن
علم را در من و علمی را که دانستم و تعلیم کرده شدم پس بتحقیق که احصا کردم آنرا در امام
متقیان و نیست هیچ علمی مگر آنکه تعلیم کردم آنرا بعلی علیه السلام مؤلف گوید بنابر

این

[illegible]

بر این آیه وافیة الهدایة دلیلی است واضح بر آنکه امام علیه السلام عالم است بجمیع اشیاء بما
کان و ما یکون الی یوم القیمة و هیچ چیز بر او مخفی و پوشیده نیست بتعلیم خدا جل و
علا آیه مبارکه وجاء من اقصا المدینة رجل یسعی قال یا قوم اتبعوا المرسلین
یعنی و آمد بشتاب از دورترین جائی از آن شهر یعنی از دروازه که نهایت آن شهر بود
مردی یعنی حبیب نجار که بسرعت می آمد تا رسید بنزد آن جماعت از روی مرحمت گفت ای
گروه من تبعیت کنید این فرستادگانرا یعنی پیغمبرانرا از علی بن ابراهیم قمی روایتست که
آیه مبارکه نازل شده است در شان حبیب نجار تا آخر آیه مبارکه وجعلنی من المکرمین
بعضی گفته اند بدرستیکه او از جملهٔ کسانی بود که ایمان آورده بود بجناب محمد صلی
الله علیه و آله و حال آنکه میان او و میان محمد حضرت رسالت مآب ششصد سال
فاصله بود یعنی پیش از پیغمبر بود بششصد سال و بعضی گفته اند در غاری عبادت
میکرد خدا را پس وقتیکه خبر پیغمبرانیکه بانطاکیه فرستاده بودند که در آیات
سابقه حکایت شده رسید ظاهر کرد دین خود را بعد از آن میگفت ای قوم تابع شوید
رسولانی را که خدا فرستاده از مجالس حکایت شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه
و آله منقولست که فرموده صدیقون سه کس هستند حبیب نجار که مؤمن آل
یس است که میگفت یا قوم اتبعوا المرسلین و حزقیل مؤمن آل فرعون و علی بن ابی
طالب علیه السلام و آنجناب افضل از ایشانست از جوامع نقل شده که از حضرت
رسالتمآب صلی الله علیه و آله مرویست که فرمودند پیشی گیرندگان امتها سه کس اند
که کافر نشدند بخدا یک چشم بهم زدن علی بن ابی طالب و صاحب یس و مؤمن آل فرعون پس

اینانند صدیقون و علی بن ابی طالب افضل ایشانست از خصال نقل شده که از
آنجناب نیز روایتست که فرموده سه نفر هستند که کافر نشدند بوحی خدا بقدر
یکچشم بهم زدن مؤمن آل یس و علی بن ابیطالب و آسیه زن فرعون مؤلف معتذرست
ذکر این احادیث درین مقام میطلبد که چون جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر
بطریقهٔ مرضیه خود که امور را بتدریج بیان میفرمودند آسانرا مقدم بر دشوار و
پست را بلند میداشتند و در اظهار فضایل امیر المؤمنین نیز بجهت عداوت و نفاق
صحابه با آنجناب بهمین رویه سلوک میفرمودند مراتبی که نسبت بدیگران در غایت
بلندی و نسبت با آنجناب پست بود بحسب اقتضای مقام مقدم داشته بیان میفرمودند
ازان قبیل است احادیث مذکوره که آنحضرت را در عداد دو صدیق قرار داده و
حال آنکه چه نسبت است آفتاب را باستارگان این حقیر سراپا تقصیر با اینکه اصل
مراد ازین تالیف فضل و عظمت آنجنابست نه اینکه آنحضرت در عداد خوبان
محسوب میشد متعرض ذکر این احادیث شدم بعلت این بود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرموده افضلهم علی همان لفظ افعل التفضیل داعی و باعث شد که این
احادیث درینجا مکتوب شود والا جز حضرت رسالتمآب هیچ مخلوقی برابری با
آنجناب بلکه با مخلصان او نمیکند آیهٔ مبارکه وقفوهم انهم مسئولون خداوند عالم
میفرماید در موقف حساب نگهدارید ایشانرا بدرستیکه ایشان باید سؤال کرده شوند، علی
ابن ابرهیم قمی روایت کرده که از ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام سؤال کرده می
شوند آیهٔ مبارکه وان من شیعته لابرهیم بدرستیکه از پیروان نوح علی نبینا

وعلیه

و علیه السلام هر اینه ابرهیم خلیل است در اصول شرع و طریق حق و ابداء دین و جفا
کشیدن تابع او بود در حدیث وارد است که حاصل آن اینست که چون خداوند جلیل ملکوت
آسمان و زمین را بابرهیم خلیل نمود و او بجانب عرش نگریست نوری عظیم دید گفت
خداوندا این چه نور است گفت نور حبیب و صفی من محمد صلی الله علیه و آله گفت در
جنب او نور دیگر میبینم گفت برادر او و وصی او علی بن ابی طالبست گفت خداوندا نور دیگر
بینم گفت برادر و وصی او علی بن ابی طالبست گفت خداوندا نور دیگر میبینم نزدیک آن هر دو
نور خطاب آمد که آن نور فاطمهٔ زهرا است دختر سید انبیا و زوجهٔ خیر الاوصیا و
بجهت این او را فاطمه نام نهادیم که او دوستان خود را از دوزخ منع کند و باز دارد
همچنانکه مادر فرزند را از شیر باز گیرد گفت خداوندا دو نور دیگر میبینم
نزدیک ایشان فرمود که آن دو نور دو فرزند او بیند حسن و حسین گفت پادشاها نور
دیگر میبینم که گرد ایشان در آمده است از چه کسانست گفت آن نه نور امامانست از
فرزندان حسین گفت خداوندا نورهای بسیار میبینم که گرد ایشان در آمده فرمود که آن
نورهای شیعیان و محبان علی اند و فرزندان او عرض کرد پادشاها علامت شیعیان آل محمد را
توان شناخت گفت به پنجاه و یک رکعت نماز گزاردن و انگشتری در دست راست داشتن
و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و پیش از رکوع قنوت خواندن و سجدهٔ شکر کردن
ابرهیم عرض کرد خداوندا مرا از شیعهٔ علی و فرزندان او گردان خداوند عالم دعای او را
اجابت کرد و او را داخل شیعیان علی بن ابی طالب گردانید و رسول خود را ازین خبر داد و
فرمود که ان من شیعته لابرهیم آیهٔ مبارکه سلام علی آل یاسین یعنی سلام و تحیت

ومکرمت بر الیاسین است گفته اند الیاسین نیز اسم الیاس است و بخبر از اخبار
متکثره ظاهر میشود که قراءت اهل بیت علیهم السلام است سلام علی آل یاسین است
اشاره در سوره یس گذشت حدیث دیگر هم درین باب وارد است که آل یس آل محمد
صلی الله علیه و آله است از کتاب احتجاج حکایت شده که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
مرویست که فرموده بدرستیکه خداوند عالم جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله را
باسم یس نامیده اینجائیکه میفرماید یس و القرآن الحکیم تا آخر آیه مبارکه بجهت آنکه
میدانست بدرستیکه منافقین از امت اسقاط میکنند سلام علی آل محمد را چنانکه
اسقاط کردند غیر از این آیه را از آیات دیگر و این حدیث نیز دلالت میکند قراءت آنجناب
نیز سلام علی آل یاسین بوده نه الیاسین و نیز دلالت میکند بر اینکه مراد از آل یاسین
آل محمدند صلی الله علیه و آله چرا که اسم مبارک آنحضرت یس است چنانکه فرموده آیه
مبارکه وانا لنحن الصافون و انا لنحن المسبحون از جناب امام بحق ناطق امام جعفر
صادق علیه السلام روایتست که فرموده ما اهل بیت بودیم نورهای صف کشیده
بر گرد عرش تسبیح میکردیم خدا را پس تسبیح میکردند اهل آسمان بان تسبیحیکه ما می
کردیم یعنی متابعت ما و مثل ما تسبیح میکردند بسبب تسبیح ما تا اینکه نازل شدیم بسوی
زمین پس تسبیح کردیم پس تسبیح کردند اهل زمین بتسبیح ما و انا لنحن الصافون و انا لنحن
المسبحون بدرستیکه ما هر آینه هستیم صف زنندگان با قدام در موقف طاعت و ما
هستیم تسبیح کنندگان مر خدا را و تنزیه نمایندگان از جمیع نالایق و ناسزاوار آیه
مبارکه ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل

المتقین

المتقین کالفجار آیا میگردانیم آنکسانیرا که ایمان آورده اند و عمل صالح کرده اند مثل آنکسانی
که افساد کنندگان در زمین از جناب صادق علیه السلام سؤال کردند از این آیه مبارکه
فرمودند آمنوا و عملوا الصالحات جناب امیر المؤمنین و اصحاب آنجنابست مفسدین فی
الارض حبتر و زریق و اصحاب این دو نامرد است متمم آیه مبارکه ام نجعل المتقین
کالفجار آیا میگردانیم پرهیزکاران را مثل گناهکاران آنکه همیشه مایل بمعصیت اند پس
متقین جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و فجار همان حبتر و زرلا و اصحاب آنهاست
مؤلف گوید که این سه لفظ که حبتر و زریق و زرلا باشد چنانکه مرحوم فیض فرموده
کنایه از آن سه ملعون مرتد است لعنة الله علیهم آیه مبارکه کتاب انزلناه الیک
مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوا الالباب یعنی کتابیکه نازل کردیم از برای
تو برکت داده شده است تا تامل و اندیشه نمایند در آیات آن کتاب یعنی تامل در حقیقت
معانی آن بر وفق مراد حضرت باری تنزیل نمایند و تا اینکه پند پذیرند بموعظه آن صاحبان
عقلهای پاکیزه از جناب صادق علیه السلام روایتست که مراد از ضمیر جمع در قول
که فرموده لیدبروا آیاته اشاره بر جناب امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام است و اولوا
الالباب که حقتعالی فرموده نیز اشاره بر ایشان سلام الله علیهم است و احتمال اینکه
ایشان مراد از آیات باشند مناسبت با فقره بعد که پس ایشانند اولوا الالباب ندارد
بلکه این قرینه واضح است بر اراده احتمال اول پس آنها اولوا الالباب نیز هستند و
محتمل است با قطع نظر از این حدیث که مراد از لفظ کتاب مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام
است چنانکه در اول کتاب گذشت آیه مبارکه قل هو نبؤ عظیم انتم عنه معرضون

یعنی یا محمد بگو اینچنین مذکور شد از بیان عقوبت و قیامت و احوال آخرت و خبر بزرگی
است و امری عظیم که شما اعراض کنندگانید از آن قمی روایت کرده جناب امیر المؤمنین علیه
السلام مراد است از نبأ عظیم از حضرت باقر علیه السلام در کتاب بصائر روایت است
که فرمود والله نبأ عظیم جناب امیر المؤمنین علیه السلام است از جناب صادق
علیه السلام مرویست که نبأ عظیم امامت است تتمه آیه مبارکه ما کان لی من
علم بالملاء الاعلی اذ یختصمون معنی آیه مبارکه یعنی نبود مرا قبل از زمان هیچ دانشی بکلام
گروه برتر یعنی ملائکه و آدم و ابلیس که ساکنان آسمان بودند وقتیکه گفت و شنید مخاصمه
میکردند ان یوحی الی الا انما انا نذیر مبین یعنی وحی کرده نمیشود بسوی من مگر بجهت
اینکه جز این نیست که من ترساننده ام آشکارا از حضرت باقر علیه السلام مرویست
در حدیث طولانی که در کیفیت معراج حضرت رسالت صلی الله علیه و آله از جمله
چیزیکه میفرمایند اینست بعد از اینکه حضرت بمقام قرب الهی رسید و مورد توجه خطاب
محبوب گردید از مصدر جلال گوشزد آن فخر وصال شد که یا محمد قلت لبیک یا رب قال
فیم اختصم الملاء الاعلی قال قلت سبحانک لا علم لی الا ما علمتنی قال فوضع یده
ای ید القدرة بین کتفی فوجدت بردها بین ثدیی قال فلم یسئلنی عما مضی و لا عما
بقی الا علمته فقال یا محمد فیم اختصم الملاء الاعلی قال قلت فی الکفارات و
الدرجات و الحسنات و در حدیث اخر در المجمع عن النبی صلی الله علیه و آله قال
قال لی ربی اتدری فیم یختصم الملاء الاعلی فقلت لا قال اختصموا فی الکفارات
و الدرجات فاما الکفارات فاسباغ الوضوء فی السبرات و نقل الاقدام الی

براست صح بر بعض نسخ کرده

الجماعات

الجماعات و انتظار الصلوة بعد الصلوة و اما الدرجات فافشاء السلام
و اطعام الطعام و الصلوة باللیل و الناس نیام یعنی حق تعالی فرمود ای
محمد عرض کردم لبیک ای پروردگار من یعنی برپا هستم به بندگی تو فرمود در چه
مجادله و گفت و شنید کردند گروه برتر حضرت رسالت عرض کرد نسبت میکنم و دور
میدارم ترا از آنکه غیر تو عالم باشد بامور غیبی هیچ دانشی نیست مرا مگر آنچه را که تو تعلیم
داده مرا حضرت فرمودند پس از آنکه بدرگاه احدیت این عرض کردم پس حقتعالی دست
قدرت را میانه دو شانه من نهاد پس یافتم خنکی آنرا میان دو پستان خود حضرت
فرمودند پس نپرسید از من از چیزهای گذشته و نه از چیزهای آینده مگر آنکه
دانستم او را پس فرمود یا محمد در چه مجادله کردند گروه برتر عرض کردم در کفارات
و درجات و حسنات و در حدیث دیگر در بیان کفارات و درجات از مجمع حکایت
شده که از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود که پروردگار من فرمود یا
محمد میدانی که در چه مجادله میکردند گروه برتر عرض کردم نه فرمود مجادله کردند در کفارات و
درجات پس اما کفارات پس تمام ساختن وضو در صبحهای سرد است و برداشتن گامها
است بسوی جماعتها یعنی بسوی نماز جماعت و انتظار کشیدن وقت نماز دیگر بعد از تمام
نماز و اما درجات پس آنها منتشر کردن سلام است یعنی بسیار سلام کردن و خورانیدن
طعام است بمستحقان و نماز کردن در شب در حالیکه مردم خوابیده اند پس بر گردیم
به تتمه حدیث سابق و اولی قمی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که خدا تعالی
بعد از فی الکفارات و الدرجات و الحسنات فرمود این کلماتست فقال لی یا محمد قد انقطع

اكلك وانقضت نبوتك فمن وصيك فقلت يا رب قد بلوت خلقك فلم ار
احداً من خلقك اطوع لي من علي عليه السلام فقال تعالى ولي يا محمد فقلت
اني قد بلوت خلقك فلم ار من خلقك احداً اشد حباً لي من علي بن ابيطالب
عليه السلام قال ولي يا محمد فبشره بانه راية الهدى وامام اوليائي و
نور لمن اطاعني والكلمة التي الزمتها المتقين من احبه فقد احبني ومن
ابغضه فقد ابغضني مع ما اني اخصه بما لم اخص معه به احداً فقلت يا رب
اخي وصاحبي ووزيري ووارثي فقال انه امر قد سبق مبتلى ومبتلى به مع ما
اني قد نحلته ونحلته ونحلته ونحلته اربعة اشياء عقدها بيده
ولا يفصح بها عقدها يعني حضرت رسول خدا صلى الله عليه واله فرموده
در شب معراج خداوند عالم خطاب فرمود يا محمد بتحقيق منقطع شود اكل تو و
منقضي شود نبوت تو يعني مرگ تو نزديك شد پس كيست وصي تو پس عرض كردم يا
رب بتحقيق امتحان كردم خلق ترا پس نديدم احدي را از مخلوق تو مطيع تر باشد
براي من از علي عليه السلام پس خداوند فرمود ولي يعني براي من هم و نسبت امر مطيع
تر از وي نيست يا محمد پس گفتم خداوندا بتحقيق كه من امتحان كردم خلق ترا پس
نديدم احدي را كه دوستي او زياده تر باشد از دوست داشتن علي بن ابي طالب مرا
خداوند عالم فرمود ولي يعني براي من هم دوست تر از وصي نيست يا محمد پس مژده ده
او را باينكه بدرستيكه او است علم هدايت و نشانه راه نمودن من خلق را و امام
اولياي من و نور روشني است براي كسي كه اطاعت كند مرا و كلمه ايست كه لازم كردم

او را بر متقين هر كس او را دوست دارد پس بتحقيق مرا دوست داشته است و هر كس
او را دشمن بدارد پس بتحقيق مرا دشمن داشته است با اينكه من بدرستي مخصوص ميكردانم
او را بچيزيكه مخصوص نكردانيدم بان احدي را پس من گفتم يا رب او برادر و صاحب و وزير
و وارث من است پس خدا فرموده بدرستيكه ان امريست كه بتحقيق در علم من كذشته است
بدرستيكه او امتحان كرده شد و مردم امتحان كرده ميشوند با او با اينكه بدرستي من
بتحقيق عطا كردم او را و عطا كردم او را و عطا كردم او را و عطا كردم او را چهار چيز كه
عقد ان چهار چيز در دست او است ظاهر نميشود با دست او و عقد ان چهار چيز معلوم
كويند اگر چه اين عبارت درست معلوم نميشود بنظر بفهم خود ولكن احتمال ميدهد باينكه
خداوند عالم فرموده كه عقد ان چهار چيز در دست جناب امير المؤمنين عليه السلام است
و ظاهر نميشود با دست او يعني از جمله اسرار يست كه انحضرت ظاهر نميكند ان چهار شيء را
والله العالم هر كس مطالعه نمايد با فتضاي فهم خود استخراج معني نمايد آيه مباركه
ولا يرضى لعباده الكفر وان تشكروا يرضه لكم يعني نمي پسندد مر بندكان خود را
كفر و كفران و امر بان نمينمايد و اگر سپاس داري كنيد بر نعمت ايمان و غير ان به پسندد
ان امر را بشما از كتاب محاسن حكايت شده كه در حديث كه فرموده اند كفر در اين ايه مخالفت
كردن با ائمه عليهم السلام است و شكر ولايت جناب امير المؤمنين عليه السلام و معرفت انجناب است
آيه مباركه قل هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون انما يتذكر اولوا الالباب
يعني ايا برابر باشند كسانيكه عالم اند و ميدانند يا كسانيكه عالم نيستند جز اين كه پند
ميشوند صاحبان عقول از كافي حكايت شده كه از حضرت باقر عليه السلام روايت است كه جز اين

نیست که ما هستیم الذین یعلمون و دشمنان ما یند و الذین لا یعلمون و شیعیان
ما اولوا الالباب هستند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده خداوند
عالم ما و شیعیان ما و دشمنان ما را ذکر فرموده در این آیه افمن شرح الله صدره
للاسلام فهو علی نور من ربه یعنی آیا پس کسیکه گشاده است سینه او را و فراخ کرده
است دل او را برای قبول اسلام پس آنکس که سینه او وسیع است بر روشنی معرفت
است از پروردگار خود عن روضة الواعظین عن النبی صلی الله علیه و آله انه قرء
هذه الایة فقال ان النور اذا وقع فی القلب انفسح له و انشرح قالوا یا رسول الله فهل
لذلک علامة یعرف بها قال التجافی عن دار الغرور و الانابة الی دار الخلود
و الاستعداد للموت قبل نزوله یعنی از روضة الواعظین نقل شده که از جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که آنحضرت قرائت نمود این آیه مبارکه
را پس فرمود بدرستیکه نور زمانیکه بتابد در قلب وسعت میابد و گشوده میشود
برای او عرض کردند یا رسول الله پس آیا برای آن علامتی هست که شناخته شود
بآن فرمود کناره گرفتن از دار غرور و بازگشت نمودن بسوی سرای خلود و برگشتن از
معاصی بسوی طاعات و حسناتیکه موجب دخول در بهشت میشود و مهیا شدن از
برای موت قبل از نازل شدن آن قمی گفته که این آیه مبارکه در شان جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام نازل شده یعنی شرح کرده خداوند عالم سینه مبارک آنجناب را برای
اسلام پس او است بر روشنی معرفت از پروردگار خود صاحب این صفات و علامات
که جناب ختمی مآب صلی الله علیه و آله فرمودند و جماعت علامه ذکر کرده اند که آیه مبارکه

در

در شان جناب علی و حمزه علیه السلام نازل شده آیه مبارکه ضرب الله مثلا رجلا
فیه شرکاء متشاکسون و رجلا سلما لرجل هل یستویان مثلا الحمد لله بل
اکثرهم لا یعلمون از علی بن ابرهیم قمی حکایت شده که گفته این مثلی است که خداوند
عالم بیان فرموده برای جناب امیرالمؤمنین علیه السلام و برای شریکهای آنجناب که
ظلم کرده اند با آنحضرت و غصب نمودند حق او را تا آنجائیکه گفته و رجلا سلما لرجل
امیرالمؤمنین علیه السلام خالص است برای خدمت رسول خدا صلی الله علیه و
آله ظاهر مضمون آیه مبارکه اینست که بیان کرده خداوند عالم مثلی را برای مشرکان و
موحدان اما از برای مشرکان مثل زده مردی را که در وی شریکان باشند یعنی بنده را که
مولای متعدد داشته باشد که مخالفت کننده باشند با هم بجهت بدخوئی و با هم
نسازند در شرکت آن بنده پس هر شریکی او را کاری فرماید و آن کار را تمام ناکرده
شریکی دیگر کاری باو رجوع کند و او هیچکدام را باتمام نتواند رساند و شریکان از و
بجهت این راضی نباشند و اما از برای موحدان میفرماید مردی را که وارسته باشد
از شریکان و خالص باشد برای مردی یعنی بنده که مخصوص یک مولی باشد و او را در
انجاح مقاصد و مرام خشنود تواند ساخت آیا مساوی باشند این دو بنده از روی
شباهت صفت یعنی البته مانند یکدیگر نباشند همه ثنا و ستایش مر خدای راست
که شریک ندارد چه او منعم بالذات و مالک علی الاطلاقست بلکه اکثر اینها نمیدانند
حقیقت این معنی را و بجهت فرط عناد غیری را با او شریک میسازند از معانی نقل شده
که از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که فرموده و انی مخصوص فی القرآن

بأسماء اتخذوا ان تغلبوا علیها فتضلوا فی دینکم انا السلم لرسول الله یقول الله
عز و جل رجلا سلما لرجل یعنی بدرستی من مخصوص شدم در قرآن باسمهای چند که حذر
نمایند از اینکه غالب شوید آن اسما یعنی آن نامها را نام خود و نام کسان دیگر قرار بدهید
پس گمراه میشوید در دین خود محتملست که تغلبوا بصیغهٔ مجهول باشد یعنی بترسند
از اینکه مغلوب شوید بر آنها یعنی فریب کسانی را بخورید که آنها را نامهای پیشوایان
گمراه خود قرار میدهند والله العالم پس آنحضرت فرمودند منم که بخلوص تمام بخدمت
کاری حضرت رسالت اقدام مینمایم که خداوند عالم میفرماید رجلا سلما لرجل
یعنی مردی که خالص باشد برای مردی رجل اول عبارت از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
السلام است و رجل ثانی آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله در مجمع نیز از آنحضرت
روایت شده که فرمودند انا ذلک الرجل السلم لرسول الله یعنی من آن مردم که بخلوص
تمام در خدمات حضرت رسول صلی الله علیه و آله اهتمام مینمایم از کافی نقل شده
که از حضرت باقر علیه السلام روایتست که فرمود اما الذی فیه شرکاء متشاکسون فلان
فلان الاول یجمع المتفرقون فی ولایته وهم فی ذلک یلعن بعضهم بعضا و یبرء
بعضهم من بعض و اما رجل سلم لرجل فانه فلان الاول حقا و شیعته اما آن
کسانیکه در او شرکاء و متنازع هستند فلان اول است یعنی ظالم اول جمع شدند کسانی
که پراکندگان بودند در ولایت او یعنی هر کسی بخیالی و هوای نفسی متابعت او نمودند و
ایشان در ولایت و خلافت او لعن میکنند بعضی بر دیگری و بیزاری میجویند برخی از
بعضی دیگر و اما آن مردیکه خالص است از برای مردی دیگر پس بدرستیکه او فلان اول

است یعنی امام اول برحق که جناب امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان آنجناب
است تتمه آیهٔ مبارکه انک میت و انهم میتون ثم انکم یوم القیمة عند ربکم
تختصمون یعنی ای پیغمبر بدرستی که متصفی بصفت مرگ و بدرستیکه کفار که عناد
نمودند یعنی برگشتند و ایشان هم گشتند پس از موت بدرستیکه شما ای مؤمنان
و کافران در روز قیامت نزد پروردگار خود خصومت خواهید کرد در امور دین از
قمی حکایت شده که گفته یعنی جناب امیر المؤمنین علیه السلام خصومت مینماید
با کسانیکه حق آنحضرت را غصب کردند در روز قیامت در نزد خدا آیهٔ مبارکه
قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب
جمیعا انه هو الغفور الرحیم یعنی بگو ای محمد که خدا میفرماید ای بندگان من آنانکه
اسراف کردند بارتکاب ذنوب کبیره بر نفسهای خود یعنی افراط نموده اند و از حد در کذرانیده
اند معاصی را نومید میشوید از رحمت خدا بدرستیکه خدا تعالی میامرزد همه گناهان
از صغیره و کبیره و اگرچه از حد حصر متجاوز باشد بدرستیکه خدا تعالی است
آمرزنده گناهان و مهربان بر بندگان از قمی روایت شده که آیهٔ مبارکه مخصوص
بشیعیان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام نازل است یعنی که هر کس از شیعیان و محبان
آنحضرت افراط در جنایت و اسراف در معاصی بکند خداوند عالم می‌آمرزد جمیع گناهان ایشان را
عن الکافی عن الصادق علیه السلام لقد ذکرکم الله فی کتابه اذ یقول یا عبادی
الذین الآیة قال والله ما اراد بهذا غیرکم از کتاب کافی حکایت شده که از حضرت
صادق علیه السلام روایت است که بشیعیان خود فرمودند هر آینه بتحقیق ذکر کرده است خداوند

شما را از کتاب خود انجا شکه میفرمایند یا عبادی الذین اسرفوا تا اخر ایه و الله ازاد
نفرموده از این خطاب مستطاب خدا تعالی غیر از شما را یعنی هر چند خطاب بصورت
شامل همه بندگان میشود ولی مراد بخصوص شما هستید ایه مبارکه ان تقول نفس
یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله یعنی بجهت کراهت نخواستن انکه گوید نفسی از
دیدن عذاب ای ندامت و پشیمانی من بر انچه تقصیر کردم در جانب خدا یعنی در حق
او و یا در امر او و یا در طلب قرب و جوار او از کافی نقل شده که از حضرت کاظم علیه
السلام مرویست که در این ایه فرموده اند جنب الله جناب امیر المؤمنین علیه السلام
است و همچنین انکسانیکه بعد از انجناب از اوصیا او بوده اند از کمال از عیاشی نقل
شده که از جناب باقر روایت کرده که انحضرت فرموده است نحن جنب الله یعنی ماییم
انظر نعتیکه عودیست بجانب خدا که مقام رضا است ایه مبارکه و سیق الذین
اتقوا ربهم الی الجنة زمرا حتی اذا جاؤها و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها
سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین یعنی برانند بلطف و ملایمت کسانی را که
پرهیز کردند از عذاب پروردگار خود بسرای سلامتی و ایمنی بسوی بهشت فوج فوج بتفاوت
مراتب ایشان در شرافت و علو طبقه تا چون بیایند بسوی بهشت و گشوده شده باشد
درهای ان پیش از رسیدن ایشان بان تا انتظار کشودن ان نکشند و میگویند مر ایشان را
خازنان بهشت سلام باد بر شما پاک بودید در دنیا از معاصی و یا انکه پاکیزه شدید بمغفرت
قبل از دخول بهشت پس در ائید در بهشت جاوید مانندگان از کتاب خصال نقل شده که
از جناب امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که روایت میفرمایند از پدر بزرگوار
خود

سوره زمر

سوره زمر

خود که انجناب از جد خود روایت میفرمایند که انحضرت از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
روایت فرموده که بهشت را هشت در است از یک در ان داخل میشوند پیغمبران و صدیقان
و از یک در داخل میشوند شهدا و صالحین و از پنج در دیگر داخل میشوند شیعیان و
محبان ما پس در حالتیکه ایستاده ام بر صراط همیشه دعا میکنم و میگویم رب سلم شیعتی
و محبی و انصاری و اولیائی و من تولانی فی دار الدنیا خداوندا سالم گردان شیعیان
و محبان و یاوران و دوستان مرا و انکسانی که مرا ولی خود گرفته در دار دنیا
پس ناگاه ندائی از میانهای عرش برسد که قد اجیبت دعوتک و شفعت فی شیعتک یعنی
بتحقیق مستجاب گردانیدم دعای ترا و شفاعت ترا قبول کردم در خصوص شیعیان
تو و شفاعت میکند هر مردی از شیعه من و هر کس که تولای من نموده و یاری من کرده و جنگ
کرده کسانی را که با من جنگ کرده بفعل یعنی شمشیر کشیده با دشمن من جنگ کند یا بقول
یعنی در اثبات حقیقت من مجادله و گفتگو کرده باشد هفتاد نفر از همسایها و اقربای
خود و از یک در دیگر بهشت داخل میشوند سایر مسلمین که شهادت میدهند بر وحدانیت
خدا تعالی و نباشد در دلهای ایشان بقدر سنگینی مثقال ذره از بغض و عداوت ما اهل
اهل بیت ایه مبارکه ان الذین کفروا ینادون لمقت الله اکبر من مقتکم انفسکم
اذ تدعون الی الایمان فتکفرون عن الصقی ان الذین کفروا یعنی بنی امیه الی الایمان
یعنی الی ولایة علی علیه السلام از قمی نقل شده که مراد از قول خدا تعالی ان الذین
کفروا بنی امیه است و مراد از ایمان در قول حق تعالی اذ تدعون الی الایمان ولایت علی
علیه السلام است ترجمه ظاهر ایه اینست بدرستیکه انانکه کافر شدند ندا کرده میشوند بوعده خدا

سوره مومن

وتصدیق ننمودند بنبوت خاتم الانبیاء ندا کرده شوند یعنی که بدوزخ در آیند بانفسهای
اماره خود دشمنی آغاز کرده وزبان بعتاب وملامت بگشایند که چرا در زمان اختیار ایمان
نیاوردیم وملائکه ایشانرا ندا کنند که هر آینه دشمنی خدا مر شما را بزرگتر است از دشمنی
شما مر نفسهای خود را زیرا که خدا شما را دشمن گرفت وقتیکه خوانده میشدید بسوی
گرویدن بخدا ورسولش پس شما منکر میشدید بآن آیه مبارکه شَرَعَ لَكُم مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ معنی شرع
نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ
وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ
وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ یعنی بیان کرد وروشن ساخت حقتعالی از برای شما از دینی
که بآن متمسک شوید وراه یابید بر آنچه وصیت کرده بود بآن نوح پیغمبر وآنچه ترا
وحی کرده بود بسوی تو وآنچه امر کرده بود هم بآن ابرهیم وموسی وعیسی این سه پیغمبر را
از اصول دین ومضمون آن وصیت اینستکه اقامه کنید وبپا دارید دین را که ایمان
است بآنچه تصدیق بآن واجب شود از اصول دینیه ومتفرق وپراکنده مشوید یعنی اختلاف
مکنید در اصول دین وگرانست بزرگ بر مشرکان آنچه میخوانی ایشانرا بسوی آن از توحید واخلاص
ونفی شرک خدا بتعالی نزدیک گرداند بسوی آنچه تو میخوانی ایشانرا از دین اسلام هر کرا
میخواهد یعنی پسندیده میکند وبر میگزیند از انکسانیکه مطیع اند وراه نمایند بتوفیق
وارشاد بدین حق هر کرا که باز گردد بحق ورو آورد بسوی وی از قمی روایت شده که گفته
که ایشان ائمه هستند که خداوند عالم اختیار کرده وبرگزیده ایشانرا از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که فرمود أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ اینکه بپای دارید دین را مقصود ومراد

در لفظ

لفظ دین امام علیه السلام است در آیه مبارکه وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ کنایه از جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است یعنی متفرق ومختلف نشوید در آنحضرت که اختلاف نکنید در ولایت
آنجناب مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ وَلَايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ یعنی آنچه که میخوانی ایشانرا از
ولایت جناب علی علیه السلام ومن یشاء نیز کنایه از علی علیه السلام است از کافی
نقل شده که از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که فرمود نَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ
لَنَا دِينَهُ فَقَالَ فِي كِتَابِهِ شَرَعَ لَكُمْ يَا آلَ مُحَمَّدٍ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا یعنی مائیم معنی شرع
آنکسانیکه بیان وروشن کرده است خداوند کریم برای ما دین خود را پس فرموده در
کتاب مجید خود که بیان وروشن کرده است خدا برای شما ای آل محمد از دین آنچیزی را
که وصیت کرده بر آن نوح را تا آخر حدیث آیه مبارکه وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ از قمی نقل شده که گفته است یعنی متفرق نشدند بسبب نادانی
ولکن ایشان متفرق شدند بسبب آنچیزیکه آمد بسوی آنها وشناختند واز پی حسد
بردند بعضی بر بعضی وظلم کردند بعضی بر بعضی زمانیکه دیدند تفضیل را در حضرت
رسالت جناب امیر المؤمنین علیهما السلام را بر ایشان بامر خدای عز وجل پس متفرق
شدند در مذاهب واخذ کردند رایهای وهواهای خود از کتاب کافی نقل شده که از
جناب امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردند از معنی آیه مبارکه اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ
يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ فرمود ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که هر کرا
خواست ولایت مخصوص را روزی او گرداند معنی ظاهر آیه اینست که خدا مهربانست به
بندگان خود روزی میدهد هر کرا میخواهد هر بحسب مصلحت پس مخصوص میسازد هر یک

از بنا کان ابنوعی از بعث وصنفی از مکرمت که مقتضی حکمت او باشد آیهٔ مبارکه
مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا
وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ یعنی هر که باشد اراده کند در دنیا کشت سرای یعنی
عملی که موجب ثواب آخرت او باشد بیفزائیم مرا و را در کشت خبر او یعنی بدهیم عوض او را
از ده تا هفتصد و زیاده بران و هر که باشد که بخواهد کشت دنیا را یعنی مقصود اصلی
او از ان حصول امتعهٔ دنیویه باشد بدهیم او را نصیبی از دنیا و نیست او را در سرای
آخرت هیچ بهره در تنمه حدیث سابق وارد است که حرث آخرت معرفت و ولایت جناب امیر
المؤمنین علیه السلام است و ائمه از اولاد آنحضرت تا آخر حدیث یعنی هر کس عارف بان
باشد خداوند عالم می افزاید بر ثواب او آیهٔ مبارکه قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ یعنی بگو نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدی مگر طلب میکنم از شما
دوستی ثابت و متمکن در اهل قرابت یعنی همین توقع دارم که خویشان نزدیک مرا دوست
دارید و تعظیم ایشان را از جملهٔ واجبات شمرید از مجمع از ابن عباس روایت که گفت چون
این آیهٔ مبارکه نازل شد بخدمت جناب رسول صلی الله علیه و اله عرض کردند که فدایت شوم
کیستند اینکه خدا امر فرموده ما را بدوستی ایشان فرمودند جناب علی و فاطمه و اولاد
این دو بزرگوار صلوات الله علیهم هستند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت است
که در آل حم عسق یعنی در وسط سوره آیتی نازل شده در شان ما که هر که حفظ مودت ما
نکند از اهل ایمان نباشد و در بعضی نسخ چنین است حفظ نمیکند مودت ما را مگر
هر مؤمن بعد از ان این آیهٔ مبارکه را خواندند و از جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله

روایت

روایت است که فرمود إِنَّ اللهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى وَخُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ
وَاحِدَةٍ وَأَنَا أَصْلُهَا وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا وَفَاطِمَةُ لِقَاحُهَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا وَأَشْيَاعُنَا
أَوْرَاقُهَا فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَا وَمَنْ زَاغَ هَوَىٰ وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ
اللهَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ حَتَّىٰ يَصِيرَ كَالشَّنِّ
الْبَالِي ثُمَّ لَمْ يُدْرِكْ مَحَبَّتَنَا أَكَبَّهُ اللهُ عَلَىٰ مَنْخِرَيْهِ فِي النَّارِ ثُمَّ تَلَا هَٰذِهِ الْآيَةَ قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ
عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ یعنی بدرستیکه حقتعالی خلق کرد انبیا را از اشجار
مختلفه و خلق شدیم من و علی از شجرهٔ واحده و من اصل آن شجره ام و علی فرع آن و فاطمه
شکوفه است و حسن و حسین میوه های آن و شیعیان ما برگهای آنند پس هر کس
متمسک شود بشاخی از شاخهای آن نجات می یابد و هر کس رو گرداند و منحرف شود
از ان بهلاکت ابدی رسد و هرگاه بدرستی بندهٔ عبادت کند خدای تعالی را در میان صفا
و مروه هزار سال بعد از ان هزار سال دیگر بعد از ان هزار سال دیگر تا اینکه از
کثرت عبادت مانند مشک کهنهٔ کوچکی که پوشیده گردد پس از ذکر این اوصاف
با همهٔ اینها اگر محبت ما را نیافته باشد حقتعالی او را نگونسار بر رو و بینی او بدوزخ
اندازد پس حضرت رسالتمآب این آیهٔ مبارکه را تلاوت کردند قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ در حدیث دیگر از قرب الاسناد نقل شده که از حضرت صادق
علیه السلام روایت است چون نازل شد آیهٔ مبارکه قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا تا آخر آیه جناب
رسول خدا صلی الله علیه و اله ایستادند پس فرمودند یا ایها الناس بدرستیکه خدای
تعالی بتحقیق فرض و واجب کرده است برای من بر شما فرضی را آیا پس شما ادا کنندگان هستید و

هستید کسی از آنها جواب آنحضرت را نداد پس حضرت از گفتن باز ماند یعنی سکوت کرد
پس چون فردا شد ایستادند پس فرمودند مثل آن عبارت را باز کسی جواب نداد پس در روز
سیم ایستادند و فرمودند مثل آنچه در دو روز گذشته فرموده بودند پس باز کسی سخن
نیامد پس فرمودند ایها الناس این واجب طلا و نقره و خوردنی و آشامیدنی نیست گفتند
پس بر ما بیان کن او را در این هنگام در این حال فرمودند بدرستیکه خدای تعالی
نازل فرموده این آیه مبارکه را قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی پس عرض
کردند اما این را یعنی مودت را پس قبول کردیم جناب امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده پس بخدا قسم وفا نکردند بآن مگر هفت نفر سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و جابر
ابن عبد الله الانصاری و غلام حضرت که ثبیته نام داشت و زید بن ارقم سلام الله علیهم
آیه مبارکه ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور یعنی
هر کس که کسب کند نیکی را یعنی چیزیکه موجب قربت باشد می افزائیم مر او را در آن
حسنه نیکوئی یعنی مضاعف سازیم ثواب آن حسنه را بدرستی که خدا آمرزنده است
مر سیئات بندگان را و جزا دهنده است طاعت مطیعان را بتوفیه ثواب و تفضیل دادن
بر ایشان زیاده بر قدر استحقاق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده
اند بدرستیکه این آیه مبارکه نازل شده در حق ما که اهل بیتیم و اصحاب کسا هستیم
یعنی این آیه نظیر در حق ما نازل شده و در شان ما اهل بیت نازل شده از جناب امام
حسن مجتبی علیه السلام منقولست که در اثنای خطبه فرمود که من از آن اهل بیتی
هستم که حق سبحانه و تعالی واجب گردانیده مودت ایشان را بر هر که مسلمانست پس در

کتاب

کتاب مجید عز من قائل فرموده قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی
ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور فرمودند پس اقتراف
حسنه دوستی ما اهل بیتست از حضرت باقر علیه السلام منقولست که
فرموده اقتراف تسلیم است برای ما و راست گفتن بر ما است و اینکه دروغ نگویند
بر ما یعنی دروغ از زبان ما نسازد از جناب سید الشهداء علیه السلام مرویست
که فرمودند جمع شدند مهاجران و انصار و بخدمت جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله آمدند پس عرض کردند یا رسول الله خرج شما سنگین است بجهت گذران
خود و گذران کسیکه وارد میشوند بر شما از دور و نزدیک و باید که ایشان را
مهمان کنی و اینست اموال ما با خونهای ما پس حکم کن آنچه خواهی و در این حال نیکو
کار و مزد داده شده خواهی بود زیرا که پیشکش ما را قبول کرده ببخش آنچه را میخواهی
ببخشی و نگاه دار آنچه را میخواهی نگاه داری هیچ باکی و حرجی بر تو نیست حضرت فرمودند
پس خداوند عالم حضرت روح الامین را بر پیغمبر فرو فرستاد پس بگو ای محمد لا اسئلکم
علیه اجرا الا المودة فی القربی یعنی آن تودوا قرابتی یعنی که از شما نمیخواهم مزدی را
مگر دوستی ثابت و متمکن در اهل قرابت یعنی اینکه دوست دارید خویشان نزدیک مرا
بعد از من تا آخر حدیث آیه مبارکه ما کنت تدری ما الکتاب ولا الایمان ولکن جعلناه
نورا نهدی به من نشاء من عبادنا یعنی یا محمد نبودی که بدانی قبل از وحی که چیز
است قران یعنی قبل از انزال قران علم بآن نداشتی و تمیز نسبتی دعوت کردن بایمان
یا بشرایع و احکام آن عالم نبودی و اگر چه قبل از بعث بوسیله دلایل عقلیه باصول

ایمان عالم بودی ولکن کردانیدیم ما کتاب را با ایمان روشنائی که راه نمائیم بان هر کس را
که بخواهیم از بندگان از رقتی نقل شده که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده در این فقره از آیه مبارکه ولکن جعلناه نورا فرمود یعنی علی علیه السلام را
نور کردانیدیم و جناب علی آن نوریست که راه نمائی کرده خلاق عالم بان نور هر که را
هدایت کرده است از خلق خود آیه مبارکه انک لتهدی الی صراط مستقیم انحضرت
فرمودند در تاویل این آیه یعنی لتدلک لتامر بولایة علی و تدعوا الیها و علی هو الصراط
المستقیم ظاهر آیه مبارکه بدرستیکه تو هر آینه بوسیله وحی ما میخوانی مردمان را
بسوی راه راست حضرت باقر چنین فرمایند یعنی امر میکنی مردمان را بولایت علی علیه السلام و
میخوانی ایشان را بسوی جناب علی علیه السلام است صراط مستقیم آیه مبارکه
صراط الله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض من شیء و ائمته علیه یعنی
راه راست خدائیکه مر او راست آنچه در آسمانها و زمینها است از روی خلقت و
ملکیه حضرت فرمودند قصد کرده خدا تعالی باین آیه علی علیه السلام را یعنی صراط خدا
اینچنان صراطی که مر او راست آنچه در آسمانها و زمینها است یعنی آنچه در آسمانها و
زمینها است مر علی راست که مقصود از صراط است بعلت آنکه بدرستی خدا آنجناب را
خازن کردانید بر آنچه در آسمانها و زمینها است از موجودات و امین خود قرار داده آنجناب را
بر آنها آیه مبارکه و انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم یعنی بدرستیکه قرآن در اصل زخرف سوره
همه کتابها که نزدیک ما است یعنی لوح محفوظ که منتسخ جمیع کتب منزله است و محفوظ
از تغییر و تبدیل هر آینه علی بزرگوار است و غالب بنفسه از روی اعجاز و فرط فصاحت محکم
کرده

کرده شده است از تطرق نقصان و عروض نسخ بر آن ام الکتاب لوح محفوظ است که آن
اصل کتب سماویه است از معانی الاخبار حکایت شده که از جناب صادق علیه السلام روایت است
که مراد از آیه مبارکه و انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم جناب امیر المؤمنین علیه
السلام است و مراد از ام الکتاب سوره فاتحه است و معنی اینکه آنحضرت در سوره فاتحه
است که در آن نوشته شده است در آنجائیکه میفرماید اهدنا الصراط المستقیم
مراد از صراط مستقیم جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و معرفت او و از جمله آیات
آیه مبارکه و جعلها کلمة باقیة فی عقبه لعلهم یرجعون و ظاهر آن دلالت دارد بر
اینکه کردانید ابراهیم توحید را یعنی کلمه طیبه لا اله الا الله را با کلمه اننی براء مما
تعبدون الا الذی فطرنی خداوند کلمه توحید را کلمه پاینده در عقب خود یعنی در
میان فرزندان او تا شاید همه اولاد او به یکدیگر خود ذکر توحید و اخلاص و تبری از شرک
رجوع کنند لکن از اکمال حکایت شده که از جناب صادق سید الساجدین علیه السلام روایتست که
فرمودند در شان ما نازل شد این آیه مبارکه و جعلها کلمة باقیة فی عقبه و امامت
در عقب جناب امام حسین علیه السلام است یعنی در فرزندان آنجناب است تا روز
قیامت از معانی و مناقب و مجمع حکایت شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام
مثل این روایت شده از کتاب مناقب نقل شده که مرویست از جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله سؤال نمودند از این آیه مبارکه فرمودند امامت در عقب حسین است خارج میشود از
صلب او نه نفر از ائمه منهم مهدی هذه الامة یعنی از ایشان است مهدی این امت که حضرت
صاحب الامر عجل الله فرجه باشد در تتمه آیه مبارکه که لعلهم یرجعون است قوی گفته

سوره زخرف

از فرات یکه نقل شده یعنی الائمة یرجعون الی الدنیا یعنی خداوند قصد کرده است ائمه
را که ایشان رجوع میکنند بسوی دنیا آیه مبارکه فاستمسک بالذی اوحی الیک
انک علی صراط مستقیم پس چنگ در زن بانچه وحی کرده شده است بسوی تو از آیات
احکام اوامر و نواهی و ملازم ان باش بدرستیکه تو بر راستی که اصلا کجی ندارد
فتی از جناب امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که انجناب فرموده اند انک علی
ولایة علی و علی هو الصراط المستقیم یعنی یا محمد تو بر ولایت علی هستی و علی همان صراط
مستقیم است وانه لذکر لک ولقومک وسوف تسئلون یعنی بدرستی که ان و
یعنی قران هر اینه شرف و عزتیست مر ترا و مر گروه ترا و زود باشد که پرسیده شوید
ای بندگان از قیام نمودن بحق ان و تعظیم کردن احکام ان عن الکافی والقمی عن الباقر
علیه السلام نحن قومه ونحن المسئولون از کافی و قمی از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که فرموده ما ئیم قوم جناب رسول خدا صلی الله علیه واله و ما ئیم مسئولون یعنی پرسیده شدها
از قیام نمودن بحق ما و تعظیم کردن ما و ولایت و دوستی ما و در حدیث دیگر وارد شده
که جناب صادق علیه السلام فرموده ایانا عنی ونحن اهل الذکر ونحن المسئولون یعنی
ما را خدای عز و جل قصد کرده از ین آیه مبارکه و ما اهل بیت اهل ذکر هستیم و ما ئیم
پرسیده شدها آیه مبارکه ولما ضرب ابن مریم مثلا اذا قومک منه یصدون وقالوا
ءالهتنا خیر ام هو ما ضربوه لک الا جدلا بل هم قوم خصمون ان هو الا عبد انعمنا
علیه وجعلناه مثلا لبنی اسرائیل ولو نشاء لجعلنا منکم ملائکة فی الارض یخلفون
و چون زده شد به پسر مریم مثلی یعنی ابن زبعری چون عیسی را مثل زد و مجادله کرد با تو

به پرستش

به پرستش ترسایان او را انگاه قوم تو یعنی کفار قریش از ان مثل وا زدند بر داشتند
و اغاز فرح و خوشحالی کردند و گفتند یا خدایان ما بهترند یا عیسی هر گاه او حصب جهنم
باشد گو ایشان نیز باشند نزدند این مثل را برای تو مگر برای خصومت کردن و
استهزا نمودن بلکه ایشان در جمیع احوال گروهی اند شدائد الخصومة و حریص بر لجاجت
نیست عیسی مگر بنده که انعام نهادیم برا و بمنصب رسالت و با فریدن او بی پدر و گردانیدیم
او را داستانی عجیب که مثل جاریست مر فرزندان یعقوب را یعنی ولادت او بدون پدر
قصه ایست که در غرابت مثلی است جاری شده در میان بنی اسرائیل پس بجهت تنبیه
بر کمال قدرت خود میفرماید که اگر خواهیم یعنی اگر حکمت و مصلحت ما تقاضا کند هر
اینه گردانیدیم بدل از شما فرشتگان یعنی شما را هلاک سازیم و بدل شما فرشتگان
بیافرینیم تا ایشان در زمین از پی شما در آیند یعنی خلیفه شما باشند عن الکافی
عن ابی بصیر قال بینا رسول الله ذات یوم جالس اذ اقبل امیر المؤمنین علیه السلام
فقال له رسول الله صلی الله علیه واله ان فیک شبها من عیسی بن مریم لولا
ان تقول فیک طوائف من امتی ما قالت النصاری فی عیسی بن مریم لقلت فیک
قولا لا تمر بملاء من الناس الا اخذوا التراب من تحت قدمیک یلتمسون بذلک
البرکة قال فغضب الاعرابیان والمغیرة بن شعبة وعدة من قریش معهم فقالوا
ما رضی ان یضرب لابن عمه مثلا الا عیسی بن مریم فانزل الله علی نبیه ولما ضرب
ابن مریم مثلا الی قوله لجعلنا منکم الحدیث از کافی حکایت شده که از ابی بصیر
روایتست که جناب رسول خدا صلی الله علیه واله روزی در اثنائیکه نشسته بودند

جناب امیر المؤمنین علیه السلام رو کرد تشریف آوردند پس جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمودند بدرستیکه در تو شباهتی از عیسی بن مریم است هرگاه
نمیترسیدم اینکه بگویند در حق تو گروههائیکه از امت من اند آنچیز را که گفتند نصاری
در حق عیسی بن مریم هر آینه میگفتم در حق تو قولی را که گذر نکنی بگروهی از مردم مگر
آنکه بر دارند خاک را از زیر پاهای تو بجهت اینکه مطلبند برکت را از آن خاک
یعنی بجهت تبرک پس غضبناک شدند آن دو اعرابی یعنی آن دو نادان و مغیرة بن شعبه و
چند نفر از قریش لعنهم الله که با آنها بودند پس گفتند راضی نشد رسول خدا صلی الله علیه
بیان نماید مثلی را برای پسر عم خود مگر اینکه مثل زد برای پسر عم خود عیسی بن مریم
یعنی و را شبیه نکرد مگر بعیسی بن مریم و این در نظر آنها عجیب بود زیرا که عیسی بن مریم
را بسیار بلند مرتبه میدانستند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را صاحب هیچ
مقام نمیدانستند پس این بود نازل کرد خداوند این آیه مبارکه را ولما ضرب ابن مریم
از قمی نقل شده که از جناب سلمان رضی الله عنه روایت کرده که فرمود در اثنای
که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب خود نشسته بودند که
ناگاه فرمودند بدرستیکه داخل میشود بر شما در این ساعت شبیه عیسی بن مریم پس
بیرون رفت بعضی از کسانیکه نشسته بود با رسول خدا صلی الله علیه و آله تا اینکه
او باشد آنکسیکه داخل میشود بوصیت حضرت رسالت که شباهت بعیسی علیه السلام
بوده باشد در حق او و صادق باشد پس داخل شد جناب علی بن ابیطالب علیه السلام پس آن مرد
بعضی یاران خود را گفت که آیا راضی نشد محمد صلی الله علیه و آله باینکه تفضیل دهد علی

را بر ما یعنی باینقدر از تفضیل اکتفا نکرده تا اینکه ترقی از این مرحله نموده او را شبیه نموده
بعیسی بن مریم بخدا قسم هر آینه خداهای ما که بودیم پرستش میکردیم آنها را در ایام
جاهلیت افضل است از وی پس خداوند عالم نازل فرمود در آن مجلس این آیه مبارکه را
ولما ضرب ابن مریم مثلا اذا قومک منه یضجون فحرفوها یصدون وقالوا ءالهتنا
خیر ام هو ما ضربوه لک الا جدلا بل هم قوم خصمون ان علی الا عبد انعمنا علیه
وجعلناه مثلا لبنی اسرائیل فمحی اسمه عن هذا الموضع یعنی چون زده شد
به پسر مریم مثلی یعنی فرموده که جناب امیرالمؤمنین شبیه بعیسی است ناگاه قوم تو
از این گفته تو فریاد میکنند آیه چنین نازل شده پس تحریف کردند و را و گفتند آیا
خداهای ما بهتر است یا آن عیسی که مماثل علی علیه السلام است بلکه خدایان ما
از عیسی بنابراین بهتر خواهند بود مثل نزدند این مثل را بر تو مگر برای خصومت
و استهزا و جدل بلکه آنها گروهی هستند خصومت کنندگان و نیست علی مگر بنده
که نعمت دادیم ما بر او و گردانیدیم او را مثل بنی اسرائیل جناب سلمان میفرماید پس دور
کردند منافقان اسم حضرت امیرالمؤمنین را از این موضع یعنی اسقاط کردند از مناقب
نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که فرموده داخل میشود
از این در مردی که شبیه ترین خلق است بعیسی بن مریم پس داخل شد علی علیه السلام پس
منافقین خندیدند از این قول بعد از آن این آیه مبارکه نازل شد ولما ضرب ابن مریم مثلا
از مجمع حکایت شده از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام روایتست روزی آمدم بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پس یافتم او را در میان گروهی که از قریش بودند پس

نظر فرمودند پس از آن فرمودند یا علی چنین نیست که مثل تو در این امت مثل
عیسی بن مریم است دوست داشتند قومی او را و افراط کردند در دوست داشتن او
پس هلاک شدند و دشمن داشتند قومی او را و افراط کردند در بغض و پس هلاک شدند
واقتصد فیه قوم فنجوا و قومی میان رو کردند در حق عیسی پس نجات یافتند پس این را
که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند گران آمد بر آنها که در خدمت آنحضرت
بودند و خندیدند و گفتند تشبیه میکند او را بر انبیا و رسل پس بعد از آن این آیه
مبارکه نازل گردید ولما ضرب ابن مریم مثلا الی آخره و عن التهذیب فی دعاء یوم الغدیر
المروی عن الصادق علیه السلام فقد اجبنا داعیک النذیر المنذر محمدا
صلی الله علیه و آله عبدک و رسولک الی علی بن ابی طالب علیه السلام الذی
انعمت علیه و جعلته مثلا لبنی اسرائیل انه امیر المؤمنین و مولیهم و ولیهم
الی یوم القیمة یوم الدین فانک قلت ان هو الا عبد انعمنا علیه و جعلناه
مثلا لبنی اسرائیل یعنی از تهذیب نقل شده در دعای غدیر که از حضرت صادق
علیه السلام روایت شده است و از جمله فقرات اینست پس تحقیق اجابت کردیم
خواننده از جانب ترا که نذیر و منذر است یعنی ترساننده از عذابست محمد صلی الله علیه
و آله که بنده و رسول تست بسوی علی بن ابی طالب علیه السلام که انعام کرده بر او و او را
مثل کرده برای بنی اسرائیل که او امیر المؤمنین و مولی و ولی ایشانست تا روز قیامت
که روز جزاست پس بدرستی که فرموده ان هو الا عبد انعمنا علیه و جعلناه مثلا
لبنی اسرائیل الی آخره ذکر معنی آیه مبارکه گذشت آیه مبارکه دیگر وانه لعلم للساعة

فلا

فلا تمترن بها واتبعون هذا صراط مستقیم یعنی بدرستی که عیسی علی نبینا و علیه السلام
هر آینه چیزیست که بآن دانسته شود نزدیک شدن قیام قیامت چه نزول او از
آسمان یکی از شرائط قرب قیامتست پس شک مکنید و جدال منمائید بآمدن قیامت و
پیروی کنید مرا اینکه شما را بآن دعوت میکنم و این راه راستست از علی بن ابراهیم قمی
نقل شده که گفته است پس خدا تعالی ذکر کرده است شرف و بزرگی امیر المؤمنین
علیه السلام را و گفته است انه لعلم للساعة هذا صراط مستقیم یعنی امیر المؤمنین
علیه السلام دانسته میشود بآنجناب نزدیک شدن قیامت مؤلف گوید دور نیست
که اشاره باین باشد که در ظهور صاحب الامر حضرت رجوع خواهند کرد و رجوع
آنجناب از علایم نزدیکی قیامتست آیه مبارکه قال انکم ماکثون لقد
جئناکم بالحق ولکن اکثرکم للحق کارهون یعنی مالک دوزخ در جواب ایشان
بعد از هزار سال گوید بدرستی که شما درنگ کنندگانید یعنی جاوید ماندگان
در دوزخ نخواهید بود و نه تخفیف عذاب از شما خواهد شد حق تعالی بعد از
جواب مالک بایشان گوید بتحقیق آوردیم بسوی شما یعنی فرستادیم سخن راست و درست
را بر زبان پیغمبران خود ولکن اکثر شما سخن حق را ناخواهان و از آن کراهت داشتند
بجهت آنکه با باطل در راحت بودید از قمی روایت شده که گفته لقد جئناکم
تا آخر کلام خدا است نه کلام مالک دوزخ و مقصود از لفظ بالحق یعنی بولایت
امیر المؤمنین علیه السلام ولکن اکثرکم للحق کارهون یعنی کراهت دارید ولایت
امیر المؤمنین علیه السلام را مراد از حق در این دو مکان ولایت جناب امیر المؤمنینست

همه جا آنحضرت از حق جدا نیست و نیز حق از آنحضرت منفک نیست الحق مع علی و علی

مع الحق **آیه مبارکه** حم والکتاب المبین انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا کنا

منذرین فیها یفرق کل امر حکیم یعنی سوگند بحکمت و حکم و حمایت و ملک و مجد

منت و باین کتاب روشن و هویدا بدرستیکه ما فرستادیم او را در شب با برکت و

عظمت بدرستی که ما هستیم بیم کنندگان بندگان بانزال قران در شبی که از جملهٔ

برکات آن اینست که در آن بیان کرده و فیصل داده شود هر کاری که حکم داده شده است

در همه سال از قیمت ارزاق و غیران از جناب موسی کاظم علیه السلام روایت است

که نصرانی از آنحضرت سؤال کرد از تفسیر این آیه مبارکه در باطن پس آنحضرت فرمودند

اما حم پس محمد صلی الله علیه و آله است که آن در کتاب هود است نازل شده

براو و آن منقوص الحروف است یعنی حروفان ناتمام است زیرا که یک میم و دال

از لفظ محمد کمتر است و اما الکتاب المبین پس آن جناب امیر المؤمنین علی علیه السلام

است و اما لیلة پس فاطمه علیها السلام است و اما قوله فیها یفرق کل امر حکیم

یقول یخرج منها خیر کثیر فرجل حکیم و رجل حکیم و رجل حکیم فقال الرجل

صف لی الاول والاخر من هؤلاء الرجال فقال ان الصفات تشتبه ولکن

الثالث من القوم اصف لک ما یخرج من نسله وانه عندکم لفی الکتب التی

نزلت علیکم ان لم تغیروا و تحرفوا و تکفروا وقدیما ما فعلتم الحدیث معنی آیه

مبارکه فیها یفرق کل امر حکیم یعنی خدا میشود هر امر حکیم در آن لیلهٔ مبارکه خدا و ند

میفرماید که از حضرت فاطمه علیها السلام بیرون می آید خیر کثیر پس حضرت فرمودند

این

ان خیر کثیر مرد حکیمی و مرد حکیمی و مرد حکیمی است پس گفت آن نصرانی بیان کن از

برای من رجل اول و رجل اخر این مردان را پس حضرت فرمودند بدرستیکه صفات

مشابهت بیکدیگر دارند یعنی نظیر هم میباشند و مشابه هستند سیمی از اینگروه را

بیان میکنم برای تو آنکسی را که از نسل و بیرون می آید و بدرستی که او در نزد شما است

هر آینه در کتابهای شما که نازل شده بر شما اگر تغییر نداده و تحریف نکرده باشید انکار

ننمائید و از قدیم این کار را کرده اید تا آخر حدیث **آیه مبارکه** یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا

ولا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم روزی که دفع نکند هیچ دوستی

و خویشی از دوست و خویش خود را از عذاب و نه آن دوستان و خویشان یاری کرده

شوند از جانب دوستان خود در دفع عذاب مگر کسیکه خدا رحم کرده باشد برا و بعفو کردن

از و و اذن شفاعت دادن در حق او و بدرستی که خدا بتعالی غالب است بر نعذیب شخصی که

در حق او عصیان نموده باشد پس برا و نعذیب عاصی هیچکس را یارای آن نباشد که

او را از عذاب الهی برهاند بدرستی که او است مهربان بر هر که اطاعت او کرده باشد

از کتاب کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام روایت شده که خوانده شد

بر آنحضرت این آیه کریمه پس فرموده نحن والله الذی رحم الله نحن والله الذی استثنی

الله لکنا نغنی عنهم یعنی ما ئیم قسم بخدا آنکسیکه رحم میکند خدا او را ما ئیم قسم بخدا

آنکسیکه خدا بتعالی استثنا کرده که فرموده الا من رحم یعنی خدا ما را رحم کرده پس ما میشوئیم

دفع عذاب از دوستان خود ما ئیم بشفاعت کردن هر چند دوستی هیچکس در آن روز

فایده بحال کسی ندارد و لکن ما دفع میکنیم عذاب را از دوستان خود و دوستی ما نفع می بخشد

نظیر

می باشد

برای ایشان ایضاً از انحضرت روایتست که استثنا نکرده است خداوند تعالی احدی
را از اوصیا انبیا و نه از اتباع ایشان مگر امیر المؤمنین علیه السلام و شیعهٔ انجناب
پس فرموده در کتاب خود سبحانه و کفتهٔ او حق و صدقست یَوْمَ لَا یُغْنِی مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَیْئًا
وَلَا هُمْ یُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ یعنی بذلک علیّاً و شیعته که جناب علی بن ابی طالب
و شیعهٔ انحضرت را قصد کرده بکلمهٔ اِلَّا مَنْ رَحِمَ آیهٔ مبارکه ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِیزُ
الْكَرِیمُ إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی مَقَامٍ أَمِینٍ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ یَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ
مُتَقَابِلِینَ كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِینٍ مضمون ایه اولی انست که خدا تعالی بر
سبیل تسخر و استهزا میفرماید مر انعاصی را که نزد قوم خود عزیز و مکرم بود که بچش
بدرستیکه تو ئی ارجمند نزد قوم خود و بزرکوار نزعم و کمان خود مرویست که ابو جهل
بحضرت رسالت کفت که میان این دو کوه که محیط اند کسی از من ارجمند تر و بزرکوار تر نیست
پس تو و خدای تو توانائی ندارید که ضرری بمن رسانید چون روز قیامت رسد حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و اله بر سبیل استهزا باو کوید ای عزیز و کریم بچش این عذاب
جحیم و اب حمیم و عقاب الیم را تتمّ ایهٔ مبارکه إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی مَقَامٍ أَمِینٍ الی اخره یعنی بدرستی
که پرهیزکاران در جایکاه ایمن باشند در بوستانهای پر از اشجار و چشمهای جاری می
پوشند جامهای را از سندس و استبرق سندس از حریر نازکتر است و استبرق از ان قدری
غلیظ تر است مُتَقَابِلِینَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِینٍ یعنی در حالتیکه در برابر یکدیکر نشسته
باشند تا ابد بپا ر یکدیکر انس کیرند و قرین میسازیم ایشانرا بحور عین یعنی بزنان سفید روی
و لطیف اندام و کشاده چشم که حدقهٔ آن در نهایت سیاهی باشد و سفیدی ان بغایت سفیدی

الکاز

از کان حکایت شده که از جناب امام محمد باقر علیه السلام مرویست که فرمود زمانیکه
خداوند عالم داخل میکند اهل بهشت را به بهشت و اهل جهنم را بجهنم و میفرستد خداوند
عالم علی بن ابی طالب علیه السلام را پس انحضرت هر کس را بجای خود از بهشت منزل میدهد
یعنی تعیین مکان هر کسی بجای خود از بهشت منزل میدهد یعنی تعیین مکان هر کسی در
بهشت با انجنابست پس انحضرت تزویج میکند ایشانرا پس علی علیه السلام بخدا قسم
انکسیست که تزویج میکند اهل بهشت را در بهشت و راجع نیست این امر بسوی احدی غیر از
انجناب کرامتی و فضیلتی است از خدا تعالی که تفضیل داده علی بن ابیطالب را و منت کذاشته
بان بر انحضرت از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرموده هر مؤمن تزویج میکند
در بهشت هشتصد باکره را و چهار هزار ثیبه و دو زوجه از حور عین سورهٔ مبارکه الَّذِینَ
كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ یعنی کسانیکه کافر شدند و اعراض کردند از
راه خدا اعمال ایشانرا خدا تعالی باطل کردانید از علی بن ابرهیم قمی ره روایتست که نازل
شد ایهٔ مبارکه در اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و اله در باب کسانیکه مرتد شدند بعد
از رسول خدا صلی الله علیه و اله و غصب نمودند حق اهل بیت انحضرت را و اعراض نمودند
از جناب امیر المؤمنین علیه السلام و از ولایت ائمه سلام الله علیهم خداوند باطل
کردانید انچیزیکه پیش کذشته بود از ایشان با رسول خدا از جهاد و یاری کردن انحضرت
یعنی انچیزیکه از ایشان سرزده بود در زمان حضرت رسالت پناه پس نتیجهٔ این عمل
شنیع نابود و نیست شد ایهٔ مبارکه وَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ
عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ یعنی کسانیکه ایمان اوردند

سورهٔ محمد

سورهٔ قتال

وعمل صالح نمودند وایمان آوردند بانچیزیکه نازل شده است بر محمد صلی الله علیه واله
واست حق وثابت از پروردگار ایشان بپوشاند خدا و درگذرد از انها ئیکه متصف
باین صفات اند گناهای بد ایشانرا و بصلاح آورد حال ایشانرا قمی روایت کرده که نازل
شده در شان ابوذر و سلمان و عمار و مقداد که عهد را نقض نکردند ومعنی قول خدای
تعالی وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ یعنی ثابت و باقی ماندند بر ولایت جناب امیر المومنین
علیه السلام آیه مبارکه یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ
أَقْدَامَكُمْ ای انانکه ایمان آورده اید اگر یاری نمائید خدای را یعنی دین او را و رسول خدا
و وصی رسول را یاری میکند خدای تعالی شما را تا بر ایشان غالب شوید واستوار سازد
قدمهای شما را در قیام بحقوق اسلام و مجاهده با کفار متم آیه مبارکه وَالَّذِينَ
كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ
انکسانیکه نگرویدند پس لغزیده شدند و بسر در آمدند در معرکه جهاد لغزیده شدنی و
بسر در آمدنی که مر ایشانرا حاصل بود و گم و نابود ساخت اعمال ایشانرا یعنی اصلا اجری
و ثوابی بران مترتب نکرداند و ان گم و نابود ساختن عملهای کفار بسبب اینست که ایشان
کراهت داشتند انچیزیکه نازل کرده بود خدا بر پیغمبر خود از قران وامر بتوحید و باحکام
شریعت که از جمله انها ولایت علی علیه السلام است پس باطل و ضایع کرداند خدا
عملهای ایشانرا و بمزد قرار نداد القمی قال نزل جبرئیل علیه السلام علی محمد صلی الله
علیه واله بهذه الایة هکذا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فی علی علیه السلام الا
انه کشط الاسم فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ یعنی علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه مبارکه فرموده که

در سوره صف

تعس یعنی هلاک و انحطاط است

کشط ... احبط

فرود آورد جبرئیل علیه السلام بر پیغمبر صلی الله علیه واله این آیه را چنین یعنی باین
طور کَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فی علی علی بن ابرهیم فرموده هیچ تغییری در آیه مبارکه ندادند
مگر اینکه اسم علی بر داشته شد چونکه بر داشتند اسم علی را پس خدا وند هم ضایع و
باطل نمود عملهای ایشانرا وعن المجمع عنه قال كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فی حق علی علیه السلام
از مجمع نقل شده که در حدیثست که کراهت داشتند انچیزرا که خدای تعالی نازل کرد
در حق علی علیه السلام آیه مبارکه ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا القمی
یعنی الذین ثبتوا علی امامة امیر المومنین علیه السلام یعنی انچه مذکور شد از اذلال
وعقوبت کافران و نصرت و مثوبت مومنان بسبب انستکه خدای تعالی دوست انکسانی
است که ایمان آوردند و ناصر و معین ایشان بوده از قمی نقل شده که معنی قول حق تعالی
الَّذِينَ آمَنُوا انست که استوار ماندند بر امامت جناب امیر المومنین علیه السلام
وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ یعنی بسبب انستکه کافرانرا هیچ دوستی نیست مر ایشانرا
یعنی انها دوستی ندارند که یاری ایشان کنند و عذاب از ایشان باز دارند نظر بتفسیر سابق
که منقول از علی بن ابرهیم بود مراد از کافرین منکرین امامت جناب علی بن ابیطالب علیه
السلام است آیه مبارکه ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي
بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ یعنی ان تسویل و امهال بسبب انستکه یهودان و
منافقان مر انانرا که کراهت داشتند از انچه فرو فرستاده است خدا از قران و احکام
اسلام یعنی یهودان با اهل کفر گفتند یا مشرکان با جماعتی دیگر از اهل شرک گفتند بزودی
زود باشد که فرمانبر شما را در برخی کارها و خدا میداند پنهانی ایشانرا که افشا میکنند

در سوره قتال

در سوره محمد

از جناب صادق علیه السلام روایتست در بیان این آیه مبارکه فرمود که فلان و فلان
اول و ثانی باشد که مرتد شدند از ایمان در واگذاشتن ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده است والله نازل شده است در شان این دو نفر و اتباع انها که انها مرتد شدند از
ظاهر و باطن ایه و اینست قول خدا عز و جل نقول لیکه فرود اورد جبرئیل از جانب حق
بر محمد صلی الله علیه و آله قالوا للذین کرهوا ما نزل الله فی علی سنطیعکم فی بعض
الامر قال دعوا بنی امیة الی میثاقهم الا یصیروا الامر فینا بعد النبی و لا یعطونا
من الخمس شیئا و قالوا ان اعطیناهم ایاه لم یحتاجوا الی شیء و لم یبالوا ان لا یکون
الامر فیهم فقالوا سنطیعکم فی بعض الامر الذی دعوتمونا الیه و هو الخمس
ان لا نعطیهم منه شیئا و الذی نزل الله ما افترض علی خلقه من ولایة امیر
المؤمنین علیه السلام و کان معهم ابو عبیدة و کان کاتبهم فانزل الله ام
ابرموا امرا فانا مبرمون ام یحسبون انا لا نسمع سرهم و نجویهم یعنی گفتند
مر انها را از منافقین که کراهت داشتند چیزی را که در شان جناب علی علیه السلام
نازل شده زود باشد که اطاعت کنیم شما را در بعضی کارها یعنی این را بگوئید در
مخالفت علی بن ابیطالب علیه السلام با شما موافقت مینمائیم انحضرت فرمودند که خواندند
ان دو مرتد و یاوران ایشان اولاد امیه را بر میثاق و پیمان خود بر اینکه قرار دهند
پیمان خلافت را با اهل بیت نگذارند بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و بما از
خمس چیزی ندهند و گفتند هرگاه ما بانها که اولاد رسول صلی الله علیه و آله هستند
خمس را بدهیم محتاج نمیشوند بچیزی و باک ندارند پس که خلافت نبوده باشد در میان

ایشان

ایشان پس بنی امیه گفتند زود باشد که اطاعت کنیم شما را که از خمس چیزی بایشان
ندهیم و مخالفت نمائیم و در ان چیزیکه خدا واجب کردانیده است بر خلق خود از ولایت
امیر المؤمنین علیه السلام یعنی در این دو چیز اطاعت شما میکنیم که خمس نمیدهیم و نگذاریم که
خلافت بامیر المؤمنین برسد و بود همراه ایشان ابو عبیده و او نویسنده عهد و پیمان
بود پس خدای تعالی نازل فرموده این ایه را که مضمونش اینست یا محکم کردانیدند امری را یعنی عهد را
پس بدرستیکه ما محکم کنندگانیم ایا گمان میکنند که ما نمیدانیم انچه پنهان میکنند
و در تنهائی با یکدیگر میگویند نه چنین است و حال انکه فرستادگان ما نزد ایشان هستند
و مینویسند انچه در تنهائی میگویند یعنی با این حال چگونه ما نمیدانیم ایه مبارکه و لو نشاء
لاریناکهم فلعرفتهم بسیماهم و لتعرفنهم فی لحن القول یعنی هرگاه بخواهیم هر اینه
بنمائیم ایشان را یعنی علامت و نشانها پیدا کنیم برانها پس هر اینه بشناسی انها را بعلامتی
که دیده شود از ایشان و البته میشناسی انها را در لحن قول یعنی در اسلوب کلام و
میل دادن او را از تصریح براد بسوی تعریض یعنی کوشه زدن و توریه نمودن یعنی کلامی گفتن
که ظاهری داشته باشد و خلاف ان را خواستن عن الامالی عن امیر المؤمنین علیه السلام
قال قلت اربع کلمات انزل الله تعالی تصدیقی بها فی کتابه قلت المرء مخبو تحت لسانه
فاذا تکلم ظهر فانزل الله تعالی و لتعرفنهم فی لحن القول از امالی صدوق حکایت
شده که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که فرمود من چهار کلام گفتم
که خداوند جل شانه فرو فرستاد تصدیق مرا یعنی مطابق ان چهار کلام من فرمود یکی
از انها اینست که مرد مخفی و مستور است در زیر زبان خویش چون بسخن در اید اشکار

وقال ...
ای فی اسلوبه و فی ما کنه لا لجهة تعریض و توریه

ظاهر میشود انچه در او است از خوبی و بدی یعنی خداوند عالم نیز همین مضمون را نازل
کرده است که فرموده است و لتعرفنهم فی لحن القول یعنی هر اینه میشناسی تو ای پیغمبر
انها را در لحن قول و از طریقه گفتگوی انها یعنی قول انها میباشد که موافقند با منافقین
و عن المجمع عن ابی سعید الخدری لحن القول بغضهم علی بن ابی طالب علیه السلام قال
و کنا نعرف المنافقین علی عهد رسول الله صلی الله علیه واله ببغضهم علی بن ابی طالب
علیه السلام قال و روی مثل ذلک عن جابر بن عبد الله الانصاری و عن عبادة
ابن الصامت قال کنا نبور اولادنا بحب علی بن ابی طالب علیه السلام فاذا راینا
احدهم لا یحبه علمنا انه لغیر رشدة از مجمع نقل شده که از ابی سعید روایتست که مراد از
لحن القول که خداوند فرموده بغض انها است جناب علی بن ابیطالب را و گفته است که بودیم
ما میشناختیم منافقین را در زمان رسول خدا صلی الله علیه واله بدشمنی انها با علی
ابن ابی طالب علیه السلام و مثل این حدیث از جابر بن عبد الله الانصاری روایت شده و از
عبادة بن صامت منقولست که گفته است که بودیم ما امتحان میکردیم اولاد خود را
بدوستی جناب علی بن ابیطالب علیه السلام پس هرگاه میدیدیم یکی از انها را که انجناب را دوست
نمیدارند میدانستیم که او حلال زاده نیست و از زنا بعمل امده از جمله ایه مبارکه
الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله یعنی کسانیکه کافر شدند و باز داشتند قوم خود را
بقهر و اغوا از راه خدا از قمی منقولست که گفته است مراد از سبیل الله جناب امیر المومنین
علیه السلام است که هر کس باز دارد قوم خود را از انجناب متم ایه مبارکه و شاقوا
الرسول من بعد ما تبین لهم الهدی لن یضروا الله شیئا و سیحبط اعمالهم یعنی و مخالفت

ولد لرشدة و بکسر ضد لزنیة قاموس

قال ع سوره

کردند

کردند و معانده نمودند با رسول خدا از پس انکه روشن و ظاهر شده بود مر ایشان را راه
راست از قمی حکایت شده که گفته معانده با رسول با این شد که ترک کردند رسول خدا را صلی
الله علیه واله و پیوند او را بریدند در باب اهل بیت او و بعد از انکه پیمان گرفته بود
ان منافقین از برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام هرگز ضرر نتوانند رسانند خدا را
چیزی یعنی کفر و صد ایشان ضرری بخدا نخواهد رسانید و زود باشد که باطل گرداند
خدا کردارهای ایشان را بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک
الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر یعنی بدرستیکه فتح کردیم برای تو ای محمد صلی الله علیه
واله فتحی روشن و گشوده هویدا تا اینکه بیامرزد خدا برای تو انچه گذشته است پیش از
فتح یا پیش از وحی از گناهان تو یعنی از ترک ندب یا ترک اولی و انچه از پس ان واقع شده از
مجمع نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه واله روایتست که چون این ایه مبارکه
نازل گردید حضرت فرمودند که این ایه بتحقیق نازل گردید بر من ایتی که ان محبوبتر است بسوی
من از دنیا و انچه در دست مولف گوید چه این ایه مبارکه مشتمل بر امرزش شیعیان جناب امیر
المؤمنین علیه السلام است زیرا که مذهب اهل حق انستکه انبیا و اوصیا معصوم اند
از گناهان صغیره و کبیره چه پیش از وحی و چه بعد از ان پس بنا بر این مراد گناهان شیعیان است
چنانچه در روایت بعد مذکور میشود چون انحضرت از رءوف و مهربان تر از پدر و مادر است
بر امتان و شیعیان جناب علی علیه السلام از جهت سرور و شادی انحضرت چنانکه در دعای
ابو حمزه ثمالی میفرماید الهی ان ادخلتنی النار ففی ذلک سرور عدوک و ان ادخلتنی
الجنة ففی ذلک سرور نبیک و انا و الله اعلم ان سرور نبیک احب الیک من سرور

عَدُوَّكَ یعنی خداوندا اگر تو مرا داخل آتش نمائی دشمن تو که شیطان باشد شاد میشود و
هرگاه مرا داخل بهشت نمائی پیغمبر تو شاد میشود و من قسم بخدا میدانم که شاد شدن دوست
تو دوستتر و خوشتر است بسوی تو از شاد شدن دشمن تو و از تفسیر قمی حکایت شده که از
جناب صادق علیه السلام روایت است که پرسیده شد از آنحضرت از معنی این آیه پس
فرمودند برای رسول خدا صلی الله علیه و آله گناهی از صغیره و کبیره نبود سهل است که
هرگز معصیتی بخواطر شریف نگذرانیدند ولکن خداوند عز و جل گناهان شیعیان جناب
امیر المؤمنین علیه السلام را بر آنجناب بار کرد یعنی آنحضرت گناهان ایشان را بار کردن
گرفتند پس آمرزیدن گناهان را برای آنحضرت آیهٔ مبارکه لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ
إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ یعنی هر آینه بتحقیق راضی شد خدا از مؤمنین در آنکه بیعت
نمودند در زیر درخت سمره از تفسیر قمی حکایت شده که از جناب صادق علیه السلام روایت
کرده که جناب امیر المؤمنین علیه السلام بمعاویه علیه اللعنة نوشت أنا أول من
بایع رسول الله تحت الشجرة یعنی من اول کسی بودم که بیعت کرد با رسول خدا صلی الله علیه و آله
در تحت شجره و الشجره درختی بود اسمش سمره که شجره طلح باشد و آن درختی است بزرگ پر خار
و بیمیوه حاصل قصهٔ بیعت آنستکه چون جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه بیرون
شدند بعزم مکه معظمه بحدیبیه رسیدند و آنجا هست نزدیک مکه با آن درختی که در
زیر آن بیعت کردند توقف فرمودند و عثمان را برسالت بمکه فرستادند نزد کفار قریش که من
بنای جنگ با شما ندارم و بزیارت بیت الله آمده ام پس قریش عثمان را نگاه داشتند و خبر
برسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان رسید که عثمان را کشتند پس آنحضرت فرمودند که از آن

سفر بر نمیگردیم تا با اینها جنگ نکنیم و آنجناب مردم را به بیعت خواندند پس برخواستند
و رفتند بسوی شجره سمره که مشهور است پس تکیه بر او دادند و مردم با آنجناب بیعت کردند
بر اینکه جنگ کنند با مشرکان و فرار نکنند و وعده اطاعت دادند تا هنگام قتل اینها بر
وعده اینها هزار و پانصد نفر بودند و یا هزار و سیصد نفر آیهٔ مبارکه فَأَنْزَلَ اللَّهُ
سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ یعنی پس خداوند نازل کرد
بر رسول خود و مؤمنین طمانینه و آرامش خود را و لازم گردانید خدای تعالی مؤمنان را سخنی که سبب پرهیزکاری
است از مجالس حکایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که بدرستی
علی بن ابی طالب علیه السلام نشانه هدایتست و امام اولیای من است و روشنیست
برای کسانیکه اطاعت من کنند و او است کلمه که الزام کردم او را بر متقین از خصال
روایتست که ائمه سلام الله علیهم فرمودند نحن کلمة التقوی و سبیل الهدی یعنی ما
هستیم کلمهٔ تقوی و سبیل الهدی و عن التوحید عن امیر المؤمنین علیه السلام قال فی
خطبة انا عروة الله الوثقی و کلمة التقوی یعنی از کتاب توحید حکایت شده که از جناب
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که در خطبه فرمود که من عروة الوثقی یعنی دست
آویز محکم خدا و کلمة التقوی یعنی سخنی که سبب پرهیزکاریست هستم و فی الاکمال عن الرضا
علیه السلام فی حدیث له و نحن کلمة التقوی و العروة الوثقی در کتاب اکمال از جناب امام
رضا علیه السلام روایتست که ما هستیم کلمهٔ تقوی و عروة الوثقی آیهٔ مبارکه سِيمَاهُمْ
فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ یعنی علامات ایشان در رویهای ایشانست یعنی علامت در پیشانی
ایشان ظاهر و هویدا است از نشانه سجده کردن و این مستلزم کثرت سجود ایشانست و

در سوره فتح

اینکه امام زین العابدین علیه السلام بذوالثفنات مشهور گشته بجهت همین است
زیرا که از زیادی عبادت و سجده نمودن پیشانی آنحضرت ثفنات بهم رسیده شده بود یعنی پینه
بسته بود مثل پینه اشتر و لهذا آنحضرت بسجاد نیز معروف شده و بروایت ضحاک
اثر سجود زردی روی و لاغری است از خشیت خدا آخر سوره مبارکه انا فتحنا لک این آیه است
وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا عن الامالی
عن النبی صلی الله علیه و آله انه سئل فیمن نزلت هذه الآیة قال اذا کان یوم
القیمة عقد لواء من نور ابیض و نادی مناد لیقم سید المؤمنین و معه الذین
آمنوا و قد بعث الله محمدا صلی الله علیه و آله فیقوم علی بن ابیطالب علیه السلام
فیعطی الله اللواء من النور الابیض بیده تحته جمیع السابقین الاولین من المهاجرین
والانصار لا یخالطهم غیرهم حتی یجلس علی منبر من نور رب العزة و یعرض الجمیع
علیه رجلا رجلا فیعطی اجره و نوره فاذا اتی علی آخرهم قیل لهم قد عرفتم موضعکم
و منازلکم من الجنة ان ربکم یقول لکم عندی لکم مغفرة و اجر عظیم یعنی الجنة
فیقوم علی بن ابیطالب علیه السلام والقوم تحت لوائه معهم حتی یدخل الجنة
ثم یرجع الی منبره و لا یزال یعرض علیه جمیع المؤمنین فیاخذ نصیبه منهم الی الجنة
و یترک اقواما علی النار معنی آیه شریفه اینست که وعده کرده خداوند عز و جل آنهارا
که ایمان آورده اند بخدا و رسول و کردند کارهای شایسته از ایشان یعنی از آنکه سمت
ذکر یافته اند آمرزش گناهان و مزدی بزرگ و بی پایان از کتاب امالی نقل شده که روایت
است از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرستیکه آنحضرت پرسیده شد که این آیه

مبارکه در حق که نازل شده فرمودند چون روز قیامت شود منعقد شود علمی از نور
ابیض یعنی روشنی خوب و منادی ندا میکند که باید برخیزد سید آقای مؤمنین و با او باشند
آنانکه ایمان آورده اند و بتحقیق که برانگیخت خدای تعالی جناب محمد صلی الله علیه و آله را
پس برمیخیزد جناب علی بن ابیطالب علیه السلام پس میدهد خداوند عالم علمی که از
نور سفید است بدست مبارک آنحضرت که در زیر آن علم میباشند جمیع سابقین
اولین از مهاجرین و انصار که هیچ یکی با ایشان مخلوط نیست یعنی در میان ایشان
بیگانه از دین و فرقه نیست تا اینکه می نشیند آنجناب بر منبری که از روشنی پروردگار
عزت و غلبه است و داده می شود همه ایشان بر آنحضرت پس میدهد بهر یکی مزد و روشنی اش را
پس هر گاه چون زمانیکه باخر و انتها رسید گفته میشود مر ایشانرا که بتحقیق شناختید
موضع و منازل خود را از بهشت بدرستی که پروردگار شما میفرماید بشما را که در نزد من
برای شما مغفرت و اجر عظیم است پس برمیخیزد جناب علی بن ابیطالب علیه السلام در حالتیکه
آنگروه که مزد خویش گرفته اند که در زیر علم آنحضرت هستند با ایشان یعنی آنحضرت
با ایشان برمیخیزد تا اینکه داخل بهشت شود بعد از آن برمیگردد آنجناب بسوی منبر خود
و همیشه نشان داده میشود بر آنحضرت جمیع مؤمنین پس آنحضرت میگیرد قسمت خود را از
ایشان یعنی دوستان آنجناب در قسمت او محسوب میشوند پس میبرند ایشانرا ببهشت و
واگذارد گروهان چندی را بر آتش یعنی کسانی را که از قسمت او خارج اند و دوست او
نیستند و میگذارد سایر قومها را در آتش و لنعم ما قیل علی حبه جنة قسیم النار
والجنة آیه مبارکه یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا ان تصیبوا

در سوره حجرات

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید اگر بیاید بسوی شما فاسقی که بیرون رونده باشد از فرمان
خدا بخبری پس بیاورد بخبریکه موجب تألم خواطر باشد پس تفحص و تجسس کنید و بینید بیرون
صدق و کذب آن نمائید و بمجرد اخبار وی مبادرت بعمل و قول وی مکنید رُوِیَ اَنَّ النَّبِیَّ بَعَثَ
وَلِیدَ بْنَ عُقْبَةَ فِی صَدَقَاتِ بَنِی الْمُصْطَلِقِ وَکَانَ بَیْنَهُ وَبَیْنَهُمْ اِحْنَةٌ فَلَمَّا سَمِعُوا بِهِ
اِسْتَقْبَلُوهُ فَحَسِبَهُمْ مُقَاتِلِیهِ فَرَجَعَ وَقَالَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ قَدِ
اِرْتَدُّوا وَمَنَعُوا الزَّکٰوةَ فَهَمَّ بِقِتَالِهِمْ فَنَزَلَتْ وَیُؤَیِّدُ هٰذِهِ الرِّوَایَةَ مَا فِی الْاِحْتِجَاجِ
عَنِ الْحَسَنِ الْمُجْتَبٰی فِی حَدِیثٍ قَالَ وَاَمَّا اَنْتَ یَا وَلِیدَ بْنَ عُقْبَةَ فَوَاللهِ مَا اَلُومُكَ
اَنْ تُبْغِضَ عَلِیًّا وَقَدْ جَلَدَكَ فِی الْخَمْرِ ثَمَانِینَ جَلْدَةً وَقَتَلَ اَبَاكَ صَبْرًا بِیَدِهِ یَوْمَ بَدْرٍ
اَمْ کَیْفَ تَسُبُّهُ فَقَدْ سَمَّاهُ اللهُ مُؤْمِنًا فِی عَشْرِ آیَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَسَمَّاكَ فَاسِقًا وَ
هُوَ قَوْلُهُ اِنْ جَاءَکُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَیَّنُوا یعنی روایت شده اینکه جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرستاد ولید بن عقبه را برای گرفتن صدقات و زکوة بنی المصطلق و میان ولید و آن طایفه
پیش از اسلام کینه بود پس چون شنیدند آمدن او را باستقبال او آمدند پس وی گمان کرد
که ایشان بجنگ او بیرون آمده اند پس برگشت و بخدمت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد
که این قبیله از دین برگشتند و زکوة ندادند پس آنحضرت عزم کردند که با ایشان جنگ
نمایند پس این آیه مبارکه نازل شد و تقویت میکند این روایت را آنچه در احتجاج از
حضرت امام حسن مجتبی روایت شده در حدیث طولانی از آنجمله چیزیکه میفرماید و اما تو
ای ولید پسر عقبه قسم بخدا ملامت نمیکنم ترا که چرا دشمن داری علی علیه السلام را و حال آنکه
بتحقیق هشتاد تازیانه زده است ترا بجهت شرابی که خورده بودی و پدر ملعون ترا دست بسته

ازره

کشته است بدست مبارک خود در روز بدر پس چگونه سب و ناسزا میگوئی تو با جناب
پس بتحقیق که خدا تعالی در ده آیه از قرآن او را مؤمن نام نهاده و ترا فاسق نام نهاده است
و در اینجا ترا فاسق نام نهاده میفرماید اِنْ جَاءَکُمْ فَاسِقٌ تا آخر آیه پس از تحقیق این حدیث معلوم
میشود که این آیه شریفه در شأن این ملعون نازل شده آیه مبارکه وَاعْلَمُوا اَنَّ
فِیکُمْ رَسُولَ اللهِ لَوْ یُطِیعُکُمْ فِی کَثِیرٍ مِنَ الْاَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلٰکِنَّ اللهَ حَبَّبَ اِلَیْکُمُ الْاِیمَانَ
وَزَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ وَکَرَّهَ اِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْیَانَ یعنی و بدانید ای مؤمنان
آنکه در میان شما است فرستاده خدا اگر فرمان برد شما را یعنی اگر رسول خدا قبول
کند قول شما را و برای شما عمل کند در بسیاری از کارها هر آینه برنج افتید و هلاک
شوید ولیکن خدا تعالی دوست کردانیده است بسوی شما ایمان را که تصدیق بقلب بخدا و
رسول و بجمیع ما جاء به النبی و آراسته است ایمان را در دلهای شما و مکروه کردانیده است
بسوی شما پوشیدن و مخفی داشتن حق را و بیرون رفتن از طاعت مفروضه او نافرمانی از
روی عناد و طغیان را از کافی و قمی حکایت شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام
روایتست که آیه مبارکه حَبَّبَ اِلَیْکُمُ الْاِیمَانَ وَزَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ مراد از ایمان جناب امیر
المؤمنین است وَکَرَّهَ اِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْیَانَ یعنی اول و ثانی و ثالث از جمله
آیه مبارکه اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ یَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا
بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللهِ اُولٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ یعنی جز این نیست که مؤمنون
از روی حقیقت آنکسانی هستند که ایمان آورده اند بخداوند و رسول او سبحانه و بخلوص قلب
تصدیق نمودند پس شك نکردند بدل بعد از اقرار بزبان شك نکرده اند و جهاد نموده اند

بمالهای خود یعنی بر اهل غزا انفاق کردند و بنفسها ایشان یعنی مرتکب قتال اهل حرب شدند

در راه خدا انگروه مؤمنان مجاهد ایشانند راستگویان در ادعای ایمان علی بن ابراهیم

قمی ره روایت کرده که ایه مبارکه در شان مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام

نازل شده ایه مبارکه اَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِیدٍ یعنی بیندازید در جهنم هر کافر

ستیزه کننده در امر حق را از قمی منقولست که گفته خطاب بجناب محمد و بجناب علی صلی الله

علیهما شده که لفظ القیا را به تثنیه فرموده یعنی خداوند عالم در روز قیامت بان دو بزرگوار

میفرماید که بیندازید در جهنم هر کس که عناد و منکر شما و اهل بیت شما است و ابن معوذ

جناب صادق علیه السلام است که فرمود علی قسیم الجنة والنار و عن السجاد عن

ابیه عن جده امیر المؤمنین قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان الله تبارک

وتعالی اذا جمع الناس یوم القیمة فی صعید واحد کنت انا و انت یومئذ عن

یمین العرش ثم یقول الله تبارک و تعالی و لک قوما فالقیا من ابغضکما و

کذبکما فی النار از جناب سید السجاد علیه السلام مرویست که از پدر بزرگوار خود

روایت فرمود که ایشان هم از پدر خود جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت

کرده که انحضرت هم فرمود که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود یا علی خداوند عالم

زمانیکه جمع میفرماید همه مردم را در روز قیامت در روی یک زمین من و تو در ان روز در سمت

راست عرش میباشیم پس خداوند عالم حکم میفرماید من و ترا که برخیزید هر دو و بیندازید

در جهنم هر کسی را که دشمنی کرده است با شما و تکذیب کرده شما را عن الامالی قال نزلت فی

و فیک یا بن ابیطالب از امالی منقولست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که

ایه

در بعض [illegible]

ایه مبارکه اَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِیدٍ در حق من و در حق تو نازل شده ای پسر ابوطالب

متهم ایه مبارکه مَنَّاعٍ لِلْخَیْرِ مُعْتَدٍ مُرِیبٍ یعنی بسیار منع کننده مر خیر را یعنی باز دارنده

مال او حقوق واجبه در گذرنده از حدود الهی و معادات نماینده با اهل آن بسیار شک

ارنده در وحدانیت خدا و در روز جزا و سایر چیزها که پیغمبر خدا قرار داده از قمی منقولست

که گفته مناع ان ملعون دومی است لعنة الله و خیر ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام

السلام است و حقوق ال محمد صلی الله علیه و اله و چون اول کتابت فدک را نوشت که

رد کنند انرا بجناب فاطمه علیها السلام دومی منع نمود پس او در گذرنده است از حد و

شک کننده انکسیست که قرار داد با حق تعالی خدای دیگر و گفتار او بهم را کفر ورزید

با خداوند یکه قرار داد از برای شما امامت و حسنی را ایه مبارکه وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ

وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ یعنی نیافریدیم جماعت جن و آدمیان را مگر بعلت اینکه عبادت کنند

و به پرستند مرا بر وجه اختیار نه بطریق اجبار از علل الشرایع منقولست که از جناب

امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که جناب امام حسین علیه السلام بیرون

امدند بر اصحاب خود پس فرمودند ایها الناس بدرستی که خدا تعالی خلق نکرده بندگان را

مگر اینکه او را بشناسند پس چون او را شناختند پرستش کنند او را و چون پرستش

او نمودند بی نیاز میشوند به بندگی او از عبادت و بندگی هر کس که جز او است فقال له

رجل یا بن رسول الله بابی انت و امی فما معرفة الله قال معرفة اهل کل زمان امامهم

الذی یجب علیهم طاعته یعنی شخصی مخدمت حضرت عرض کرد یا بن رسول الله پدر و

مادرم فدای تو باد معرفت خدا چیست بجناب فرمودند شناختن اهل هر زمان امام

در شناختن امام زمان

[illegible]

خود را که واجبست بر ایشان فرمان برداری او اول سوره مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم وما غوی میفرماید یعنی قسم بستاره چون طلوع کند و بلند بر آید و یا هبوط کند و غروب کند هوی بد و معنی امده بنا بر اول مشتق از هوی است و بنا بر ثانی مشتق از هوی بضم ها گمراه نشد صاحب شما ای اهل قریش یعنی محمد صلی الله علیه و آله بجهت تبلیغ رسالت و خطا نکرد در انچه بشما رسانید یعنی از بصواب گفت و با مر باطل مرتکب نشد در مجالس از ابن عباس روایتست که نماز عشا را شبی با جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بجا آوردیم پس چون سلام نماز را گفتند روی مبارك را بسوی ما کردانیدند پس فرمودند زود باشد که ستاره از آسمان حرکت کرده بزمین فرود می اید مقارن طلوع صبح پس میافتد در خانه یکی از شماها پس بخانه هر کدام که آن ستاره افتاد پس آن وصی و خلیفه من است و امام است بعد از من چون نزدیك صبح شد هر یك از ما نشسته در خانه خود انتظار میکشید افتادن ستاره را و کسیکه طمعش بیشتر از همه انکروه بود عباس بن عبد المطلب بود پس چون فجر طلوع کرد ستاره حرکت کرد از آسمان و از هوا و بیایین آمد پس در خانه جناب علی بن ابیطالب علیهما السلام افتاد پس جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند علی را که یا علی قسم بخدائیکه مبعوث کردانیده مرا به پیغمبری هر اینه بتحقیق ثابت و برقرار شد برای تو وصیت و خلافت و امامت بعد از من پس منافقان گفتند که عبد الله ابن ابی و اصحاب او و لعنهم الله هر اینه بتحقیق که محمد گمراه شد در دوستی پسر عم خود یعنی دوستی حضرت امیر المؤمنین باعث این شد که حضرت رسالت گمراه شد و خطا کرده و

نمیکوید

نمیکوید در شان پسر عم خود مگر از روی هوا و خواهش نفس یعنی بزرگ او را دوست دارد اینها را از پیش خود میگوید پس خدا تعالی این ایه مبارکه را نازل فرمود والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم وما غوی و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی یعنی قسم بافرینند ستاره که ساقط شد که گمراه نشد محمد صلی الله علیه و آله یعنی در محبت علی بن ابیطالب علیه السلام و خطا نکرد در ان که فرمود و سخن نمیگوید از روی هوا و خواهش نفس انچه را در شان علی میگوید و نیست نطق او مگر وحی که فرود امده بو عن الامالی عن النبی صلی الله علیه و آله قال لما عرج بی الی السماء و دنوت من ربی عز و جل حتی کان بینی و بینه قاب قوسین او ادنی فقال لی یا محمد من تحب من الخلق قلت یا رب علیا قال فالتفت یا محمد فالتفت عن یساری فاذا علی بن ابی طالب علیه السلام از امالی صدوق علیه الرحمه منقولست که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود چون بلند کرده شدم بسوی آسمان و نزدیك شدم به پروردگار خود تا انکه میان من و خدا تعالی قاب قوسین بود یعنی مقدار دو ذراع بنا بر تفسیر بعضی یا بقدر گرفتگاه از کمان تا سر آن که برگشته که جای بستن زه باشد بنا بر تفسیری که از قمی نقل شده یا اینکه از آنهم نزدیکتر پس خدا وند عالم فرمود یا محمد از مخلوق من کرا دوست میداری عرض کردم پروردگارا علی را خدا تعالی فرمود پس ملتفت شو یا محمد پس ملتفت شدم دیدم از طرف چپ خود پس ناگاه دیدم که از یسار من علی بن ابی طالب را که ایستاده از کافی منقولست که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که در اخر حدیثی انحضرت فرمودند والله ما جاءت ولایة علی من الارض و لکن جاءت من السماء مشافهة یعنی بخدا قسم

وَلایت علی بن ابی طالب علیه السلام از زمین نیامده ولیکن از آسمان آمده در حالتیکه رو برو
از خدا شنید یعنی بی وساطت جبرئیل در شب معراج آنحضرت مأمور شدند باینکه امیر المؤمنین را
صاحب اختیار امت کرده اند آیه مبارکه ما کذب الفؤاد ما رأی یعنی دروغ نگفته دل جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله آنچه را که دید آنحضرت بعینه در شب معراج افتمارونه علی ما یری افتما
یعنی افتجادلونه علیه من المراء و قرء افتمرونه ای افتغلبونه فی المراء او افتجحدونه
و علی التضمن معنی الغلبة یعنی آیا مجادله میکنید ای معاندان قریش بر آنچیز را که می بیند
پیغمبر در شب معراج از آیات عظیمه و مخلوقات عجیبه بنا بر قرائتی که افتمرونه خوانده
شده یعنی آیا غلبه میکنید او را در مجادله با اینکه معنی اینست آیا انکار میکنید در حالتیکه
غلبه کنید کاینده او و عن التقی انه سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن ذلك
الوحی فقال اوحی الیّ ان علیاً سید المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین
و اول خلیفة یستخلفه خاتم النبیین فدخل القوم فی الکلام فقالوا امن الله او
من رسوله فقال الله جل ذکره لرسوله قل لهم ما کذب الفؤاد ما رأی ثم رد علیهم
افتمارونه علی ما یری فقال لهم رسول الله صلی الله علیه و آله قد امرت فیه بغیر هذا
امرت ان انصبه للناس فاقول هذا ولیکم من بعدی و انه بمنزلة السفینة یوم
الغرق من دخل فیها نجی و من خرج عنها غرق یعنی از تقی منقولست که پرسیده
شد از رسول خدا از این وحی که در آیه مبارکه فاوحی الی عبده ما اوحی که چه بود آن
وحی خداوند عالم آنجناب فرمودند وحی شد بسوی من بدرستیکه علی بن ابی طالب سید
المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین است یعنی کشانندهٔ مؤمنانیکه ما

اصحاب

اسبانی هستند که پیشانی و چهار پای ایشان سفید است یعنی نور از مواضع
سجود ایشان ساطعست و اول خلیفه است که جانشین خود میکرداند او را خاتم النبیین
پس انکردند منافقان داخل در میان کلام شدند یعنی در بین کلام آنحضرت عرض کردند
آیا این فرمایش از خدا است و یا از رسول خدا پس خداوند عالم این آیه مبارکه را نازل فرمود
ما کذب الفؤاد ما رأی پس رد کرد بر آن منافقین که اینکلام را از روی بی اعتقادی
تصدیق ان کفتند پس فرمود افتمارونه علی ما یری یعنی دروغ نگفته است فؤاد
پیغمبر آنچه را دید آیا پس انکار و مجادله میکنید او را آنچیز را که می بیند و قال لهم
رسول الله صلی الله علیه و آله قد امرت فیه بغیر هذا امرت ان انصبه للناس
فاقول هذا ولیکم من بعدی و انه بمنزلة السفینة یوم الغرق من دخل فیها
نجی و من خرج عنها غرق پس فرمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بتحقیق
که من بغیر از این نیز مأمور شده ام هر آینه مأمور شده ام بر اینکه نصب کنم علی را
برای مردم پس بگویم که این یعنی علی بن ابی طالب صاحب اختیار شما است بعد از
من بدرستیکه او بمنزله کشتی است در روز غرق شدن هر کس داخل شد در آن
نجات می یابد و هر کس خارج شد هلاك و غرق شد آیه مبارکه لقد رأی من آیات
ربه الکبری یعنی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج هر آینه بتحقیق
دید از نشانهای قدرت پروردگار خود که بزرکترین نشانها بود از کافی منقول
است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که نیست برای خداوند عالم
آیتی که بزرکتر از من باشد و منم آیه کبری اول سوره مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم

اعنی

الرحمن

الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان یعنی خداوند بسیار بخشایش که
رحمتش بهمه چیز فرا رسیده آموخته است قران را بحبیب خود بیافرید جنس انسان را و بیاموخت
او را یعنی بنی آدم را بیان کردن ما فی الضمیر بنطق و کتابت قمی از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده پرسیده شد از معنی خلق الانسان فرمودند که آن جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است پرسیده شد از معنی علمه البیان فرمودند که بیاموخت
خدا بآنجناب بیان هر چیز را که مردم محتاج بآن میشوند والسماء رفعها ووضع
المیزان یعنی و برداشت آسمان را ببالای زمین بپانصد ساله راه و بیافرید در میان آن
یا فرو گذاشت از آسمان میزان را که بآن وزن و مقدار اشیا معلوم میشود چون ترازو
در تتمه حدیث سابق که از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که سما جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله است که او را بسوی خود بلند کرد و میزان جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است که خدا تعالی او را برای خلق خود نصب کرده و پرسیده شد از معنی
الا تطغوا فی المیزان ای لا تعصوا الامام یعنی معصیت امام را نکنید پرسیده شد از معنی
واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان فرمودند یعنی اقیموا الامام بالعدل ولا تبخسوا الامام
حقه ولا تظلموه یعنی بر پا بدارید امام عادل را یعنی پیروی کنید و متابعت او نمایید و او را
بر جاییکه خدا قرار داده برای او بنشانید و کم مکنید حق او را و ظلم منمایید باو و میزان در اینجا
تفسیر امام است فبای آلاء ربکما تکذبان یعنی بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود تان
تکذیب مینمایید از قمی منقولست که گفته است خطاب درینجا ظاهرا بجن و انس است و مراد
باطن فلان و فلان است که مخاطب اند عن الصادق علیه السلام انه قال قال الله تبارک و تعالی فبای

النعمتین

والهما

النعمتین تکفران بمحمد ام بعلی صلی الله علیهما وعن الکافی مرفوعا بالنبی ام بالوصی صلی
الله علیهما و آلهما
یعنی منقولست که پرسیده شد از امام جعفر صادق علیه السلام از معنی این آیه شریفه
فرمودند خداوند عالم فرموده پس بکدام یک از دو نعمت خدا کافر میشوید آیا بمحمد صلی الله
علیه و آله یا بجناب علی علیه السلام کافر میشوید و انکار مینمایید یعنی آیا انکار نبوت
پیغمبر را مینمایید یا انکار ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را و از کافی هم منقولست که
آیا به نبی کافر میشوید و انکار مینمایید یا به وصی او رب المشرقین ورب المغربین یعنی
خدای بخشاینده و آفریدگار دو مشرق است برای آفتاب یکی مشرق صیفی و یکی مشرق شتوی
و پروردگار دو مغرب است برای شمس یکی تابستانی و دیگری زمستانی از جناب امام جعفر
صادق علیه السلام روایتست که مراد از مشرقین جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین
علیهما السلام است و مغربین جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهما السلام است
مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان فبای آلاء ربکما تکذبان یخرج منهما
مرج البحرین ای ارسل البحرین قبل بحر الفارس و بحر الروم ظاهرا
اللؤلؤ والمرجان یعنی رها کرد و جاری فرمود دو دریا را یکی شیرین و خوش مزه و دیگری
شور و تلخ در حالتیکه بیکدیگر میرسند و سطوح آنها بیکدیگر مماس میکنند و آن بحر فارس
و روم است در میان آنها حاجزی و پرده ایست از قدرت خدا که بسبب آن افزونی نمی جهد
بر یکدیگر و هیچکدام بر یکدیگر غالب نمیشوند بهم آمیخته و ابطال خاصیت یکدیگر و بسبب این
حاجز عذوبت دریای عذب بهم آمیخته دریای تلخ باطل نمیشود و هر یک در حد خود برقرارند
پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید بیرون می آید از هر یک دو دریا مروارید
و مرجان از قمی منقولست که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که

جناب امیر المؤمنین علیه السلام و جناب فاطمه علیها السلام دو بحر هستند یعنی دو دریا
هستند عمیق تعدی نمیکند یکی از انها بر صاحب خود که خارج شود از انها لؤلؤ و مرجان
که جناب حسن و جناب حسین علیهما السلام باشند و از مجمع منقولست که از حضرت
سلمان فارسی سلام الله علیهم و سعید بن جبیر و سفیان الثوری روایتست بدرستیکه
بحرین جناب علی و فاطمه سلام الله علیهما و برزخ جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
و لؤلؤ و مرجان جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام است خاتمه سوره مبارکه
تبارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام یعنی بزرگست اسم پروردگار تو از حیثیت
دلالت ان بر ذات اقدس او سبحانه خداوندی که او را ثابتست جمیع صفات که مستلزم کمال
ذات او است و مبرا است از هر صفتی که موجب نقص عزت کبریا باشد از تفسیر منقول است که
از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که انجناب فرمودند نحن جلال الله و کرامته التی اکرم
الله تبارک و تعالی العباد بطاعتنا و محبتنا یعنی ما جلال و کرامت خدا تعالی هستیم که گرامی داشته
است بندگان را بطاعت و محبت ما از کافی منقولست که از جابر بن عبد الله روایتست
که گفت زمانیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله سوره مبارکه الرحمن را خواندند
مردم ساکت شدند و سخنی عرض نکردند و چیزی نگفتند پس انحضرت فرمودند الجن کانوا
احسن جوابا منکم لما قرئت علیهم فبای الاء ربکما تکذبان قالوا لا بشیء من
الاء ربنا نکذب یعنی جماعت جن از شما بهتر هستند که جواب دادند زمانیکه این ایه
مبارکه بر انجماعت خوانده شد بنا براینکه قرئت بصیغه مجهول مفرد مونث غایب باشد یا
اینکه قرئت باشد یعنی خواندم بر ایشان بنا براینکه معلوم متکلم باشد گفتند لا بشیء

خوا قرئت

من الاء

من الاء ربنا نکذب یعنی هیچ یعنی از نعمتهای پروردگار خود تکذیب نمیکنیم جناب امام جعفر
صادق علیه السلام فرمودند هر کس سوره الرحمن را بخواند و نزد هر ایه از قول خدا تعالی
فبای الاء ربکما تکذبان بگوید لا بشیء من الائک رب اکذب اگر در شب بخواند و پس از ان
بمیرد شهید مرده و یا در روز بخواند و پس از ان بمیرد شهید مرده در سوره مبارکه اذا
وقعت الواقعة ایه مبارکه والسابقون السابقون اولئک المقربون فی
جنات النعیم یعنی پیشی گرفتگان با یمان و طاعة بعد از ظهور حق کسانی اند که حال
ایشان در سبقت بر تو واضح و مآل ایشان بر تو لایح است پس احتیاج به بیان احوال
ایشان نباشد انگروه سابقان نزدیک گردانیده شده اند از روی درجه و مرتبه یعنی درجات
ایشان نزدیک است بعرش خدا در بوستانها با نواع نعم و کرامت یعنی ایشان در اعلی
درجات جنان و ارفع مراتب ان خواهند بود و از تفسیر منقولست که گفته سابقون
کسانی هستند که پیشی گرفته داخل بهشت میشوند بی حساب از امالی منقولست که روایت
شده از جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله پرسیده شد از این ایه مبارکه انحضرت
فرمودند جبرئیل بمن خبر داده که جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و شیعه او است پیشی
گیرندگانند بسوی بهشت و نزدیک بخدا بسبب گرامی داشتن او ایشان را با انکه معنی اینست
که مقرب و نزدیکاند بکرامت خدا تعالی از خصال منقولست که از جناب امیر المؤمنین
علیه السلام روایتست که فرمود السابقون السابقون اولئک المقربون در شان من
نازل شد است عن المجمع عن الباقر علیه السلام السابقون اربعة ابن ادم المقتول و
سابق امة موسی و هو مؤمن ال فرعون و سابق امة عیسی و هو حبیب النجار و [illegible]

در ثواب قرائت سوره

فی امة محمد صلی الله علیه و آله و هو علی بن ابی طالب علیه الصلوة و السلام یعنی
از مجمع منقولست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام منقولست که السابقون
چهار است اول فرزند حضرت آدم هابیل که مقتولست و سابق امة موسی که آن مؤمن آل فرعون
است و سابق امت عیسی و آن حبیب نجار است و سابق در امت محمد صلی الله علیه و آله
علی بن ابیطالب علیه السلام است آیة مبارکه وَاَصْحَابُ الْیَمِینِ مَا اَصْحَابُ الْیَمِینِ یعنی
یاران دست راست چه اند یاران دست راست ایشان یعنی این تعجبست از عظمت و بزرگی
ایشان از قمی منقولست که گفته که یمین جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اصحاب و یاران
یمین شیعة آنجنابست آیة مبارکه وَفَاکِهَةٍ کَثِیرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ یعنی
و میوهای بسیار از هر جنسی که باشد نه بریده باشد و نه فانی گشته یعنی در هیچ زمان
انقطاع نیابد بخلاف میوهای دنیا که در بساتین در فصلی باشد دون فصلی و منع
کرده شده یعنی از خوردن آن هیچ نوع منع نکنند بخلاف میوهای دنیا و از حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله منقولست که هیچ میوه از درخت بهشت بچینند که از موضع آن دو
مثل آن روئیده نشود عن القمی عن النبی صلی الله علیه و آله لما دخلت الجنة رأیت فی
الجنة شجرة طوبی اصلها فی دار علی علیه السلام از قمی منقولست که از جناب رسول
صلی الله علیه و آله روایت کرده که آنحضرت فرمودند چونکه داخل شدم به بهشت دیدم
در بهشت درخت طوبی را که بیخ آن در خانه علی بود بعد فرمودند که وما فی الجنة قصر
ولا منزل الا و فیها فتر اعلاها اسفاط حلل من سندس و استبرق یکون للعبد
المؤمن الف الف سفط فی کل سفط مأة حلة ما فیها حلة تشبه الاخری

قلبی فیها احادیث فی الهبه (؟)

فیها فی ثمرة

القفر بالضم و تمیمین الناحیه الجانب

علی الوان مختلفة و هو ثیاب اهل الجنة وسطها ظل ممدود فی عرض الجنة
و عرض الجنة کعرض السماء و الارض اعدت للذین آمنوا بالله و رسله یسیر
الراکب فی ذلک الظل مسیرة مأتی عام فلا یقطعه و ذلک قوله و ظل ممدود و فی
اسفلها ثمار اهل الجنة و طعامهم متدلل فی بیوتهم یکون فی القضیب
منها مأة لون من الفاکهة مما رأیتم فی دار الدنیا و مما لم تروه و ما سمعتم به
و ما لم تسمعوا مثلها و کلما اجتنی منها شیء نبتت مکانها اخری لا مقطوعة و
لا ممنوعة یعنی و نیست در بهشت قصری و نه منزلی مگر اینکه در آن جانبی از آن
درخت هست در بالای آن درخت سبدهای حلهای از سندس و استبرق میباشد
و حله دو بالاپوش بایکی که آستر داشته باشد و سندس حریر نازک و استبرق حریر
غلیظ است فرمودند میباشد از برای بنده مؤمن هزار هزار سبد و هر سبدی
صد حله است نیست در این حلها حله که شبیه بدیگری باشد رنگهای مختلف دارند
یعنی دوتای از آنها بیک رنگ نیست و آن حلها رختهای اهل بهشتست و در وسط آن
درخت سایه است که کشیده شده بمقدار عرض بهشت و عرض بهشت مثل عرض آسمان
و زمین است آن بهشتی که مهیا شده است برای آنانیکه ایمان آورده اند بخدا و رسول
او و آن سایه مستطیل است که راه میرود سواره در آن سایه مقدار رفتن دویست
سال راه و باخر او نمیرسد و آن سایه اینست که خدا فرموده و ظل ممدود و در پائین آن
درخت میوهای اهل بهشتست و طعام ایشان میوها بیکه او یزانست در خانهای ایشان
میباشد در هر شاخه از آن درخت صد رنگ از میوه از آن میوه که دیده اید در دنیا و از

ان

ان چیزها یکه ندیده اید در آن و چیزیکه شنیده اید از او نشنیده اید مثل آن و هرچه
چیده شود چیزی از آن میوه ها میرسد در جای آن میوه دیگری و هرگز تمام شدن ندارد و
کسی از آن ممنوع نمیشود بخلاف میوه هایی دنیا که در دنیا در بستانها وخطرها حفظ آن
میکنند و از مردمان منع میکنند و بسبب بعد و محافظت از آن ممتنع میشوند عن الاحتجاج
عن الصادق علیه السلام انه سئل من این قالوا ان اهل الجنة یاتی الرجل
منهم ثمرة یتناولها فاذا اکلها عادت کهیئتها قال نعم ذلک علی قیاس السراج
یاتی القابس فیقتبس منه فلا ینقص من ضوئه شیئا وقد امتلات منه الدنیا
سراجا از احتجاج منقولست که روایت کرده اند که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیده شد که از کجا ممکن است این چیزیکه میگویند یعنی بچه دلیل میتوان تصدیق
نمود بآنچه میگویند که بدرستیکه اهل بهشت هرکه می آید مردی از ایشان بسوی میوه
پس تناول مینماید از آن پس چون میخورد از آن برمیگردد که میوه بجای خود مثل صورت اول خود
حضرت فرمودند بلی چنین است این ثمره درخت باندازه چراغ است یعنی مثل آنست که
می آید روشنی گیرنده بسوی آن و اخذ روشنی میکند یعنی چراغ دیگر از او روشن میکنند
پس هیچ چیز از روشنی آن چراغ کم نمیشود در حالتیکه همه دنیا از آن مملو از چراغ شده
باشد مصرع روشن شود هزار چراغ از فتیله‌ای آیه مبارکه ما افاء الله علی
رسوله من اهل القری فلله وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل
یعنی آنچه باز گردانید خدا بر پیغمبر خود از اموال و املاک اهل دهها که بجرب گرفته نشده
یعنی قرای بنی نضیر پس مر خدا راست و مر پیغمبر او راست و متصرف در سهم اول نیز آن حضرت است

سوره حشر

که برونق مصلحت صرف نمایند و مر صاحبان خویش و نسبت بحضرت نبوی از اهل بیت
وی که ائمه معصومین اند علیهم السلام و مر اطفال بی پدران محتاج از آل محمد
و مر درویشان را که از ایشان باشند و بر قوت سال قادر نباشند و مر رهگذریان
بان که استطاعت نداشته باشند که بشهر خود روند و فیء آنست که از کفار
بمسلمانان منتقل شود بدون قتال عن الکافی عن امیر المؤمنین علیه السلام نحن
والله الذین عنی الله بذی القربی الذین قرنهم الله بنفسه و نبیه الحدیث یعنی
از کافی نقل شده که از جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده
اند بخدا قسم ما آن کسانی هستیم که قصد فرموده خداوند عالم از لفظ ذی القربی
آنانیکه قرین و نزدیک نموده با نفس خود و با به نبی خود تا آخر حدیث آیه مبارکه
ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة یعنی اختیار میکنند بر نفس خود
دیگری را در راه خدا و اگرچه در حالتیست که هست ایشان را احتیاج و فقر بآنچه ایثار
میکنند ایثار عبارتست از آنکه کسی محتاج باشد بچیزی و دیگری را مستحق آن ببیند
از خود باز گیرد و بوی بخشد از امالی منقولست که روایتست که شخصی آمد بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پس شکایت نمود بسوی آنجناب از گرسنگی پس
حضرت را فرستادند بسوی خانه های زوجات خود شاید چیزی برای این مرد تحصیل کنند
پس در جواب گفتند که در نزد ما چیزی بغیر از آب نیست پس حضرت رسالت فرمودند
کیست برای این مرد امشب را یعنی اطعام این مرد را که امشب بجا خود میکند پس
جناب امیر المؤمنین عرض کردند من برای او هستم یعنی من اطعام او مینمایم یا رسول الله

سوره الحشر

پس آنجناب تشریف آوردند بخانه نزد جناب فاطمه علیها السلام و فرمودند یا بنت رسول
الله در نزد تو چیزی هست با این فقیر بدهیم عرض کرد در نزد ما چیزی بسبب غیر از قوت
امشب لکن ما ایثار میکنیم و مقدم میداریم بر خود مهمان ما را آنجناب همان قوت را
بفقیر دادند فرمودند ای دختر محمد صلی الله علیه و آله بچهها را بخوابان و چراغ را خاموش
کن و امشب را گرسنه ماندند پس چون حضرت علی علیه السلام داخل در صبح شد همان
صبح زود بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله آمد حکایت را بعرض شریفش رسانید
پس از آن مجلس برنخواست تا اینکه خدا تعالی این آیه مبارکه را نازل فرمود و یؤثرون علی
انفسهم و لو کان بهم خصاصة یعنی دیگران را بر نفس خود شان اختیار و مقدم میدارند
هر چند بر خود شان فقر و احتیاج باشد در حدیث دیگر وارد است که شبی رسول خدا از نماز
شام و خفتن فارغ شد مردی از میان صفوف برخواست و گفت ای مهاجر و انصار مرد غریبم
مرا طعام دهید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که ذکر غربت مکن که دلم را
اندوهگین ساختی بعد از آن فرمودند غریبان چهار اند یکی مسجدی که در میان قومی باشد که
در آنجا نماز نکنند دوم مصحفی که در خانه باشد و از آن تلاوت نکنند سیم عالمی که در
میان جماعتی باشد و ایشان تفقد او و جستجوی وی ننمایند چهارم اسیری که از اهل اسلام
در میان کفار باشد پس گفت کیست که مؤنه این مرد را کفایت کند امیر المؤمنین علی علیه السلام
برخواست و دست سائل را گرفت و بحجرهٔ طاهرهٔ فاطمه علیها السلام در آمد و گفت ای دختر رسول در کار این
مهمان نظری کن جناب فاطمه علیها السلام عرض کرد یا ابن عم طعامی اندکست و حسن و حسین گرسنه
و تو هم روزه داری پس فرمود آنرا حاضر کن پیش آورد حضرت طعام را پیش مهمان گذاشتند و با

خود گفت اگر من طعام بخورم مهمان را کافی نباشد و اگر من نخورم مهمان خجالت میکشد پس
دست دراز کردند و چنان باز نمودند که چراغ اصلاح میکنم و او را خاموش کردند
و جناب فاطمه را فرمودند که در روشن کردن چراغ تعلل نما و دیر روشن کن و خود دهان
مبارک میجنبانید و چون فارغ شدند جناب فاطمه علیها السلام چراغ را روشن کرده بنا بود
و طعام همچنان بر جای خود باقی بود حضرت امیر فرمودند بان فقیر چرا نمی خوری عرض کرد
خوردم و سیر شدم پس جناب امیر و فاطمه و حسن و حسین روحی لهم الفداء و فضه و همسایگان
از آن طعام خوردند و هنوز باقی بود روز دیگر آنحضرت بخدمت جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله آمد وی را گفت یا علی دیشب چگونه گذرانیدی عرض کرد بخیر و خوبی پس
آنجناب حکایت شب گذشته را جمیع با جناب امیر المؤمنین علیه السلام باز گفتند جناب
امیر عرض کرد یا رسول الله که ترا اعلام کرد فرمودند یا علی جبرئیل بمن نازل گردید و از
جانب خدا تعالی این آیه را آورد و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة از احتجاج
منقول است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند قوم را بعد از من درون
دو بتوده زحدیتکه شمارش مناقب خود مینمایند شما را ابجد اقسم میدهم ایا در میان شما هست
کسیکه در شان او این آیه نازل شده باشد غیر از من عرض کردند نه یا علی در شان غیر تو نازل
نشده آیه مبارکه لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون
یعنی یکسان نیستند نزد خدا یاران دوزخ که نفس خود را خوار ساخته بکسب معاصی مستحق آتش
شدند و اصحاب بهشت که در استکمال نفس خود کوشیده سزاوار جنت گشتند یاران بهشت
یعنی ساکنان آن ایشانند رستگاران یعنی از عذاب جحیم باز رسته و در نعیم مقیم پیوسته اند

عیون منقولست که از جناب امام رضا علیه السلام مرویست که فرموده بدرستیکه
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه مبارکه را تلاوت کردند پس فرمودند که اصحاب
جنت آنکسیست که اطاعت من کند و تسلیم امر نماید برای علی بن ابیطالب بعد از من و اقرار
کند بولایتش و اصحاب نار آنکسیست که راضی نشود و انکار کند بولایتش و بشکند پیمان
و بیعتش را و با او مقاتله و جنگ نماید بعد از من اول سورهٔ منافقین بسم الله الرحمن الرحیم
اذا جاءک المنافقون قالوا نشهد انک لرسول الله والله یعلم انک لرسوله والله
یشهد ان المنافقین لکاذبون یعنی ای پیغمبر چون زمانیکه منافقان بسوی تو
بیایند و گویند شهادت میدهیم بدرستی که تو رسول خدائی و منافق نیستیم و بدل
و زبان رسالتترا معتقدیم خدا میداند که تو رسول او هستی چرا و فرستنادهٔ تست و
خدا شهادت میدهد بدرستیکه منافقان هر آینه دروغگو یانند در گواهی خود
پس شهادت ایشان دروغ باشد از کافی نقل شده که از جناب امام موسی کاظم علیه السلام
روایتست که فرمود بدرستیکه خدا تعالی کسانی را که متابعت رسول او را در ولایت وصی
علی بن ابیطالب علیه السلام منافقین نام گذاشته و قرار داده کسی را که انکار نماید
امامت وصی او را مانند کسیکه انکار رسالت محمد صلی الله علیه و آله نماید و نازل کرده
بجهت بیان اینمطلب قرآنی را مؤلف گوید چنانکه قرآن اسم همه آیاتست بعضی آیات قرآن
نیز مینامند که فی الحقیقه قرآن نام انچیزیست که از آسمان جبرئیل آورده برای حضرت
رسول چه یک آیه و چه همه آیات پس خدا تعالی فرمود این آیه مبارکه را یا محمد اذا جاءک
المنافقون بولایة وصیک قالوا نشهد انک لرسول الله والله یعلم انک لرسوله و

الله یشهد ان المنافقین لکاذبون یعنی یا محمد زمانیکه بسوی تو بیایند منافقان در
ولایت وصی تو و گویند شهادت میدهیم بدرستی که تو رسول خدا هستی و خدا
داند تو رسول او هستی و خدا شهادت میدهد اینکه منافقان در ولایت علی بن ابیطالب
هر آینه دروغگو یانند تا آخر حدیث آیهٔ مبارکه اتخذوا ایمانهم جنة فصدوا
عن سبیل الله یعنی فرا گرفتند منافقان سوگندان خود را که بدروغ میخورند سپر یعنی
از او قایه خود ساختند تا از قتل و اسیر ایمن شوند پس باز میدارند مردم عوام را به شهادت
باطله از راه حق که طریق اسلام است در تتمهٔ حدیث سابق که از حضرت کاظم علیه السلام
روایت شده فرموده الله تعالی از این آیه و السبیل هو الوصی انهم ساء ما کانوا یعملون
ذلک بانهم امنوا برسالتک وکفروا بولایة وصیک فطبع الله علی قلوبهم فهم لا
یفقهون یقول لا یعقلون بنبوتک واذا قیل لهم ارجعوا الی ولایة علی یستغفر
لکم النبی من ذنوبکم لووا رؤسهم قال الله ورایتهم یصدون عن ولایة علی و
هم مستکبرون علیه الحدیث یعنی سبیل الله همان وصی است بدرستیکه اینها یعنی منافقین
بد عملیست که میکنند از اظهار ایمان و خلاف آن بسبب انکار ولایت و منع مردمان
از راه خدا که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده این قول ایشان که شاهد است
بر بدی اعمال بسبب است که ایشان گرویدند برسالت تو پس نگرویدند بولایت وصی
تو پس مهر نهاد بر دلهای اینها خدا تعالی تا بسبب این علامت ملائکه ایشانرا از اهل
ایمان امتیاز کنند و بر ایشان لعن کنند پس اینها نمیفهمند و نمیدانند نبوت ترا چه حقیقت
تصدیق بنبوت و دانستن آن مستلزم است که تصدیق نمایند بجمیع آنچه او میفرماید که از

در سورهٔ منافقین

جانب خدا است و با وصف این انکار ولایت وصی او چگونه جمع میشود با قرار بنبوت او
و تعقل این پس در حقیقت آنان که منکر ولایت اند منکر نبوت نیز هستند و چون گویند
منافقان را رجوع نمائید بسوی ولایت علی تا امرزش طلبد برای شما پیغمبر از گناهان شما
بپیچند سرهای خود را یعنی رو بگردانند و سر تابند چنانکه کسی از امر مکروهی رو
بگرداند و سر را بحرکت در آورد بجهت استهزا خداوند عالم فرموده و می بینی تو ایشانرا
که اعراض میکنند از ولایت علی علیه السلام و ایشان گردنکشانند و بزرگی میکنند بر انجناب
آیهٔ مبارکه هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ فَمِنْکُمْ کَافِرٌ وَمِنْکُمْ مُؤْمِنٌ یعنی او آنکسیست که بیافرید
شما را ای آدمیان و از عدم بوجود آورد پس بعضی شما ایمان نیاورد بآنکه خالقیت و جود
دهریان و مشرکان و برخی ایمان باور دارند که او خالقیت و وحدانیت او را چون اهل
ایمان خلاصهٔ معنی اینست که خدا آنکسیست که بر شما تفضل نموده اصل نعم خود را که
آن خلقتست و ایجاد از عدم و بجهت این واجبست بر شما که بنظر صحیح تفکر نمائید در نعمت
و معرفت او آنکسیست که خلق کرده است شما را بعضی از شما کافر شدید و بعضی ایمان
آوردید از کافی و قمی نقل شده که مرویست که از جناب صادق علیه السلام پرسیده
شد از معنی این آیهٔ مبارکه پس فرمود خدا تعالی شناخته است ایمان خلایق را بولایت
ما و کفر ایشان را بترک ولایت ما روزیکه پیمان گرفت بر ایشان در صلب حضرت آدم و حال
آنکه ایشان ذرات بودند یعنی در عالم ذر که اخذ کرد میثاق و عهد ولایت ما را هرکس که
قبول کرد ولایت ما را شناخت که او مومنست و هرکس قبول نکرد و انکار نمود شناخت
که او کافر است آیهٔ مبارکه فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنَا یعنی پس ایمان بیاورید

سورهٔ تغابن

تم سورهٔ تغابن

بجز

بخدا و رسول او و بنوریکه نازل کردیم از قمی نقل شده که گفته است نوریکه خداوند عالم
فرموده جناب امیر المؤمنین علیه السلام است از کافی نقل شده که از امام موسی کاظم
علیه السلام روایتست الْإِمَامَةُ هِیَ النُّورُ وَذٰلِکَ قَوْلُهُ تَعَالَی آمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ
الَّذِی أَنْزَلْنَا قَالَ النُّورُ هُوَ الْإِمَامُ یعنی نور همان امام است و اینست معنی قول حق تعالی
که فرموده ایمان بیاورید بخدا و رسول او و بنوریکه ما نازل کردیم پس از حضرت فرموده
نور او امام علیه السلام است مرویست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام سؤال
کردند از این آیهٔ مبارکه فرمودند آن نوریکه خدا فرموده بخدا سوگند ائمه اند و ایشانند نور
امام و روشنی او در دلهای مؤمنان روشن تر است از آفتاب روشن کننده در روز
و ایشان یعنی ائمه روشن میکردانند دلهای مؤمنان را و مستور میکند حق سبحانه نور ایشانرا
از هرکس که میخواهد او را عذاب میکند پس تاریک میشود دلهای ایشان و فرا میگیرد
ایشانرا ظلمت و تاریکی آیهٔ مبارکه فَإِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِیلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِینَ
وَالْمَلَائِکَةُ بَعْدَ ذٰلِکَ ظَهِیرٌ یعنی پس بدرستیکه خدا او است یار و مددکار پیغمبر و
جبرئیل نیز یار و مددکار او است و مردیکه صالح جمیع مؤمنان است و برگزیده اهل ایمان و
پیشوای متقیان یعنی حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز یاری دهندهٔ او است و فرشتگان
آسمان و زمین بعد از نصرت خدا و جبرئیل و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هم پشت و مدد
کار و معاون وی اند یعنی با وجود آنکه خدا و جبرئیل و صالح مؤمنین ناصر او است و
جمیع ملائکه نیز یاری دهندهٔ او یند از قمی نقل شده که از جناب امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده که صالح المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است از مجمع نقل شده که از آن حضرت

سورهٔ تحریم

نیز روایتست که فرموده هر اینه بتحقیق جناب رسول صلی الله علیه و اله در مرتبه جناب

امیر المؤمنین علیه السلام باصحاب و بمردم شناسانید اما یکمرتبه در غدیر خم فرموده

من کنت مولاه فعلی مولاه و اما مرتبه ثانیه پس آن در وقتی بود که این آیه مبارکه

نازل کردید فان الله هو مولاه وجبریل وصالح المؤمنین پس گرفتند دست مبارک

جناب امیر المؤمنین علیه السلام را و فرمودند ایها الناس هذا صالح المؤمنین یعنی ای

مردم این علی صالح مؤمنین و بهترین ایشانست و در حدیث وارد است که اسماء

بنت عمیس گفته از جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیدم که فرمود و صالح المؤمنین

علی بن ابی طالب علیه السلام است صاحب مجمع گفته که روایت وارد شده از

طریق عامه و خاصه اینکه مراد از صالح مؤمنین جناب علی علیه السلام است آیه

مبارکه افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم یعنی آیا کسی که

میرود در حالتیکه فرو افتاده است بر روی خود یعنی نگونسار میرود و بجهت این در رفتن

پیش و پس و راست و چپ خود را نمی بیند و بسر در می آید و بر روی می افتد راه یافته تر است

یا آنکسیکه میرود در حالتیکه راست ایستاده است و همه جانب خود را مشاهده میکند

بجهت آن سالم است از بسر در آمدن و بروی افتادن و واقف است بر راه راست که رساننده

او است بمقصد و مقصود عن الکافی عن الکاظم علیه السلام سئل عن هذه الآیه فقال

ان الله ضرب مثلا من حاد عن ولایة علی علیه السلام کمن یمشی مکبا علی وجهه لا یهتدی

لامره وجعل من تبعه سویا علی صراط مستقیم والصراط المستقیم امیر المؤمنین یعنی

از کافی نقل شده که مرویست که از حضرت کاظم علیه السلام پرسیده شد از معنی این آیه

پس

پس فرمودند رستیکه خدا زده است مثل کسی را که میل و اعراض کرده از ولایت جناب

علی علیه السلام باینکه مثل کسیست که نگونسار و بر رو میرود و راه نیابد بسوی امر خود

یعنی بسوی امر خود یعنی بسوی مصلحت خود که او را سبب نجات باشد و قرار داده است کسی را که

متابعت و پیروی او نماید راست ایستاده و واقع بر راه راستست و صراط مستقیم جناب

امیر المؤمنین علیه السلام است آیه مبارکه فلما راوه زلفة سیئت وجوه

الذین کفروا وقیل هذا الذی کنتم به تدعون پس آن هنگام به بینند وعده را در

حالتیکه آن نزدیک باشد و مشاهده ایشان شود زشت گردانیده روی های آنانکه کافر

شده اند که گفته شود یعنی مؤمنان بایشان گویند که این آنست که پیوسته بآن طلب میکردید

و تعجیل وقوع آن میکردید عن الکافی عن الباقر علیه السلام هذه نزلت فی امیر المؤمنین

واصحابه الذین عملوا ما عملوا یرون امیر المؤمنین علیه السلام فی اغبط الاماکن

لهم فیسیء وجوههم ویقال هذا الذی کنتم به تدعون الذی انتحلتم یعنی از کافی

منقولست که از حضرت باقر علیه السلام مرویست که این آیه نازل شد در حق امیر المؤمنین

علیه السلام و همکنان او یعنی آنهائیکه خود را مقابل حضرت مینشانند و کردند

آنچه کردند از تقدم بر آنحضرت و محاربه با او میبینند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را

در جائیکه شک میبرند از آن بیش از همه جاها پس از مشاهده آنحال زشت میشود رویها

و گفته میشود مر آنها را این آنکسیست که بودید ادعا مینمودید خود را برای خود و آن کسی

است که نام او را بخود بستید یعنی لفظ امیر المؤمنین نامی بود که خدا مخصوص آنجناب کرده بود

و شما آنرا نام خود قرار داده بودید که مردم شما را بآن بخوانند و از مجمع منقولست که از حضرت امام

محمد باقر علیه السلام روایتست که فرموده‌اند چون به بینند مکان علی بن ابیطالب علیه
السلام را از پیغمبر صلی الله علیه و اله در روز قیامت یعنی قرب و منزلت او را بجناب پیغمبر
صلی الله علیه و اله زشت و مکروه میشود روهای انها که کافر شده‌اند از قمی نقل شده که
گفته که چون روز قیامت شود و نظر میکنند دشمنان جناب امیر المؤمنین علیه السلام بسوی
انجناب و نظر مینمایند بسوی انچه خداوند عالم بانجناب عطا فرموده از کرامت و منزلت شریفه
عظیمه و در دست او لواء حمد است و او بر سر حوض کوثر ایستاده باشد و دوستان و شیعیان
خود و منع میفرماید دشمنان را از ان اب سیاه میشود روی دشمنان انحضرت پس گفته میشود
برانها هذا الذی کنتم به تدعون منزلته و موضعه و اسمه یعنی ایمنافقین این ان
کسیست که بودید در دار دنیا ادعا مینمودید منزلت و جای او و نام او را یعنی جای و منزلت
او و نام مبارکش که امیر المؤمنین باشد برای خود قرار میدادید و ادعا میکردید پس منزلت
او که خلافت باشد غصب نمودید و نام او را بخود گذاشتید که مردم شما را امیر المؤمنین
بخوانند ایه مبارکه قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین یعنی
ای پیغمبر بگو ایا چه میبینید در اینکه اگر بگردد اب شما یعنی اب چاه زمزم و اب بئر میمون
حضرمی که هم مشرب شما اند فرو رفته بزمین چنانکه دلو و دست بان نرسد پس کیست که بیاورد
برای شما ابی ظاهر چنانکه همه کس به بینند و سهل باشد تناول ان عن الرضا علیه السلام انه قال ارایتم
ان اصبح امامکم غائبا فمن یاتیکم بامام مثله از قمی منقولست که گفته است ایا
چه می بینید اگر بگردد امام شما غائب از شما پس کیست انکه بیاورد برای شما امامی که مثل او
باشد یعنی خداوند عالم مثل زده که امام زمان را و شبیه فرموده انجناب را باب چاهی که فرو

دود

رود چنانکه نه دست و نه دلو بان رسد و امام ظاهر را بماء معین تشبیه نموده اند ظاهر
است و همه کس میبینند و سهل التناول است و مرویست که پرسیده شد از حضرت باقر
علیه السلام از تاویل این ایه پس فرمودند چون نیابید امام خود را پس نبینند او را پس چیست
انکاری که میکنید و نیز از انحضرت مرویست که فرمودند این ایه کریمه نازل شده در امام قائم
عجل الله فرجه خدا میفرماید اگر غائب شود امام شما از شما یعنی از دیدهای شما پنهان شود که
ندانید او در کجا است پس کیست انکه بیاورد برای شما امام ظاهری که بیاورد برای شما
خبرهای اسمانها و زمینها را و حلال خدا و حرام او را برساند بشما تا اخر حدیث ایه مبارکه
وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون
وما هو الا ذکر للعالمین یعنی بدرستی که نزدیک بود انکسانیکه کافر شدند بدرستی
بلغزانند و بیفکنند ترا و هلاک کنند بچشمهای خود انهنگام که میشنیدند قران میخواندی
و میگفتند از غایت حیرت بدرستی که این مرد دیوانه است که خرق عادات از وصادر میشود حال
انکه نیست قران مگر پند و موعظه مر عالمیان را یا نیست محمد صلی الله علیه مگر شرف برای
عالمیان مرویست که جناب پیغمبر صلی الله علیه و اله در مسجد نشسته قران تلاوت می
فرمودند و ان جماعت بر در مسجد ایستاده انتظار میکشیدند تا حضرت از مسجد بیرون اید
تا او را بچشم افتی رسانند جبرئیل این ایه اورد و گفت یا رسول الله این ایه را تلاوت فرما
تا از چشم زخم ایشان ایمن مانی حضرت این ایه بخواندند و بر خود دمیدند و از مسجد بیرون
امدند چون چشم انها بر انجناب افتاد کور شدند و بر روی در افتادند و حضرت بسلامت گذشتند
از کافی و فقیه نقل شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام مرویست اینکه گذر

جناب بمسجد غدیر افتاد نظر فرمودند بسوی جانب چپ مسجد پس فرمودند اینجا موضع قدم
مبارک جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشد در وقتیکه میفرمودند من کنت
مولاه فعلی مولاه یعنی هر کس را من مولای اویم پس علی بن ابیطالب علیه السلام مولای
او است بعد از آن نظر فرمودند بجانب دیگر مسجد پس فرمودند این موضع خیمهٔ ابی فلان
و فلان و سالم مولی ابی حذیفه و ابی عبیدة الجراح لعنهم الله پس چون دیدند دست مبارک
جناب امیر المؤمنین علیه السلام را بلند کرد فرمود یعنی او را نشان بمردم میدهد و این
کلام را بزبان معجز بیان میفرمایند من کنت مولاه فعلی مولاه برخی از ایشان ببعضی گفتند که
ببینید دو چشم او را که گردش میکند گویا این دو چشم چشمهای دیوانه میباشد یعنی حضرت
رسالت بنقل اهتمام که در امر علی بن ابی طالب علیه السلام مینماید از روی دیوانگیست
نه از روی عقل دلیل بر این دو چشمهایش بگردش افتاده مانند دیوانگان بعد از آن جبرئیل
نازل شد و این آیهٔ مبارکه را آورد و ان یکاد الذین کفروا الی اخر و قمی منقولست که ذکر
معنی لما سمعوا الذکر گفته است که چون خبر داد حضرت رسالت انها را بفضائل جناب امیر المؤمنین
علیه السلام و ما هو یعنی امیر المؤمنین الا ذکر للعالمین یعنی مگر شرف برای عالمیان
بخصوص این آیهٔ مبارکه بر دفع چشم زخم بسیار مؤثر است و از بسیاری از روایات مستفاد
میشود که چشم بد مؤثر است و از آن جمله اینست که ان العین لتدخل الرجل القبر و الجمل
القدر یعنی چشم بد مرد را داخل قبر و اشتر را داخل دیگ میکند آیهٔ مبارکه و تعیها
اذن واعیة یعنی نگه دارد این پند را گوش نگهدارنده که نفع گیرد از آنچه شنود و تفکر
در آن نماید و بعمل خیر اقدام کند و وارد شده اند که این آیهٔ مبارکه در شأن جناب علی بن ابیطالب

در سوره الحاقه

ملاسم

علیه السلام نازل شده از کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام روایتست که
چون این آیهٔ شریفه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند هی اذنک یا
علی یعنی آن گوش که خدا در وصف او فرموده اذن واعیة گوش تست یا علی در حدیث
دیگر است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود رسید
انبیا صلی الله علیه و آله مرا در بر خود کشید و مرا بر سینهٔ خود چسبانید و فرمود
که یا علی مرا خدا تعالی امر فرموده که ترا نزدیک خود خوانم و دور نکردانم و ترا تعلیم نمایم و
فی روایة لما نزلت قال اللهم اجعلها اذن علی ثم قال علی علیه السلام فما
سمعت شیئا من رسول الله فنسیته و زاد فی اخری و ما کان لی ان انسی یعنی در روایتی
وارد شده که چون این آیهٔ مبارکه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرگاه
احدیت عرض کرد بار الها آن گوش را که وصف فرمودی گوش علی بگردان جناب امیر المؤمنین
علیه السلام میفرمایند پس از این دعا که حضرت رسالت فرمود پس نشنیدم چیزی را از
جناب رسول خدا که پس از شنیدن او را فراموش کرده باشم و در روایت دیگر این فقره
را زیاد فرموده و سزاوار نبود مرا اینکه فراموش کنم زیرا که دعا آنحضرت رد نمیشود
آیهٔ مبارکه انه لقول رسول کریم و ما هو بقول شاعر قلیلا ما تؤمنون و
لا بقول کاهن قلیلا ما تذکرون تنزیل من رب العالمین و لو تقول علینا
بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین فما منکم من
احد عنه حاجزین یعنی بدرستیکه قران هر آینه گفتار رسولی است بزرگوار از نزد خدا
که از برای بندگان میخواند که نه خود بر هم میبافد و نیست قران سخن شاعر چنانکه ابو جهل و

در سوره الحاقه

اتباع او از کفار و منافقان میگویند اندک تصدیق میکنند آنرا و نیست قرآن سخن کسی
که از روی سحر اخبار میکند بمغیبات چنانکه عتبه و اتباع او میگویند اندک متذکر میشوند
باین و معجزه را از شعر و کهانت اشتباه نمیکنند قرآن فرستاده شده است بمحمد صلی الله
علیه و آله از نزد پروردگار عالمیان بواسطه جبرئیل و اگر افترا کند محمد صلی الله علیه
و آله و بدروغ به بندد بر ما بعضی سخنان را چنانکه گمان شما است هر آینه بگیریم از روی دست
راست او را پس ببریم از او رگ دل او را که متصل است بگردن تا بن تصور هلاک او است یعنی
او را بکیفر برسانیم بقوت او را بقتل رسانیم پس نیست از شما هیچکس یعنی نیستید همه شما از قتل
او منع کنندگان از کافی نقل شده که از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایتست که
مراد از انه لقول رسول کریم اینست که جناب رسول خدا در ولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام میفرماید بدرستی که نقل شده که آن هر آینه گفته جبرئیلست از جانب
خدای تعالی حضرت کاظم علیه السلام فرمودند که منافقان گفتند بدرستی محمد دروغ
میبندد بر پروردگار خود و امر نفرموده است خدا او را باینکه میگوید در حق علی علیه السلام
پس خدای تعالی بجهت تکذیب آن ملعونان قرآنی فرستاد پس فرمود ان ولایة علی تنزیل من
رب العالمین بدرستی که ولایت علی فرستاده شده است از نزد پروردگار عالمیان
پس خواندند باقی آیات را از ولو تقول علینا تا حاجزین پس فرمودند این آیه که بعد
از آنست که مناسب این مقام بود که ترجمه میشود و آیه اینست وانه لتذکرة للمتقین
وانا لنعلم ان منکم مکذبین وانه لحسرة علی الکافرین وانه لحق الیقین فسبح باسم
ربک العظیم یعنی و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب هر آینه پندی است مر پرهیزکاران را

چه ایشانند

چه ایشانند که بآن منتفع میشوند نه غیر ایشان و بدرستی که ما هر آینه میدانیم که
بعضی از شما ای مردمان تکذیب میکنید حضرت رسالت را در آنچه در حق علی علیه السلام
میفرماید و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام سبب حسرت است بر کافرین وقتیکه
ثواب کسانیکه تولای آنجناب نموده اند به بینند و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام
هر آینه درستی و راستیست بیگمان که هیچ شکی در آن نیست که از نزد خدای تعالی نازل
شده است پس شکر کن پروردگار خود را که بزرگست آن پروردگاری که بخشیده است بتو
این فضیلت یعنی امامت را که بعلی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد او که ذریه رسول
خدا هستند بخشیده فضیلتیست که برسول خدا داده و او را بجهت این امر بشکر فرموده و از عیاشی
منقولست که از جناب صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند چون جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله دست مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام را گرفتند پس آشکار
گردانید ولایت آنجناب را فلان و فلان با همدیگر گفتند که قسم بخدا نیست این از جانب خدا
و نیست این مگر چیزیکه میخواهد صاحب شرف و عزت گرداند پسر عم خود را پس خداوند
عالم نازل فرمود این آیه مبارکه را ولو تقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین
ثم لقطعنا منه الوتین تا آخر آیات که گذشت یعنی هرگاه محمد بدروغ به بندد از خود بعضی
سخنها را که در اظهار ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد هر آینه بگیریم از روی دست
راست او را پس ببریم از او رگ دل او را که متصلست بگردن یعنی محمد صلی الله علیه و آله
از پیش خود و بخواهش و میل خود نمیگوید که علی بن ابیطالب صاحب ولایتست و خلیفه است بحق
بعد از نبی هرگاه محمد چنین امری را از خود در بیاورد و آنرا نسبت بما دهد و بما به بندد هر آینه

ابنما او را بقوت وقدرت بقتل رسانیم دروغ میکوید فلان وفلان ودرست وراست میکوید محمد صلی الله علیه وآله نمیکوید مکر از جانب خدا ونلعا لم که علی را خدا نصب فرموده واخذ کرده میثاق ولایت او را اللهم العن فلانا وفلانا اول سوره مبارکه معارج بسم الله الرحمن الرحیم سئل سائل بعذاب واقع للکافرین لیس له دافع یعنی درخواست خواهنده عذابی فرود اینده برای کافران که نیست مران عذاب را دفع کننده وباز دارنده که ثابت است از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که جناب رسول خدا صلی الله علیه واله جناب شاه ولایت مآب را در روز غدیر خم منصب خلافت دادند وقائم مقام وخلیفه خود کردانیدند ودر حق او فرمودند هر کس که من مولای او و صاحب تصرف در امور او هستم پس علی مولای او وصاحب تصرف در امور دین او است این خبر خیر اثر در اطراف عالم منتشر وکوشزد جمیع بشر کردید حارث بن نعمان فهری لع بر ناقه خود نشسته متوجه مدینه کردید تا بحضرت رسول صلی الله علیه در این باب مجادله کند چون بمجلس آنحضرت در آمد دراندم مجلس از مهاجر وانصار مملو بود کفت یا محمد تو ما را بکلمه شهادت دلالت کردی از تو قبول کردیم وبه نماز وبپا داشتن نمازهای پنجکانه دعوت نمودی قبول کردیم تا اینکه دست این پسر را کرفتی وکفتی من کنت مولاه فعلی مولاه این بابنها بهم راضی نشدی کار را بامر خدا کردی آنحضرت فرمودند قسم بخدائیکه بغیر از او خدائی نیست هر چه در حق علی کفته ام وبمردم رسانیده ام بحکم خدا بوده نه باندیشه وتدبیر من چون حارث این سخن را شنید روی خود از ان قبله السلام بر کردانید وبرخواست وکفت خدایا انچه محمد میکوید در حق علی کفته ام وبمردم رسانیده ام اکر راست است بر ما از پشت بر ما سنک ببار

بجز

چون بملعونان زا کفتند فی الفور سنکی امد از اسمان بر سرش خورد واز دبرش بیرون رفت وبدرک اسفل رسید در ساعت این ایه مبارکه نازل کردید سئل سائل بعذاب واقع ایه مبارکه رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا وللمؤمنین والمؤمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا یعنی ای پروردکار من بیامرز مرا از ترک اولی وترک مندوب عفو فرما مر پدر مرا و پدرش ملک بن متوشلخ ومادرش شمخا بنت انوش واین هر دو از صلحا واهل ایمان بودند وبیامرز هر کسی را که در امد در خانه من در حالتیکه مؤمن بود وبیامرز مردان مؤمن وزنان مؤمنه را که قبل از من بودند و بعد از من پیدا شوند تا روز قیامت ومیفزا ستمکاران را یعنی کافران را مکر کفر که از حد در کذشته اند مکر هلاکت وعقوبات ز کافی نقل شده که از حضرت صادق علیه السلام روایتست یعنی الولایة من دخل فی الولایة دخل فی بیت الانبیاء یعنی مقصود از لفظ بیت ولایت است هر کس داخل شود در ولایت داخل شده است در خانه پیغمبران یعنی خانه نبوت از خشت وکل نیست بلکه خاندان ولایت واوصیا او است پس هر که دارای ولایت اوصیا است داخل خانه انبیا است ومشمول دعا نوح علی نبینا وعلیه السلام خواهد بود ودر جلد دیکر مجلسی علیه الرحمة روایت کرده است که مراد از بیت بیت معنویست یعنی خانه اباد که عزت وکرامت اسلام وایمانست پس هر که ولایت ایشان اختیار نماید داخل باده ایشان کردید دعائی که حضرت نوح علیه السلام دعا نموده شامل وی میشود که پروردکارا بیامرز هر کس داخل بیت شود یعنی داخل ولایت اهل بیت رسول خدا شود بعضی کفته اند مراد خانه محمد صلی الله علیه واله است در حقیقت انهم داخل ولایت اهل بیت علیهم السلام شده است

آیه مبارکه فمن اسلم فاولئك تحرّوا رشدا یعنی پس هر که گردن نهاد حکم خدا را
پس آنگروه گردن نهادگان قصد کردند راه راست را از قمی نقل شده که از جناب امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که مراد از من اسلم کسانی اند که اقرار بولایت
ما کرده اند متمم آیه مبارکه و اما القاسطون فکانوا لجهنم حطبا یعنی اما بیرون روندگان
از طریق حق پس باشند در آخرت مر دوزخ را هیزم که باینها دوزخ افروخته میشود
این آیه مبارکه بملاحظه آیه سابقه دلالت دارد باینکه دلالت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
با قاسطین مقاتله و جنگ فرمود حتی اینکه از اوصاف خاصه آنحضرت قاتل الناکثین و
القاسطین و المارقین است از همه اینها مستفاد میشود که مراد از این آیه دشمنان جناب
علی بن ابی طالب علیه السلام باشند آیه مبارکه و ان لو استقاموا علی الطریقة
لاسقیناهم ماء غدقا یعنی و دیگر وحی کرده شده است بمن که اگر مستقیم شوند اهل مکه
بر طریقه یعنی بر افضل طریق که دین اسلام است هر آینه میدهیم و بیاشامانیم ایشان را
آب بسیار مراد از آن وسعت زیست و کثرت مال و منال که لازم باران است از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که در معنی لاسقیناهم فرمود که هر آینه بچشانیم آنها را
علم بسیاری که یاد میگیرند آنرا از ائمه صلوات الله علیهم و عن الکافی عن الباقر علیه السلام
یعنی لو استقاموا علی ولایة امیر المؤمنین علی علیه السلام و الاوصیاء من ولده و
قبلوا طاعتهم فی امرهم و نهیهم لاسقیناهم ماء غدقا یقول لاشربنا قلوبهم الایمان
از کافی منقولست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام روایتست یعنی اگر مستقیم شوند
بر ولایت جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و اوصیا که از اولاد او هستند

وقبول

وقبول نمایند اطاعت ایشان را در امر و نهی و در معنی لاسقیناهم فرمود که یعنی هر آینه بیاشامانیم
دلهای ایشان ایمان را آیه مبارکه و من یعرض عن ذکر ربه یسلکه عذابا صعدا
یعنی هر کس اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود در آورد خدا او را در عذابی سخت که
فوق طاقت او است عن القمی عن ابن عباس قال ذکر ربه ولایة علی بن ابی طالب علیه السلام
از قمی نقل شده که از ابن عباس روایت کرده که گفته مراد از ذکر پروردگار ولایت جناب
علی بن ابی طالب علیه السلام است هر کس اعراض نماید و روگرداند از ولایت آنحضرت
خداوند عالم عذاب سخت و شاق میکند او را که طاقت آن نداشته باشد آیه مبارکه
و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا یعنی و دیگر وحی کرده شده است بمن بدرستیکه
مسجدها برای خدا است مخوانید بغیر از خدا کسی را یعنی غیر او را در آنها پرستش مکنید
از کافی منقولست که از جناب صادق علیه السلام و عیاشی از جناب امام محمد تقی جواد
علیه السلام و قمی هم مثل این حدیث را از جناب امام رضا علیه السلام و از کافی نیز
منقولست که از جناب کاظم علیه السلام مثل این روایت شده که فرموده اند سلام
الله علیهم اجمعین بدرستیکه مراد از مساجد اوصیا و ائمه هستند و در حدیث وارد شده
است شرک بر خدا انکار ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام است که دیگری را
بر او ترجیح میدهند و خدا هرگز نخواهد بخشید آنها را آیه مبارکه قل انما ادعوا
ربی و لا اشرک به احدا قل انی لا املک لکم ضرا و لا رشدا یعنی بگو ای محمد جز این نیست
که میخوانم پروردگار خود را و شریک قرار نمیدهم با او سبحانه احدی را بگو ای محمد بدرستی
که من مالک نیستم از برای شما دفع ضرری را و نه رسانیدن خیر و صلاح یعنی بغیر از خدا و

احدی ذا ضرر و رسانند خیر نیست بلکه من مأمورم بتبلیغ رسالت و بدعوت بدین

اسلام و هدایت بر شاد نه بغیر ان از کافی از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایت

بدرستیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندند مردم را بسوی ولایت علی بن ابی طالب

علیه السلام پس جمع شدند طایفه قریش و گفتند یا محمد ما را واگذار از این تکلیف پس

حضرت فرمودند که گذشتن از این تکلیف مفوض است بسوی خدا یعنی اختیار این امر با من

نیست چون این تکلیف از جانب خدا است گذشتن از این تکلیف هم با خدا است و تفویض

این امر هم بسوی من نشده که من بگذرم پس آنحضرت را متهم ساختند یعنی گمان کردند که از جانب

خود میگوید و حق میل دارد و اگر رای آنجناب تعلق بگیرد که این تکلیف از امت برداشته شود

و هر اینه بر میدارد و با این خیال که او را متهم ساختند بیرون رفتند نزد آنجناب پس نازل

فرمود خدا تعالی این آیه مبارکه را قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا یعنی بگو بمردم که

من مالک خیر و ضرر نیستم یعنی صاحب اختیار نیستم در این امر که بتوانم از جانب خود

ولایت علی علیه السلام را لازم کردانم یا اینکه از جانب خود رفع ان کنم بلکه حکم از جانب

خدا شده که علی بن ابی طالب علیه السلام را ولی و خلیفه قرار بدهم و تتمه آیه مبارکه که در

سوره جن است قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا إِلَّا بَلَاغًا

مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ یعنی بگو ای محمد که کسی هرگز زنهار ندهد و مرا در پناه خود نگیرد از عذاب

خدا احدی یعنی اگر خلاف قول و امر خدا را بکنیم و او سبحانه خواسته باشد بمن ضرری رساند از مرض

و انواع ابتلا کسی مرا حمایت نتوان کرد و از ان نجات نتواند داد و نمییابم هرگز بجز او سبحانه

پناهی که روی بدان آورم و از ان بلیه نجات یابم الحاصل پیغمبر خود را فرمود که بگو من مالک

نفع و ضرر نیستم برای شما مگر رسانیدن که از جانب خدا تعالی است و پیغامهای او یعنی [illegible]

ادای احکام که بمن ارسال فرموده از کافی نقل شده که از امام موسی کاظم علیه السلام

روایت است که آنحضرت چنین تلاوت فرمودند که إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ فِي عَلِيٍّ قيل هذا

تنزيل قال نعم یعنی مگر رسانیدن که از جانب خدا است و پیغامهای او سبحانه که در باره

جناب علی بن ابیطالب علیه السلام بمن ارسال شده عرض شد بجناب آنحضرت که این آیه شریفه

بهمین قسم نازل شده است یا آنکه معنی باطن آیه است که فرمودند آیه مبارکه وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا یعنی و هر کس نافرمانی کند خدا را در پرستش او و رسول

او را در امر و نهی پس بدرستی که برای او است آتش جهنم در حالیکه جاوید بود کانند در ان

همیشه در تتمه حدیث سابق وارد شده که آنحضرت فرموده مراد اینست که کسی که عصیان

خدا و رسول نماید در ولایت جناب علی بن ابی طالب علیه السلام که اشد معاصیست از برای

او است آتش دوزخ در حالیکه جاوید بود کانند همیشه یعنی خلود در آتش دوزخ مؤلف گوید

مخالفت بر خدا و رسول در ولایت جناب مولای متقیان علیه السلام کفر است و شرک بخدا است چنانکه

در مقام خود ذکر شده بدیهی است کافرهم از اهل دوزخست انکار بر ولایت آنحضرت شدیدتر

مقام ان از معصیت بالاتر است چرا که هر معصیت را حدی و مرتبه هست که بتوبه اصلاح میشود

منکرین ولایت را چه جای توبه است که خداوند هرگز نخواهد گذشت پس مقام کفر است بلکه

باعتقاد حقیر کفار را جای ترحم و احتمال تخفیف است و لکن مبغضین جناب امیر المؤمنین علیه السلام

را رحم و تخفیف نیست تتمه آیه مبارکه حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَ

أَقَلُّ عَدَدًا یعنی تا وقتیکه ببینند آنچه وعده داده میشدند پس زود باشد که بدانند چون

[illegible]

عذاب موعود را به بینند از کروه مؤمن و مشرک که کیست ضعیف تر از جهت یار و مدد کار
و کیست کمتر از روی عدد یعنی عدد یاران که کمتر خواهد بود و در تتمه حدیث سابق وارد
شده که انحضرت فرمودند که مقصود باین کلام حضرت قائم عجل الله فرجه میباشد و از قمی
منقولست که کفته مراد حضرت قائم عجل الله فرجه و امیر المؤمنین علیهما السلام است یعنی
خواهند دانست که این دو بزرکوار ضعیف ترند از جهت یار و کمترند از روی عدد یا ظالمان
ال محمد ایه مبارکه عالِمُ الغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلیٰ غَیْبِهِ أحَداً اِلّا مَنِ ارْتَضیٰ مِنْ رَسولٍ سورهٔ جن
یعنی واست داننده پوشیده ها پس اشکار نسازد و مطلع نکرداند بر غیبی که مخصوص است
بعلم او احدی را مکر انکسرا که پسندیده و برکزیده باشد از فرستادها یعنی مکر رسول خود را از حضرت
ثامن الائمه جناب امام رضا علیه السلام منقولست که فرمودند حضرت ختمی مآب صلی الله
علیه و اله نزد خدا پسندیده و برکزیده است و ما یعنی ائمه وارثان ان رسولی هستیم که خدا تعالی
مطلع کردانیده او را بر انچیزیکه میخواهد از غیب خود پس ما دانستیم هرچیزیکه بود و میباشد تا
روز قیامت ایه مبارکه فَلا صَدَّقَ وَلا صَلّیٰ وَلٰکِنْ کَذَّبَ وَتَوَلّیٰ ثُمَّ ذَهَبَ اِلیٰ اَهْلِهِ یَتَمَطّیٰ سورهٔ قیامه
یعنی پس تصدیق نکرد و نماز نکرد بر رسول یا بقران یا اینکه صدقه نداد از انچه واجب بود مال او بود
ولکن تکذیب کرد او را و برکشت از راه حق پس رفت بسوی کسان خود و میخرامید از روی افتخار
که من تکذیب کردم و برکشتم از محمد و تابع او نشده ام از قمی نقل شده که کفته است سبب
نزول این ایه مبارکه انست که بد رستی جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله خوانده مردم را
بسوی بیعت جناب امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر خم پس چون تبلیغ نمود مردم را
و خبر داد ایشان را در زمان علی بن ابیطالب علیه السلام انچه را خواست خبر کند و بکوید

انزا

از مردم برکشتند پس تکیه کرد معاویه علیه الهاویه بر مغیرة بن شعبه و بر ابو موسی
اشعری بعد از ان روکرده میخرامید بجانب کسان خود و میکفت ما اقرار نمیکنیم برای علی بن
ابیطالب علیه السلام و تصدیق نمیکنم کفته محمد صلی الله علیه و اله را پس از ان خدای عز
و جل نازل فرمود در شان ان ملعون این ایات مبارکه را فَلا صَدَّقَ وَلا صَلّیٰ وَلٰکِنْ کَذَّبَ وَ
تَوَلّیٰ ثُمَّ ذَهَبَ اِلیٰ اَهْلِهِ یَتَمَطّیٰ تتمه ایه مبارکه اَوْلیٰ لَکَ فَاَوْلیٰ ثُمَّ اَوْلیٰ لَکَ فَاَوْلیٰ یعنی بنات
سزاوار است مر ترا ای کافر معاند شدت هلاک در دنیا پس سزاوار است مر ترا عذاب در قبر
پس نیک باشد ترا هول قیامت پس بغایت سزاوار است ترا خلود در دوزخ زیرا که تو
قول محمد را تکذیب کردی پس بعد از نزول این ایات حضرت رسول صلی الله علیه و اله بالای منبر رفتند و
حال انکه میخواستند بیزاری بجویند از ان ملعون پس خدا تعالی نازل فرمود لا تُحَرِّکْ بِهِ لِسانَکَ
لِتَعْجَلَ بِهِ یعنی مجنبان ای محمد باظهار برائت از ان ملعون زبان خود را تا تعجیل کنی بر رسوا کردن
ان ملعون پس حضرت ساکت شدند و نام نحس ان ملعون را بر زبان جاری نکردند از مجمع نقل
شده که مرویست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله دست ابو جهل علیه اللعنه را کرفتند
پس فرمودند اولی لک فاولی ابو جهل کفت با محمد بچه چیز مرا میترسانی تو و خدای تو هیچ
نمیتوانید کاری بمن بکنید بد رستی که من هر اینه عزیز ترین اهل این وادی یعنی اهل مکه هستم
پس خدا تعالی همانرا که حضرت رسول با بی جهل فرموده بود نازل کردانید و بروایتی بکر حضرت
رسول صلی الله علیه و اله ابو جهل را در بطحا دیده و جامه اش بکرفت و این فرمایش فرمود و ان
ملعون ان جواب داد و چون روز بدر شد و ان ملعون قوت قریش و ضعف لشکر جناب
پیغمبر صلی الله علیه و اله را بدید هیچ شک نکرد در این که ایشان بر پیغمبر غالب شوند و

بر پیغمبر غالب شوند روی برسول کرد و گفت پس از این و زخدای خود را میپرست که ترا
ذلیل کردانید چون جنگ بهم در پیوست خداوند ابوجهل ملعون را مغلوب ساخت
و قریش شکست خوردند عبد الله که مردی پیر بود در کمال ضعف و ناتوانی میان کشتگان
می گشت هر کرا رمقی یافت میکشت چنانکه از عبد الله مرویست که گفت ابوجهل را
دیدم در آن معرکه در میان کشتگان افتاده بود پای او را کرفتم و از میان کشتگان بیرون
آوردم و پای بر سینه‌اش نهادم چشم باز کرد مرا دید گفت پای بر بلندی نهاده گفتم
ای ملعون باین حالت رسیده و ترک تکبر نمیکنی گفت ای عبد الله میدانم تو مرا میکشی ولکن
ترا سه وصیت میکنم قبول کن اول آنکه محمد را بگو که در جهان از تو دشمن تر نداشتم
دوم آنکه مرا بشمشیر من بکش سیم آنکه سر مرا از سینه ببر نزد محمد صلی الله علیه و آله
ببر تا او را خوش آید گفتم بخدا که خدا ترا دشمن دارد از آنکه تو محمد را دشمن داری و الله
که بغیر از شمشیر خود ترا نکشم زیرا که شمشیر عبد الله کند و خوار بود در نظر ابوجهل و
سرت را از بیخ ببرم تا از همه کس حقیرتر باشی پس گفت سرش را بریدم و خواستم که بردارم
قوت نداشتم ریسمانی بر سرش بستم و میکشیدم تا نزدیک رسول خدا آوردم حضرت
مرا ببهشت بشارت داد و خدا را شکر کرد و فرمود که هر امتی را فرعونی بوده است و
فرعون امت من ابوجهل بود سوره دهر بسم الله الرحمن الرحیم هل اتی علی الانسان
الی آخرها در شان جناب علی بن ابیطالب و فاطمه علیهما السلام نازل شده بنا بر روایت ابوحمزه
ثمالی چنانکه در مجمع البیان نسبت باو داده و صاحب مجمع گفته که روایت کرده اند
خاص و عام یعنی شیعه و سنی بدرستی که آیات از این سوره که اول آن قول حق تعالی است ان

الابرار تا اینجا که فرموده و کان سعیکم مشکورا نازل شده در بارهٔ جناب علی بن ابی
طالب و جناب فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فضه که خادمهٔ ایشان بود و همین اخبارست
که روایت شده از ابن عباس و مجاهد و ابی صالح تا اینجا کلام صاحب مجمع است و صاحب
خلاصة المنهج گفته که باید دانست که باتفاق جمیع اهل حق که امامیه اند و معظم اهل سنت
این آیه که ان الابرار بوده باشد و آنچه بعد از اینست در شان حضرت امیر المؤمنین علی و فاطمه
و حسن و حسین علیهم السلام و فضه که خادمهٔ ایشان بود نازل شده و از جمله آنها ثعلبی که
از اعاظم اهل سنت است باسانید خود در تفسیر خود ابن جبیر آورده که آیه شریفه
ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا تا آخر بلکه تمام سوره در شان اهل بیت
کرام علیهم السلام نزول یافته معنی آیهٔ مبارکه یعنی بدرستی که نیکوکاران بندگان فرمان
بردار نوشند می آشامند در آخرت از جام خمری که باشد آمیزش او ممزوج و مخلوط است
کافور یعنی بوی کافور آمیخته شده با آن خمر که در آن جام است و او را خوشبو کرده و کافور
بهشت بر خلاف کافور دنیا است و این معنی را بعضی گفته اند و مرویست که کافور چشمه
ایست در بهشت خوشبو و سفید آیهٔ مبارکه یوفون بالنذر و یخافون یوما
کان شره مستطیرا و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا انما
نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا یعنی وفا میکنند بنذر که در او طاعت
کنند و میترسند از روزیکه هست بدی او یعنی شدت و هول آن فاش و آشکار است به
اهل عصیان و طغیان رسیده و با جمیع اقطار منتشر گشته و میدهند خوردنی را و نفقه
میکنند او را بر دوستی درویش بیمایه را و طفل کوچک بی پدر را و اسیر را که بدار الحرب

کرسنه باشند و بعد از ان حق تعالی از خلوص نیت ایشان خبر میدهد که جز این نیست
شما را ای اهل استحقاق این طعامها را برای رضای خدا نمیخواهیم از شما پاداش و مکافاتی
بران و نه شکر گذاری چه در احسان منت نهادن و توقع جزا کردن ثواب را بکاهاند صاحب
خلاصة المنهج گفته که در سبب نزول این ایه مبارکه ذکر کرده اند که در بعضی ایام جناب امام
حسن و جناب امام حسین علیهما السلام مریض شدند حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
با جمعی اصحاب بعیادت ان دو نور دیده مرتضی و میوه دل زهرا رفتند و بحضرت شاه اولیا
فرمود که یا ابا الحسن از برای دو نور دیده خود نذری کن تا حضرت قاضی الحاجات ایشان را
شفا دهد و لباس صحت و عافیت بر ایشان بپوشاند پس ان سید اوصیا نذر فرمودند
اگر حقتعالی فرزندم را شفا دهد سه روز روزه بدارند چون انحضرت نذر فرمود
حضرت فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و خادمه ایشان فضه نیز موافقت فرمودند
و چون حقتعالی لباس عافیت بر ایشان پوشانید عزیمت کردند که بنذر خود قیام نمایند
نیت روزه نمودند حضرت فاطمه سلام الله علیها در روز اول یکصاع جو ارد کرده و
پنج قرص نان پخت و چون شب امد نماز شام ادا فرمودند و طعامی که مهیا ساخته بودند
حاضر کردند که افطار کنند ناگاه اوازی بگوش ایشان رسید که السلام علیکم
یا اهل بیت محمد من مسکینی هستم از مساکین و محتاج و گرسنه ام مرا طعامی دهید
تا حقتعالی شما را از موائد جنت محظوظ گرداند پس شیر خدا و وصی مصطفی و سید اسخیا قرص
خود را باو تصدق فرمود و اهل بیت همه بان مقتدا اقتدا نمودند و در ان شب با اب خالص
افطار فرمودند و فضه نیز قرص خود را تصدق نمود روز دویم حضرت فاطمه بر نهج روز

اول

اول پنج قرص مهیا ساخت و چون شب در امد خواستند که افطار کنند ناگاه اوازی امد
بگوش ایشان رسید که یا اهل بیت محمد یتیمی هستم بر در سرای شما گرسنه ام مرا طعام دهید
پس شاه اولیا قرص خود را باو تصدق فرمود و اهل بیت و فضه نیز متابعت او کردند
و در ان شب نیز با اب افطار نمودند و در روز سیم ان سیده طاهره پنج قرص دیگر پخت چون
خواستند که افطار کنند ناگاه اوازی بگوش ایشان رسید که من اسیری هستم از
اسیران محمد صلی الله علیه و آله و گرسنه ام مرا طعامی دهید تا حقتعالی شما را از خوان
حظی کامل و نصیبی شامل ارزانی فرماید شاه اولیا قرص خود را داد و فاطمه و حسن و حسین
سلام الله علیهم نیز قرصهای خود را بان اسیر بخشیدند و در ان شب نیز با اب افطار نمودند
روز چهارم سرور اولیا و امیر و سردار دست حسن مجتبی و حسین سید الشهدا را گرفته بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتند و ان دو نور دیده زهرا از جوع میلرزیدند
چون چشم مبارک حضرت رسالت بایشان افتاد فرمود یا ابا الحسن این معصومان چه حال
دارند که چنین ضعیف و ناتوان شدند شاه اولیا صورت حال را بعرض پیغمبر و رهنما
رسانیدند انحضرت بجانب خانه نور دیده خود فاطمه علیها سلام الله روان شدند و چون بحجره
طاهره زهرا در امد دید که حضرت فاطمه در مصلای خود نشسته مشغول عبادتست و
از بی قوتی و گرسنگی شکم او به پشت چسبیده پس انحضرت قرة العین خود را بان حالت
دیده اه از نهاد مبارکش بر امد و گفت واغوثاه یا الله اهل بیت محمد یموتون جوعا
یعنی ای خداوند عالمیان اهل بیت پیغمبر تو از گرسنگی بخواهند مرد پس جبرئیل از جانب
ملک جلیل در رسید و گفت یا محمد بگیر این را و خوش باش بان کرامتی که خدا تعالی در حق

اهل بیت تو فرموده است و سورهٔ هَلْ اَتیٰ عَلَی الْاِنْسانِ حِیْنٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ یَکُنْ شَیْئاً

مَذْکُوراً تا اخر بانحضرت نازل شده معنی ایه مبارکه بنابرانچه منقولست از تفسیر اهل

بیت که مراد از انسان علی بن ابی طالب علیه السلام است و هل استفهام در معنی نفی است

نه بمعنی تحقیق چنانکه سایر مفسرین تفسیر کرده اند اینست که هیچ زمانی نگذشت که جناب

امیر المؤمنین علیه السلام در ان زمان مذکور نشود بلکه همیشه معروف و مذکور

بود و چگونه چنین نباشد که نام شریفش با نام خدا و رسول و بر ساق عرش و بر در بهشت

نوشته باشند پیش از خلق عالم از مناقب خوارزمی منقولست که از جابر بن عبد الله

انصاری نقل شده که پیغمبر فرمود بر در بهشت نوشته است لا اله الا الله محمد رسول

الله علی بن ابی طالب اخو رسول الله پیش از انکه خلق کند اسمانها و زمینها را بدو هزار

سال و مؤید این قولست نزول این سوره در حق اهل بیت باجماع امامیه و جمهور سنیه

چنانکه مذکور شد ایهٔ مبارکه وَسَقٰیهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً و بیاشاماند پروردگار

ایشان شرابی پاک از ادناس و ارجاس و پاک کننده از غل و حسد و سایر صفات رذیله

وارد شده است که دو چشمه هست در بهشت که هر دو مخصوص اهل بیت است که ان

کافور و زنجبیل است و انرا سلسبیل خوانند و شراب طهور نیز از ایشانست و در

تفسیر ایه سابقه گذشت که کافور چشمه ایست بسیار سفید و روایت شده که رب در

اینجا یعنی در این ایه مبارکه بمعنی سید است چنانکه خداوند عالم در سورهٔ مبارکه یوسف

فرموده اذْکُرْنی عِنْدَ رَبِّکَ که جناب یوسف در زندان بان شخص که از انجا خلاص شدنی

بود و ساقی ملک میشد فرمود که مراد از سید خود که پادشاه و عزیز مصر است ذکر کن و بیاد

اوز

اوز یعنی سعی کن در خلاص من و مراد از رب که در ایهٔ مبارکهٔ وَسَقٰیهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً

طَهُوراً جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی ابشان را سید ایشان و سید ایشان علی

ابن ابی طالب صلوات الله علیه که ساقی اهل بهشتست چنانکه گفته اند رَبِّ هَبْ لِی

مِنَ الْمَعیشَةِ سُؤْلِی وَاعْفُ عَنّی بِحَقِّ آلِ رَسُولِ وَاسْقِنی شَرْبَةً بِکَفِّ عَلِیٍّ سَیِّدِ

الْاَوْلِیاءِ زَوْجِ بَتُولِ اخر همین سورهٔ مبارکه یُدْخِلُ مَنْ یَشاءُ فی رَحْمَتِهِ یعنی داخل

میکند خدای تعالی هر کس را که بخواهد در بخشش خود از کافی منقولست که از حضرت

موسی کاظم علیه السلام روایتست فی رحمته یعنی فی ولایتنا رحمت خدا ولایت

ائمهٔ هدی است هر کس که داخل ولایت شود داخل رحمت خدا است ایهٔ مبارکه

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبینَ اَلَمْ نُهْلِکِ الْاَوَّلینَ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرینَ کَذٰلِکَ نَفْعَلُ

بِالْمُجْرِمینَ یعنی ویل کلمهٔ عذابست در ان روز مر تکذیب کنندگان را بروز فصل بعد از ان در

تهدید کفار میفرماید که ایا ما هلاک نکردیم پیشینیان را چون قوم نوح و عاد و ثمود که تکذیب

انبیا کردند پس ما از پی ایشان در اوردیم بهلاکت پسینیان را که نظایر ایشانند چون کفار

مکه و ان مثل بدر بود و غلا و قحطی و غیر ان همچنین مثل این و امیکنیم همهٔ گناه کاران از

کافی نقل شده که از جناب موسی کاظم علیه السلام روایتست که خدای تعالی فرمود یا محمد ویل

باشد مرانها که تکذیب کردند بانچه وحی کردیم بسوی تو از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و فرمود

که اولین انانی هستند که تکذیب کردند رسولان را در اطاعت وصیا فرمود که مراد از مجرمین

کسانی اند که جرم و تقصیر نمودند در حق ال محمد صلی الله علیه و اله و مرتکب شدند از وصی ان حضرت

انچه را که مرتکب شدند یعنی غصب خلافت انحضرت کردند و بزور از انجناب بیعت گرفتند و سایر

ظلمها یکدیگر با حضرت نمودند و آنچه خواهش داشتند از آنجناب گرفتند آیه بهما کان اِنَّ
الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ یعنی بدرستی که پرهیزکاران از شرک و عصیان
در سایه درختان بهشت و در کنار چشمه های آب در دو میوه ها از آنچه آرزو و اشتها کنند
عن الکافی عن الکاظم علیه السلام فی هذه الآیة قال نحن والله وشیعتنا لیس علی ملة
ابرهیم غیرنا وسائر الناس منها براء او از کافی از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایت
که در معنی این آیه فرمود قسم بخدا مراد از کلمه حق تعالی درین آیه ما و شیعیان ما هستیم نیست
بر ملت ابرهیم علیه السلام غیر از ما و باقی مردم از ملت ابرهیم بری و بیزارند یعنی از آن بیرونند
اول سوره نبا بسم الله الرحمن الرحیم عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ
عم در اصل مرکبست از عن و ما استفهامیه نون را قلب بمیم نمودند و در میم ما ادغام کردند
والف ما را حذف کرده عم شد و این استفهام برای تفخیم شان آن خبر است که از آن تساءل
میکنند یعنی از چه میپرسند از خبر بزرگی یکدیگر را سؤال میکنند از آنچه که ایشان در آن اختلاف
کنند کاند عن الکافی عن الصادق علیه السلام فی هذه الآیة قال النبا العظیم الولایة
یعنی از کافی منقولست که از جناب صادق علیه السلام روایتست که نبا عظیم ولایتست و عن الباقر
سئل عن تفسیر عم یتساءلون فقال هی فی امیر المؤمنین علیه السلام یقول ما لله
عز وجل آیة اکبر منی ولا لله نبا اعظم منی مرویست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام
سؤال کردند از تفسیر عم یتساءلون عن النبا العظیم آنحضرت فرمودند که این آیه درباره
جناب امیر المؤمنین ع است و بود امیر المؤمنین که میفرمود نیست مر خدا تعالی را آیتی بزرگتر
از من و خبری عظیم تر از من و عن العیون عن الرضا علیه السلام عن ابیه عن آبائه عن الحسین بن علی ع

قال

قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله لعلی یا علی انت حجة الله وانت باب الله وانت
الطریق الی الله وانت النبا العظیم وانت الصراط المستقیم وانت المثل الاعلی
عیون منقولست که از جناب امام رضا علیه السلام مرویست که از پدر بزرگوار خود
و او از پدران بزرگوار ایشان از جناب امام حسین ع روایت کرده اند که آنجناب فرمود که حضرت
رسالت صلی الله علیه وآله فرمودند یا علی توئی حجت خدا و توئی در وصول بحق تعالی
یعنی کسی که بسوی تو نیاید نمیتواند بکرامات خدا رسید بلکه جز هلاکت برای او چیزی نیست
و توئی راه بسوی خدا و توئی خبر بزرگ و توئی راه راست و توئی مثل بلند عن الکافی فی خطبة
الوسیلة لامیر المؤمنین علیه السلام انی النبا العظیم وعن قلیل ستعلمون ما توعدون
از کافی نقل شده که در خطبه وسیله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است که
منم نبا عظیم و اندک زمانی زود باشد که بدانید آنچه را که وعده داده میشوید و ایضا مرویست که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند انا النبا العظیم الذی اختلفتم فیه وعلی ولایتی تنازعتم وعن ولایتی
رجعتم بعد ما قبلتم وببغیکم هلکتم بعد ما بسیفی عن الکفر نجوتم یعنی منم آن خبر
بزرگی که در من اختلاف کردید و بر خلافت من منازعت نمودید و از ولایت من رجوع کردید
پس از آنکه قبول کردید و به بغی و ستم خود هلاک گشتید بعد از آنکه بشمشیر من از کفر نجات
یافتید و در غدیر دانستید مرتبه خلافت و ولایت مرا پس حق تعالی ردع میفرماید کفار را
از تسائل و تهدید مینماید انها را چنانکه میفرماید کلا سیعلمون یعنی چنانست که ایشان
میگویند بلکه زود باشد که بدانند نزدیک جان کندن حقیقت آنچه در آن اختلاف میکنند
در ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام منقولست که حافظ ابو نعیم اصفهانی که یکی از اکابر اهل سنت است

من سورة النبأ

روایت کرده از رسول که حضرت رسالت فرموده اند مراد از نبأ عظیم ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام
که خلایق را در قبور از آن سؤال میکنند و هیچ میتی نیست در شرق و غرب بر و بحر مگر آنکه منکر و نکیر از او
سؤال بکنند از ولایت علی بن ابیطالب و نیز از وی سؤال کنند فطوبی للمصدّق بولایته و
الویل للمکذّب بولایته پس خوشا بحال کسیکه بولایتش تصدیق کنند و وای بر آن منکر
معاندیکه از ولایتش بی بهره باشد آیه مبارکه یوم یقوم الروح والملائکة صفا
لا یتکلّمون الّا من اذن له الرحمن وقال صوابا یعنی روزیکه بایستند روح و فرشتگان بایستند
در حالتیکه صف زدگان باشند روح فرشته ایست موکل بر ارواح و از ابن عباس منقول است
که گفته مخلوقی از آن بزرگتر نیست و در روز قیامت او تنها در صفی باشد و باقی ملائکه در صفی
واو در بزرگی برابر همه باشد و از عین المعانی نقل شده که در آن مسطور است که مقام روح
در آسمان چهارم است و هر روز دوازده هزار تسبیح میگوید و از هر تسبیح ملکی خلق
میشود و در نزد بعضی جبرئیل است که با ملائکه صف میکشند و سخن نگویند در باب شفاعت
مگر کسیکه اذن داده باشد او را خدای بخشاینده که آنشخص مأذون شفاعت کننده عاصیان
خواهد شد و گفته باشد آنکس گفتاری بصواب که آن گویند لا اله الّا الله باشد یعنی اهل
توحید باشد که ملائکه و مؤمنانند از مجمع منقول است که از حضرت صادق علیه السلام و از علی
ابرهیم قوه که او نیز از آنجناب روایت کرده و از کافی منقول است که از حضرت کاظم علیه السلام مرویست
که فرموده اند نحن والله المأذونون لهم یوم القیمة والقائلون صوابا قیل ما تقولون
اذا تکلّمتم قال نمجّد ربّنا ونصلّی علی نبیّنا ونشفع لشیعتنا ولا یردّنا ربّنا یعنی ما ئیم بخدا قسم
آنانکه اذن داده شده ایشان را در روز قیامت و ماییم گویندگان گفتاری صواب و درست عرض

کردند

من سورة النبأ

کردند چه میفرمایید شما فرمودند آن بزرگوار که ما تمجید میکنیم پروردگار خود را و صلوات
میفرستیم بر پیغمبر خود و شفاعت میکنیم برای شیعیان خود و در شفاعت خدای تعالی ما را
اجابت میفرماید و رد نمیکند آیه مبارکه یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه ویقول الکافر یا
لیتنی کنت ترابا یعنی روزیکه میبیند شخص هر چیز را که در دست او پیش فرستاده است از عمل خیر و
شر و در آن روز کافر میگوید ایکاش من خاک می بودم از کتاب علل منقولست که از ابن
عباس پرسیده شد که چرا جناب رسول صلی الله علیه و آله علی را مکنّی بابو تراب نمود ابن عباس گفت
لانّه صاحب الارض وحجّة الله علی اهلها بعده وله بقاؤها والیه سکونها یعنی
بعلّت آنکه علی بن ابیطالب علیه السلام صاحب زمین و حجت خدا است بر اهل زمین بعد از حضرت
رسالت و برای او است بقای زمین و بسوی او است سکون و قرار آن یعنی بآنجناب مطمئن و
برقرار است و منزل میشود قال ولقد سمعت رسول الله یقول انه اذا کان یوم القیمة
ورأی الکافر ما اعدّ الله تبارک وتعالی لشیعة علیّ من الثواب والزلفی والکرامة قال
یا لیتنی کنت ترابا ای من شیعة علیّ ع وذلک قول الله عزّ وجلّ ویقول الکافر یا لیتنی
کنت ترابا ابن عباس میگوید هر اینه و بتحقیق که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم
که میفرمود چون روز قیامت شود کافر میبیند آنچه را خدای تعالی مهیا فرموده برای شیعیان علی
از ثواب و منزلت و کرامت میگوید ایکاش من خاک میبودم یعنی شیعه علی علیه السلام میبودم و وجه
دیگر وارد شده است که در جنگ احد جناب امیر مؤمنان در روی خاک نشسته بودند جبرئیل از
جانب رب جلیل نازل شد بابو تراب خطاب کرد تفصیل این قصه گنجایش این کتاب ندارد در
سورة تکویر آیه مبارکه وما هو علی الغیب بضنین وما هو بقول شیطان رجیم فاین تذهبون

من سورة التكوير

اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ اَنْ يَسْتَقِيمَ يعنى نيست محمد صلى الله عليه وآله بر غيب و چيزهاى كه شنيده
كه براو وحى ميشود بخيل كه شما را تعليم ندهد و از شما بپوشاند و نيست قرآن سخن ديو رانده شده
كه باستراق سمع از سكنهٔ آسمان عالم بآن شده باشد يعنى حضرت رسالت مانند كاهنان نيست
كه آنچه ميگويند از اخبار شياطين كه استراق سمع ميكنند پس بكجا ميرويد يعنى سخن بدين
درستى و راستى بر آن چرا اعتراض ميكنيد و نسبت آن ميكنيد بسحر و كهانت نيست قرآن مگر پندى
مر عالميان را يا نيست محمد مگر شرف اهل علم و اين موعظه مر كسى راست كه خواهد از شما مستقيم
شود در راه خدا و پيروى حق كند از رقبى منقولست كه از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده
كه در معنى فَاَيْنَ تَذْهَبُونَ فرموده كه اين تذهبون فى على يعنى كجا ميگريزيد از ولايت على بن ابيطالب
و در معنى اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ فرموده لمن اخذ ميثاقه على و لايته يعنى قرآن پند است مر
كسى را كه گرفته است از و پيمان بر ولايت جناب و در معنى لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ اَنْ يَسْتَقِيمَ فرموده
مستقيم شود در طاعت على و ائمه بعد از و عليهم السلام تتمه آيه مباركه وَمَا تَشَاؤُنَ اِلَّا اَنْ يَشَاءَ الله
و نخواهيد شما هدايت و استقامت را با خيار مگر اينكه خدا بخواهد از شما كه پروردگار عالميان
است از حضرت كاظم عليه السلام مرويست بدرستيكه خدا گردانيده دلهاى ائمه را صلوات الله عليهم
محل ارادهٔ خود پس چون بخواهد خدا چيزى را ميخواهند او را ايشان و اينست معنى قول خدا كه
فرموده وَمَا تَشَاؤُنَ تا آخر آيه مباركه در سورهٔ انفطار است كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ وَاِنَّ
عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يعنى تكذيب ميكنيد بروز جزا و بدرستى بر شما يعنى بر كردار و گفتار
شما هر آينه نگاهبانانند از ملائكه نه آنست كه باز ايستند از كفر و عصيان بلكه بزرگانند كه در نزد
خدا تعالى نويسندگانند شب و روز نامهٔ افعال و اقوال شما را يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ميدانند آنچه

سورهٔ هل

سورهٔ انفطار

كه

كه ميكنيد از نيك و بد از رقبى منقولست كه گفته است در معنى تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ برسول الله و
امير المؤمنين عليه السلام يعنى تكذيب ميكنيد برسول خدا و امير المؤمنين عليه السلام اينست معنى تكذيب بروز جزا و در حديث
وارد است كه چون بنده كه طاعت كند فرشته دست راست كه موكل نوشتن اعمال حسنه است
شاد ميشود و بتعجيل تمام يكى را ده بنويسد و چون معصيت كند هر دو دلتنگ شوند و ملك دست چپ
كه موكل نوشتن سيئه است خواهد بنويسد ملك دست راست گويد توقف كن و او تا هفت
ساعت توقف نمايد تا شايد كه بنده پشيمان شود اگر در بنده ندامت تا هم نكرد فرشته دست راست
گويد آن را بنويس كه جاهل بنده ايست در حديث ديگر وارد است كه هر كس بعد از معصيت اين كلمات را
بگويد اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ ملكى كه نويسندهٔ سيئات است معصيت او را
نمى نويسد و اگر توبه نكرد و نادم نشد و اين كلمات را بر زبان جارى نكرد فرشته دست راست
گويد بنويس كه جاهل بنده ايست بعد از آن ميبرند اعمال آن شخص را بدرگاه خداوند عالم تا
آخر حديث آيهٔ مباركه در سورهٔ مطففين است اِنَّ الَّذِينَ اَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ
وَاِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ يعنى بدرستيكه آنانكه شرك آورده اند هستند از كسانيكه
ايمان آورده اند ميخنديدند و چون ميگذشتند بر آن مؤمنان غمز ميكنند بچشمها يعنى اشارتها مينمايند
باستهزا از رقبى منقولست كه گفته است مراد از اِنَّ الَّذِينَ اَجْرَمُوا اول و ثانى و كسانى هستند
كه پيروى ايشان نموده اند و ناپاك كرده اند آنها چشمك ميزدند برسول خدا از كشاف و از شيخ طبرسى روايت شده
كه روزى جناب امير المؤمنين عليه السلام با جمعى از فقراى مسلمانان ميگذشتند جمعى منافقان
سخريه نمودند با ايشان و خنديدند و بچشم و ابرو اشارتها كردند پس برگشتند بسوى ياران خود

سورهٔ مطففين

پس گفتند دیدیم اصلع یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلم را و آنحضرت را اصلع میگفتند بجهت
آنکه پیش سر آنجناب که بالای پیشانی باشد مو نداشت پس از آن گفتند بر آنجناب خندیدیم هنوز
آنجناب بمسجد رسول صلی الله علیه و آله نرسیده بودند که این آیه نازل شد که منافقان نامه
سیاه بر مؤمنان میخندند اول سوره مبارکه بروج بسم الله الرحمن الرحیم والسماء
ذات البروج والیوم الموعود وشاهد ومشهود یعنی قسم باسمانی که صاحب برجهاست و قسم
بروز وعده داده شده که روز قیامت است و قسم بشاهد و مشهود قتل اصحاب الاخدود هر آینه
کشته شد و هلاک کشتند صاحبان شکافها در زمین یعنی جماعتی که حفرها در زمین کندند
و پر از آتش میکردند تا بآن تعذیب ولی ذریت مؤمنین از مجمع منقول است که از جناب امام حسن مجتبی علیه السلم
مرویست که بد بختی از آنجناب پرسیده شد از این آیه پس فرمود اما شاهد پس آنجناب پیغمبر است
و اما مشهود پس روز قیامت است آیا نشنیده کلام خدا را که میفرماید یا ایها النبی انا ارسلناک
شاهدا ومبشرا ونذیرا و نیز فرموده و ذلک یوم مجموع له الناس وذلک یوم مشهود از
کافی و معانی نقل شده که از حضرت صادق علیه السلم مروی است که بد بختیکه از آنجناب پرسیده شد
از معنی شاهد و مشهود در جواب فرمود که جناب پیغمبر و امیر المؤمنین علیهما السلم میباشند یعنی
شاهد جناب رسول صلی الله و مشهود جناب امیر المؤمنین علیه السلم است خدا تعالی قسم یاد فرموده بانها
که اصحاب اخدود هلاک شدند از عیاشی منقول است که او باسناد خود از ابو جعفر روایت کرده
که جناب امیر المؤمنین علیه السلم شخصی را بسوی اسقف نجران یعنی رئیس دین نصاری و عالم ایشان
که در نجران بود فرستادند و او را از اصحاب اخدود سؤال کردند و قصه آنها را بآنجناب اخبار
نمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرمودند نه چنین است که تو گفتی لیکن زود باشد که من ترا خبر دهم

از فقه

از نفته انها بدان بد بختی که حقتعالی مردی حبشی را برسالت حبشه فرستاد انها پس تکذیب
او کردند و ابا نمودند پس با انها مقاتله و جنگ نمود پس بعضی اصحاب او را کشتند و او را
با بعضی از یاران اسیر کردند و کودالی بنا کردند یعنی از آن پر از آتش نمودند و همه مردمان را
بکردان جمع کردند و بایشان گفتند هر کس که بر دین ما است و مامور بامر ما است باید بکناری
رود و هر کس بر دین اینجماعت و خدا پرست است باید خود را در میان این آتش اندازد پس اهل
ایمان دست همدیگر را گرفتند و خود را در میان آتش انداختند و زن مؤمنه با طفل یکماهه آمد
بکنار آتش خواست که خود را در آن آتش اندازد دلش بر آن کودک بسوخت و خواست که برگردد
کودک یکماهه گفت ای مادر مترس و مرا و خود را در میان این آتش بینداز و نیز بد بختی که این
شفقت تو بجهاد در راه خدا کم است و زحمت اندکست پس زن خود را با آن کودک در آن آتش
انداخت و آن کودک از جمله کودکانی بود که در گهواره تکلم نمود یعنی در طفولیت سخن گفت و
حقتعالی آن مجرمان و طاغیان را هلاک ساخت و بر لعنت کرد اینه که فرموده قتل اصحاب الاخدود و آیه
مبارکه ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم یعنی بد بختی که بسوی ما است یعنی بحکم ما است
بازگشت انها پس بتحقیق که بر ما است شمار اعمال ایشان در محشر این آیه جامع وعد پیغمبر است و وعید
کفار از کافی نقل شده که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایتست چونکه روز قیامت مشود
و جمع میکند خداوند عز و جل اولین و اخرین را برای فصل خطاب یعنی خطابیکه جدا کننده است میانه
حق و باطل یعنی برای حکم بحق خوانده میشود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پس پوشانیده میشود
حله سبزی که روشن میکند میانه مشرق و مغرب را و پوشانیده میشود جناب امیر المؤمنین علیه السلم
مثل آن و پوشانیده میشود حضرت رسالت صلی الله علیه و آله کلکونی که روشن میشود بجهت آن مشرق ما بین

ومغرب و پوشانیده میشود شاه ولایت مثل ان حله پس ان دو بزرگوار در ان وقت بالامر دوند
پس از ان ما خوانده میشویم پس حواله میشود بسوی ما حساب مردم و شمار اعمال ایشان پس ما قسم
بخدا داخل میکنیم اهل بهشت را در بهشت و اهل اتش را در اتش مؤلف گوید که تفسیر حله کنا
وان دو بالاپوش است یا چیزی که استر باشد و عن الکاظم علیه السلام الینا ایاب
هذا الخلق و علینا حسابهم فما کان لهم من ذنب بینهم و بین الله تعالی حتمنا علی
الله فی ترکه لنا فاجابنا الی ذلک و ما کان بینهم و بین الناس استوهبنا منهم و
اجابوا الی ذلک و عوضهم الله عز و جل از جناب کاظم علیه السلام روایتست که بسوی ما است
رجوع این خلق و بر ما است حساب انها پس انچیزیکه باشد برای انها از گناهانیکه میان ایشان و
میان خداوند است حتم میکنیم بر خداوند یعنی ابرام میکنیم در سؤال از خداوند در گذشتن
خدا از گناهان برای خاطر ما پس قبول میفرماید این را و انچه میان ایشان و میان مردم است یعنی
حق الناس است خواهش میکنیم از مردم که ببخشند بایشان و قبول میکنند این را و خدای تعالی
عوض میدهد بایشان از ان حقی که بخشیده اند مؤلف گوید که مراد از مردم شیعیان ائمه اند نه
مردم عن الامالی عن الصادق علیه السلام قال اذا کان یوم القیمة وکلنا الله بحساب شیعتنا
فما کان لله سألنا الله ان یهبه لنا فهو لهم و ما کان لنا فهو لهم یعنی از امالی نقل شده
که از حضرت صادق مرویست که چون روز قیامت شود واگذار میفرماید بما شمار عملهای شیعیان
ما را اما پس انچیزیکه بوده باشد از برای خدا خواهش میکنیم از حق تعالی اینکه ببخشد حق خود را
بایشان برای خاطر ما پس ان حق برای ایشان است و انچیزیکه از برای ما است یعنی حق ما است پس
ان مال ایشان است ایه مبارکه در سوره بلد والذین کفروا بایاتنا هم اصحاب المشئمة علیهم نار

مؤصده

مؤصدة یعنی انکسانیکه کافر شده اند بایات ما ایشانند یعنی بدلائلی که نصب کرده ایم بر
حقانیت ما ایشانند اصحاب دست چپ که ایشان را از جانب شمال عرش بدوزخ برند و انها اهل شامت
و نکبت هستند اتشی که پوشیده باشد یعنی نیران در که در انجا معذب باشند و بطبقی ایشان را
مضبوط سازند و دیگر که در ان موضع راحت و روح باشد در انجا نباید و دود نیز بیرون نیاید
پس نا امید باشند از راحت و اسایش و دایم معذب بعذاب نیران از قمی منقولست که
گفته مراد از الذین کفروا انانند که مخالفت امیر المؤمنین علیه السلام نموده اند و گفته است اصحاب
مشئمه دشمنان ال محمد اند ایه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم والشمس و ضحیها
والقمر اذا تلیها یعنی قسم باقتاب عالمتاب و بروشنی و درخشندگی ان در اول وقتیکه بلند شود
و بموضع چاشت شد و ضوء او منبسط گردد و بماه جهانبان چون پیروی افتاب میکند یعنی طلوع
میکند بعد از غروب ان از کافی و قمی نقل شده که از جناب صادق صلوات الله علیه روایت
کرده اند شمس جناب رسول صلی الله علیه و اله است که بانجناب واضح کرده است خدا برای مردم
دین ایشان را و قمر جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که تالی جناب رسول صلی الله علیه
و اله است و انحضرت دمید علم را در جناب امیر المؤمنین علیه السلام دمیدنی تا اخر حدیث ایه مبارکه
قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها یعنی بتحقیق که رستگار شد هر که پاکیزه کرداند نفس
خود را از ادناس رذائل کفر و معصیت یا نشو و نما داد او را بمعرفت و طاعت و بتحقیق که بی بهره ماند
هر که نفس خود را بجهالت و ضلالت پامال کرداند و مرتبه او را بفسق و معصیت ناقص
کردانیده از جناب صادق روایتست که مراد از من زکیها جناب امیر المؤمنین است که خدا
او را پاک کردانیده و من دسیها اولی و دومی است که ان منصب عظیم ودیعه را بغصب گرفتن

با او هنگامیکه مالیدند دست خود را بر دست او و در تفسیر آیه مبارکه که نزد در سوره شمس است
فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقیها یعنی پس گفت مر آن قبیله را فرستاده خدا یعنی
حضرت صالح که دست بدارید ناقه خدا را یعنی ناقه که خدا ایجاد کرد بکامله خود آنرا از سنگ بیرون
آورده و کرد او منع کردید شرب او را یعنی مانع شرب آن میشوید و منع کنید نوبت او و آشنا عذاب بشما
بنا بر آنچه از مجمع نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که فرمودند مر جناب امیر
المؤمنین علیه السلام را که فرمودند یا علی من اشقی الاولین قال عاقر الناقة قال صدقت
قال فمن اشقی الآخرین قال لا اعلم یا رسول الله قال الذی یضربک علی هذه واشار
الی یافوخه یعنی یا علی شقی ترین اولین کیست عرض کرد آنکسیکه ناقه صالح را پی کرد و ظلم
نمود حضرت فرمودند که راست گفتی یا علی پس فرمودند شقی ترین آخرین کیست یعنی پسینیان کیست
عرض کرد نمیدانم یا رسول الله فرمودند آنکسیست که ضربت بزند بر اینموضع پس اشارت فرمودند
بر تارک مبارک جناب امیرالمؤمنین علیه السلام از مجمع منقولست که از جناب صادق
مرویست که هر کس بسیار نماید تلاوت سوره والشمس و واللیل و والضحی و الم نشرح در روز
یا در شب باقی نماند چیزیکه در حضور او باشد مگر آنکه شهادت میدهد در روز قیامت
برای او حتی موی او و بدن او و گوشت و خون و رگ او و پی او و استخوانهای او و جمیع آنچه
زمین بر داشته است و خداوند عالم فرماید که قبول کردم شهادت شما را برای
خود که بندهٔ من شهادت برای او بدهید او را ببهشتهای من تا آنکه منزل بگیرد از آنها هرجا که
دوست دارد پس بدهید باو بهشتهای خود ولی رحمتست از من و فضلی که شامل او شده است
گوارا باشد این نعمتها بر بنده من اول سوره مبارکه لیل بسم الله الرحمن الرحیم واللیل اذا یغشی

والنهار

والنهار اذا تجلی یعنی قسم بشب چون بپوشد آفتاب را با روشنی و روز را سوگند بروز چون آشکارا
گردد بزوال ظلمت شب یا مبین گردد بطلوع آفتاب وما خلق الذکر والانثی یعنی و قسم بقادر
عظیم القدره که بیافرید نر و ماده را یعنی آدم و حوا را از مناقب منقولست که از جناب امام
محمد باقر روایتست که مراد از لفظ الذکر جناب امیرالمؤمنین و از لفظ والانثی جناب
فاطمه علیهما السلام است از تفسیر قمی منقولست که از جناب باقر علیه السلام مرویست که
فرمود لیل در اینجا دومی است لعنه الله کنایه که بپوشانید آفتاب ولایت را که اشاره بر جناب امیر
المؤمنین علیه السلام است بپوشانید در دولت خود آنجناب در دولتیکه مستمر شد برای
آن ملعون بر آنحضرت و جناب امیرالمؤمنین علیه السلام صبر میکرد در دولتهای آنها تا آنکه
آنحضرت میکردید در آن دولت باطل تا بگذرد و تمام شود و مراد از لفظ والنهار اذا تجلی
جناب قائم از ما اهلبیت محمد صلی الله علیه و آله است چون بر پا شود یعنی ظهور نمود بامر
خلافت و حکومت قیام نماید غلبه کند بر دولت باطل یعنی روشنی حقیقت و بزداید ظلمت
دولت باطل را بعد از آن فرمود که قرآن زده شده است در آن مثلها برای مردم و پیغمبر خود را
مخاطب ساخته و توجیه کلام را بسوی او نموده و ما را نیز مخاطب نموده پس نمیدانند آنرا کسی غیر از ما
آیه مبارکه فانذرتکم نارا تلظی لا یصلیها الا الاشقی الذی کذب وتولی یعنی بیم میرسانم
شما را باتشی که زبانه میزند و ملتهب میشود در نمی آید در آن آتش بطریق دوام و لزوم
مگر بدبخت تر و شقی تر که تکذیب کرده حق تعالی را و رو گردانید از طاعت حق از جناب صادق
مرویست که در مقام ذکر این آیه فرمود که در جهنم وادیست که در آن آتشیست که در نیاید در
آن مگر بدبخت ترین مردم که آن فلانست که تکذیب کرده جناب رسول خدا را در باره جناب علی

[illegible]

ابیطالب

ابیطالب و رو کردانید از ولایت بجناب آیه مبارکه ولسوف یعطیک ربک فترضی یعنی و هر اینه
زود باشد که بدهد ترا پروردگار تو پس خشنود شوی و این وعده ایست شامل بر جمیع امور
با و عطا فرماید در دنیا و آخرت مرویست که حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که درروز قیامت
مرا چندان شفاعت دهند که گویم حسبی حسبی یعنی بس است و راضی شدم مقرر است که
آنحضرت راضی نخواهد شد که یکی از امت وی در دوزخ باشد و نیز از امام جعفر صادق ع
مرویست که جدّ من آنزمان راضی نخواهد شد که هیچ موحدی در دوزخ بماند در حدیث
است که داخل شد رسول خدا صلعم بر صدیقه کبری و حال آنکه بر او کسائی بود از پشم شتر
و او دستاس میکرد بدست خود و شیر میداد فرزند خود را پس حضرت رسالت پناه پر آب چشم
اشک شد چون سیده نسا را بدین صورت دید پس فرمود ای دختر من قبول کن تلخی دنیا را
که بسرعت میگذرد با آنکه بشتابی تلخی دنیا را بعوض شیرینی آخرت پس بتحقیق که خدا تعالی
فرو فرستاد بر من این آیه کریمه ولسوف یعطیک ربک فترضی سوره مبارکه الانشراح الم نشرح
لک صدرک یعنی یا محمد آیا کشاده نکردانیدیم برای تو سینه ترا تا مناجات خود و دعوت
خلق و غم امت و اعباء رسالت در وی گنجد یا دل ترا گشایش ندادیم که هر چه از اسرار و حکمت
بر تو وارد شود تواند ضبط نماید یا منشرح ساختیم از علوم و حکمت و حفظ قرآن و انواع آن
قمی منقولست که بعد از الم نشرح لک صدرک گفته است بعلی فجعلناه وصیک یعنی آیا
کشاده نکردانیدیم برای تو سینه ات را بسبب علی بن ابیطالب ع پس کردانیدیم علی را وصی تو
تا آخر آنچه گفته است آیه مبارکه فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب یعنی پس چون فارغ
شدی از تبلیغ رسالت پس رنج کش در مراسم عبادات تا چون از نماز فارغ شوی جهد کن در

دعا یعنی مشغول دعا و تعقیب باش و بدعای پروردگار خود پس رغبت کن در همه اوقات
و هر چه خواهی از و خواه نه غیر او از قمی منقولست که روایت کرده از جناب صادق علیه السلام
که فرموده اند فاذا فرغت من نبوتک فانصب علیا والی ربک فارغب یعنی پس چون فارغ
شدی از تبلیغ رسالت پس نصب کن علی را برای خلافت و وصی کردان و بسوی پروردگار خود
پس رغبت کن در این امر یعنی نصب آنحضرت برای خلافت رغبت و میل بسوی خدا است جون رضای
حق و میل و سبحانه و امر او با اینست از کافی منقولست که از جناب صادق ع روایتست
در جمله حدیثی میفرماید که خداوند عالم فرموده فاذا فرغت فانصب علمک و اعلن وصیک
فاعلمهم فضله علانیة فقال من کنت مولاه فعلی مولاه الی آخر الحدیث یعنی
چون فارغ شدی از رسالت پس نصب کن علم خود را و ظاهر و آشکارا نما وصی خود را پس معلوم
کن فضل او را و ظاهر یعنی برای همه کسی که از کسی پنهان نماند پس جناب پیغمبر صلعم فرمودند
هر که من مولای او هستم پس علی مولای او و آقای او است تا آخر حدیث سوره مبارکه والتین
بسم الله الرحمن الرحیم والتین والزیتون وطور سینین وهذا البلد الامین یعنی
قسم بانجیر و زیتون و قسم بطور سینا یعنی کوهی که محل مناجات حضرت کلیم بود و قسم
بدین شهر که امان دهنده اهل مکه است از صوایح و حوادث و حافظست هر کرا در او
داخل شود تخصیص این هر دو میوه بقسم از جمیع میوه ها بجهت آنستکه انجیر میوه خوبیست بی فضله
و لطیف سریع الهضم کثیر النفع و ملین طبع و محلل بلغم و رمل مثانه را زایل میکند و ظاهر
مینماید کلیتین را و در حدیث آمده که قطع بواسیر کند و نقرس را برطرف میکند و زیتون هم میوه هم
نان و خورش است و هم دوا و روغنی دارد کثیر المنافع از علی بن ابرهیم قمی منقولست که گفته

النبی رسول الله والزیتون امیر المؤمنین وطور سینین الحسن والحسین وهذا
البلد الامین الائمة سلام الله علیهم یعنی تین جناب رسول الله ص و زیتون جناب
جناب امیر المؤمنین ع و طور سینین جناب امام حسن و امام حسین ع است و هذا البلد
الامین ائمه سلام الله علیهم است و در روایتی دیگر در مناقب مرویست از جناب امام
موسی کاظم ع که تین و زیتون جناب امام حسن و امام حسین ع و طور سینا علی بن ابیطالب ع
وهذا البلد الامین جناب محمد مصطفی ص تمت سوره لقد خلقنا الانسان فی احسن
تقویم ثم رددناه اسفل سافلین یعنی هر اینه بتحقیق خلق کردیم انسان را در نیکوترین تعدیل
و راست کردنی در شکل و صورت و تسویه اعضا یعنی مخصوص گردانیدیم او را از میان حیوانات
بانتصاب قامت و حسن صورت و اعتدال المزاج و کمال نفس و نطق و تمیز و رای و تدبیر و استجماع
خواص مکونات با فرمودیم او را مظهری اتم و اکمل و محلی اعم و اشهر که حامل امانت الهی و منبع
فیض نامتناهی تواند بود بعد از آن بسبب عدم شکرگذاری او بر نعمت خلقت قویمه سویه و صورت
حسنه بهیه باز گردانیدیم او را بزیرترین همه زیرتران در درکات یعنی او را در آخر زیر درکه
رد کنیم عن المناقب عن الکاظم علیه السلام ه لا الانسان الاول ثم رددناه اسفل
سافلین ببغضه امیر المؤمنین علیه السلام یعنی از مناقب منقولست که از جناب
امام موسی کاظم ع مرویست که مراد از انسان اولیست لع خداوند عالم او را باز گردانید
باسفل درکات دوزخ بسبب دشمنی او با جناب امیر المؤمنین علیه السلام الا الذین امنوا
وعملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون مگر آنکسانیکه ایمان آورده اند و کرده اند کارها
ستوده و شایسته پس برای ایشانست اجر غیر ممنون مزد نابریده و کم ناشده مراد از نعیم دائم

بهشت

بهشت در تتمه حدیثیست از مناقب منقولست که مقصود از آیه مبارکه جناب امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب ع است فما یکذبک بعد بالدین پس چه چیز ترا بر تکذیب میدارد ای منکر پس بعد
از این دلائل واضحه و براهین ساطعه بر روز جزا و دین و گفته شده است که خطاب به پیغمبر است
یعنی کی تکذیب میکنند ترا ای محمد ص پس از ظهور دلائل واضحه بدین که او اسلام است منقول
است از حدیثیکه در مناقب وارد شده است که تفسیر نموده دین را بولایت جناب علی بن ابی
طالب ع یعنی چه چیز بر تکذیب میدارد ترا بعد از دلائل و علائم محکمه بولایت علی بن ابیطالب ع
سوره علق بسم الله الرحمن الرحیم اقرأ باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من
علق اقرأ وربک الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم یعنی یا محمد بخوان
قران را در وقتیکه افتتاح کننده باشی یا استعانت کننده باشی بنام پروردگار خود آن
خدائیکه بیافرید جمیع کائنات و مخلوقات را و بیرون آورد از کتم عدم بوجود بکمال قدرت و
توانائی خود آفرید جنس انسان را از خون جامد و بسته بعد از آنکه نطفه بودند و
باز تکرار میفرماید اقرأ را بجهت مبالغه که بخوان قران را یا اول امر است بقراءت برای نفس
خود و دوم برای تبلیغ بامت و پروردگار تو بزرگترست از همه بزرگان و کریمتر از همه کریمان
چه هر نعمتی که هست از جانب او است آنکسیست آن خدائیکه آموزانید نوشتن را بقلم تا علم را
قید کنند و غائبان را بنامه آگاهی دهند که بسیاری از امور مردمان بخط محتاج اند مشهور است
اول کسیکه خط نوشت ادریس بود علم الانسان ما لم یعلم تعلیم نمود جنس انسان را آنچه نمیدانست
از امور دین و دنیا بنصب دلائل و خلق قوی و انزال آیات از وقتی منقولست که از جناب امام محمد
باقر ع روایت کرده که فرموده یعنی آموخت جناب علی بن ابیطالب را از کتابت برای تو ای محمد را

که ممد است پیش از آن سورهٔ قدر بسم الله الرحمن الرحیم انا انزلناه فی لیلة القدر
وما ادریک ما لیلة القدر یعنی بدرستی که ما نازل کردیم قرآن را از لوح محفوظ بدنیا
در شب قدر و چه چیز ترا دانا کرد اند تا بدانی چیست شب قدر یعنی ابتدای نزول آن در شب
قدر بود با تمام قرآن در آن شب از لوح محفوظ باسمان دنیا آمد و روح الامین در
مدت بیست و سه سال آیه آیه و سوره سوره بحسب مصالح آورده و این قول منسوب بمعظم
مفسرانست از معانی منقولست که از جناب امیر المؤمنین علیه السلم روایتست که جناب فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده یا علی آیا میدانی معنی شب قدر چیست عرض
کردم یا رسول الله نمیدانم پس فرمودند بدرستیکه خدا تعالی مقدر فرموده در آن شب
آنچه کائن و باشنده است تا روز قیامت پس هرچه بود مقدر فرموده در آن شب ولایت
تو و ولایت ائمه از اولاد تو تا روز قیامت پس آیه مبارکه تنزل الملائکة والروح فیها باذن
ربهم من کل امر سلام یعنی فرود آیند فرشتگان بزمین و فرود آید روح که ملک
بزرگیست و اعظم از جبرئیل و جمیع ملائکه است نظر بحدیثیکه وارد شده بدرستیکه
روح بزرگتر است از جبرئیل و بدرستیکه جبرئیل از جملهٔ فرشتگانیست که در آن شب
نازل میشود و از قمی منقولست که گفته است تنزل الملائکة و روح القدس علی
امام الزمان ویدفعون الیه ما قد کتبوه یعنی فرود آیند فرشتگان و جبرئیل بر امام
زمان و بخدمت حضرت میدهند آنچه را که بتحقیق نوشته اند یعنی بنظر آنحضرت میرسانند
آنچه مکتوب و مقدر شده از ثواب الاعمال و مجمع منقولست که از حضرت باقر مرویست
که فرموده من قرء انا انزلناه فی لیلة القدر یجهر بها کان کالشاهر سیفه فی سبیل الله

ومن قراها سرا کان کالمتشحط بدمه فی سبیل الله ومن قراها عشر مرات محا الله عنه
الف ذنب من ذنوبه یعنی هرکس سورهٔ انا انزلناه را بخواند پس جهر کند بآن یعنی بآواز بلند
بخواند میباشد مانند کسیکه برهنه کننده است شمشیر خود را در راه خدا برای جهاد
شمشیر کشد و هرکس این سورهٔ مبارکه را آهسته بخواند میباشد مانند کسیکه در دست
و پا زننده است در خون خود در راه خدا و هرکس ده مرتبه این سورهٔ مبارکه را بخواند محو
میفرماید خدا تعالی از وی هزار گناه از گناهان او پس آیه مبارکه ان الذین کفروا من اهل الکتاب
والمشرکین فی نار جهنم خالدین فیها اولئک هم شر البریة یعنی بدرستیکه آنکسانیکه
کافر شدند از اهل کتاب که یهود و نصاری اند و از مشرکین که عبده اصنام باشند در آتش
جهنم باشند در روز قیامت در حالتیکه جاوید باشند در آن آنگروه ایشانند بدترین
آفریدگان منقولست از قمی که گفته است آنانکه کافر شده اند کسانی هستند که خداوند
عالم نازل فرمود برایشان قرآن را پس مرتد شدند و کافر گشتند و نافرمانی جناب امیر المؤمنین
نمودند پس آیه مبارکه ان الذین امنوا وعملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة یعنی آنکسانیکه
ایمان آورده اند و کردند عملهای شایسته و پسندیده آنگروه ایشانند بهترین مخلوقات
و آفریدگان از امالی نقل شده که از جابر بن عبد الله مرویست که گفت بودیم نزد پیغمبر
پس جناب علی بن ابیطالب رو کرده تشریف آوردند پس فرمود پیغمبر خدا ص قد اتاکم اخی ثم
التفت الی الکعبة فضربها بیده ثم قال والذی نفسی بیده ان هذا وشیعته لهم الفائزون
یوم القیمة ثم قال انه اولکم ایمانا معی واوفاکم بعهد الله واقومکم بامر الله واعدلکم
فی الرعیة واقسمکم بالسویة واعظمکم عند الله مزیة یعنی بتحقیق آمد بسوی شما برادر من

بعد از آن نظر بسوی کعبه نمودند پس دست مبارک را بدیوار آن زدند پس فرمودند
قسم بآنکسیکه جان من در قبضهٔ قدرت اوست بدرستیکه این یعنی علی بن ابیطالب و
شیعیان آنجناب همراهیند ایشانند رستگاران در روز قیامت بعد از آن فرمودند که او
اول شما است از روی ایمان بامر و وفا کننده‌ترین شما است بعهد و پیمان خدا و ایستاده
ترین شما است بامر خدا و عادلترین شما است در میان رعیت و قسمت کننده‌ترین شما بسویه
یعنی هیچیک از شما مثل او یکسان نمیتوانید قسمت نمائید و بزرگترین شما است نزد خدا تعالی
زیادتی بحسب قدر و منزلت جابر میگوید پس از آن این آیه و امه الهدایه نازل شد که ان الذین تا آخر آیه
و آخر حدیث و در حدیث دیگر از ابن عباس روایت شده که چون این آیه مبارکه نازل شد
حضرت رسالت پناه خطاب کرد بشاه اولیا و فرمودند یا علی مراد بخیر البریه تو و
شیعهٔ تو و چون حق تعالی در روز قیامت خلق را برانگیزاند و در آن روز تو و شیعهٔ تو
از خدا خشنود و راضی باشید و حقتعالی نیز از شما خشنود باشد یا علی در آن روز دشمنان
محشور شوند و حال آنکه ایشان مغضوبان و مقهوران باشند سورهٔ الزلزال بسم الله الرحمن الرحیم
اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان ما لها یومئذ
تحدث اخبارها یعنی چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی که مقرر است نزد نفخهٔ
اولی یا ثانیه و چون بیرون آورد زمین بارهای گران احمال و اثقال خود را از دفاین و
اموات و کنوز هر چه در آنست از خود و میگوید در آن وقت یعنی کافر و منکر بعث و یا همه
آدمیان بعد از مشاهدهٔ این حال از روی تعجب و تنکر گویند که چیست مر زمین را که بیشورند
خود را آشکارا میکند و این همه متزلزل شده در آن روز و سخن گوید زمین بزبان حال با آنکه

حق تعا

حق تعالی با و وقت تکلم دهد تا بسخن در آید و گوید خبرهای خود را یعنی خبر دهد بسبب
و اضطراب و بیرون آوردن مدفونات چیست و یا خبر دهد از عملهای هر یک از مکلفان
که بر بالای آن کرده باشند از خیر و شر از قمی منقولست که گفته است انسان جناب امیر
المؤمنین ع است یعنی در زمان حرکت زمین آنجناب خطاب بزمین میفرماید که چه میشود
ترا که مضطرب هستی و زمین باذن و قدرت حضرت رب العالمین با حضرت سخن میگوید
و خبر میدهد آنحضرت را از سبب زلزله و سایر خبرهای خود چنانکه منقولست از خرایج که
از حضرت باقر ع مرویست بدرستیکه این سوره مبارکه خوانده شد نزد امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود انا الانسان و ایای تحدث اخبارها یعنی منم انسان که خدا فرموده و مرا
خبر میدهد زمین خبرهای خود را عن العلل عن تمیم بن حاتم قال کنا مع علی حیث توجهنا
الی البصرة قال فبینما نزول اذا اضطربت الارض فضربها علی علیه السلام
بیده الشریفة و قال لها ما لک ثم اقبل علینا بوجهه الکریم ثم قال لنا اما
انها لو کانت الزلزلة التی ذکرها الله عز و جل فی کتابه العزیز لاجابتنی و لکنها
لیست بتلک از کتاب علل نقل شده که از تمیم بن حاتم روایتست که ما همراهی جناب
مولای متقیان امیر المؤمنین علی ع بودیم از زمانی که بسوی بصره روانه شدیم میگوید پس
در اثنائیکه فرود آمده و منزل گرفته بودیم ناگاه زمین بلرزه در آمده و حرکت نمود پس جناب
امیر المؤمنین علیه السلام دست مبارک خود را بزمین زدند و فرمودند چه میشود ترا که در
لرزی بعد از آن ما را مخاطب ساخته فرمودند با آنکه بزمین خطاب فرموده آگاه باشید
بدرستیکه این زلزله هرگاه آن زلزله بود که خدای عز و جل ذکر نموده در کتاب عزیز خود هر آینه

جواب میداد بمن ولکن این زلزله آن زلزله نیست در حدیث دیگر از جناب فاطمه علیها السلام
وارد شده که فرموده اند رسید مردم زلزله در زمان ابی بکر و ملتجی شدند مردم
و پناه آوردند بسوی ابی بکر و عمر پس یافتند آن هر دو را که بیرون آمده اند در حالتی
که التجا کننده اند بسوی جناب علی بن ابیطالب ع پس مردم هم به تبعیت آنها آمدند تا
اینکه رسیدند بدر خانه آنجناب فخرج ع غیر مکترث لما هم فیه فمضی واتبعه
الناس حتی انتهی الی تلعة فقعد علیها وقعدوا حوله وهم ینظرون الی
حیطان المدینة ترتج جائیة وذاهبة فقال لهم علی علیه السلام کانکم قد
هالکم ما ترون قالوا وکیف لا یهولنا ولم نر مثلها قط قال فحرک شفتیه
ثم ضرب الارض بیده الشریفة ثم قال ما لک اسکنی فسکنت باذن الله یعنی
پس بیرون آمد جناب علی علیه السلام در حالتیکه هیچ باک نداشت بجهت امر یکه
که مردم بودند در آن از واهمه و بدون اینکه اضطراب و وحشت کند پس روانه شدند
و مردم در عقب آنجناب میرفتند تا آنکه رسیدند به تلی پس در آنجا نشستند و مردم
هم بگرد آنحضرت نشستند و حال آنکه ایشان نظر میکردند بسوی دیوارهای شهر مدینه که
تکان میخورد و حرکت میکرد در حالتیکه پیش می آمد و پس میرفت پس حضرت فرمودند
گویا شما ها را ترسانیده است آنچه میبینید عرض کردند چگونه نترساند ما را و حال
آنکه چنین چیزی و هایله ندیده بودیم هرگز پس لبهای مبارک را آنحضرت حرکت داد
و بعد از آن دست شریف خود را بر زمین زدند و فرمودند چه میشود ترا ساکن شو و از
حرکت باز ایست پس ساکن و برقرار شد باذن خدا پس تعجب نمودند بیشتر از تعجب اولشان

او قتی

انوقتیکه بیرون آمد آنحضرت و هیچ باک و واهمه نداشت حالت اضطراب خود را می
دیدند از اطمینان آنحضرت در تعجب بودند و چون این کرامت را مشاهده نمودند تعجب ایشان
زیاده شد آنجناب فرمودند مرا بشما میرسد تعجب کردید از اینعمل من عرض
کردند بلی فرمود من آن مردی هستم که خدا تعالی درباره من فرموده اذا زلزلت الارض
زلزالها واخرجت الارض اثقالها وقال الانسان ما لها پس منم آن انسان که میگو
بزمین که ترا چه شده است ما لک یومئذ تحدث اخبارها یعنی چیست مرترا که آرام نمی گیری
آنزمان خبرهای خود را میدهد بمن از مجمع نقل شده که جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله فرموده
که آیا میدانید خبرهای زمین چیست عرض کردند که خدا و رسول و بسبحانه عالم و دانا ترند
فرمودند خبرهای زمین اینست که شهادت و گواهی میدهد بر هر مرد و زن با چیزیکه کرده
اند بر پشتشان یعنی بر بالای آن از خوب و بد و میگوید چنین و چنان کردند در روز فلان
فلان عمل نمودند پس اینست خبرهای زمین سوره والعادیات بسم الله الرحمن الرحیم
والعادیات ضبحا فالموریات قدحا فالمغیرات صبحا یعنی سوگند باسبان دونده غازیان
که بوقت دویدن نفس زنند نفس زدنی با آواز که نه صهیل بود پس سوگند به بیرون آورندگان
آتش از سنگ بسمهای خود یعنی اسبانیکه سم بر سنگ زنند و از آن آتش جهد چنین آتش
زدنی که مثل آتش زنه بیرون آید پس سوگند باسبان غارت کننده در وقت سفیده
دم مراد راکبان اسبانند که غارت کننده اموال اعدا اند و چون سبب غارت کردن عدو
اسبانند پس گویا که آنها غارت کنانند و غارت بمعنی سر زده آمده یعنی سوگند باسبانا
شتابکننده در رفتار بوقت غارت کردن مرویست از حضرت صادق ع و جمع کثیری

بیان سوره

که سبب نزول این سورهٔ مبارکه فرمودند که جماعتی اعراب از بنی سلیم بنزدیک مدینه آمدند
و در وادی رمله جمع شدند و میخواستند که شبیخون بیاورند بر حضرت رسالت پناه ص و
بر مسلمین آزاری رسانند آنحضرت علم را بابوبکر دادند و او را با جمعی از اهل اسلام
بمحاربه امر فرمودند چون اولی با آن لشکر بوادی رسیدند آنها آغاز جنگ کردند
اولی بترسید و رو بهزیمت نهاد و از هزیمت او جمعی از مسلمانان بقتل آمدند حضرت
روز دیگر علم را بدومی دادند و نیز رفت و رو بهزیمت نهاد باز گروهی از مسلمین را
بقتل رسانیدند حضرت بسیار متألم و اندوهناک شدند فرمودند که شاه اولیا را
سید اوصیا را بخوانید چون جناب امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شدند فرمودند
یا علی این علم را بگیر و بجانب سلمه متوجه شو و اولی با جمعی در خدمت حضرت روانه شدند
حضرت در اول صبح خود را بآن جماعت رسانیدند و آغاز جنگ کردند بعنایت و قوت الله و از
برکت انفاس حضرت رسالت پناه روزگار را بر آن قوم تیره و سیاه کردند و بر آنها
غالب شدند و بعضی را مقتول ساختند و برخی را اسیر گردانیدند متوجه شهر مدینه شدند
جناب خاتم انبیا و سرور دو سرا باستقبال سید اولیا بیرون آمد و جناب امیرالمؤمنین ع
از مرکب پیاده شدند و رکاب آنحضرت را بوسه دادند و حضرت رسالت رحمت و دعا فرمودند
و از غایت فرح فرمودند یا علی اگر مرا اندیشه آن نبودی که ناگاه در شان تو غلو کنند و در
محبت تو مبالغه نمایند چنانکه امت عیسی در حق او غلو نمودند و گمراه گشتند هر اینه در شان
تو امروز بر وجهی سخن میگفتم که هر جا که میگذشتی خاک اقدام ترا بر میداشتند و از آن استشفا
مینمودند یا علی بر مرکب خود سوار شو که خدا و رسول از تو راضی شدند بعد از آنکه این غلبه از

جوز

[illegible]

جناب امیرالمؤمنین علیه السلام بر بنی سلیم بظهور آمد این سوره نازل شد والعادیات ضبحا
آیه مبارکه ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی پس هر آینه البته پرسیده شوید در
آن روز بوقت محاسبه از نعمتها که بدان مشغول شدید و از عبادات دست کشیدید پس
معنی اینست که ای گروه مکلفان پرسیده خواهید شد از هر نعمتی که بشما داده ام از
روضة الواعظین نقل شده که روایتست که فرمود از پنج چیز سؤال میکنند از سیری شکم
و آب سرد و از لذت خواب و از سایهای مسکنها و از قرارگاهها و از اعتدال الخلق که خوشی
صورت و حسن خلقت باشد از جناب صادق ع روایت کرده و دیگری نیز که از آنجناب سؤال
کردند که جعلت فداک شنیدم که در روایت وارد شده که حضرت صادق ع فرمود با بو حنیفه
که رسیده است مرا یعنی شنیده ام اینکه تو تفسیر میکنی نعیم را در این آیه مبارکه و لتسئلن
یومئذ عن النعیم بطعام طیب و لذیذ و آب سرد خوشگوار در روزهای گرم تابستان
گفتار آنجناب فرمودند لو دعاک رجل و اطعمک طعاما طیبا و سقاک ماء باردا
ثم امتن علیک به الی ما کنت تنسبه قال الی البخل قال افیبخل الله تعالی
قال فما هو قال حبنا اهل البیت یعنی هرگاه ترا مردی بخواند بضیافت و بخوراند ترا
طعام لذیذ و طیب و بنوشاند ترا آب سرد بعد از آن منت گذارد بر تو بسبب این ضیافت
که خود دعوت کرده بود چنین مردی را بسوی چه نسبت میدهی او را عرض کرد نسبت بخیل میدهم
او را حضرت فرمودند پس خدا تعالی را نسبت بخل داده است یا اینکه آیا خدا را نسبت بخل
میدهی یا اینکه کریم است عرض کرد پس از چه سؤال میکنند فرمودند محبت ما اهل البیت
مؤلف گوید شاید مراد این باشد که ما نعمتهای خدا و نیکی هستیم و از ما سؤال میکنند پس

هر که محبت ما را داشته باشد شکر نعمت بجا آورده و هر کس محبت ما را نداشته باشد کفران
نعمت نموده مستحق عقاب الهی خواهد بود با اینکه محبت ما نعمت خداست و مردم را از آن
سؤال میکنند پس هر که دارای آنست بر آن باکی نیست و هر که او را ندارد در محل عفو
خداوندی مخلد خواهد بود و این معنی در قلم ظاهر از معنی حدیث است لیکن خلاف ظاهر معنی
آیه است چه ظاهر از آیه آنست که از نعمتی که خدا داده است سؤال میفرماید و خدا نعمت
محبت را نداده است بآنکه دارای آن نیست پس چگونه از آن سؤال مینماید لکن در
امام همه کس را بدانی فرموده چه مؤمن و چه مخالف پس معنی اول انسب است بظاهر آیه هرچند خلاف
ظاهر حدیث است و بالجمله در هر دو صورت محبت اهل بیت بر کافه موجودات نعمت عظمی است
و خدای تعالی سؤال خواهد فرمود چه نعمت از ولایت و محبت اهل البیت بزرگوارتر است و این
از تحت مضمون آیه مبارکه خارج نیست چنانکه ائمه سلام الله علیهم فرموده اند نحن
المسؤلون و این فقره سابق نگارش شده سورة العصر بسم الله الرحمن الرحیم والعصر
إن الإنسان لفی خسر یعنی قسم بعصر هر پیغمبری یا بعصر پیغمبر ما ص که افضل اعصار است
و یا بصاحب عصر که روزگار است یا بنماز عصر که صلوة وسطی است بر هر تقدیر جواب قسم اینست
بدرستیکه انسان هر آینه در زیانکاریست از کمال منقولست که از جناب صادق ع
روایتست که فرموده عصر در اینجا عصر خروج جناب قائم علیه السلام است و در معنی إن
الإنسان لفی خسر فرموده که مقصود خدا از انسان زیانکار دشمنان ما اهل بیت اند
آیه مبارکه إلا الذین آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر
مگر کسانیکه ایمان آورده اند و کردند کارهای پسندیده را و وصیت نموده اند یکدیگر را بامر ثابت

سوره عصر

ثابت وراست

و راست از اعتقاد و عمل جایز نباشد عقلاً و شرعاً انکار آن و وصیت نموده اند یکدیگر را
بصبر بتحمل مشاق طاعت و معصیت از قمی ره منقولست که از جناب صادق ع روایت کرده
که فرمودند بیان کرده از زیانکاری که همه افراد انسان در آن مبتلا شدند برگزیدگان خود را از آن
از برگزیدگان خود اینجا بکه فرموده إن الإنسان لفی خسر إلا الذین آمنوا مقصود حق تعالی
کسانی میباشند که ایمان آورده اند بولایت حضرت امیر المؤمنین و مراد از وتواصوا
بالحق یعنی وصیت نموده اند اولاد و بازماندگان خود را بولایت و وصیت نموده اند آنان تو
نموده اند بر آنکه خدای تعالی فرموده در تتمه حدیث سابق که منقول از کمال و مروی از حضرت
صادق ع بود میفرماید در تفسیر إلا الذین آمنوا یعنی مگر کسانیکه ایمان آورده اند با
ما وعملوا الصالحات میفرماید بخشش کردن مالیکه محتاج باشند برادران دینی خود
که وتواصوا بالحق را فرموده اند یعنی وصیت نموده اند بامامت و تواصوا بالصبر را فرموده یعنی
بعترت پیغمبر ص و مراد از عترت آنجناب چنانچه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که فرموده منم و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین ع و عترت بنا بر آنچه در لغت تفسیر
شده اولاد صلبی شخص را گویند و خویشان نزدیک را نیز گویند سورة الکوثر بسم الله الرحمن الرحیم
إنا أعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر إن شانئک هو الأبتر یعنی بدرستیکه ما
عطا کردیم تو را ای محمد خیر بسیار که اولاد و اعقاب بیشمارند و کثرت نسل و ذریه اطهار
فاطمه زهرا صلوات الله علیها یعنی خاطر شریف را آنقدر غمگین مکن از آن که ما تو را اکثر ذریه
در عقب نسل که در زمین هیچ بقعه و خطه نماند که فرزندان تو در آنجا نباشند صاحب ضلال اشد
المنهج گفته که این قصه مشهور است که بعد از شهادت امام مظلوم ابی عبدالله الحسین ع بغیر از امام

زین العابدین ع از ذکور اهل بیت او کسی نمانده بود حق تعالی انجاز وعده خود فرمود از نسل
او همه عالم را پر کرد انبند منیفرماید چون خیر دنیا و آخرت را بتو کرامت فرمودیم پس نماز
گذار از برای پروردگار خود یعنی مدام و منت کن بر آن خالص از برای خدا بجهت شکر گذاردن
کثرت نعم تو و قربان کن شتر را که خیار اموال عرب است و تصدق فرما بر محتاجان بدرستیکه
دشمن دارنده تو یعنی عاص بن وایل او است ابتر بریده و منقطع از خیر و نسل و ذریت بعضی از
عامه گفته اند که مراد از این نماز که خدا فرموده نماز عید اضحی است و مراد از نحر کشتن هدی
و اضحیه است و اهدی آن حیوانیست که بمکه میبرند بجهت قربانی و اضحیه گوسفندیست که وقت چاشت
عید قربان قربانی میکنند و از مجمع نقل شده که از جناب صادق ع روایت شده که در
تفسیر نحر فرموده هو رفع یدیک حذاء وجهک یعنی بلند کردن دو دست است مقابل
روی خود یعنی در وقت گفتن هر تکبیر نماز دستها را بمحاذی روی بلند کردن معنی نحر است
از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت است که چون نازل شد این سوره مبارکه بر جناب
رسول خدا ص بجبرئیل فرمودند چیست این کشتن و نحر کردنی که مرا بان امر فرموده
پروردگار من جبرئیل عرض کرد نحر کردن قربانی مراد نیست لیکن خدا تعالی امر میفرماید
ترا که چون مهیا تکبیرة الاحرام شدی اینکه بلند کنی دستهای خود را هرگاه تکبیر گوئی
و هرگاه رکوع کنی و هرگاه سر از سجده برداشتی پس بدرستیکه این نماز ما و نماز جمیع اهل
آسمانهای هفتگانه است پس بدرستیکه برای هر چیز زینتی است و زینت نماز بلند
کردن دستها است در وقت هر تکبیر از کتاب امالی منقولست که از ابن عباس روایت شده که
چون نازل شد بر رسول خدا ص سوره انا اعطیناک الکوثر جناب علی بن ابیطالب عرض کرد یا رسول

الله

الله چیست این کوثر حضرت فرمودند یا علی کوثر نهریست که خدا تعالی گرامی و عطا فرموده
مرا بان جناب امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد یا رسول الله بدرستی که این نهر شریف
است تعریف کن از برای ما و بیان فرما حضرت فرمودند نعم یا علی الکوثر نهر یجری تحت عرش الله
تعالی ماؤه اشد بیاضا من اللبن واحلی من العسل والین من الزبد حصاه الزبرجد
والیاقوت والمرجان حشیشه الزعفران ترابه المسک الاذفر قواعده تحت عرش الله
عز و جل ثم ضرب رسول الله ص علی جنب امیر المؤمنین علیه السلام وقال یا علی هذا النهر
لی و لک و لمحبیک من بعدی یعنی حضرت فرمودند یا علی کوثر نهریست که جاری میشود در
زیر عرش خدا تعالی آب آن از شیر سفیدتر است و از عسل شیرینتر و از مسکه نرمتر است و
ریگهای آن از زبرجد و یاقوت و مرجان است و علف خشک آن زعفران است و خاک آن
مشک است در نهایت خوبی و بیخهای آن در زیر عرش خدای عز و جل است بعد از آن دست
مبارک خود را به پهلوی مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام زدند و فرمودند یا علی
این نهر برای من و برای تست و برای دوستان تو بعد از من اللهم اجعلنا من محبیه سوره
الاخلاص بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن
له کفوا احد ای محمد آنکس که او را میپرسید او است خدای مستجمع صفات کمال یگانه یعنی
متوحد بذات متفرد بصفات که شریک ندارد و خدا تعالی معبود بحق و پناه همه بندگان
و محتاجان است و بینیاز از غیر خود پس او نخورد و ننوشد و نزاد یعنی بیرون نیامد از وی چیزی
کثیف که آن ولد است و سایر اشیا کثیفه که از مخلوق بیرون می آید و نه چیزی لطیف چون
نفس و منبعث نشود از وی عوارض چون پینکی زدن و خواب و سستی و غم و اندوه و خوشحالی

وحشت و گریه و ترس و امید و میل و دلتنگی و گرسنگی و سیری و غیر آن یعنی متعالیست
از آنکه متولد شود و بیرون آید از وی اشیا کثیفه و لطیفه و زاده نشد یعنی بیرون نیامد
از وی چیزی همچنانکه اجسام کثیفه از وی بیرون می آید از عناصر خود یعنی مانند حصول حیوان از
حیوان و روئیدنیها از زمین و آبها از چشمها و میوها از درختها و همچنانکه اشیا
لطیفه از مرکز خود بیرون می آیند چون دیدن از چشم و شنیدن از گوش و بوئیدن از
بینی و چشیدن از دهان و سخن از زبان و تمیز و معرفت از دل و آتش از سنگ و نیست
و نبوده مر او را همتا و مماثل هیچکس یعنی او را مثلی و نظیری و شبیهی در ذات و صفات
نیست در تفسیر این سوره مبارکه بسند صحیح وارد شده و از توحید نقل شده که از
حضرت صادق ع روایتست که فرمودند بدرستی که یهودان پرسیدند از جناب رسول خدا
پس در مقام سؤال عرض کردند یا رسول الله وصف کن خدای خود را و نسبت ده برای او تا
تا ما بدانیم پس آنحضرت در مقام جواب سه روز درنگ فرمودند و آنها را جواب ندادند
پس نازل شد این سوره مبارکه قل هو الله احد تا آخر سوره و نیز از توحید نقل شده که از
حضرت باقر ع مرویست در تفسیر این آیه که فرمودند قل یعنی ظاهر نما از آنچه را که ما بسوی تو وحی
فرستاده ایم و خبر داده ترا بان بواسطه جمع و تالیف حروفی که خواندیم آنها را برای تو تا
اینکه راه بیابد بسبب این حروف کسی که فرا دارد گوش خود را که از آن بشنود و او حاضر باشد
بذهن خود لفظ هو اسمی است که کنایه آورده شده و اشاره کرده شده بسوی غائب یعنی
پنهان پس ها آگاه کردنست بسبب معنی و لفظ واو اشاره است بسوی پنهان از حواس همچنانکه
گفتن هذا اشاره است بسوی حاضر نزد حواس و سبب این آن بود درستیکه کافران شناسانیدند

خدایان

خدایان خود را بحرف اشاره که لفظ هذا بوده باشد پس گفتند هذه آلهتنا المحسوسة
المدرکة بالابصار فاشر انت یا محمد الی الهک الذی تدعوا الیه حتی نراه و ندرکه و لا
نأله فیه یعنی اینها خدایان ما هستند که دیده میشوند و مدرک میشوند بچشمها پس
اشاره بکن تو ای محمد بسوی خدای خود آن خدائیکه میخوانی مردم را بسوی آن تا اینکه ما ببینیم او را
و درک کنیم وی را و متحیر نباشیم در او پس نازل فرمود خدای تبارک و تعالی سوره قل هو
الله احد را پس هاء ثابت کرد این نسبت مر ثابت را و واو اشاره است بسوی غائب از درک
و دیدن چشمها و شنیدن بگوشها و چشیدن بزبانها و بوئیدن بدماغها و مالیدن
باعضا و جوارح یعنی با دست مالیدن معلوم نمی شود و بدرستیکه خدای تعالی بلند
تر از آنستکه مدرک شود بحواس بلکه او درک کننده دیدها است و خلق کننده حواس یعنی
قوای مدرکه انسانیست پس فرمود لفظ الله یعنی آن معبودیست که متحیر شده اند آفریدگان
در ادراک حقیقت او و احاطه کردن بچگونگی او یعنی دانستن کامل بچگونگی کیفیت او چنانکه
عربها میگویند اله الرجل اذا تحیر الرجل فی شیء فلم یحط به علما و وله اذا فزع الی
شیء مما یحذره و یخافه و الاله هو المستور عن حواس الخلق الله از اله مشتق است
بمعنی تحیر چنانکه عرب گوید اله الرجل یعنی متحیر شد مرد در امری پس دانائی کامل
حاصل نکند بان زیرا که خدا تعالی را کسی احاطه نتواند کند و صاحبان عقول کامله
در ذات وی تحیر دارند و میگویند وله یعنی پناه آورد بسوی چیزی از آنچه هائیکه حذر
میکنند و میترسد از آن یعنی عقول و اوهام اولیا و ارباب بصیرت در معرفت حقیقت آن
ترسان و لرزانند از آنکه مبادا آنچه را پرستش میکنند او سبحانه نباشد و نشناخته دیگری را

عبادت کنند و معنی اله انکسیست که مستور و پوشیده است از حواس او و ادراکات یعنی
از قوای مدرکه ایشان چه قوای ظاهره چه قوای باطنه و واحد و احد یکی معنیست
و آن یکتائیست که نظیر و مانندی مر او را نیست و معنی توحید اقرار است بیکتائی
و آن جدائی و دوری از هر چیز بکه غیر او است و واحد انکسیست که جدا است چنان
جدائی که بر انگیخته نمیشود بچیزی یعنی منضم نمیشود بچیز دیگر بنوعی که هر یک خیر شوند مانند
سکنجبین که پس از انضمام سرکه و انگبین یکشیء شده بعد از آن فرمودند و او یکتا
است که میگویند بنای عدد یکی میشود یعنی بیکی عدد حاصل میشود و خود یکی از عدد نیست
زیرا که عدد اطلاق نمیشود بر یکی بلکه عدد اطلاق میشود بر دو پس معنی قول خدا تعالی فرمود
الله احد آن معبودیکه خلق متحیر میشوند از ادراک او و بیجا و احاطه بچگونگی او عز و جل
یکتا است در خدائی و معبودیت خود و متعالیست از صفات آفریدگان خود یعنی او بزرگ
تر و بلندتر از انست که دارای صفات بندگان که در جنب جلالت و کبریای او که عدم صرف
و لاشیء محض اند بوده باشد حضرت باقر ع که خبر داده بد بزرگوار خود جناب حسین بن
علی صلوات الله علیهم روایت فرموده که الصمد کسیست که او را جوف نباشد یعنی میان
تهی نباشد صمد انکسیست که بتحقیق بنهایت بوده باشد بزرگی و شرف او و صمد آنچنان کسی
است که نمیخورد و نمی آشامد که نسبت اکل و شرب داده شود صمد انکسیست که نخوابد صمد
آنچنان دائمیست که همیشه بوده و همیشه خواهد بود و حضرت فرمودند که بود محمد بن الحنفیه
فرزند ارجمند جناب امیر المؤمنین علیه السلام که میفرمود صمد انکسیست که قائم بذات خود
بوده و از غیر خود بینیاز باشد و گفته است غیر او که صمد یعنی کسیکه بلند است از کون

دنیا

و فنا یعنی از تغیر و تبدل و صمد انکسیست که وصف کرده نمیشود بتغایر یعنی چیزی در مقابل او
که گفته شود او غیر از نیست و این غیر از و است چه کسی در مقابل و نیست همه از او اشیاء در جنب او
سبحانه معدوم صرف اند باز فرمودند الصمد سید و مولائیست مطاع یعنی لازم الاطاعه
چنان مطاعی بالاتر از و کسی نیست که امر و نهی کند او را باز فرمودند که پرسیده شد جناب
علی بن الحسین از معنی الصمد پس فرمودند صمد کسیست که شریک ندارد و از و مخفی نمیشود
هیچ چیز تا اینجا کلام انحضرت بود بعد از آن راوی میگوید که زید بن علی میگوید صمد انکسیست
که هرگاه خواسته باشد چیزی را بگوید مر او را که باش موجود شو پس باشد و موجود شود
و برنج و زحمت نیفکند و بر آن گران نیاید نگاه داشتن هیچ چیز و صمد انکسیست که
اظهار و ایجاد کرده همه آنها را بی نمونه پس گردانید آنها را ضدهای یکدیگر و شکلهای مخالفه
همه را جفت جفت خلق کرده چنانکه نر و ماده در حیوانات قرار داد و خود جدا است سبحان
الذی خلق الازواج کلها بی آنکه مخالفی یا شکلی یا مثلی داشته باشد از جناب صادق ع
مرویست که جماعتی از جناب امام محمد باقر ع از چند مسئله پرسیدند پس آنجناب جواب مسائل
آنها را فرمود پس از آنجناب سؤال نمودند از معنی الصمد پس حضرت فرمودند تفسیر آن در خود
یعنی معنای آن همراه لفظش میباشد الصمد پنج حرفست الف دلیل است بر انیت او چنانکه
فرموده شهد الله انه لا اله الا هو و این تنبیه و اشاره است بسوی غائب بودن او از
ادراک حواس و لام دلیلست بر الهیت او بدرستیکه او الله است و الف و لام مدغم اند در لفظ
ظاهر نمیشوند در زبان و شنیده نمیشوند در گوش و در کتابت ظاهر هستند این دو لفظ مدغم
دلیل هستند بر اینکه الهیت او بسبب لطافتش پوشیده است و درک نمیشود بحواس بلطف خاصه

که درک نمیشود با حواس و بزبان بیان کنند در نمی آید و بگوش شنونده شنیده نمیشود
زیرا که اله آنکسیست که متحیر شده اند آفریدگان از حقیقت فهمیدن آن و چگونگی بقوای
حسیه بقوت واهمه نیز چنین است فهمیده شود مجرد بوهم بلکه او موجد اوهام و خالق
حواس است و جز این نیست که ظاهر میشود الف و لام وقت نوشتن تا دلیل باشد بر
اینکه خدای تعالی هویدا ساخته پروردگاری خود را در ایجاد خلق و مرکب کردن و نمودن
روحهای آنها و لطیفستی ز جسدهای آنها که کثیف است پس هرگاه نظر کند بنده بسوی
نفس خود نمی بیند روح خود را چنانکه لام الصمد ظاهر نمیشود و در نمی آید در حاسه
از حواس پنجگانه خود که عبارت از سامعه و باصره و شامه و ذائقه و لامسه است پس
هرگاه نظر کند بسوی نوشته آشکار میشود برای شخص الخبیر که پوشیده است و نازک پس هر
زمان که فکر کند بنده در حقیقت خالق و چگونگی او سبحانه متحیر میشود در او و احاطه
کند فکر او بچیزیکه صورتی برای خود در ذهنش به بندد زیرا که عز و جل آفریننده صورتهاست
پس چون نظر کند بسوی مخلوق خدا ثابت و واضح میشود برای او بدرستیکه خدای عز و جل
خالق ایشانست و ترکیب کننده روحهای آنهاست با جسدهای ایشان اما صاد پس دلیلست
بر اینکه خدای عز و جل صادق و راستگو است قول و کلام او و صدق است کلامش راست
و خواننده است بندگان خود را بسوی پیروی صدق و وعده صدق فرموده دار صدق را
یعنی بهشت را اما میم دلیل بر ملک او است انه الملک الحق یعنی بدرستیکه او است پادشاه
بحق که همیشه بوده و همیشه خواهد بود و ملک او زوال ندارد و دائمیست ملک خود اما
دال پس دلیل بر دوام ملک عز و جل است و انه متعال عن الکون و الزوال بل هو عز و جل مکون

الکائنات

الکائنات الذی کان بتکوینه کل کائن یعنی دائمیست و بلند است از کون و زوال بلکه
مکون جمیع کائنات است که بقدرت و بتکوین او عز و جل جمیع کائنات و مخلوقات موجود
و ثابتست کذلک الله ربی کذلک الله ربی بعد از آن فرمودند هرگاه می یافتم برای علم خود
الجنان علمی که خدای تعالی بمن عطا فرموده حاملانی یعنی کسانیکه حامل آن علم باشند هر آینه
نشر و پهن میکردم توحید و اسلام و ایمان و دین و شرایع را از معنی صمد چگونه میشود
این از برای من و حال آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیافت برای علم خود حمله
حتی آنکه در بالای منبر آه و درد از دل میکشیدند و میفرمودند سلونی قبل ان
تفقدونی فان بین الجوانح منی علما جما هاه هاه الا لا اجد من یحمله الا
و انی علیکم من الله الحجة البالغة فلا تتولوا قوما غضب الله علیهم قد یئسوا من
الاخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور ثم قال الباقر ع الحمد لله الذی من علینا
و وفقنا لعبادة الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
و جنبنا عبادة الاوثان حمدا سرمدا و شکرا واصبا یعنی جناب امیر المؤمنین ع
در بالای منبر آه میکشیدند و میفرمودند سؤال کنید از من پیش از آنکه هر آینه نیابید
و نیابید پس بدرستیکه میان دندهای من علم بسیار بسیار است آه آگاه باشید که نمی یابم
کسی را که حامل این علم باشد بدرستیکه من برای شما حجت بالغه هستم پس دوستی نکنید
گروهی که غضب کرده خدای تعالی بر آنها بتحقیق مأیوس شده اند از نفع آخرت چنانکه مأیوس شدند
کافران از اصحاب قبرها چه اعتقاد آنها اینست که مردها زنده شوند بعد از آن امام
محمد باقر ع فرمودند حمد مر خدائی را که منت گذاشت برما و موفق گردانید ما را بجهت

عبادت احد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد و دور کرد ما را از
عبادت بتها حمد دائمی و شکر همیشه این مجملی بود از تفسیر سورهٔ توحید که ذکر شد زیرا
که تفصیل سورهٔ مبارکه زیاده از حد و احصا است مؤلف گوید که معنی توحید
اقرار بولایت جناب علی بن ابیطالب است زیرا که ذات اقدس خداوندی جل شانه
را منکری نیست و اختلافی در میان مخلوق در وجود صانع واقع نیست چنانکه در
آیهٔ مبارکه فرموده قل أفی الله شک فاطر السموات و الارض پس مبدء و موحد را
هر ذوی عقول را مجال شک و انکار نیست و فی الحقیقه منکر ولایت آنجناب مشرک
و کافر است و در بعضی فقرات زیارت جامعهٔ کبیره فرموده اند و من جاحدکم مشرک
و من جحدکم کافر و در تفسیر آیهٔ مبارکه ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر
ما دون ذلک یعنی بدرستیکه خدا نمی بخشد اینکه شریک قرار بدهند برای او عز و جل
و می بخشد سوای شرک را معنی شرک انکار ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
که خداوند هرگز نخواهد آمرزید او را چنانچه در سابق همهٔ این تفصیل مذکور شد و در
حدیث قدسی است که می آمرزم هر کس اطاعت کند علی را هر چند معصیت من کرده
باشد و نمی آمرزم کسی را که معصیت او کند هر چند اطاعت من کند پس منکر جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام مشرک و کافر است و هر کس اقرار بر آنجناب دارد
مؤمن و موحد است توحید در حقیقت ولایت جناب علی بن ابیطالب است
نظر بفهم مؤلف حقیر بقدر امکان آیاتیکه در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام
نازل شده در این رساله بطریق اختصار مانند در و یاقوت برشتهٔ تالیف در آورد اگر

چه

چه جمیع آیات قرآنی در شان و منزلت آنجناب است چنانچه خود آنجناب در حدیثی
فرموده اند هر چه در قرآن مجید است در فاتحة الکتاب
است و هر چه در او است در بسم الله الرحمن
الرحیم است و هر چه در او است در
نقطهٔ با است و من
آن نقطه
هستم

قد تم و بلغ بمولانا امیر المؤمنین اللهم ارزقنا محبته فی قلوبنا و امتنا فی محبته و احشرنا معه بحق محمد و آله
کتبه العبد المذنب الآثم عند اغتشاش الاحوال و اختلال البال فی غایة الاستعجال محمد رضا ابن الخوانساری

بسعی و اهتمام سرکار شریعتمدار علامه
فهامه جناب ثقة الاسلام آقا حاجی سید علی
امام جمعه سلمه الله تعالی صورت انطباع پذیرفت
۱۲۷۳

بیست که ما هستیم الذین یعلمون و دشمنان ما یند و الذین لا یعلمون و شیعیان
ما اولوا الالباب هستند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده خداوند
عالم ما و شیعیان ما و دشمنان ما را ذکر فرموده ربک آیه افمن شرح الله صدره
للاسلام فهو علی نور من ربه یعنی آیا پس کسیکه گشاده است سینهٔ او را و فراخ گردانیده
است دل او را برای قبول اسلام پس آنکس که سینه او وسیع است بر روشنی معرفت
است از پروردگار خود عن روضة الواعظین عن النبی صلی الله علیه و آله انه قرء
هذه الآیة فقال ان النور اذا وقع فی القلب انفسح له و انشرح قالوا یا رسول الله فهل
لذلک علامة یعرف بها قال التجافی عن دار الغرور و الانابة الی دار الخلود
و الاستعداد للموت قبل نزوله یعنی از روضة الواعظین نقل شده که از جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که آنحضرت قرائت نمود این آیه مبارکه
را پس فرمود بدرستیکه نور زمانیکه بتابد در قلب وسعت مییابد و گشوده میشود
برای او عرض کردند یا رسول الله پس آیا برای آن علامتی هست که شناخته شود
بآن فرمود کناره گرفتن از دار غرور و بازگشت نمودن بسوی سرای خلود و برگشتن از
معاصی بسوی طاعات و حسناتیکه موجب دخول در بهشت میشود و مهیا شدن از
برای موت قبل از نازل شدن آن قمی گفته که این آیه مبارکه در شان جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام نازل شده یعنی شرح کرده خداوند تعالی سینه مبارک آنجناب را برای
اسلام پس او است بر روشنی معرفت از پروردگار خود صاحب این صفات و علامات
که جناب ختمی مآب صلی الله علیه و آله فرمودند و جماعت علماء ذکر کرده اند که آیه مبارکه

در



